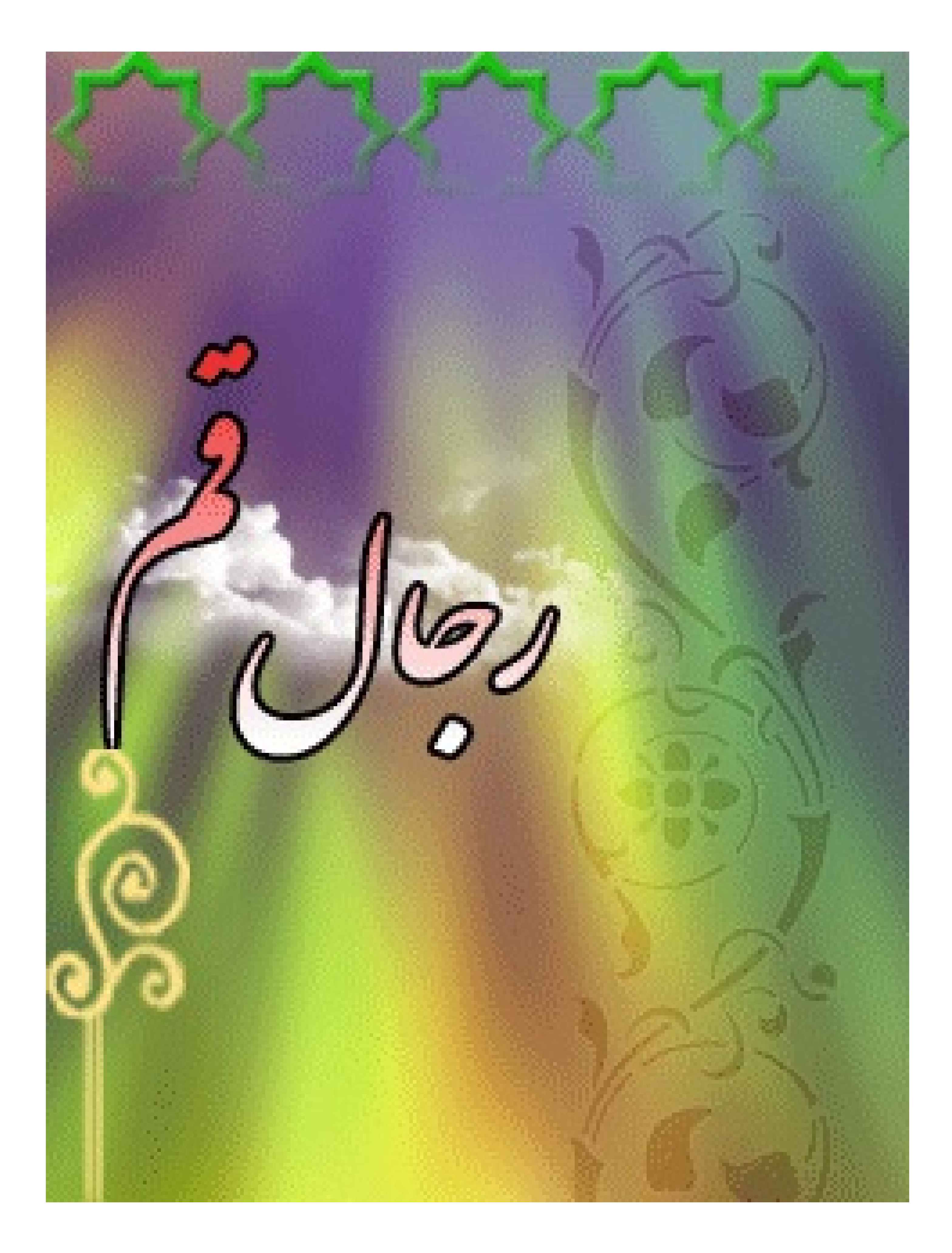

رجال قم


بسم الله الرحمن الرحيم

رجال قم

نویسنده:

ناصر باقر بیدهندی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رجال قم

مشخصات کتاب

سرشناسه : باقری بیدهندی، ناصر عنوان و نام پدیدآور : رجال قم / تالیف ناصر باقری بیدهندی مشخصات ظاهری : خ ص ۱۷۵

یادداشت: نسخه خطی وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

پیشگفتار

الحمد لله الّذی جعل النظر فی اخبار من غبر من اعظم العبر والصلاه والسلام علی صفوه الصفوه من البشر وعلی الأئمّه الاثنی عشر (علیهم السلام).

تاریخ پر افتخار و غرورانگیز کشور اسلامی ما ایران روشنگر این حقیقت است که قم یکی از مراکز مهم تشیع بوده، و در تطور تاریخ اسلام نقش مؤثری داشته، و از دیرباز این شهر مقدّس مورد عنایت ائمّه اطهار (علیهم السلام) بوده است. در فضیلت آن و مردمش روایات فراوانی در مجامیع روایی وجود دارد(۱).

قم پس از ظهور اسلام یکی از بزرگترین مراکز علمی است. برای نمونه در یکی از ادوار تاریخی، ۱۲۰۰ محدّث در آن می زیسته(۲)، و در برههای دیگر از زمان ۵۰۰ مجتهد در آن زندگی می کرده است(۳).

پاورقی

۱ افزون بر کتب روایی، پژوهشگران ما در فضیلت قم کتابهای فراوانی نوشته اند از جمله: «فضل قم والکوفه» از ابو القاسم سعد بن عبد الله اشعری قمی; «رساله فی فضل قم و شرفها ومناقبها ومفاخرها» از أمیر منشی; «فضائل قم» از مولا محمّد علی بن احمد قراچه داغی انصاری. (الذریعه ۱۶/۲۶۳ و ۲۷۱ و ۲۷۲).

۲ تذکره مشایخ قم، ص۴.

۳ تذکره مشایخ قم، ص۵.

و در زمان علی بن بابویه قمی دویست هزار محدّث در این شهر وجود داشته است(۱).

با مراجعه به کتابهای رجالی شیعه و تراجم و زندگینامه های دانشمندان و عالمان دینی، به چهره های فراوانی از فقهاء، محدّثان، متکلّمان و عارفان و سخنوران و ادیبان بر می خوریم

که یـا در قم زاده شـده و یـا از دیگر بلاد به این شـهر مقـدّس هجرت کرده و در آن نشو و نما یافته و به نشـر معارف اسـلامی پرداخته اند.

قم از بـدوحیات اسـلامی خـویش به عنـوان یکی از بزرگـترین مراکز علمی مطرح بـوده است. گر چه در سـدههای اخیر تحت الشعاع حوزه علمیه نجف قرار داشت، لیکن به سال ۱۳۴۰ق. توسّط حضرت آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری بازسازی و به صورتی جدیـد تأسـیس گردیـد. و بـدین وسـیله این حوزه نشـاط علمی خود را بـاز یـافت و مجتهـدان و فاضـلان و محقّقان بسیاری را در دامان پرمهر خود پرورش داد. عالمانی که هر یک در حد توان خویش خدماتی فراوان به فرهنگ تشیع نمودند.

اینک که دهه دوم سده پانزده قمری رو به اتمام است، و نوزده سال از انقلاب شـکوهمندی می گذرد که خاسـتگاه مقدّسـش حوزه علمیه قم و رهبر نسـتوه و فرزانه اش از تربیت یافتگـان آن حوزه جهـاد و اجتهـاد بود. شایسته است به منظور احیـای نـام رجـال و متفکّران و مبارزان و شاعران متعهّـدی که از این خاک پاک برخاسـته انـد، کتابها نوشـته، و در نشـریات و مجلات از آنان یاد شود.

بنده مدّتهای مدیدی است که تهیه و تدوین کتابی جامع در زمینه «رجال قم» را در اندیشه و مخیله خود می پرورانم، و نشر آن را آرزومنـدم. لیکن تـا توفیق اتمـام این اثر، یکی از کتابهـایی را که در گذشـته در این مهم نگاشـته شـده و فعلاًـ در دسـترس نیست، تحشیه نمودم و اکنون در اختیار دانش پژوهان قرار می دهم.

کتاب مورد نظر به خامه جناب آقای سید محمّد

مقدس زاده(۱) تهیه شده است. این کتاب با همه محسناتی که دارد، خالی از کاستی و نقصان نیست: نخست اینکه در آن برخی از چهره ها و افراد نه چندان معروف هم ردیف و هم طراز علمای بزرگ و محدّثانی والاَ مقام ذکر شده اند. همچنین در این کتاب نام و نشانی از بسیاری از دانشمندان قم نیست. و در مواردی به علّت اختصار بیش از حد به مقصود نویسنده که معرفی رجال بوده، اخلال وارد شده است.

امیدوارم با این اقدام ناچیز گامی کوچک در راه احیای نام و آثار رجال شهر جهاد و اجتهاد برداشته و مقداری از دین خود را نسبت به آن فرزانگان ادا کرده باشم.

پاورقی

۱ فواید الرضویه، منتخب التواریخ، ص۴۹۴.

از دست اندرکاران نشر و چاپ این کتاب صمیمانه تشکّر می کنم.

حوزه علمیه قم

ناصر باقری بیدهندی

پاورقی

۱ برای اطلاع از شرح حال مقدّس زاده به چهره مطبوعات معاصر، ص۴۱ بنگرید.

نگاهی به تاریخ قم

به قلم استاد مدرسی چهاردهی

معلم دانشگاه تهران و رئیس اداره مطبوعات وزارت کشور

تاریخ ایران وقتی تکمیل و روشن می شود که برای هر یک از شهرستانهای کشور تاریخ جداگانهای تألیف گردد تا بتوان وقایعی که در اعصار و قرون اتفاق افتاده از دیده یک مورخ دقیق و بی نظر مورد بحث و انتقاد قرار داده شود.

قم یکی از قدیمی ترین شهرهای ایران است که شیعیان و محبّان علی (علیه السلام)سالهاست از تمام نقاط برای کسب تحصیل بدانجا رو می آورند و صدها عالم و دانشمند در آن تربت پاک زیست کرده و در همان دیار مدفون گردیده اند من جمله از دانشمندانی که معروف و نامور در قم حاکم بودهاند یکی محمّد

بن مسلم بحر اصفهانی است که از بزرگان مفسّران اسلامی، دیگری امام فخر رازی است که در تفسیر کبیر از او بسیار استفاده نموده است(۱).

دیگری صدر الدین شیرازی، و عبد الرزاق لاهیجی(۲) و فیض کاشانی از بزرگان حکمای اسلامی بودند که سالیان دراز در قم بساط بحث و تدقیق و فحص و تحقیق را گسترده بودند.

و درباره قم تألیفات چندی در دست است، که مورد توجّه مورخان و محقّقان تاریخ می باشد و فضلای امروز قم هم تألیفاتی در این زمینه دارند که هر کدام به جای خویش نیکوست.

پاورقی

۱ طبقات مفسّرین تألیف نگارنده.

۲ نیای بزرگ نگارنده.

یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان که از آثار نفیس بشمار می رود چنین نوشته است (که در سنه هشتاد و سه هجری که لشگر عبد الرحمن بن محمّد بن الاشعث که أمیر سیستان بود و بر حجاج بن یوسف خروج و سرکشی نمود پس از شکست در میانه آنها هفده تن از علمای عراق عرب از طبقه تابعین بودند از جمله پنج نفر پسران سعد بن مالك بن عامر اشعری که نام ایشان عبد الله و عبد الرحمن و اسحق و نعیم و احوص بود بعد از انهزام به ناحیه قم آمدند و در آنجا قریه ای بود کمندان نام داشت ساکن شدند و عموزادگان ایشان پس از استقرار به آنها ملحق شدند بنای عمارت و آبادی گذارده عبد الله مذکور را پسری بود امامی مذهب، پس از فرود آمدن به آن مکان طریقه تشیّع به أهل و سکنه آن ناحیه آموخت، و از اوّل امر مردم این بلد غیر تشیّع طریقه ای از اسلام نشناختند و رشته تبعیت

احـدی به گردن نینداختنـد تا حدی که گویا قمی و شـیعی دو لفظ مترادف باشـند و بر شـخص متتبع خبیر بس واضح است که اکثر اصول احادیث شـیعه از علمای قم تـدوین شـده و به بـذل جهد ایشان محفوظ مانده، چنانچه در احادیث معتبره شـرح این جمله مسـطور است و بس است کلام امام صادق (علیه السـلام) که این بلد را حرم خود و اولاد امجاد خود نامیده و فرموده که معـدن شـیعیان ما است، و خبر داده که این بلـده معـدن علم و فضل خواهـد شد و علوم اهل بیت از این شـهر فائض بسـیار بلاد مشـرق و مغرب شود و بلایـا و فتنه هـای دنیه از این شـهر مـدفوع است و یکی از درهـای بهشت برای ایشان است، که کنایه از باب ولایت اهل بیت باشد و نیز فرموده که این شـهر جایگاه فاطمیین و جای آسایش مؤمنین است و آشیانه آل پیمبر (صلی الله علیه وآله وسـلم) است و مصـداق این کلام معجز نظام آن که مقابر شـریفه علویین به قـدری که در این بلده واقع شده در هیچ نـاحیه واقع نشـده چه آن بلـد در زاویه از بلاـد عظیمه واقع شـده بود و مطمع اهـل دنیـا نبوده و خلفـا متوجه ری و خراسـان و اصـفهان و امثال آنها بودهاند و به بلاد صغیره عنایتی نداشته اند به این سبب قم و قرای آن از شرّ اعادی اهل بیت محفوظ بوده علویین را مأمن آسایش بوده. و شـرح این جمله در کتاب تاریخ قم که از کتب معتبره و در عداد اصول حدیث محسوب است، مسطور است، و از مقابر معظّمه که

در این بلـده واقع است قبر فاطمه دختر موسـی بن جعفر (علیهما السـلام) است که در غربی این بلده واقع است در زمین موسوم به بابلانکه ملك خاص موسی بن خزرج بوده و فضیلت و شرافت زیارت این مقبره مشرفه در اخبار معتبره امامیه مشهور است و از قـدیم الأیّام این بقعه متـبرّکه معظم و محـترم بوده و در پهلوی این قـبر قبوری دیگر از علویـات محترمـات است دو دخـتر از موسـی مبرقع و سه دختر از حضـرت امـام جواد محمّـد بن علی الرضـا علیه وعلی آبائه السـلام است. و أوّل بقع های که بر این مقبره بضـعه موسویه بنا شـد از زینب دختر حضـرت جواد بود که قبر او نیز در این بقعه مبارکه است، و لایزال این بقعه محترمه قبله گاه شـیعه اثنی عشریه بوده و کرامات باهرات از او مشاهده شده و در زمان سلاطین صفویه و پیش از آن اوقاف و خدام و ترتیبات مقرّره داشته و هیچ یک از سلاطین فرو گذار از احترامات آستانه مقدّسه نکردهاند(۱).

یکی از فرزندان برومند قم که مؤلّف فاضل این کتاب است بنا به تشویق نویسـنده ناچیز این سـطور کتاب رجال قم را تألیف و در دسترس مردم گذاشته است، آقای سید محمّد مقدّس زاده یکی از جوانان فعال و حساس و فرهنگ دوست آن سامان است که در این راه قـدمه ای شایـانی برداشـته و تحمّـل زحمات فراوانی برای تحقیق و تتبّع نموده است امیـدوارم در این راه موفّق و مؤیّد بوده بتوانند به این خدمت فرهنگی ادامه دهند و خدمات برجستهای به فرهنگ کشور نمایند.

پاورقی

۱ شرح اربعین تألیف میرزا محمّد قمی،

چاپ تهران.

به قلم دانشمند محترم آقای پارسا تویسرکانی

عضو هیئت رئیسه انجمن ادبی فرهنگستان ایران

برای تهیه و تدوین تاریخ عمومی ایران که کشور ما سخت بدان نیازمند است، نخستین قدم نوشتن تاریخ و اوضاع جغرافیایی و ترجمه احوال رجال هر شهر به وسیله دانشمندان آن شهر میباشد در گذشته بدون در نظر گرفتن این هدف، فضلاء غالب شهرستانها تاریخ موطن خود را نوشته اند که نمونه هائی از آنها هم اکنون در دست است، مانند تاریخ بیهق و تاریخ سیستان و تاریخ قم و تاریخ طبرستان. و امثالهم.

کتاب حاضر که ترجمه حال رجال قم از ابتدای تاریخ این شهر تا زمان ماست یکی از مؤلّفاتی است که برای انجام منظور فوق بسیار مفید و زحمات مؤلّف دانشمند و جوان آن آقای سیّد محمّد مقدّس زاده درخور همه گونه تقدیر می باشد، مؤلّف محترم با جمع آوری این کتاب، گذشته از این که دین خود را به موطن خویش ادا نموده اثر نفیسی از خود به یادگار گذاشته اند که طالبان دانش و خرد را راهنمایی خواهد بود و با بیان سهل و ساده و مختصر، معرف صدها رجال دینی و علمی و ادبی که این شهر مقدّس در دامان خود تربیت کرده، شدهاند و راه را برای تحقیق بیشتری درباره هر یک از آنها باز کرده اند، این مجموعه که شامل شرح حال بیش از ۴۰۰ تن از رجال قم می باشد نشانه تتبع فراوان و احاطه کامل آقای مقدّس زاده به تاریخ کشور و مطالعه عمیق ایشان در زوایای کتب علمی و ادبی می باشد و با شوق و جهدی که در ایشان دیده

می شود امید می رود که در آینده موفقیّت های بیشتری بدست آورند و بازار علم و ادب را رونق بهتری بخشند.

به قلم فاضل محترم آقای محمّد تقی علویان قوانینی

دبیر دبیرستانهای تهران

دوست گرامیم:

یادداشت هایی را که پیرامون تاریخ قم و تراجم رجال آن شهر از ازمنه قدیم تا عصر حاضر فراهم کرده بودید ملاحظه و با دقت و علاقه مطالعه کردم و فراوان لذّت بردم لذّت و خوش کامی من از این جهت بوده که می دیدم جوان دانش دوست و فاضلی، مانند شما، به یک کار ارزنده و در عین حال مشکل دست زده و از عهده بر آمده است، شیوه جنابعالی در ترتیب مطالب و کیفیت بحث در مسائل اجتماعی، مربوط به تاریخ، بسیار جالب و قابل ملاحظه است این شیوه که امروز در اصطلاح اهل فن به تحلیل تاریخی موسوم است علم تاریخ را از روش قدیمی اش که به «وقایع نگاری» صرف، آن هم وقایع و حوادث مربوط به سرنوشت سلاطین و امپراطوران و تاج گذاری و وفات آنان و شرح و بسط جنگها و ذکر فرماندهان غالب و سرداران مغلوب، محدود بوده، به بحث و تجسّس در اعماق و زوایای اجتماعات بشری و درک علل و أسباب واقعی و حقیقی ترقّی ها و همچنین تحلیل و فهم موجبات سقوط و انحطاط ملّتها کشانده است و به همین جهت، مردمان ساده و گمنام در تاریخ نویسی امروز جای قهرمانان شمشیر زن و چابک سواران حادثه جورا به عنوان سازندگان تاریخ و پایه گذاران تحولات و ترقیات بشری گرفته اند، از این نظر مورخ امروز باید به مسائل اجتماعی ناشی از فعالیتهای

افراد ساده جامعه و تغییرات و حرکات که در عمق و گوشه های تاریک آن بوجود می آید بیشتر از حادثات و واقعات در سطح اجتماع توجّه کند، جامعه بشری در حکم دریا است، دریایی ژرف و عمیق آنچه در عمق آن جریان دارد و آنچه در تاریکی ژرفنای خود پنهان کرده است از نظر کسی که به سطح آن نگاه می کند پوشیده است، صدف محتوی گوهر در اعماق آن مختفی است ولی گیاهان پوسیده همراه کفه ای توخالی در سطح آن در آغوش امواج شناور است آیا حقیقت دریا را از سطح کف آلود آن می توان شناخت؟ اگر این کار ممکن باشد، حقیقت جامعه بشری را نیز از حوادثی که در سطح آن با جارو جنجاله ای مسخره آمیز می گذرد توان شناخت ولی، نه آن سطح نا آرام و خروشان دریا از عمق و حقیقت آن خبر می دهد، و نه پیش آمدهای زودگذر و غیر ثابت اجتماع واقعیت پنهان و پوشیده آن را می نمایاند; غوص در اعماق دریا و جست ارو کاویدن گوشه های تاریک و پنهان جامعه برای به دست آوردن در و گوهر آن و یافتن حقیقت و عظمت این، محتاج اراده و همّت غواصان پر تجربه و زیرک و هنرمندان نازک کار و دقیق است و إلاّ نه آن گوهر به چنک آورد و نه این پای در طریق حقیقت نهد و بالآخره هیچکدام از کشش و کوشش خود طرفی نخواهند بست و بهره و ثمرهای که برایشان بجا می ماند جز خستگی و واماندگی چیز دیگری نخواهد بود همین نکته است که مرا از مطالعه

یادداشتهای شما خشنود کرده زیرا می بینم شما همین روش و شیوه محقّقانه و ثمر بخش را اقتفا کردهاید و اگر به مقدار کم و محدودی هم از منظور و مقصود خود توفیق یافتهاید مغتنم و مایه امیدواری است، زیرا هیچ وقت و در هیچ زمانی و برای هیچ کس کمال مطلوب دست نمی دهد و به طور صد در صد نتیجه گرفته نمی شود، اینقدر هست که مقداری از «راه» وصول بهدف را شما در این کتاب پیموده اید و در روشن کردن تاریخ و مسائل اجتماعی شهر قم و ترجمه و شرح احوال مردان مؤثّر و دانشمندان آن کوشش خود را بکار برده اید، کوششی که پر ارج و مشکور است، و قطعاً خود شما یا دیگری ان شاء الله دنباله کار را خواهد گرفت و آنرا بپایان خواهد رسانید، امیدوارم که دانش پژوهان و فضلای شهرستانهای دیگر، مانند شما در صدد تدوین و انتشار چنین تواریخی بر آیند تا منابع مفید و لازمی جهت تدوین و نگارش یک تاریخ عمومی و دقیق از کشور ما به وجود آید. در خاتمه موفقیت جناب عالی را آرزومندم.

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدّمه

شهر قم که امروز نقطه ارتباط شمال و جنوب و شرق و غرب کشور و از شهرهای نسبتاً بزرگ ناحیه مرکزی ایران است، شهری است که وضع و کیفیت آن، در دوره تاریخی بعد از اسلام و همچنین از لحاظ نفوذ و انتشار عقاید و افکار مذهبی شیعه امامیه، وضع استثنایی و قابل ملاحظه داشته و دارد، به دلیل همان وضع استثنایی مورد توجّه سلاطین و فرمانروایان و علما و دانشمندان قرون و اعصار

قرار گرفته است و در حالی که از لحاظ اقتصاد، کشاورزی و یا صنعتی چندان حائز اهمیتی نبوده مع ذلک، شهرت زیادی به دست آورده و بیشتر از اغلب شهرها مورد مطالعه و علاقه تاریخ نویسان واقع شده است و به همین دلیل تاریخ این شهر و حوادث و وقایع آن و احوال ساکنان و مردمانش، روشنتر، و مضبوطتر از بیشتر شهرها است، یا لااقل درنظر ما که معلومات وسیع و کاملی نسبت به شهرهای دیگر نداریم این طور می نماید بحث و تحقیق درباره تاریخ و مسائل و پدیده های اجتماعی خاص جامعه ساکن این شهر در قرون مختلفه و تدوین کتابی که بتواند تمام منظور و هدف مورخ و مطالعه کننده امور اجتماعی را تأمین سازد، امری مشکل و دور از توانایی، فردی همچو من است.

این کار، یعنی مطالعه و تدوین یک تاریخ کامل و شرح و ثبت احوال رجال که ارزنده و مناسب با ترقی و پیشرفت تاریخ نویسی باشد کوشش مداوم و طولانی چندین نفر را که هر کدام عهده دار تحقیق و یادداشت جهتی از جهات منظور و مقصود باشند لازم دارد تا نتیجه کار آنان ارزش برابری و همسری با کتب تاریخی را یافته و بتواند، به عنوان یک کتاب مستند و قابل اعتماد و به نام یک «کار مفید و ارزنده» در دسترس اهل دانش و اهل مطالعه قرار گیرد. البته بنده ضعیف که نه معلوماتم وافی این کار است و نه ادعایی در رشتهای از رشته های علوم خصوصاً جامعه شناسی و تحلیل تاریخی دارم، از عهده این کار بس بزرگ آنطور که شایسته و لایق

آنست بر نخواهم آمد، فقط کار و مطالعه من کوشش ناقص و محدودیست که به قدر وسع و امکانات خود من است.

البته دوستان و آشنایان و مطالعه کنندگان از اینکه این کتاب انتظار و توقع شان را در مورد بحث در تاریخ و رجال یک شهر و مسائل آن اقناع نمی کند مرا خواهند بخشید و نقص و نارسایی کار مرا با لطف کامل و عفو شامل خود جبران خواهند کرد و چند تن از دوستان و استادان گرامی که قبل از چاپ، این دفتر ناقابل را به شرف مطالعه خود مزیّن کرده و آن را زیادتر از آنچه ارزش آنست ستوده بودند بر حسن سیرت خویش گواهی فرموده بودند نه بر کمال و لیاقت نوشته های من.

امیدوارم که روزی بتوانم لایق الطاف و بزرگواریهای دوستان و دوستاران باشم. و همچنین امیدوارم که کوشش ناچیز من درباره ثبت و انتشار جزئی از تاریخ شهر و سرزمین مولدم در نظر همشهریان گرامی خصوصاً دانش پژوهان و دانشمندان آن دیار و دیگران مقبول افتد و به عین عنایت خود هدیه نا قابل و کم ارزش مرا بپذیرند تا توانسته باشم قسطی از دیونم را به شهر و همشهریان گرامیم ادا کرده باشم.

در اینجا باید متذکّر شوم شرح و ترجمه رجال و کسانی را که در بخش دوم کتاب به ترتیب حروف تهجّی آوردهام تمام افراد و مردان صاحب عنوان و شخصیّت قم نیست، فقط آن مقدار که توانستم از راههای مختلف و مدارک و کتب گوناگون به دست بیاورم ثبت کردهام و قطعاً رجال و یا کسانی از مردگان و زندگان از قدما و یا معاصرین هستند

که از قلم افتاده و یا نقص اطلاعات و مدارک من سبب فراموش شدن آنها گشته است و به همین دلیل نمی دانم چه کسانی را می بایست ذکر کرده باشم و نکرده ام از این جهت از مطلعین و علاقمنـدان دانش دوست انتظار دارم که اگر مواردی یافتنـد و یـا نقص کـار را در موردی توجه فرمودنـد از تـذکار و یاد آوری آن مضایقه نفرمورده و مرا در رفع این گونه نقیصه های قابل جبران کمک کنند تا در این هدف بزرگ که مورد علاقه خود آنها نیز هست مددی کرده باشند ان شاء الله.

تهران ۱۵/۱۰/۳۵ سیّد محمّد مقدّس زاده

بخش یک: شهر قم از لحاظ وضع تاریخی قبل از اسلام

اشاره

چنین به نظر می رسد که در دورانهای قبل از اسـلام یعنی دوران حکومت سلسـله ساسانیان و بیش از آنان در این سرزمینی که امروز شـهر قم در آن واقع است اجتمـاع نسـبتاً بزرگی که شایسـته اطلاـق نـام «شـهر» بر آن باشـد وجـود نداشـته و اگر چیزی وجودداشـته، روسـتاها و قرائی بوده که به مناسبت وضع خاص جغرافیائی و به علّت کمبود آب و زمین شیرین قابل کشت، دور از هم واقع و سـاخته شـده بوده است، زیرا آن علـل و اسـبابی که سازنـده و به وجود آورنـده شـهرها است در این نـاحیه و این سرزمین، وجود نداشـته، نه زمینهای قابل کشت وسـیع و فراوان و نه آب و چشـمه سار ورود خانه دائمی داشته است، که بتواند یـک وضع کشـاورزی و دهقـانی ثـابت و قابـل ملاـحظه ای به وجود بیـاورد، و نه راههـای تـاریخی آن زمـان از این ناحیه می گذشته است، و نه مسائل نظامی و سوق الجیشی می توانسته

در این گوشه کویر برای خود «دژی» و یا «معبری» بوجود آورد تا در ساختن و پرداختن شهری که فاقد شرائط اساسی است مؤثّر افتد. درست است که این سرزمین به علّت وضع و محاذات خاص جغرافیایی استعداد این را داشته است، که قوافل و کاروانهای تجارتی و یا مسافران شرق و غرب کشور، آن را «راه» عبور و مرور خود همچنان که امروز هست قراردهند تا در نتیجه یک «شرط» از شرائط اساسی ایجاد و بقای شهرها موجود شود ولی می دانیم که این «شانس» را شهر ساوه به دست آورد و از قدیم الأیّام راه خراسان و عراق از این شهر می گذشته، و این راه قسمتی از راه معروف به «ابریشم» بوده و

به همین دلیل شهر ساوه به وجود آمده و موقعیت یافته است. و باز به علّت از بین رفتن همین علّت اساسی در روزگار اخیر شهر ساوه متروک و کوچک و خراب شده است، و به جای آن شهر قم در سر راه جنوب و غرب قرار گرفته و جانشین موقعیت قدیم شهر ساوه گشته است.

در تاریخ قم در شرح ورود حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) می خوانیم که در سفرش به خراسان وقتی که به شهر ساوه رسید و بیمار شد از شهر قم سئوال کرد و از خادم خود خواست که او را به این شهر برساند(۱)، تنها همین روایت کافیست نشان دهد که در آن زمان شهر قم از راه کاروان رو دور و بر کنار بوده است، و از این تاریخ به بعد است که به تدریج، شهر قم در سر راه عبور قرار گرفته و

کم کم و پس از گذشتن چندین قرن جایگزین شهر ساوه شده و همان موقعیت را یافته است. دلیل دیگری که نظر ما را تائید می کند، شرح ورود و سکونت اعراب و اشعریین(۲) است که در ضمن آن فقط از وجود شش و یا هفت قلعه به نامهای مختلف جدا از هم نام برده می شود و هیچ کدام از آن قلعه ها در خور نام شهر نبوده به هیچ وجه وضع و کیفیت اجتماع، «شهری» را نداشه است و حداکثر می توانیم بگوئیم که این هفت و یا شش قلعه مجموعاً شهر کوچکی بودند که بعلّت دوری و بر کناری آن از جادههای کاروان رو و به علّت بی اهمیّت بودن آن جزء قرا و قصبات ساوه یا اصفهان(۳) شمرده می شده است.

پاورقی

۱ تاریخ قم ص۲۱۲.

۲ مهمترین خاندان عرب مقیم قم. بیشترین اطلاعات درباره این خانواده بزرگ، در تاریخ قم محمّد بن حسن قمی آمده است و این بنده نیز یادداشت های مرحوم معلّم حبیب آبادی درباره اشعریان قم را تحقیق و با پاورقی های فراوان در میراث اسلامی ایران چاپ کردهام.

۳ در زمان هارون الرشید به درخواست حاکم اصفهان «کوشید» از اصفهان جدا شده و به رسم یک شهر اداره شده است و یا به روایت دیگر به درخواست، حمزه بن الیسع این کار انجام شده است. تاریخ قم ص۳۸.

فقط از تاریخ ورود اعراب اشعریین شهری در محل مرکزی هفت قریه که «فرابه» نام داشته به وجود آمده و به تدریج وسعت می یابد ولی هنوز از لحاظ حکومت و کیفیت اداری بخشی از حکومت اصفهان و تابع حاکم منصوب آنجا بوده

است، تا در اواسط قرن دوم هجری زمان هارون الرشید، به اصطلاح امروز ما از «بخش» به «شهرستان» تبدیل گردید.

ضمناً نباید از نظر دور داشت، که تمام روایات و افسانه ها که در تاریخ قم(۱)و یا کتب تاریخی دیگر در پیرامون وضع قدیم و حوادث آن یاد شده با نظر ما منافاتی ندارد زیرا ما وضع بلافاصله قبل از اسلام این شهر را بحث کردیم، و آنچه را که مدارک تاریخی موجود اثبات می کرد بیان نمودیم اما افسانه ها و روایاتی که درباره وجود شهری در این ناحیه در زمان هخامنشی و سپس خرابی آن به دست اسکندر و آباد شدن آن خرابیها به امر «قباد» بحث می کنند هیچ کدام ارزش تاریخی نداشته و نمی تواند ملاک و مدرک با ارزشی در روشن کردن وضع و سابقه این سرزمین باشد.

پاورقی

۱ کهن ترین و معتبرترین کتاب در تاریخ قم تألیف حسن بن محمّد بن حسن قمی که در سال ۳۷۸ قمری تألیف شد، و توسّط حسن بن علی بن حسن عبد الملک قمی در سال ۸۰۵ ۸۰۶ قمری به فارسی ترجمه و با تصحیح و تحشیه سید جلال الدین طهرانی در ۱۳۱۳ ش (۱۳۵۳ق) در تهران به چاپ رسیده است.

وجه تسمیه قم

درباره نام «قم» و وجه تسمیه آن در کتاب «بنیان» تألیف احمد بن ابی عبد الله البرقی(۱) و کتاب تاریخ اصفهان تألیف ابو عبد الله حمزه بن حسن اصفهانی و همچنین کتاب البلدان تألیف ابو عبد الله احمد بن محمّد بن اسحق همدانی و در کتاب تاریخ قم تألیف حسن بن محمّد القمی و کتب دیگر تاریخی وجوهی ذکر شده. به نظر ما

«وجهی» که ذکر خواهد شد از وجوه دیگر، مناسبتر و شاید به حقیقت نزدیکتر باشد و آن چنین است که قم، معرب کلمه «کم» یا «کوم» است و امّا این کلمه به چه مناسبت و چگونه بر این سرزمین اطلاق شده است معلوم نیست، و هر گونه توجیهی نیز در این باره شود استحسانی بیش نیست و مدارک تاریخی در تأیید آن وجود ندارد، معذلک وجه مشهور آن را بیان می کنیم و آن اینست که در آن زمان که مراتع سبز و پر گیاه در کناره ها و حواشی رودخانه به وجود آمده بود شبانان و گله داران، رمه ها و گله های گوسفند و حشم خود را به این سرزمین آورده و برای سکونت موقت خود چادرها و خیمه هائی بر می افراشتند و این چادرها و چپرها به لغت فارسی «کومه»(۲) نامیده می شده است و چون در این مراتع سرسبز و علفزارهای مناسب که نامش «کبود دشت» بوده تنها چادرها و چپرها دیده می شدند، کم کم اسم «کومه» به مناسبت وجود همان چادرها و خیمه ها و یا به مناسبات مجهول دیگری به این سرزمین اطلاق شده، و به تدریج به مرور ایام مخفف و به کلمه «کوم» تبدیل شده است و سپس این کلمه در لسان اعراب اشعریین ب«قم» تغییر شکل یافته است(۱).

پاورقی

۱ ابو جعفر (م ۲۷۴ یا ۲۸۰).

۲ کومه خانه ای را گویند که از نی و علف سازند و گاهی با لیزبانان در آن نشسته محافظت فالیز و زراعت کنند و گاهی صیادان در کمین صید نشینند. برهان قاطع.

این بهترین و قابل قبول ترین توجیهی است که

درباره کلمه «قم» ذکر شده است.

و اما بیان احمد برقی صاحب کتاب بنیان که کلمه قم را از ریشه «قمقمه» دانسته و آن را به معنای تالاب و مخزن آب گرفته است، اساسی نمی تواند داشته باشد(۲).

و همچنین گفته حمزه اصفهانی که آن را مخفّف و مرخم «کمیدان» که نام یکی از قراء هفتگانه بوده است ذکر کرده(۳) بعید به نظر می رسد، زیرا از یک کلمه شش حرفی کمتر ممکن است که چهار حرف آن را برای آسانی تلفّظ مرخم گردانند. و ثانیاً این اسم تاکنون باتمام شش حرفش حفظ شده است و هنوز در محاورات مردم امروز شهر قم به همان ناحیه اطلاق می شود.

پاورقی

۱ نک: تاریخ قم ص۲۲.

۲ نک: تاریخ قم ص ۲۰ ۲۱.

۳ تاریخ قم ص۲۳.

قم در قرن اوّل هجری و قبل از ورود اشعریین

در بخش اول بیان کردیم که تا اواخر قرن اول هجری ناحیه قم همان قیافه و سازمان قبل از اسلام را حفظ کرده بود، به این معنی که فقط در این ناحیه هفت قلعه یا «دهکده» به نامهای، ممجّان، قزدان(۱)، مالون، جمر، سکن، جلنبادان، کُمیدان وجودداشته است(۲) این «دهکده ها» حصارها و باروهای محکم و قابل دفاع داشته است، فاصله دهکده اوّل که امروز به نام قلعه «گبری» در غرب قم واقع است، تا آخرین آنها که نزدیک جمکران است در حدود دو فرسنک بوده است، در این زمان یعنی در اواخر قرن اوّل و اوائل قرن دوم هجری ساکنین این دهکده ها عموماً زردشتی و دهقان می بودند تقریباً از لحاظ حکومت جوان و تازه کار اسلامی که خلفای اموی در این وقت عهدهدار آن بودند فراموش شده و دور افتاده بوده است، می

توان گفت که ساکنان آنها از هر لحاظ به خود واگذاشته شده بودند تنها حملات و ایلغاره ای مردم دیلم گاهگاهی زندگی آرام و بی سروصدای آنها را بر هم می زد. رئیس آنان در این هنگام یزدانفاذار «یزدان پایدار» بوده که به نظر می سرد، ریاست مذهبی نیز داشته است و همین کس است که برای حراست و دفاع دهکده های مذکور در مقابل غارتگری ها و یورشهای راهزنان معدود دیلمی باروها و حصارهائی ساخته است. مرد مقتدر و صاحب عنوان دیگری که نامش در کناریزدان فاذار مذکور دیده می شود خربنداد است که او نیز در اداره و حکومت دهکده های مذکور با یزدانفاذار همکار و معاون بوده است، آنچه از تاریخ و روایات نقل شده بر می آید این است که این هر دو نفر، اهل دانش و بصیرت و مردمی فرزانه و دور اندیش بوده اند، خصوصاً اینکه در تاریخ قم و از اخبار احمد البرقی مذکور بر می آید که یزدانفاذار و خَرْبَنْداد، از علم نجوم سر رشته و اطلاع کافی داشته و به سعد و نحس و اقتران ستارگان آشنا بوده اند و هر دو با مشاورت و صوابدید یکدیگر به انجام امور و حل و فصل مسائل اقدام می کردند و به مظاهرت و پشتیبانی یکدیگر پایدار و وفادار بودند، شاید همین وضع در بین تمام رؤسای هفت دهکده وجود داشه و آنقدر در یاری و موافقت و هم پشتی یکدیگر مبالغه می کردند که امروز مطالعه کنندگانی مانند ما، حکومت و اداره» هفت دهکده را متّحد و یکی فهمیده و یزدانفاذار را رئیس و بزرگ آنان میشناسند

در حالی که شاید واقع امر چنین نباشد بلکه هر یک از «قلعه ها» دارای رئیس و مدیران مخصوصی بوده است ولی در جنب عظمت و بزرگی و لیاقت یزدانفاذار و خربنداد قابل ملاحظه نبوده و به همین علّت ذکری از ایشان نشده و سپس تاریخ آنها را فراموش کرده است شاید بتوانیم در اینجا بیان دیگری داشته باشیم و آن این است که بقا و ثبت و ضبط نام و احوال یزدانفاذار و خربنداد از این جهت نیست که آنان مردانی، فوق مردان دیگر آن زمان و رئیسان و فرماندهانی لایقتر و فرزانه تر از رؤسای دیگر بودند تا دلیلی برای بقاء نام آنها در تاریخ باشد بلکه تنها مجاورت و روابط آنها با قبیله اشعریین مهاجر، علّت ثبت و بقاء تاریخی آنها شده است، زیرا مدارک و مأخذ مسائل تاریخی قم و حوادث آن عموماً از طریق راویان و محدّثان اشعری اس« ت، با توجّه به این نکته که آنچه از نظر خود اشعریین مهم و قابل ملاحظه بوده نقل و روایت شده است و از نقل دیگر حوادث و مسائلی که به حال آنها سودی نداشته صرفنظر کردهاند، به همین دلیل است که تاریخ این شهر قبل از ورود اشعریین تاریک و مبهم است، در حالی که از زمان ورود اشعریین به بعد کمتر نکته تاریک و فراموش شده ای می توان یافت، و همچنین احوال و وضع ایرانیانی که دارای ارتباط و سلوکی با اشعریین بودند، تا حدودی نقل شده و یاد آنان در تاریخ مانده است و به عکس هر چه از زمان ورود اشعریین و از محلّ سکونت

آنها دور می شوند در تاریکی و ابهام بیشتر قرار می گیرند به این بیان می توان اضافه کرد که پس از شکست یزدگرد و سلطه مسلمین پردهای از تاریکی و ظلمت بر همه جا گسترده شده است و مردم زردشتی و باقیمانده روزگاران پیش در این تاریکی و فراموشی زندگی می کنند، بدون اینکه خاطره آنان در حافظه تاریخ قرون باقی بماند زیرا اینها از کاروان بشری خود را به کناری کشیده و چنین خواسته اند که از ماجری و حادثه قرن خودشان دور و بی خبر بمانند، از دست دادن آنچه که می داشتند و پیروی کردن آنچه که برایشان تازگی داشت برایشان وحشتناک و غیر قابل تحمّل بود و به این جهت می بینیم که با وجودی که رفتار سوئی از جانب اشعریین سر نزده است، صلاح خود را در دوری وانزوا می بینند، به عنوان شاهد قسمتی از ترجمه تاریخ قم را که مؤیّد نظر ما است نقل می کنیم«... اهل عجم به جواب گفتند که ما همین سخن از برادرت عبد الله شنیدیم و ما هیچ چیز از شما مکروه و نا محمود نیافتیم الاّ آنک ما همسایگی شما نمی خواهیم و ما را مصلحت نیست که شما در ناحیت ما ساکن باشید از این ناحیت ما بیرون روید پیش از آنک ما شمارا به زشتی بیرون کنیم. چون احوص از مجاورت ایشان و بازگشتن ازین سخن و تصالح کردن از جهت ایشان نومید شد و هیچ حیلت نماند»(۱) همین نکته سبب بوده است که آنان خود را هر چه بیشتر، از آنچه در خارج از محیط آنها می گذشته

دور نگه دارند، و حتی الامکان از برخورد با هر چه که رنگ و بوئی از این «مسئله» جدید با خودداشت احتراز

می کردنـد و خود را به کناری می کشـیدند، در تاریکی ها می خزیدند، و پرده های فراموشـی و ابهام را پناهگاه مناسبی برای فرار از متـابعت حرکت زمـان می یافتنـد و به همین علّت تاریـخ یـادی از آنان در صـفحات خود نـدارد. بی مناسـبت نیست که چنین تشبیه کنیم مردم اصـلی این ناحیه در تاریکی ابهام و سایه انزوا به سـر می برنـد و در شب تاری آرمیـده بودنـد، ناگهان چراغی در میـان ایشـان روشـن می شـود و قیـافه آنهـا را در پرتـو خودنمایـان و قابـل دیـد می سـازد، آنهـائی کـه به این چراغ نزدیکترنـد روشـنتر و خواناتر به چشم می خورنـد و آنهائی که دورترنـد به نسـبت دوری و بعدشان، مبهم تر و ناخواناترند این چراغ اشـعریین و علماء آنانند که در اینجا سـکونت گرفتنـد و با ثبت وقایع تاریخی و نقل آنها و تـدوین کتب مقـداری از این تاریکی و ابهام این سرزمین و مردم آنرا کنار زدند، چهره هائی که در پرتو نور این «چراغ» روشن و شناخته شدند و یادشان در کتب تاریخی بجا ماند همان یزدانفاذار و خربنداد و عدهای دیگر بودند که در کنار ساکنین جدید این سرزمین قرار گرفته و با آنها رفت و آمد و معامله و معاشـرت کردند و با آنها نشسـتند و برخاستند، والاّ مردم دیگر و شخصیتهای قابل توجهی که قطعاً وجود داشته اند هیچ گونه اسم و رسمی در تاریخ، از آنها باقی نمانده و یادگار و اثری از ایشان نیست.

پاورقی

۱

قزوان نیز ثبت شده است. منه.

۲ تاریخ قم ص۲۳.

پاورقی

۱ تاریخ قم: ۲۵۵.

اشعریان کیستند؟

ورود و سکونت اشعریان در ناحیه «کوم»

اشعریان پس از این که از کوفه بیرون آمدند همچنان در طلب سرزمینی بودند که شایسته سکونت باشد، پس از این که فرزندان سائب و محمد بن سائب در (ماهین بصره) برای خود اقامت گاهی یافتند، احوص فرزند سعد بن مالک بنا به توصیه برادرش عبد الله به طرف بلاد ایران حرکت کرد، به این قصد که در شهر قزوین و یا شهرهائی دورتر که در مرز «اسلام» واقع بود مسکن بگیرند، زیرا طبعاً در سکونت مرز از حکومت اسلامی دفاع می کردند و به اجر و ثوابی بزرگ نائل آمده و مشمول عنایت و رحمت خداوند بزرگ می گشتند، در عین حال از اموال و ثروت و صنایع و حشم کافران که مطابق دستور اسلام برایشان مباح بود متنعم و برخوردار می شدند، به همین قصد یعنی برای وصول به قزوین یا مرز دیگری از طریق اهواز پیش می آیند تا بالاخره به سرزمین «کوم» می رسند در حالی که برای سکونت در این ناحیه به خصوص هنوز تصمیم قطعی ندارند مردم دهکده های این ناحیه ورؤسای آنان از اشعریان پذیرائی و نسبت به آنها مهربانی می کنند تاریخ ورودشان به قم سال ۷۳ «هفتاد و سه» هجری بوده است، این طوری که از روایات و تواریخ بر می آید عده اشعریان در ابتدا ورودشان به قم، هفتاد و کسری بوده است، در محاربه و جدالی که با راهزنان دیلمی کردهاند شانزده سوار از ایشان شرکت داشته است (که شرحش در صفحه بعد می آید) اینک شرح ورود آنها را به قم

از ترجمه حسن بن محمد بن حسن بن عبد الملك قمی نقل می کنیم نخست آنچه از زبان ساکنین این سرزمین نقل شده است«... وراویان عجم روایت کرده اند از بنان بن(۱) آدم از فرزند یزدانفاذار صاحب اَبَرشَتْجَان(۲) از ناحیت قم که او گفت در سنه اثنین و ثلاثین(۳) یزدجردیه و سنه اثنین و سنین(۴) فارسیه روز نیروز ساعت دوم یزدان فاذار از ابرشتجان بیرون آمد به نزهتگاهی که به حوالی ابرشتجان بود و آن نزهتگاه را باغ اسفید می گفتند و آنجا بنشست و مجلس ساخت و کنیزکان و غلامان او به ملازمت حاضر شدند و مردم آن نواحی مجتمع آمدند و هر یک هدیه آوردند درین میانه از دور نگاه کردند به موضع دید به شاهنده که میان راه قم و ساوه است، سوارانی چند دیدند که آهسته می راندند یزدانفاذار یکی از غلامان خود را بر اسب خود نشاند و او را بفرستاد تا به دین سواران برسید تا خبر ایشان بداند و معلوم کند که ایشان چه کساند و از کجا می آیند و به کجا می روند آن غلام بر فرموده یزدانفاذار به جانب ایشان توجه نمود و به سرعت و شتاب بازگردید و گفت این طایفه قومی اند از عرب و سرور و امیران ایشان دو برادرند یکی عبد الله نام و آن دیگر احوص پسران سعد بن ملك و به اصفهان می روند یزدانفاذار به فرمود تا تقدیر ساعات کردند و بدانستند که چه وقت و چه ساعتست و چند ساعت از روز گذشته است و به حسب نجوم سعد و نحس آن چونست احتیاط کردند و

بدیدنـد سه سـاعت از روز گذشـته بـود پس یزدانفـاذار پسـر خود را «مخسـرهان» نـام به فرمود تـا به اسـتقبال ایشـان برود پس مخسـرهان با جمعی از اهل کتاب و قلم و غیر ایشان بر نشـست و به جانب ایشان برانید و به مواضعی که «آنرارش آهر» خوانند بدیشان رسـید پس مخسـرهان بر عبد الله و احوص سلام کرد و در صحبت ایشان به حضرت یزدانفاذار آمد یزدانفاذار ایشان را بسـیار اکرام و تعظیـم و ترحیـب کرد و ایشـان را فرود آورد به سـرائی که آن را تزیین و آرایش داده بودنـد و فرشـهای قیمـتی انداختنـد و هر چه بـدان محتاج بودنـد از مأکول و ملبوس و مفروش از برای ایشان در آن سـرای معـدّ ساخته گردانیـد و مرتب کرد پس عبـد الله و احوص در آن سـرای فرود آمدنـد و دو شمشـیر و یک زره و یک کمان و چنـد جامه از جامه های یمن و عراق به هـدیه به یزدانفـاذار فرسـتادند یزدانفـاذار قبول کرد و بـا روز دیگر جامه هایی چنـد فاخر قیمتی و اسـبانی چنـد مسـرج دونده تمام بهای قیمتی را در عوض به هدیه و تحفه بدیشان فرستاد

پاورقی

۱ در بعضی نسخه ها ینان ثبت شده.

۲ از محله های هفتگانه قم در آن روز.

۳ سال ۳۲ ولی این تاریخ غلط است باید «ثمانین» باشد و اشتباه از کاتب بوده.

۴ ۶۲. منه.

چون سـنه تسع و تسعون(۱) هجریه موافقه با سـنه سبع و ثمانین(۲) یزدجردیه و سـنه سبع وستین(۳)فارسیه درآمد یزدانفاذار از بهر مسکن ایشان دیه ممجان نامزد و تعیین کرد و به فرمود عبد الله را در سرای مردی که او را آزادخره می

خوانند فرود آرند و احوص را در سرای مردی که او را خَرْبَنْداد می گفتند پس از آنک برای ایشان معدّ ساخته گردانیده بودند درین هر دو سرای آنچه ایشان را به کار آید و بدان محتاج باشند از طرح و فرش و اوانی(۴) و آلات و امتعه پس از آن یزدانفاذار دیه جمر را از ناحیت قم به اقطاع بدیشان داد در ماه مهر هم درین سال و ایشان را مدد و معاونت نمود به گاوها و درازگوشها و تخم و سایر اسباب وآلات و زرع؛ گویند که به هر یک من تخم زیاده بر صد من ربع و ارتفاع حاصل شد و چون سنه اثنتین و مائه(۵) هجریه موافقه با سنه تسعین(۶) یزدجردیه و سنه سبعین(۷) فارسیه درآمد عبد الله و احوص با یزدانفاذار به میدان حاضر آمدند و گوی بازی کردند یزدانفاذار در آن روز ایشان را ضیافت نمود و بسیاری اعزاز و اکرام کرد پس در آن مجلس عبد الله و احوص با یزدانفاذار شکایت کردند از کمی و اندکی چراگاههای اشتران و اسبان و گوسفندان یزدانفاذار دیه فرا به از ناحیت قم ایضاً به اقطاع بدیشان داد و همیشه جانب ایشان مرعی می داشت و اکرام و اعزاز می نمود تا آنگاه که وفات یافت در سنه اربع عشر و مائتین(۱) و سنه اثنتین و مائه(۲) یزدجردیه و سنه اثنتین و ثمانین(۳) فارسیه روزانیران ماه مهر چنانچ من در باب عجم شرح آن گفته ام و بعضی دیگر گفته اند که عبد الله و احوص با سایر قوم و تبع به قوم (به قم) رسیدند...»(۴).

پاورقی

۱ ۹۹.

۲ ۸۷.

۳ ۶۷.

۴ ظروف و

لوازم زندگی.

۵ ۱۰۲.

۶ ۹۰.

۷ ۷۰. منه.

کیفیت ورود اشعریان به گونه دیگری نقل شده است، که ما در ذیل به نقل آن مبادرت می کنیم نکته ای که باید در اینجا متذکر شد اینست که اشعریان در ابتداء ورودشان با مهربانی و اظهار دوستی، ایرانیان ساکن ناحیه قم را به خود جلب کردند خصوصاً وقتی که در مقابل حمله دیلمیان، با شجاعت و دلاوری، ایستادگی کرده و آنها را عقب نشاندند و در نتیجه قراء این سرزمین از دستبرد و خسارات آنها خلاصی یافت، این علاقه و احترام بیشتر شد تا آنجا که یزدانفاذار و رؤسای دیگر ایرانی وجود اشعریان را مفید و مغتنم شمرده و از آنها خواستند برای همیشه در این ناحیه سکونت کنند و سپس برای اینکه حدود روابط ما بین روشن باشد به عقد پیمان و نوشتن عهدنامه ای مبادرت کردند، امضاء کنندگان این پیمان از طرف ایرانیان یزدانفاذار و خربنداد و از طرف اشعریان احوص و عبد الله امضاء و مهر کردند، پس از نقل قسمت ذیل مربوط به ورود اشعریان عهدنامه و مواد و سال انعقاد آن را ذکر خواهیم کرد اینک نقل دیگری درباره ورود اشعریان.

پاورقی

۱ ۲۱۴ اینجا نیز غلط نوشته شده است زیرا بقرینه سنوات دیگر باید سال ۱۱۴ باشد، نه ۲۱۴، اشتباه از کاتب شده است.

۲ ۱۰۲.

۳ ۸۲.

۴ تاریخ قم، ص۲۴۳ ۲۴۴.

«... تا آنگاه که به کوههای قریه ابرشتجان از ناحیت قم برسیدند و به موضعی که بسیار آب و گیاه بود فرود آمدند به چشمه ای که آن را «بشک چشمه» می خواندند و به روایتی «آتشمرزه» و خیمه زدند و چند روز مقام کردند

و قافله ها که می گذشتند ایشان را حمایت می کردند و بدرقه می شدند و بعد از آن فکر و اندیشه می نمودند که به کدام طرف و جانب بروند و حال آنک اهل عجم آن چشمه را مبارک می دانستند و متولی آن چشمه و پاک کننده آن مردی عاقل و زیرک بوده است از اشراف ناحیت ابرشتجان نام او خربنداد اتفاقاً چون خربنداد بدان چشمه آمد احوص با آن جماعت عرب آنجا فرود آمده بود چون نظر خربنداد بر آن خیمه ها و گله اسبان و شتران آمد چیزی منکر دید و از آن تعجب نمود و با احوص مردی بود نام او در میان عرب حباب و در میان عجم خوش نما لغت عرب و فارسی هر دو را نیکو می دانست و گویند که او از فرزندان حباب ازدی بوده است آل حمید بن احوص ازدیان را با او نسبت می کنند به شهر قم خربنداد به نزد ایشان رفت و از بعضی از ایشان احوال ایشان پرسید حباب گفت این گروه قومی اند از اشراف عرب از فرزندان مالک بن عامر اشعری که اسب خود را در دجله راند روز مداین در جنگ کردن با عجم و مالک سرای بهرام جور که در مداین بود با قطاع بدوداد و او مالک و متصرف آن شد چون خربنداد این سخن از حباب بشنید از اسب فرود آمد و پیاده شد و بر احوص سلام کرد و بسیاری او را دعای خیر گفت و مدح و ستایش نمود احوص خربنداد نان مَلّه که بشیر سرشته بودند و ریسمانها از گوشت پخته

قدیه(۱) کرده و به آلات گرم مثل زعفران و ابازیر و دارچینی و غیر آن استعمال نمودند و شراب عراق آوردند. خربنداد گفت این موضع بس مبارک است، نشاید در آن شرب کردن و مثل نای و بربط و دف و نی و چنک و سایر آلات لهو زدن بعد از آن حباب(۱) از خربنداد پرسید که نام تو چیست؟ گفت: خربنداد. حباب، احوص را گفت:

پاورقی

۱ خشک یا به زبان مردم قم قُرْمه.

بشارت باد که معنی و تفسیر این مرد (می نام این مرد) جد السعید است یعنی نیکبخت چون خربنداد خواست که بازگردد احوص بعضی از آن ریسمان های گوشت قد به مبرزه با چند هدیه و تحفه دیگر با او روانه کرد و خربنداد در عقب آن ایضاً با احوص هدیها و حلوا و شراب قریه میم که از جبال قم است فرستاد و شراب میم در آن زمان بس مرغوب الیه بوده است پس احوص از آن شراب و حلوا که خربنداد فرستاده بود خود را از آن کشیده می داشت و تناول نمی کرد تا آنگاه که حباب از آن تناول کرد بعد از آن احوص نیز تصرف کرد پس خربنداد یزدانفاذار را ضیافت کرد و آنچه احوص بهدیه بخربنداد فرستاده بود بر یزدانفاذار عرض کرد یزدانفاذار آن چیزها را طرفه شمرد و آن را مستحسن داشت پس خربنداد خبر احوص و شرف و بزرگی او و با یزدانفاذار بگفت یزدانفاذار ازو از طالع وقت فرود آمدن آن گروه پرسید و از سعد و نحس و عاقبت مرجع و مآل آن. خربنداد منجم بود گفت ماه ماه اسفندار مذاست و روز

روزارد و برج طالع حمل و فصل فصل ربیع و من می بینم که امر و دولت ایشان قوتی دارد باشد که اعقاب ایشان را شأنی عظیم و دولتی قدیم و کاری جسیم روی نماید رأی ما و رأی شما آنست که با ایشان حسن معاشرت کنیم و همسایگی ایشان را غنیمت دانیم پس دیگر باره بر سر شرب رفتند و بقیه روز به لهو و لعب گذرانیدند و حال آنک در آن وقت(۱) دیلم ببلاد جبل(۲) در می آمدند و غارت می کردند و برده می بردند و کشش می کردند، اتفاقاً که قومی از دیلم روز نیروز (نوروز) بر عادت خویش بدین ناحیت در آمدند زیرا که معلوم داشتند که درین روز مردم به کدو زدن و لهو و لعب و گوی بازی کردن مشغول باشند، چون به نزدیک آن موضع رسیدند که احوص و مردمان او فرود آمده بودند بسیاری از شتر و اسب دیدند که در آن حوالی رها کرده بودند و خیمه های بسیار دیدند که آنجا زده بود دیلم چون آن چنان دیدند گفتند به غنیمتی تمام افتادیم پس به جانب آن خیمه ها و اسبان و شتران بشتافتند و از احوال عرب و نزول ایشان خبر نداشتند و ندانستند و حرب و کار زار عرب و تیر و کمان ایشان ندیده بودند و از آن غافل بودند

پاورقی

۱ مردی که همراه احوص بوده و در فارسی به او خوشنما می گفتند و لغت عربی و فارسی را نیکو می دانست.

چون احوص آن قوم و آن طایفه را بدید در حال آواز کرد تا قوم و خدم و غلامان و

بندگان او حاضر شدند و بفرمود تا بر نشینند پس ایشان بدان اسبان و شتران چنانچه عادت عرب باشد و روی به دیلم نهادند و جنگ و حرب در پیوستند و بر دیلم تیرباران کردند و بسی بر نیامد که ایشان را بشکستند و به هزیمت بردند و بعضی را بکشتند و بعضی را بگرفتند و اسیر کردند پس احوص با اسیران و سرها رویْ را به «ابرشتجیان» نهاد ابرشتجان چون از دور احوص و مردمان او را بدیدند گمان بردند که گروه دیلماند فریاد بر آوردند و گفتند که دیلم آمدند پس مردم ابرشتجیان در حصار گریختند و در ببستند بر عادت خویش تا آنگاه که احوص و اصحابش با اسیران دیلم و سرها به نزدیک رسیدند چون مردم ابرشت جان ایشان را بدیدند در بگشادند و به استقبال بیرون دویدند و بر سر احوص دراهم و زعفران نثار کردند و شادی نمودند از ظفر یافتن احوص بر دیلم و خربنداد پیش ایشان بازرفت و بسیاری ایشان را تهنیت کرد و مدح و ستایش نمود پس خربنداد با احوص و اصحاب احوص به ابرشتجان درآمدند و به صحبت یزدانفاذار حاضر آمدند یزدانفاذار به وجود و حضور ایشان بغایت شادمانه گشت و شادی نمود و ایشان را مرتبه رفیع نهاد و پایگاه بلند و از احوص درخواه کرد که بدین ناحیت مقیم شود و اجابت کرد و راضی شد پس اتفاق کردند بر آنک احوص به قریه ممجان که در میان ناحیت واقع شده است فرود آید تا چون دیلم از هر طرف که خواهند که درآید احوص منع ایشان کند و به دفع ایشان

مشغول شود پس احوص به ممجان فرود آمد در سرایی که به نزدیک دولکاب که الیوم معروفست بسرانجبین...»(۱).

پاورقی

۱ سال ۹۴ هجری.

۲ بلاد الجبل تقریباً همان عراق عجم است که شامل شهرهای استان مرکزی امروز و استانهای اصفهان و همدان می شود. آل بویه: ۵۸.

پاورقی

۱ تاریخ قم از ص۲۴۶ ۲۴۹.

پیمان نامه و میثاق اشعریان با ساکنین سرزمین«کوم» و روابط آنها در ابتدای امر

رؤساء و مردم «کوم» نسبت به اشعریان با محبت و احترام رفتار می کردند و احتیاجات و نیازمندی آنها را در هر مورد بر آورده و هرچه را که برای کشت و زرع و کارهای دیگرشان لازم بود با رغبت و علاقه فراهم کرده و در اختیارشان می گذاشتند در سال اول ورودشان «آزادخره» و «خربنداد» از طرف یزدفانفاذار مأمور پذیرائی و مهمان داری احوص و عبد الله بودند و سپس برای آنها خانه و مسکن ساخته و در اختیارشان گذاشتند.

در همان هنگام برای چرانیدن احشام و کشت و زرع، دهکده «جمر» به ایشان واگذار شد و در اول پائیز همان سال فصل شخم و بذر افشانی، هر چه ابزارکار مورد لزوم آنها بود از گاو و خیش و بذر و لوازم دیگر از طرف یزدانفاذار و افراد دهکده ها در اختیارشان گذاشته شد، از این زمان به بعد که زندگی اشعریان در این شهر شروع می شود آنها و ایرانیان در همسایگی یکدیگر با کمال فراغت و آسایش و با حفظ احترامات و حقوق یکدیگر زندگی می کردند کم کم اشعریان با ثروتی که از فروش اموال خود در کوفه به دست آورده بودند و با بهره ای که از کشت و زرع و حشم داری در قم به دست آورده بودند مقتدر و

قوی شـده و دیگر ناحیه «جمر» که در اختیارشان بود آنها را کفایت نمی کرده است از این جهت از خربنداد تقاضا کردند، که مقـدار دیگری از زمینهـای مزروعی این نـاحیه به ایشـان واگـذار کنـد; ایرانیان و رؤساء آنان در این وقت از قـدرت و شوکت حاصـله اشـعریان اندیشـناک شده می ترسـند که بالاخره همه چیزشان را از دست بدهند، لذا از این موقعیت اسـتفاده کرده، در مقابـل تقاضاهـای احوص و عبـد الله برای دریافت زمینهای مزروعی جدیـد و مراتع و چراگاه های تازه، امضاء پیمانی را که از این پس ملاک و مناط روابط و رفتارشان باشد

خواسـتار شدند، اعراب اشعری به این کار خشنود شده و پیمان و میثاقی با یزدانفاذار و خربنداد امضاء کردند و سپس املاک و مزارع «فرابه» را در اختیار گرفتند، قسمتی از ترجمه تاریخ قم را برای روشن کردن مطلب و تأیید این نظر ذکر می کنیم«... و از خربنـداد تتمه کفـایت و معیشت درخواه کردنـد پس خربنـداد و یزدانفـاذار و وجوه و اشـراف آن نـاحیت از عبـد الله و احوص درخواه کردند که میانه ایشان کتابی و عهدنامه ای باشد مشـتمل به وفای عهود و محافظت یکدیگر در نفس و مال، با یکدیگر مصادقت و راست گفتاری شـعار کردن; پس عبد الله و احوص حباب را گفتند تا این کتاب و عهدنامه بنویسد و حباب بنوشت و از طرفین تأکیـد و تشدیـد در آن یـاد کرد و همه خـط هـای خود در آن ثبت کردنـد و بانـگ شتری سـعد بن ملـک(۱) مهر کردند...»(۲).

آنچه بیان شد، نظری است که از بعضی روایات مفهوم می شود ولی در روایت دیگر

کیفیت و مقدمات عهدنامه را غیر از این ذکر کردهاند و به هیچ وجه مسئله پیمان و عهدنامه را به عنوان یک پیشنهاد متقابل در برابر تقاضای واگذاری املاک و سرزمینهای جدید ندانسته اند بلکه این کار را از ذکاوت و هوشمندی رؤسای ایرانیان و موقع شناسی آنان ذکر می کنند، زیرا از بیان روایت، چنین مستفاد می شود که یزدانفاذار و خربنداد با نرمی و مسالمت و زیرکی زمینه را برای عقد چنین قراردادی آماده کرده اند، کیفیت دیگر مذکور این است:«...

پاورقی

۱ مالک است که به رسم الخط ملک ضبط شده.

۲ تاریخ قم: ۲۵۲.

راوی گوید که چون عبد الله و احوص خربنداد را گفتند که چونست توشیر و شکر و عسل بر دیگر طعام ها مقدم داشتی خربنداد گفت که من اول شیر بنهادم که تا سبب تأکید همدایگی و حق همشیرگی و تأکید محبّت و مودّت گردد و موجب حرمت و عزّت شود و بعد از آن شکر و عسل بنهادم زیرا که در این هر دو حسن فال و یمن تمام است و موجب حلاوت اقوال وافعال است و شیر اصل غذاهاست و عسل میوه حاصل اُمنج است و مزیل و بردارنده مکر و حیلتست و شکر سبب امان از فریب و دروغ گفتن است و سبب حفاظ و شکر و رعایت و حفظ الغیب پس عبد الله و احوص گفتند که ما تو را برادر دینی و رضاعی و هم پشتی و نصیحت و اشارت کردن قبول کردیم و با تو عهدی مؤکد و پیمانی مؤیّد بستیم و شما در میان ما به محل برادران و پدران و پسران فرود آمدید

هیچ یک از ما و شما می باید که نصیحت دریغ ندارد و آنچ در دست وی بود از دنیا وی با یاران و برادران سخاوت کند و بخشش نماید و بدان بخل نکند و شما راست از جانب ما مواسات و مواخات و مناصحت و شما در اموال و اسباب و نعمتهای ما شریکید و شما را در آن حق و نصیب است ما سخن غمّازان و نمّامان در حق شما قبول نکنیم و بر دشمنان تیغ و شمشیر باشیم و ما و شما بدین عهود و مواثیق و شروط و پیمان به پسران خود وصیت کنیم و ما به حق سبحانه و تعالی امیدواریم که کارها به نظام شود و صنع جمیلش در حق ما با تمام رسد و این شروط و عهود که بر زبان را ندیم محقق گرداند و از قول به فعل آید و هو حسبنا و نعم الوکیل»(۱).

اگر آنچه را در بیان اول ذکر شد قبول داشته باشیم باید تاریخ انعقاد این عهدنامه را به طور قطع سال ۱۰۲ هجری یعنی پس از گذشتن بیست سال از ورود اشعریان به قم بدانیم زیرا در همین سال است، که اشعریان از کمی چراگاه و زمین مزروعی و قابل کشت، نزد یزدانفاذار و خربنداد شکایت و تقاضای واگذاری زمینهای جدید می نمایند، اما اگر بیان دوم را قبول داشته باشیم هر چند منافاتی با تاریخ انعقاد در سال ۱۰۲ هجری ندارد ولی نمی توان به طور قطع این سال را زمان انعقاد قرارداد دانست، بلکه می توان فرض کرد در فاصله سال ۸۲ که سال ورود اشعریان است، تا سال ۱۰۲

این قرارداد بسته شده باشد.

پاورقی

۱ تاریخ قم: ۲۵۱.

سرانجام روابط اشعریان و ایرانیان تیره می گردد

و سران ایرانیان به فرمان احوص کشته می شوند

آن طور که از تواریخ و روایات بر می آید رفتار و سلوك اعراب و روابط آنها بسیار مهر آمیز و محترمانه و موافق قرارداد و عهدنامه بوده است سران عرب ورؤسای ایرانیان و دیگر افراد هم، آمیزش و رفت و آمد می کردند در اعیاد و جشنها و مراسم شادمانی و عزای یکدیگر و درغم و شادی شریك بودهاند، اغلب به مهمانی یکدیگر میرفته و تحفه ها و هدایای بسیاری میان آنها رد و بدل می شده است، از غذاها و دست پختهای یکدیگر تناول می کردند و بر سر سفرهها با هم می نشستند در پیش آمدهای سخت و زد و خوردها و نزاعها پشتیبان هم بوده و در مقابل دشمنان از یکدیگر دفاع می کردند، اعراب برای محافظت ایرانیان شمشیر می کشیدند و ایرانیان، احتیاجات و لوازم زندگی آنها را از هر جهت تأمین مینمودند، در مقابل حاکمان و فرماندارانی که از جانب خلیفه به اصفهان میآمد، اعراب خراج قم را ضمانت و جمع آوری کرده و خود به آنجا می فرستادند، این وضع در روابط حسنه فیما بین، برقرار بود، تا وقتی که خربنداد و یزدانفاذار زندگی را بدرود گفتند، جانشینان آنها نتوانستند یا نخواستند شیوه آنها را دنبال کنند، به همین جهت کار به خونریزی کشید و احوص برای حل مشگل بالاخره تمام رؤساء ایرانیان را کشت و همه ناحیه را به تصرف خود درآورد، چگونگی این امر و کیفیت کشته شدن رؤساء ایرانیان، مختلف ذکر شده است، بعضی نقل می کنند، که احوص

پس از اینکـه خـود را ناچـار بـه قبـول نظر ایرانیـان دیـد قبـل از انقضـاء مهلـت مقرره در شـبی کـه ایرانیـان به جشن و سـرور و بادهنوشـی مشـغول بودند، غلامان خود را فرستاد و هر یک را مخفیانه مأمور کشتن یکی از رؤساء ایرانیان کرد با این شرط که اگر هر کـدام موفق به انجام مأموریت شوند، املاک و ثروت آن کشـته، مال آنها باشد برای توضـیح بیشتر عبارت تاریخ قم را که چگونگی امر را بیـان می کنـد در اینجـا نقل می کنیم«... اهل عجم به جواب گفتنـد که ما همین سـخن از برادرت عبـد الله شنیدیم و ما هیچ چیز از شـما مکروه و نامحمود نیافتیم الا آنک ما همسایگی شـما نمی خواهیم و ما را مصلحت نیست که شما در نـاحیت مـا سـاکن باشـید از این ناحیت بیرون رویـد پیش از آنک ما شـما را به زشتی بیرون کنیم چون احوص از محاورت ایشان و بازگشـتن ازین سـخن و تصالح کردن از جهت ایشان نومید شد و هیچ حیلت نماند ایشان را گفت چون میانه ما و شما بدین انجامید از میانه شـما بیرون رویم و بدین بغی وسـتم که شـما بر ما کنید تن در دادیم بدین سـراها وضیعت ها که ما را در این ناحیتست چه کنیم اهل عجم گفتند که آن را به ما فروشید احوص یک هفته از ایشان مهلت طلبید تا این املاک به فروشد ایشان او را مهلت دادنـد عبـد الله و احوص با قوم و مردم خود به منزل و مقام خویش باز آمدند و بدین شـرط و عهد چون پنج روز از مدت مهلت بگذشت

اهـل فرس را بـدین نـاحیت اتفاقـاً روزی بود که آن را تعظیم می نمودنـد و بزرگ می داشـتند و اجتمـاع در آن روز و اکـل و شرب مبارک می داشـتند و احوص را هفتاد بنده درم خریده بود همه را بخواند و هر یک از ایشان دیه و سـرایی بداد به شـرط آنک صاحب آن سرای و دیه را بکشند و سرهای ایشان به نزدیک احوص آرند ایشان احوص را گفتند که ما در شب چگونه رئیسان را از دیگران تمیز کنیم احوص گفت بروید در میانه ایشان و با ایشان اختلاط کنید که ایشان به سبب مشغولی، به سبب شرب و اسـراف در آن شما را از اصحاب خود تمیز نکنند و چون شما در این میان رئیس هر قومی بشناختید و فرصت یافتید او را بکشـید و سرش ببرید و به نزدیک من آرید و اگر بر شما مشتبه شود و بدانید که سرور و مهتر و رئیس ایشان کدام است هر آنکس که ازو بوی خوش آید او را بکشـید و احوص برادرش را نعیم ایضاً به «سرفت» فرستاد نعیم صاحب سرفت را بگرفت و اسـیر کرد پس مـالی چنـد ازو بسـتد و او را رهـا کرد و احـوص را مملـوکی بود دعوی می کرد که از عربست و از احوص در خواه کرده بود که او را به اسم عرب نام نهـد و بدین سـبب احوص بروخشم گرفته بود که اگر نظر او بروآید البته او را بکشـد بدین سبب آن مملوک از وی گریخته بود پس شبی که آن را بشب بیات نام نهاده بودند درآمد آن مملوک قصد دیه

جمکران کرد و به جمکران چهار برادر بودند که سخت ترین مردم آن ناحیت بودند بر عبد الله و احوص آن غلام طلب فرصت می کرد تا فرصت یافت و آن هر چهار برادر را بکشت و سرهای ایشان ببرید و هر یک از ممالیک هفتادگانه قصد آن دیه کردند که او برای او نامزد کرده بود و صاحب آن دیه مراقبه می کردند و چشم میداشتند تا او را بکشند و سراورا ببریدند و چون به وقت سحر رسید مجموع ممالیک هفتادگانه احوص با سرها قصد مجلس او کردند تا غایت که هیچکس از ایشان در مراقبت و کشتن صاحب خود خطا نکرده بودند و هیچ یکی از رئیسان این دیها ازیشان فوت نشده بود و آن مملوک گریخته ایضاً پیش احوص آمد با آن سرهای چهارگانه چون نظر احوص برو آمد گفت؛ «ویحک» من همین ساعت البته تو را بکشم آن غلام آن سرهای چهارگانه را از توبره که با خود داشت بیرون آورد و پیش احوص بنهاد و نام ایشان یادکرد و بگفت که این سرها زان کیستند احوص سر او را بوسه داد و خشنود شد و گفت تو فرزند منی وارث و موروثی کدام نام از نامها تو آنرا دوستتر داری تا من ترا بدان نام نهم گفت مرا شیبان نام نه، احوص آن را بدان نام تسمیه کرد و از جمله و اصلان خود گردانید و چون آن سرها را در پیش احوص صف صف بنهادند و در پهلوی یک دیگر نشاندند احوص بفرمود تا مجموع آن سرها را در دهلیز سرای برادرش عبد الله نهاد و عبد الله

را ازین فکر و تدبیر به هیچ خبر نبود و ندانست چون به وقت سحر رسید عبد الله خواست که بیرون آید و به مسجد رود تا نماز بگزارد و فرا پیش او غلامی چراغی در دست گرفته بود و می رفت چون عبد الله پای در دهلیز نهاد سیاهی را دید که پیش از آن ندیده بود غلام را گفت که این چه سیاهی است غلام نظر کرد و گفت ای مولانا این سرهای مردمانند.

عبد الله صیحه زد و کلمه چند استرجاع بر زبان راند و گفت این از عمل و فعل برادرم احوص جاهل است که همیشه مرتکب کارهای بزرگ می شود تا اکنون ارواح ما را در معرض تلف خواهد انداخت و فریاد کنان بسرای احوص درآمد و گفت کجائی ای ظالم این چیست که تو کردی احوص به پیش او برآمد و گفت این صورت بسبب بغی کردن ایشانست بر ما ایشان به ابتداء ستم کردند و عهدی که میان ما و ایشان بود بشکستند پس حق سبحانه و تعالی ما را برایشان فرصت داد و نصرت نمود عبد الله گفت که زود باشد که اصحاب ایشان و اهل این دیها چون در بامداد آیند و این خبر بدیشان رسد گرد ما در آیند و بر ما غلبه کنند ما چه خواهیم کردن و چو خواهیم گفتن احوص گفت تو به مسجد رو و مرا با ایشان گذار چون تو در بامداد آیی هیچ یکی را از ایشان نه بینی پس بفرمود تا مجموع آن سرها را در چاهی انداختند چون مردم آن ناحیت در بامداد در آمدند و به تسامع

آنچه در شب رفته بود معلوم کردند بعضی بر دست عرب مسلمان شدند و بعضی پناه بدیشان آوردند و دیگران در شهرها متفرق و پراکنده شدند و ناحیت از دشمنان عبد الله و احوص خالی گشت...»(۱).

ماجرای کشته شدن سرای و رؤسای ایرانیان را با کیفیت دیگری نیز ضبط کرده اند و آن به این گونه است که احوص حیله ای کرد و سران عجم را به مهمانی دعوت کرد و سپس در آن مهمانی آنها را غافلگیر کرد و همه را بکشت فقط «سیامردان» رئیس ده جمکران از این واقعه جان بسلامت می برد و از این پس همچنان که گفتیم اشعریان مطلقاً بر این ناحیه تسلّط یافته و تمام اموال و املاک ایرانیان را ضبط و تصاحب می نمایند، عبارت مربوط به این جریان را نیز برای ایضاح بیشتری نقل می کنیم:

پاورقی

۱ تاریخ قم: ۲۵۵ ۲۵۷.

«... و نیز گفته اند که احوص چون معلوم کرد که اهل عجم خلاف عهد کردند و عزیمت نمودند که او را و برادرش را از این ناحیت بیرون کنند وجوه و اشراف ایشان را به میهمانی خواند و در آن میانه ایشان را مجموع بکشت و از ایشان هیچکس خلاص و رستگاری نیافت الاّ «سیامردان» صاحب جمکران بعد از آن امیران عرب ضیعتها را قسمت کردند و نامه ها به فرزندان و بنی عمان و دیگر خویشان خود نوشتند و ایشان را به پیش خود دعوت کردند و ایشان ابوبکر و عمران و آدم و عمر و حماد بن ابی بکر و فرزندان و فرزند زادگان عبد الله و از فرزندان احوص و غیر ایشان بودند...»(۱).

پاورقی

۱ تاریخ

قم: ۲۶۳.

آبادانی شهر قم و وضع اجتماعی اشعریان و مردم دیگر شهر

در قرون اولیه اسلام و مسئله آب و عملیات عمرانی پس از این که عبد الله و احوص اشعری، به طور کامل بر سرزمین قم استیلا یافتند و تمام نواحی آن را متصرف شدند، به تدریج به علت هم آهنگی و اتحادی که بین آنها و سپس فرزندان و فرزند زادگان و اخلاف آنها بود شوکت و اقتداری بهم زدند و در عالم اسلامی آن زمان موقعیت شایستهای برای خود بوجود آوردند عدهای از آنها با فعالیت و کوشش به آباد کردن و کشت و زرع و گله داری پرداختند، تمام خرابی ها و ویرانهائی که بعلل مختلف پیش آمده بود، به دست آنها مرمت و تعمیر گردید از رودخانه نهرهایی بریده و مقدار دیگری از اراضی را تحت کشت، در آوردند، تمام کاریزها و قناتهای موجود را به حال اولیه و آبادانی برگردانده و با کارگران و گوم شانی که از اطراف و اکناف بمزدور گرفته بودند.

قنات های جدیدی احداث کردند و اغلب با حفر و احداث این کاریزها و نهرهائی که از رودخانه جدا کرده بودند، زمینهای این نواحی را برای کشت آماده کرده و در نتیجه صاحب ثروت و تمول سرشاری شدند و به ساختن خانه ها و بناهای با شکوه و کاروانسراها و مساجد و پله ای محکم پرداخته و شهری آباد بوجود آوردند در ضمن عدهای دیگر از آنها در علوم و عقاید مذهبی اسلام و امامیه و تحصیل و انتشار آن زحمت می کشیدند و چون شیعه بودند برای شنیدن و حفظ و نقل احادیث، به شهرها و مراکز مذهبی رو می آوردند و اغلب به خدمت

ائمه اطهار]ع[رسـیده و از محضـر آنان به درک فیض و استماع احکام و احادیث نائل می گشتند و سپس به شهر قم بازگشته، همچنان به تـدریس و بیان آن روایات و احکام همت می گماشـتند و بعضـی از آنان، به شـهرهای دیگر مانند ری و خراسان و طبرسـتان و دیلمـان، مهـاجرت کرده و عقایـد و افکـار اسـلامی را در میـان مردم دور دسـت و نـا آشـنا منتشـر می کردنـد، این دانشـمندان اولین کسـانی هسـتند که در عالم اسـلامی آن روز به شـیعی بودن تظاهر کرده پرده تقیه را دریدنـد و در همه جا با کمـال شـجاعت از آراء و عقایـد امـامیه دفـاع کرده و در بیـان انـدیشه هـا و افکارشـان کوشـا بودهانـد، می توان گفت که در سرزمین ایران و عراق عجم، مذهب شـیعه و افکار و اعتقادیات آنان به دست همین دانشمندان و محدثین منتشر گشته است، از زمـان امـام جعفر الصادق (علیه السـلام) تا روزگار غیبت امام المهـدی (علیه السـلام)، خصوصاً از دهه آخر قرن دوم، هم زمان امام علی بن موسـی الرضا(علیه السـلام) به بعـد عـده کثیری از قمیین، از فرزندان و اخلاف اشـعریان و اعراب دیگری که به قم آمـده بودنـددر سـلک صـحابه و یاران ایشان بوده و به تعلیم احادیث و درک فیوضات، اشـتغال داشـتهاند، به طوری که قریب یک سوم از مجموع احادیث و روایاتی که نقل شـده و امروز در دست است از طریق محـدثان قمی، نقل شـده و یا حـداقل در سلسله راویان آنها یک یا چند نفر، از اهل قم، واقع شده است، اغلب این محدثان و دانشمندان مردمی پارساونیک سیرت مورد اکرام و

احترام خلق بوده و عدهای از آنها مورد مدح و تکریم امامان(علیهم السلام) قرار گرفتهاند مانند زکریا بن آدم، و سعد بن عبد الله بن ابی خلف، و ابو القاسم ابن قولویه، و زکریا بن ادریس و محمد بن حسن الصفار و ابو عبد الله البرقی، و محمد بن ابی القاسم مشهور به ماجیلویه و عده دیگری که در ضمن رجال قم از آنها یاد کردهایم عده دیگری نیز از دانشمندان و دبیران این سرزمین در دستگاههای فرمانروایان عصر، مانند دیلمیان و سلجوقیان وارد شده و به درجات و مقامات عالی نائل آمدهاند، ابن العمید و فرزندش هر دو از وزراء کاردان دیلمیان بوده اند و همچنین تاج الملك قمی وزیر سنجر، «پسر ملکشاه سلجوقی» از آنهاست.

با این ترتیب مهاجرین عرب به قم چه خانواده اشعری و یا خاندانهای دیگر و یا سادات و علویان، همگی در راه ترقی و تعالی شهر و موفقیت و اعتبار ساکنینش، کوشش و رنجها کشیده و بالاخره شهر بزرگی را در این ناحیه بنیاد نهادند که از هر جهت بزرگ و معتبر و شایان احترام بود.

در اثر کار و کوشش، این ناحیه را آبادان و سر سبز و خرم و ثروتمند گرداندند قبل از آنان آبشخور این شهر، از رودخانه بسیار کم و غیر قابل اعتماد و غیر ثابت بوده است در فصل زمستان و بهار، هنگامیکه قراء و روستاهای کمره به آب احتیاجی نداشتند، رودخانه اناربار مملو از آب بود، در این وقت مزارع قم نیز به آب چندان احتیاجی نمی داشتند، در حالی که ناچار خطرات و خسارات طغیانها و سیلابهای فصل بارندگی را تحمل می کردند،

در تابستان و در خشکسالی هیچگونه بهره و نفعی از رودخانه نداشتند، از این لحاظ رودخانه برای آنها منبع خیر و سرچشمه برکت و آبادانی نبود بلکه جز خسارت و ویرانی ثمر دیگری نمی توانست داشته باشد و از طرف دیگر، کاریزها و قناتهای قدیم و احداثی، آنقدر آب نداشتند که بتوانند تمام زمینهای قابل کشت این ناحیه را سیرآب کنند، این بود که به فکر افتادند «مسئله آب» رودخانه را برای همیشه حل کنند، تصمیم گرفتند و با مردم ساکن علیای رودخانه و نواحی کمره، به جدال و نزاع پرداختند و بالاخره پیروز شده و سهم قابل ملاحظه ای از آب رودخانه، برای خود دست و پا کردند.

جریان این واقعه را ما عیناً از کتاب تاریخ قم، که در حدود صد و پنجاه سال پس از این ماجرا نوشته شده است نقل می کنیم«... گویند که در ایّام عجم و روزگار ایشان پیش از آمدن عرب به قم به غیر از جوی «و زیره» و «قرطم» زراعتی نکردهاند و به قم سبزه و اور کار از مثل پیاز و سیر و کندنا و خیارو خربزه و انواع ترّهها زراعت نکرده اند به سبب واسطه کم آبی و دیگر آنک چون از نوروز یک ماه بگذشتی اهل تیمره و انار آب رودخانه قم را باز بستندی و نگذاشتندی که بدین جانب آید پس چون عرب به قم نزول کردند و متمکّن شدند و دست یافتند روی به ناحیت تیمره و انار نهادند و اهل تیمره و انار را گفتند که از دو کار با ما یکی بکنید اول آنک با ما عدالت و سویّت کنید

بدین آب که در رودخانه ای شما جاریست بعضی شما بر می بندید و بعضی به شهر ما روانه می گردانید دوّم آنک چون آب را در ایّام]زراعت[نمی گذارید که به جانب ما آید هرز آب زمستانی نیز به شهر و جانب ماروانه نکنید شما در ایّام زمستان چون از آب مستغنی اید و بدان احتیاج ندارید در رودخانه می اندازید و قم وضیعت های آن بسبب آن در وقتی از اوقات خراب می گردد چنانک ما در زیان و خرابی آن با شما شریکیم در نفع و فایده آن در ایّام تابستان و بهار و خریف ما را شریک گردانید.

اهل تیمره و انار قبول نکردند و از آن امتناع نمودند و در حصار و کوشک ها گریختند و محاصره کردند پس چون حال میان ایشان بدین رسید عرب دست بر آوردند و سدها که در میان رودخانه ها نهاده بودند مجموع خراب کردند و آب مجموع را به جانب قم روانه گردانیدند و به قم باغات ساختند و انواع سبزه و اورکار زراعت کردند و کشتزارهای تیمره و انار به کلی خشک گشتند و خراب شدند و همه اوقات عرب با ایشان کوشش می کردند و کارزارمی نمودند و مردم ایشان را به اسیری می گرفتند و بدیشان انواع مضرّت و زیان می رسانیدند و سدها و رودخانه ایشان می شکافتند و خراب می کردند تا اهل تیمره و انار از قوت و بطش ایشان عاجز شدند و در دفع ایشان هیچ چاره و حیلت نداشتند و مقاومت با ایشان نمیتوانستند کرد پس بناچار بر حکم عرب فرود آمدند و گفتند که

ما مطیع و منقادیم و طلب رضای شما می کنیم و متابعت سیرت شما می نمائیم اما زمینهای ما ریگست انست و صبر از آب ندارد و زود خشک می شود و زمینهای شما نه ریگستان و نه شورستانست و اگر کمتر آب بدان رسد تفاوتی نکند و زیان ندهد پس امتحان و آزمایش کردند پاره از گل قم برگرفتند و پاره از گل زمین تیمره و انتظار می کشیدند تا به وقت خشک شدن آن گل ناحیت قم به مدت ده روز خشک شد و گل ناحیت تیمره به پنج روز.

بر آن اتفاق کردند که دو دانک از آب، اهل قم را باشد و چهار دانک اهل تیمره و انار را و هر دو گروه قسط و نصیب خود از آب در هر ماهی به دو دفعه فرا می گرفتند در پانزده روز اول از ماه اهل قم اول ماه پنج روز تصرّف کنند و بعد از ایشان اهل تیمره و انار ده روز تصرّف کنند و بدین ترتیب در پانزده روز نوبت آخر نوبت با سر گیرند تا آنگاه که ماه تمام شود; اما بعضی دیگر گویند که اهل قم در دفعه دوم پنج روزه آخرین آب تصرف می کردند و در دفعه اولی پنج روز اول چنانچ در هر ماهی پنج روز اول ماه و پنج روز آخر ماه آن آب را فرا می گرفتند و باقی ایام بیست روزه اهل تیمره فرا می گرفتند و بعد از آن اتفاق کردند که اهل قم از طلوع آفتاب سواری بفرستند تا بر کنار رودخانه قم بر بالای رودخانه به جانب تیمره براند تا

بوقت غروب آفتاب و درین میانه بهر سـدی و بندی از جویهای تیمره و انار که بر سد بشـکافد و بگشاید و آبهای آن در وادی قم روانه کند به شـریطه مذکوره، پس اهل قم سواری را بفرستادند تا از وقت طلوع آفتاب براند بشتاب و سرعت بوقت غیبوبت و فرو شدن آفتاب به پل قریه تبره از دیه ای تیمره رسـید چنانچه از قم تا بدانجا مقدار بیست و نه فرسخ بوده و از آنجا تا به سد بالای آن هیچ سدی نبود و چند گام مانده بود نه وقت مانده بود و نه اسب را قوت پس از آن سوار تازیانه را از پیش بینداخت بر موضع بنـد آب آمـد و اسب او هم آنجا بیفتاد و آن موضع را اسـفان بنـد نام کردنـد بنام آن اسب پس این رسم بمانـد و هر ماهی اهل قم بیرون میآمدند با مردم بسـیار و بر زیگران و آبهای تیمره و انار را می شـکافتند و در وادی قم روانه می کردند از سی عـدد جوی از جویهـای تیمره صـغری انار بر سـر آب می بودنـد و محافظت می کردنـد تا مـدت پنـج روز پس به قم انواع غلات و زراعت نمودند، انواع سبزه از جالیز و پنبه و انواع بقول بکشتند و زراعت نمودند و این آب که از جویهای تیمره و انار در وادی می انداختنـد و باصـطلاح او را «غری» گوینـد مشـتق از «ایغار و ایفار» در لغت: «جمعست و اضافت» یعنی: آب انار و تیمره و انار اضافت می کنند و جمع می گردانند با آب رودخانه به قم مضی هذا، پس

به گاهی که آب به قم عزیز الوجود و انـدک بودی این آب از تیمره و انار با آب وادی قم از وقت حاجت و احتیاج بدان تا به وقت آن که از آن مستغنی شدنـدی جمع و اضافت می کردند در هر ماهی بر شـریطه مذکوره یعنی در هر ماهی ده روز به دو دفعه و گوینـد که آب این وادی در ایـام قـدیم در موضـعی جـاری بوده است که آن را وادی عـتیق گوینـد به نزدیـک دروازه اصـفهان بالای قبّه علی بن عیسـی طلحی و به زبان فارسـی آن را رودگلفشان خوانـده انـد و الیوم مواضع روان شدن آن آب و آثـار خرق و دریـدن آن ظـاهر است و مصب آن وادی به جـانب رسـتاق سـراچه بوده است پس آن موضع به سـبب مرور آب مرتفع شـد و آب از آن به زیر افتـاد و از جـانب چپ از طرف شـهر تـا آنگـاه که آب به کلی با این دیگر جانب شـهر که الیوم رودخانه است افتاد و این موضع به سبب رفتن آب منخرق و شکافته شد تا رودخانه گشت و آب آن به جانب قمرود روانه شد و برقی در این باب گوید: که ازین آب به قریه قارص یک جوی روانه گردید پس به مرور ایام آب آن موضع را می شـکافت و فراخ می گردانیـد تا رودخانه گشت و آبهای تیمره بدان روانه شدند و آن وادی اینست که الیوم آب در آن می رود تا بدین جا حکایت برقی است و رودخانه عتیق بعد از آن که مدّتی مدید خشک شده بود به نزدیک قریه جهستان و غیره

دیگر باره چشـمه ای آن زاینده شد تا مدت سی و یک سال و آبهای آن شور و بسیار بود و به چندین ضیعتها از رستاق سراجه و لنجرود می رفت و از این رودخـانه بـا هر ضـیعه و مزرعه جویی بر گرفتنـد زیرا که کاریزهـای سـراجه آب بر آن غلبه کرد و مواضع آن بنشـیب افتاد و جویهای آن باطل گردیدند الا بعضی از آن تا بگاهی که به کلی آب از آن منقطع شد و با حال اول گردید و الله اعلم...»(۱).

پاورقی

۱ تاریخ قم: ۴۸ ـ۵۰.

به این ترتیب آب رودخانه «اناربار» به نوبت مـذکور در اختیار مردم قم قرار گرفت و در نتیجه اطمینان و ثباتی در وضع آبیاری بوجود آمـد، از این پس بـا تقسـیم بنـدی معینی آب رودخـانه را در بیست و دو نهر به مزارع اطراف شـهر روان کردنـد، نـام و مقـدار سـهام انهار مـذکور به ترتیب و تفصـیلی که محمـد بن علی بن ابراهیم در سال ۳۴۷ هجری، ضـبط کرده است ذکر می کنیم ضـمناً بایـد متـذکر شـد که جـد محمـد مذکور، نامش ابراهیم بن علی است در سال ۲۸۷ تاریخ فارسـی که مساوی ۲۹۴ هجری بوده است با ترتیب و تفصـیل دیگری، جوی های منشـعبه از رودخانه قم را با سهام هر یک محاسبه و تعیین کرده است ولی مجموعاً محاسبه او، با محاسـبه و تفصـیل نوادهاش، محمد بن علی در حدود صد و ده سـهم اختلاف دارد، تفصیل محمد بن علی چنین است اسامی نهرها در آن زمان سهم دانک انهاری که در فوق ذکر کردیم، انهار منشعبه از رودخانه بوده است و انهاری که از

قنوات و کاریزها برای شرب اراضی حفر شده بود غیر از اینها است بر مجموع شهرهای مذکور، پنجاه و یک آسیاب، وجود داشته که در تاریخ ۳۷۰ هجری سی و نه عدد از آن آباد و دایر و دوازده عدد آن ویران و خراب بوده است.

۱ نهر دورقان۴۰

۲ نهر براوستان۳۵

۳ نهر طبشقوران۱۰۰

۴ نهر خمیهن۹۰

۵ نهر الیسع و گرگان۸

۶ نهر ابو بکر با سرفت...؟

۷ نهر سروز و جوی ابیبکر۲۳

۸ نهر جمکران۶۰...؟

۹ نهر ابرشتجان۷۰

۱۰ نهر دینارجوهر۳۰

۱۱ نهر مونه۲۶

۱۲ نهر مسگران۳

۱۳ نهر شهرستان۴۰

۱۴ نهر ممجان۳۵

۱۵ نهر جمر۴

۱۶ نهر مهرواه۱۴۰

۱۷ نهر مزدجان۷۰

۱۸ نهر فرابه...؟

۱۹ نهر کمیدان ۸۰

۲۰ نهر سعدآباد ۷۰

۲۱ نهر میانرودان۱۶

۲۲ نهر عامر...؟

مجموع(۱) =۹۲۴۲ و پنج حبّه

پاورقی

۱ این ترتیب عیناً از سیاهه محمد بن علی نقل شده است.

مجموع قنوات و کاریزها در تاریخ مذکور بیست و دو رشته بوده است که بعضی آنها از قدیم و قبل از اسلام حفر شده و تا این زمان دائر بوده است و بعضی دیگر را اشعریین و دیگران حفر کردهاند که اغلب بنام خود آنها مذکور است به این قرار:

۱ کاریز عبد الرّحمن بن عبد الله [بن سعد].

۲ کاریز عمران والیسع.

۳ کاریز ابی بکر.

۴ کاریز سعد بن مالك «زیرك».

۵ کاریز مالك.

۶ کاریز علی بن آدم و اسحق بن سعد.

۷ کاریز عطاء بن مزید.

۸ کاریز مرزبان بن عمران.

۹ کاریز موسی بن یعقوب.

۱۰ کاریز محمد بن عیسی بن سعد.

۱۱ کاریز موسی بن یعقوب.

۱۲ کاریز ابی غالب.

۱۳ کاریز نعیم.

۱۴ کاریز آدم و محمد بن علی بن آدم الاول.

۱۵ کاریز آدم و محمد بن علی بن آدم لثانی.

۱۶ کاریز ولد سعد و محمد بن عامر.

۱۷ کاریز موسی بن آدم.

۱۸ کاریز اسماعیل بن عیسی واسمعیل بن

سعد.

۱۹ کاریز عبد الله، خوشاب.

۲۰ کاریز عبد الله، شوراب.

۲۱ کاریز سعد.

آنچه که درباره آب رودخانه و عده انهار و قنوات و غیره ذکر کردیم هم

مربوط به وضع آبادانی این ناحیه قبل از سال ۳۷۸ هجری است، از این تاریخ به بعد تا امروز وضع آب و آبیاری و کشت و زرع در قم تحت تأثیر حوادث روزگاران مختلف و متغیر بوده است و متأسّفانه، در تواریخ وضع هزار سال اخیر آن به طور دقیق ذکر نشده است و هر چه در باره این شهر از آن پس، نوشته شده اغلب کلیات و ذکر حوادث تاریخی مهم بوده است، ولی می توان گفت آبادانی و خرمی آن شهر به تدریج و به علل حوادث و جنگها و خونریزی ها، خصوصاً حملات مغول و تیمور و سپس افغانها از بین رفته و رو به خرابی نهاده، در نتیجه ثروت و موقعیت گذشته را از دست داده است.

به طوری که بعضی مورخین نوشته اند پس از حمله مغول از این شهر جز تل خاکی باقی نمانده است، خوشبختانه بازهم مردم این شهر روی خرابه های گذشته دوباره به فعالیت پرداخته و ویرانی ها را مرمت و تعمیر کرده اند هر چند که تاکنون شهر قم آبادانی و کشت و زرع قرون اول هجری را به دست نیاورده است ولی روی هم رفته تا حدود زیادی آباد و وسعت یافته است چنانکه مادام «دیولافوا» در سفرنامه اش می نویسد که شهر قم را به علت وسعت آن سواره و با اسب گردش کرده است(۱). اخیراً در بهار سال ۲۱ مردم کمره و نیمه ور از جریان آب رودخانه جلوگیری

کردند و پس از منازعاتی بالاخره همان وضع سابق با مختصر تغییری برقرار گردید و سپس در سال ۱۳۲۷ شمسی محمد رضا شاه پهلوی، فرمانی صادر(۲) و در آن فرمان دو ثلث آب رودخانه را برای مزارع و قراء کمره و نیمه ور و محلات، و ثلث دیگری را برای مزارع قم و قراء انار بار تعیین کردند، سپس قراء اناربار و صاحبان مزارع در قم، این سهم «ثلث از رودخانه» را به اضافه آنچه در طول رودخانه از چشمه سارها و زایندگی های بستر رودخانه جریان می یابد به نسبت پنج و شش، تقسیم کردند به این معنی که قراء و روستای اناربار پنج روز و مزارع قم نیز پنج روز سهم می برند، یک روز نیز برای رسیدن آب به شهر فرصت می دهند، این است وضع فعلی آب رودخانه و آبادانی شهر قم.

پاورقی

۱ سفرنامه دیولافوا.

۲ از اینجا و سطر قبلی چند کلمه حذف شد.

ورود حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) و دیگر علویان به شهر قم

از نیمه دوم قرن اول هجری، معیشت و زندگی علویان، در نواحی حجاز و عراق به سختی گرائید، خلفاء اموی و سپس عباسیان نمی توانستند محبوبیت و عظمت حتی موجودیت علویان را تحمّل کنند، آنها را مدعی و معاند خلافت خود می دانستند و گاه و بیگاه برای درهم کوبیدن قیام آنها، ناچار به جنگ و لشگر کشی می شدند و بالاخره، صلاح خود را در این دانستند که حکام و عاملان خود را به زجر و آزار و قتل و تبعید علویان مأمور کنند، تا به این ترتیب خود را از اندیشه این معضل و مشگل سیاسی، قرون اولیه اسلام، یعنی مسئله قیام و خروج علویان و

طرفدارانشان آسوده کرده باشند، حکام و عاملان آنها نیز با کمال شقاوت و بی رحمی در انجام این مأموریت ظالمانه کوشش کردند، تا آنجا که عرصه حجاز و عراق بر علویان، آن چنان تنگ و خفقان آور گردید که دل از یار و دیار بر گرفته و هر کدام، به نقطه ای از نقاط دور دست مسلمان نشین مهاجرت کردند این مهاجرتها و سفرهای اجباری بیشتر به سرزمین ایران و عراق عجم بود، زیرا مردم حقیقت جوی این کشور، حقیقت اسلام و صفات و خصائل پسندیده و عالی آن را در خانواده علی (علیه السلام) یافته و دل در گرو محبت ایشان داده بودند، پس ایرانیان می توانستند میزبانان و مهمان داران شایسته ای برای اعضاء ستمدیده و زجر کشده خاندان علوی باشند.

علویان نیز، سعادت و آسایش و تبلیغ احکام قوانین اسلامی و انجام وظائف مذهبی خود را در حمایت مسلمانان ایرانی آسانتر می دیدند و به همین نظر اغلب بلاد ایران، مقصد مهاجرت و منظور مسافرتهای علویان قرار گرفت، شهر قم که پیش از این مسکن و منزل طائفه از عرب بود که به شیعی بودن و دوستی ائمّه اطهار و علویان معروف و مشهور بودند، مناسبترین و شایسته ترین شهرها برای پذیرفتن این مسافران و مهاجران، رنجدیده بود، چگونگی ورود علویان به این شهر و اقامت و سلوک مردم با آنها و همچنین عده آنها و اعقابشان در تواریخ به طور مفصّل ثبت شده است.

از نخستین علویانی که به این شهر وارد شده اند، حضرت فاطمه معصومه(علیها السلام) است که در طریق سفر خراسان برای دیدار برادرش امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)

به این سـرزمین آمده است، شـرح ورود و پذیرائی و مهمانداری مردم قم، و سـپس وفات آن حضـرت را از کتاب تاریخ قم در اینجـا نقـل می کنیم«... دیگر از سـادات حسـینّیه از فرزنـدان موسـی بن جعفر (علیهـا السـلام) که به قم آمدنـد فاطمه بود دختر موسـی بن جعفر (علیهما السـلام)، چنین گوینـد بعضـی از مشایـخ قم که چون امام علی بن موسـی الرضا (علیهما السـلام) را از مـدینه بیرون کردنـد تا به مرو رود از برای عقـد بیعت به ولایت عهد برای او فی سـنه مأتین(۱) خواهر او فاطمه بنت موسـی بن جعفر (علیهم السـلام) در سنه احدی و مأتین(۲) به طلب او بیرون آمد چون به ساوه رسـید بیمار شد پرسـید که میان من و شهر قم چقـدر مسافتست او را گفتند که ده فرسخ است خادم خود را بفرمود تا او را بردارد و به قم برد خادم او را به قم آورد و در سرای موسی بن خزرج بن سعد اشعری فرود آمد و نزول کرد و روایت صحیح و درست آنست که چون خبر به آل سعد رسید همه اتفاق کردند که قصد ستی فاطمه کنند و از او درخواه نمایند که به قم آید از میانه ایشان موسی بن خزرج تنها، هم در آن شب بیرون آمد و چون به شـرف ملازمت ستی فاطمه رسـید زمام ناقه او را بگرفت و به جانب شـهر بکشید و به سرای خود، او را فرود آورد و هفده روز در حیات بود چون او را وفات رسـید بعد از تغسـیل و تکفین و نماز، موسـی بن خزرج در زمینی که او را

به بابلان بود آنجا که امروز روضه مقدسه اوست دفن کرد و بر سر تربت از بوریاها سایه ساخته بودند تا آنگاه که زینب دختر محمد بن علی الرضا (علیهم السلام) این قبه بر سر تربت او بنا نهاد. و روایت کرد مرا حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه از محمد بن حسن بن احمد بن الولید که او را روایت کردند که چون فاطمه را وفات رسید و بعد از غسل و تکفین او را به مقبره بابلان بر کنار سردابی که از برای او ترتیب کرده بودند حاضر آوردند آل سعد با یکدیگر خلاف کردند در باب آنکه که سزاوار آنست که در سرداب رود و فاطمه را بر زمین بنهد و دفن کند پس از آن اتفاق کردند بر آنک خادمی به غایت پیر از آن یکی ازیشان قادر نام را حاضر گردانند تا فاطمه را در گور نهد و کسی را به طلب او بفرستادند در میان این گفتگوی از جانب رمله دو سوار بر آمدند دهن بر بسته و روی بدین مردم نهادند چون به نزدیک جنازه فاطمه رسیدند از اسب فرود آمدند و بر فاطمه نماز گزاردند و در سرداب رفتند و فاطمه را دفن کردند پس از گور بیرون آمدند و بر نشستند و برفتند و هیچ کس را معلوم نشد که آن دو سوار که بودند. و محرابی که فاطمه (علیها السلام) نماز کرده است در خانه از سرای موسی بن خزرج تا به اکنون ظاهر است و چون پس از وفات فاطمه، امّ محمد دختر موسی رضائیه وفات یافت او را در جنب

قبر فاطمه دفن کردنـد و پس از او خواهر او میمونه ابنه الرضائیه و او را نیز همانجا دفن کردنـد و قبه بر سـر تربت ایشان بنهادند متصل به قبه فاطمه (علیها السلام) و درین دو قبه شش قبرند...»(۱).

پاورقی

۱ ۲۰۰.

۲ ۲۰۱.

به شـرح مـذکور، حضـرت فاطمه معصومه (علیها السـلام) سـرزمین قم را به وجود خود آراسـتند، و از آن تاریـخ تا امروز تمام مردم شـیعی در هر کجا باشـند به این آسـتان معتقد و علاقمند بوده اند. مقبره حضرت معصومه که امروز با عظمت خود، چشم ها را خیره می کند، در قرون مختلف تغییرات بسیاری کرده است.

ابتـدا در این قسـمت دو گنبد کوچک در کنار هم قرار گرفته بوده است که یکی از آنها بالای قبر حضـرت فاطمه، و قبه دیگر بالای قبر خواهران موسی مبرقع، قرار داشته است.

مبارک

پاورقی

۱ تاریخ قم: ۲۱۳ ۲۱۴.

در سال ۳۵۰ هجری قمری زید بن احمد بن بحر اصفهانی عامل شهر قم، تعمیراتی در این دو قبه انجام داده و درهای آن را که آن روز به طرف رودخانه باز می شده است، فراختر و وسیعتر گردانید.

ساختمـان مقبره هـا و قبه هـا شـکل خود را تا سال ۵۲۹ هجری حفـظ کرده است و سـپس در این سـال «شـاه بیگم» دختر عماد بیک، آن دو قبه را برداشـته و به جای آن یک گنبد بزرگتر و بلندتر بنا نهاد، این گنبد کاشی کاری و کیفیت بنا و تزئینات آن مانند گنبدها و بناهای مشابه است که امروز در شهر قم بسیار است.

تا قبل از قرن هفتم، مرقد مطهر ضریح نداشته است یا اگر بوده کوچک و کم ارتفاع بوده است، در

سال ۶۱۳ هجری مظفر بن احمد بن اسماعیل، ضریحی از کاشی های کوکبی ذوی الاضلاع و نیم کوکبی، روی مرقد مطهر، ساخته است و سپس در سال ۹۲۵ شاه اسماعیل صفوی صحن کهنه و ایوان آنرا با کاشی های فیروزه رنگ و معرَّق، ساخته است و در سال ۹۵۰ شاه طهماسب صفوی، ضریح کاشی بزرگتری با ایوانی که در مدخل صحن کهنه از طرف مدرسه فیضیه، واقع است، اضافه کرد پس از آن در سال ۱۰۷۷ شاه صفی، صحن زنانه را که فعلاً به مسجد تبدیل شده است و در جنوب بقعه مطهر قرار دارد، ساخته است.

شاه عباس نیز، ضریحی فولادین به ضریحه ای قبل اضافه کرد. شاه صفی، در همان سال مذکور، ساختمان زیبا و مرمرینی برای در کنار رواق جنوبی ساخت که امروز مقبره شاه عباس ثانی است این بناء در نوع خود، بی نظیر است و ازارههای آن به ارتفاع زیادی از سنگ مرمر، ساخته شده که به نقشه ای گل و بوته تزئین یافته است.

در سال ۱۲۱۸ فتحعلی شاه گنبد را با خشت های مسین زراندود زینت داد و برای خود مقبرهای نیز در ضلع شمالی صحن کهنه بنا کرده و در سال ۱۲۳۶، مسجد بالاسر ساخته شد و سپس در سال ۱۲۴۹، مقدمات زراندود کردن ایوان طلای فعلی، فراهم گردید ولی انجام این کار تا سال ۱۲۶۶ به تأخیر افتادو مقارن همین سال بام نقاره خانه را نیز به شکلی که فعلاً موجود است زراندود کردند و سپس در سال ۱۲۳۱ دری از طلا، برای ضریح ساخته و نصب کردند، و در همین سال کف رواق را از سنگ مرمر

فرش و در سال ۱۲۷۵ ضریح فولادین راسیم اندود کردند.

در سال ۱۳۱۵ کیکاوس میرزا، پوشش زیرین گنبد را مقرنس کرده و با آئینه ها تزیین نمود.

«امین السلطان» ساختمان صحن جدید و ایوان آئینه را شالوده گذاری کرد و سپس در سال ۱۳۰۳ به دست فرزندش به پایان رسید.

این شرح مختصری است که ما در پیرامون ساختمان و بنای رواق عرش آشیان حضرت فاطمه معصومه نگاشتیم، امید که در جلد دوم این کتاب که انشاء الله در شرح و توضیح وضع کنونی شهر قم نگاشته خواهد شد، بطور تفصیل از آن یاد کنیم.

دیگر، از سادات و علویانی که به قم آمدند، موسی مبرقع(۱) «موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا (علیهم السلام) است که با خواهرانش، زینب و میمونه و ام‌محمد و دخترش بریهه، به ترتیب به قم آمده و مسکن گزیدند و در همین شهر وفات یافتند. قبر موسی مبرقع، در خانه خود او و در پائین شهر قم به همین نام مشهور است. و بعض از خواهرانش در مقبره بابلان در جوار حضرت معصومه(علیها السلام) به خاک سپرده شده اند. ایشان به سادات رضائیه مشهورند و اعقاب آنها همچنان در قم ساکنند و به القاب رضوی و برقعی، خوانده می شوند.

پاورقی

۱ علی التحقیق موسی مبرقع به قم نیامده است نک: قم در قرن نهم هجری، تربت پاکان،گنجینه آثار قم و آفتاب پنهان از این بنده.

دیگر از سادات و علویانی که به قم آمدهاند سادات عریضه اند، از ایشان حسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر الصادق (علیه السلام) و پسرش به قم آمدند و سکونت اختیار کردند و سپس اعقاب

و اخلاف ایشان عدهای باقی مانده و عدهای به بغداد و شهرهای فارس رفته اند; از این خانواده شخص دیگری به نام علی بن حسین بن عیسی بن محمد بن جعفر است که قبلاً در ری ساکن بود و سپس قم را برای سکونت انتخاب کرد و اعقاب او در این شهرستان باقی ماندند.

و دیگر ابو الحسین احمد بن قاسم بن احمد بن علی بن جعفر، و حمزه بن عبد الله بن الحسین الکوکبی، و محمد بن علی بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن علی و عده سادات دیگر به قم آمده و در این شهر توطن کردند و اولاد و فرزندان و اخلاف بسیاری از آنها به وجود آمده و در همین شهر، مسکن ساختند و به سادات محسنیه و عزیزیه شهرت داشتند و امروز عدهای از سادات قم از فرزندان و اعقاب آنان هستند.

موقعیت شهر قم و اقتصاد کشاورزی و صنعتی آن

قم از نواحی مرکزی ایران است و به علت مجاورت با کویر لوت، دارای هوائی خشک نسبتاً گرم و متغیر است، قسمتی از ناحیه شرقی این شهرستان، دشت و کویر و قسمتهای غربی و جنوب غربی آن کوهستانی است، یک رشته از جبالی که از شمال به جنوب شرقی کشور امتداد دارد در این ناحیه واقع و بخش قهستان و کوهپایه قم را تشکیل می دهد شهرستان قم که در حدود ده هزار کیلومتر مربع وسعت دارد بین ۵۰ درجه و ۲ دقیقه الی ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه در طول شرقی نصف النهار گرینویچ و بین ۳۴ درجه و ۱۰ دقیقه الی ۳۵ درجه عرض شمالی خط استوا قرار گرفته است خود شهر قم در

طول شرقی ۵۰ درجه و ۵۳ دقیقه از نصف النهار گرینویچ و عرض شمالی ۳۴ درجه و ۳۷ دقیقه از خط استوا قراردارد و به احتساب هیئت و فلکیات قدیم ۷۵ درجه و ۲۰ دقیقه در طول شرقی جزائر خالدات و همچنین ۱۰۵ درجه و ۴۰ دقیقه در طول غربی آن و در ۳۴ درجه و ۴۵ دقیقه عرض شمالی خط استوا واقع است. انحراف آن از قبله ۳۹ درجه و ۱۰ دقیقه و ۳۴ ثانیه است. بارندگی سالیانه این شهرستان به طور متوسط در حدود ۴۰۰ میلیمتر می باشد و از لحاظ بارندگی در میان شهرستانهای ایران غیر از سواحل بحر خزر و آذربایجان غربی در حد وسط قراردارد، هوای نواحی این شهرستان مختلف است در نقاط غربی و جنوب غربی آن هوا معتدلتر و در قسمت شرقی و جنوب شرقی گرم و خشک و بیابانی است و تمام اختصاصات کویر لوت، در این ناحیه وجوددارد و خود شهر قم حد فاصلی بین این دو هوا است و به همین علت بادهای تند و شنی در بعضی ایام سال شهر قم را تیره و تار می سازد. هوای شهر قم حداکثر در تابستان تا ۴۶ درجه سانتی گراد و حداقل در زمستان تا ۱۲ درجه زیر صفر در بعضی سالها تغییر می کند، اختلاف درجات حرارت در بیست و چهار ساعت گاهی در پائیز تا ۲۵ درجه سانتی گراد نیز می رسد و در فصول دیگر سال نیز اختلاف درجه حرارت روزانه از شهرهای مجاور بیشتر است.

سرزمین ناحیه قم از سمت جنوب شرقی به طرف شمال شرقی و مشرق آن سراشیب است. و به

همین جهت جریـان رودخانه و سیل به طرف مشرق و شمال شرقی است حداکثر ارتفاعات آن در ناحیه قهستان خلجستان است، مرتفع ترین کوههای قهستان ۳۱۹۳ متر کوه تخت سر حوض و در خلجستان کوه خر کشه ۲۷۶۹ متر است و حداقل ارتفاع آن در نواحی کویر، در حدود پانصد متر از سطح دریا است مقدار متوسط آب سالیانه «قابل اعتماد» با احتساب آب رودخانه و قنوات و تعداد پانزده حلقه چاه عمیق، در حدود سیصد و پنجاه سنگ یا تقریباً سیصد لیتر مکعب در ثانیه است، زمینهای زیر کشت حوزه شهر تقریباً ۸۲۰۰ هکتار است که از آن مقدار ۵۵۰۰ هکتار تحت کشت غلات و گندم و جو و مقدار ۴۵۰ هکتار پنبه و در حدود ۱۱۰۰ هکتار صیفی و ۴۲۰ هکتار دانه های روغنی است، به اضافه ۶۵۰ هکتار باغات انار و انجیر است، محصول سالیانه غلات مزارع حوزه شهر در حدود ۵۰۰۰ تن و پنبه در حدود ۴۰۰ و محصول انار و انجیر باغستانها در حدود ۵۵۰۰ تن است.

مسئله دیگر این است که اقتصاد این شهر گذشته از درآمد ملی مردم تحت تأثیر مسافران و مردمی که منبع درآمد آنها در شهرهای دیگر است و در این شهر مجاورت و اقامت گزیدهاند دارای وضع مطلوبی است و به همین جهت در چند سال اخیر که وسائل ارتباطی تغییر کرده است شهر قم، نیز به طور روشنی در تغییر و ترقی افتاده است و به صورت یکی از مراکز تجارتی و مبادله کالا درآمده است و در حوزه شهرستان مجموعاً ۲۸۸۹۳ هکتار، تحت کشت غلات و پنبه و غیره است که از این

مقدار ۲۳۸۸۰ هکتار آن مزارع گندم و جو است که سالیانه در حدود ۱۱۲۲۲ تن گندم و ۱۳۳۸۲ تن جو محصول دارد و همچنین مقدار ۱۱۸۵ تن محصول پنبه این نواحی است که از ۲۵۵۰ هکتار بدست میآید و دیگر مقدار ۲۱۶ هکتار سیب زمینی و ۵۷۰۰ هکتار دانه های روغنی کاشته می شود باغستانهای انار و انجیر و بیشه ها مجموعاً به ۱۶۷۷ هکتار بالغ میشود در مراتع و چراگاههای حوزه این شهرستان تقریباً تعداد ۳۴۰۰۰۰ گوسفند و بز و در حدود ۹۵۰۰ گاو و گوساله وجوددارد گله های گوسفند این ناحیه دارای نژادهای مختلف است که نژاد کلکو و زندی بهترین نژاد آن است اصل این دو نژاد از بخارا و نواحی ترکستان است پوست برههای این نژاد مانند نژاد قره گل، که امروز در ناحیه خراسان شرقی و افغانستان تولید می شود مرغوب و مشهور است و دیگر ۳۵۰۰ نفر شتر و ۱۴۹۰۰ رأس الاغ و ۱۶۰۰ رأس اسب، قاطر در حوزه شهرستان قم وجوددارد صنایع آن: مصنوعات یدی مانند قالی بافی و پارچه بافی از جنس ارمک و کرباس و غیره، و شیشه گری و کارخانه های سفالین و کاشی کاری و صابون پزی از هنرها و صنایع قدیم این شهر است در سال ۱۳۱۴ کارخانهای که دارای ۵۴۰۰ دوک نخریسی است در این شهر با سرمایه پنج میلیون ریال تأسیس شد، در ابتدای امر این کارخانه در یک شیفر ۸ ساعتی با تعداد ۳۰۰ کارگر و کارمند مقدار ۱۶۰ بقچه نخ نمره بیست محصول داشت ولی بعد به تدریج و به علت وضع اقتصادی ناشی از جنک بین المللی دوم

محصول آن را بدون برابر رسانیدند، در این وقت در دو شیفر تعداد ۶۰۰ نفر مجموعاً کار می کردند و اخیراً عده کارگران به ۵۰۰ نفر تقلیل یافته است و فعلاً محصول روزانه آن به ۳۰۰ بقچه بالغ است این کارخانه از بدو تأسیس غیر از نخریسی و مقدار کمی پارچه بافی برق شهر را نیز تأمین می نمود ولی اخیراً به علت وسعت شهر و نارسائی و کم قدرتی موتورها توزیع برق از انحصار آن خارج و فقط مقداری از استفاده کنندگان برق، از این کارخانه برق می گیرند و بقیه احتیاجات را کارخانه دیگری که در سال ۱۳۲۶ به سرمایه اولیه ده ملیون ریال با سهام مردم تأسیس شد تأمین منماید این دو کارخانه مجموعاً هزار و دویست کیلوات ساعت برق دارند که از این مقدار بطور متوسط هزار کیلوات ساعت آن در ساعات اولیه شب مورد استفاده مردم است کارخانه های مختلف دیگر که بیشتر به تهیه مواد و مصالح ساختمانی خصوصاً گچ اشتغال دارند در اطراف شهر قرار دارد و اغلب محصول آن در شهرهای مجاور مانند اراک و ملایر و بروجرد و حتی شهرهای دور دست تر خریدار دارد در حوزه شهرستان قم معادن متعددی وجود دارد که از آنها معدن نمک و سنگ و گچ و سنگهای تزئینی ساختمانی و غیره مانند مرمر و سنگ سماق و امثال آن اکنون مورد استفاده و دائر است و هر ساله از این معادن مقدار زیادی استخراج می شود خصوصاً نمک آن که از لحاظ خوبی جنس شهرت دارد در سه کیلومتری جنوب غربی قم، کوهی است به نام مسگران که معدن

مس است و طبق گفته های مردم و حکایت ظاهر آن کوه، از قدیم الایّام مورد استخراج بوده، ولی اکنون هیچگونه استفادهای از آن نمی شود، در علی آباد، خاک چینی «کائولن» وجوددارد و به مقدار کم مورد استفاده است معدن نفت یکی از معادن پر ارزش این ناحیه است.

در سالهای پیش به علت وضع خاص سرزمین قم، زمین شناسان وجود نفت را در این نواحی احتمال می دادند و در سالهای ۱۳۱۵ شمسی به بعد در ناحیه شمالی کوه نمک و دشتهای مجاور دریاچه حوض سلطان کاوشهائی برای شناسائی دقیق زمین و طبقات آن انجام داده بودند ولی اقدامات آنها به علّت جنگ بین المللی دوم بدون نتیجه ماند تا در سالهای پس از جنگ و پس از تأسیس سازمان برنامه، شرکتی به نام «شرکت سهامی نفت ایران» که تمام سهام آن متعلّق به دولت بود در این ناحیه شروع بکار کرده ابتدا در نقطه ای که ازدهکده البرز ۲ کیلومتر فاصله دارد اولین چاه آزمایشی خود را شروع کردند و پس از حفر این چاه و چاههای دیگر و آزمایش خاکهای طبقات مختلف آن به وجود نفت اطمینان حاصل کردند و خوشبختانه در سال ۱۳۳۵ چاه شماره ۵ آن که هنوز وضع آزمایشی داشت به مخزن بزرگی رسید و با قدرت بسیاری «بافشاری متجاوز از چهار هزار اتمسفر» از دهانه آن فوران کرد متأسفانه وضع چاه قابل اطمینان و اعتماد نبود و به علت این که در عمق آن، از لوله گذاری مقدار چهارصد متر خودداری شده بود، مهار کردن آن چاه ممکن و عملی نگردید و پس از این که مدت سه

ماه در حال فوران بود و پس از خروج مقـدار زیادی نفت خام از دهانه آن، به علت ریزش طبقات عمقی خود بخود مسـدود و بسته گردیده و پس از آن شرکت به حفر چاههای اساسی و انتفاعی مبادرت ورزید; ولی هنوز حفر چاههای جدید که شماره شش و هفت نامیـده شـد، خـاتمه نیـافته است. معـادن نفت این نـاحیه در آینـده تأثیر عمیق و شدیـدی برروی وضع اقتصادی و اجتماعی قم «و ناحیه مرکزی ایران» خواهد داشت، خصوصاً اگر تصـفیه خانه نیز در همین ناحیه نصب گردد، گذشته از ثروت عظیمی که این شـهر جلب خواهد کرد، غیر مستقیم در صنایع دیگر و حتی تهیه آب کمک شایانی خواهد کرد خوش وقتیم از این که در اینجا تذکر دهیم که طبق فرمان شاه(۱) این معدن سرشار به دست ایرانی و با سرمایه ایرانی به کار خواهد افتاد و در نتیجه تمام ملت ایران از منافع آن بهرهمند و منتفع خواهند گردید و چرخ این صـنعت عظیم که ما در صنایع امروز دنیا است به نفع ملت به گردش درخواهد آمد، این مسئله کمال آرزوهای هر ایرانی است زیرا ملت ما در مدت نیم قرن اخیر

پاورقی

۱ چند جمله حذف شد.

خارجیان و سرمایه داران و تراست های نفتی را آزموده و از روابط و معامله آنها در این مدت تجربه ها گرفته و دیگر معامله و مشارکت با آنچنان مردمی را به نفع خود نمی بینـد زیرا ملت ایران اگر در یک امر اقتصادی قـدم می گـذارد، واقعاً مقصودش تجارت و مبادله کالای مورد مصرف]است[نه دزدی و باجگیری و امثال آن; متأسفانه در دنیای امروز

هنوز هم چگونگی بعضی مشارکتها و تجارتها و مبادلات، کمتر از دزدی و چپاول نیست باری در سرزمین قم مدیران و مهندسان و کارگرانی، به امر تولید و تصفیه و فروش نفت خواهند پرداخت که یا ایرانی بوده و یا در خدمت مؤسسه ایرانی آن، برپایه منافع و حقوق ملت ایران انجام وظیفه خواهند کرد]و محمدرضا پهلوی با تمام علاقه و صمیمیت، این نکته را در فرمان(۱) خود که در دیماه ۱۳۳۵ صادر شد، اعلام(۲) کردند و ضمناً باید از کوشش جناب آقای طباطبائی نماینده شهر قم در مجلس شورای ملّی، که در مسئله نصب تصفیه خانه در قم، و امور عمرانی دیگر این شهر کوشش می فرمایند سپاسگزاری کرد.

پاورقی

۱ در این دو سطر دو کلمه تبدیل شدند.

۲ در این دو سطر دو کلمه تبدیل شدند.

بخش دوّم

« الف »۱

آدم بن اسحاق(۱) بن عبد الله بن سعد الاشعری:

از روات و محدّثین موثق، نجاشی و شیخ منتجب الدین او را از عدول مورد اعتماد شمردهاند و به نقل از احمد بن ابی عبد الله البرقی(۲)، او را کتابی در جمع احادیث است، و در قبرستان شیخان قم مدفون است(۳).

آدم بن عبد الله القمی:

شیخ منتجب الدین در «فهرست»(۴)، وی را از صحابه حضرت صادق (علیه السلام)شمرده است(۵).

آذربیگدلی، «لطفعلی»:

از شعرای مشهور متأخّر در سال ۱۱۳۴ قمری در اصفهان متولّد شده است در دوران فتنه افغان به علّت اضطراب و وحشتی که در اصفهان مستولی بود.

پاورقی

۱ بن آدم بن عبد الله (ظ). نک: رجال نجاشی: ۱۰۵; فهرست طوسی: ۱۶. در خلاصه الاقوال به عدالتش تصریح شده و ابن داود هم در رجال خود وی را توثیق کرده است.

۲ و شیخ طوسی

در فهرست.

۳ ترجمه او در منابع زیر آمده است: رجال نجاشی: ۷۶; فهرست شیخ طوسی: ۵; معالم العلماء: ۲۱; جامع الرواه ۱/۸; اعیان الشیعه ۲/۸۵; تنقیح المقال ۱/۱; تراجم الرجال برقعی: ۱۰.

۴ و همچنین شیخ (رحمه الله) در رجال خود.

۵ مضجع شریف وی در قبرستان بابلان، حدود مقبره شیخان میباشد. ترجمه او را در منابع زیر نیز میتوان یافت: رجال الطوسی: ۱۴۳; جامع الرواه ۱/۸; تنقیح المقال ۱/۲; اعیان الشیعه ۲/۸۶; معجم رجال الحدیث ۱/۶; تاریخ قم ۱/۲; تاریخ مذهبی قم: ۱۷۹.

خانواده او به قم آمدند و مدّت چهارده سال، در آنجا اقامت گزیدند سپس همراه پدررخت سفر به شیراز و لار و سواحل خلیج فارس کشید در این دیار پدرش(۱)حکمرانی داشته است، از این پس مدّتی به سیاحت و گردش در شهرها پرداخت و به مکّه معظّمه مشرّف شد، و پس از مدّتی گردش در شهرهای عراق و زیارت اعتاب مقدّسه به ایران بازگشت و در اصفهان رحل اقامت افکند. در این زمان مجذوب کمالات و وارستگی های صوفیه شد و به سلک طریقت وارد گشت.

شاعری توانا و خوش قریحه بوده است، و در مکتب مشتاق اصفهانی(۲) و یاران او وارد شد و او را به استادی پذیرفت.

گذشته از دیوان اشعار او که حاوی غزلیات و قصائد(۳) و قطعات شیرین است تذکره‌ای در تراجم و شرح حال شعرا به نام «آتشکده» نگاشته است(۴).

از اشعار او دو قطعه در ذیل نقل می شود

مرا عجز و تو را بیداد دادند

به هر کس، هر چه باید داد، دادند

برهمن را وفا، تعلیم کردند

صنم را بیوفائی، یاد دادند

گران کردند گوش گل پس آنگه

به بلبل رخصت فریاد دادند

پاورقی

۱ پدرش از

طرف نادرشاه افشار به حکمرانی برگزیده شده بود.

۲ وی و صباحی و صهبا و اکثر شعراء عصر آذر «بیشتر قواعد نظم و نثر» که همان اصول سبک قدماست از محضر میر سیدعلی مشتاق اصفهانی (م ح ۱۱۱۷) آموخته اند.

۳ غالباً قصائد و غزلیات بر شیوه عراقی است، البته در مثنوی یوسف و زلیخا سبک هندی هم به چشم میخورد.

۴ این کتاب همانگونه که دکتر عبد الحسین زرین کوب نگاشته سلیقه وی را در شعر و نقد نشان می دهد و او را به سبب دقتی که در شناخت و به گزینی شعر داشت آذر دیر پسند خواندند. سیری در شعر فارسی: ۱۵۳. تذکرهاش حاوی شرح حال ۸۴۲ تن از شعرای پارسی گوی تا زمان مؤلف است و دارای دو مجمر: اول در شاعران فصیح قدیم، مشتمل بر یک شعله و سه اخگر و یک فروغ، مجمر دوم در شاعران معاصر مؤلف. نسخه خطی این آتشکده در کتابخانه آیت الله مرعشی (رحمه الله)موجود است.

دور از تو جانسپردن، دشواربود ما را

گر بیتو زنده مانیم، معذوردار ما را

من بیگناهم، اول جرمی بگوی، آنگه

خونم بریز، کاخر عذری بود جفا را

اعقاب او اغلب اهل ادب و شعرند فرزند او شرر(۱) و نوه اش اخگر شاعرانی استاد و در لطافت طبع و بیان شیوا، مانند آذر بودند، خانواده بیگدلی در قم و تهران از احفاد او هستند.

وفات «آذر» سال ۱۱۹۵ بوده است(۲).

ابراهیم بن محمّد الاشعری:

زندگی او در اواخر قرن دوّم و از روات حدیث می باشد. نجاشی(۳) و علامه وسیدبن طاووس او را توثیق کردهاند بیشتر روایاتاو از حضرت موسی بن جعفر

پاورقی

۱ حاجی رشید خان فرزند حسینعلی بیگ (م ۱۲۹۷ه .

ق) از ستونیان دربار ناصری بوده و مدتی رئیس عدلیه خراسان. نمونههایی از ترشلات او در کتاب تذکره سخنوران قم ص۱۸ به بعد آمده است. و نیز ر . ك: تذکره، شعرای قمی از علی اکبر فیض (خطی است) همین کتاب، الذریعه ۹/۵۱۰، المآثر والآثار: ۲۰۴ .

۲ هاتف و صباحی که با او «یک روح در سه کالبد» محسوب میشدند در حق او مرثیه هایی مؤثر گفتند. بدن وی در دارالایمان قم به خاک سپرده شد. بیت اخیر هفت بندی که صباحی بیدگلی شاگرد او در مرثیه اش سروده اینست:

نوشت کلك صباحی برای تاریخش

مقام آذر بادا بسایه طوبی

در کتب زیر ترجمه و یادی از وی رفته است: تاریخ ادبیات براون ۴/۲۰۴; ریحانه الادب ۱/۱۶، دویست سخنور: ۳، تحفه العالم: ۱۴۱، ریحانه الأدب ۱/۱۸; دائره المعارف، عبد العزیز جواهر کلام ۱/۲۹; فهرست نسخههای خطی کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی ۷/۲۰۵; مؤلفین کتب چاپی ۵/۱۲۷; مقدمه آتشکده آذر از سید جعفر شهیدی; تذکره القبور یا دانشمندان اصفهان; مکارم الآثار; از صبا تا نیما ۱/۱۳; مجمع الفصحاء ۴/۱۵۹ ۱۶۰ و ج۱ مقدّمه; گنج سخن ۳/۱۴۳; دایره المعارف تشیّع ۱/۳۲; مقدمه فغان دل، مشاهیر جهان، تراجم الرجال: ۱۱; تذکره اختر ۱/۱۶; سفینه المحمود ۱/۱۳۲; تذکره اختر: ۱۶; خوشدل طهرانی می نویسد: آذربیگدلی با شعرای سبک هندی مخالفت ورزیده و از این راه لطمه ای به پیکر ادبیات ما وارد آورده است.

۳ رجال النجاشی: ۲۵.

و علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) بوده. فضل بن محمد الاشعری برادر اوست و در فهرست شیخ منتجب الدیناز کتابی که برادران مشترکاً نوشته اند ذکریشدهاست(۱).

ابراهیم مروهجبل عاملی:

«حاج شیخ ابراهیم»(۲) متولّد

به سال ۱۲۹۶ در جبل عامل(۳) لبنان، از خانواده «مروه» در سنه ۱۳۲۳ به خدمت مرحوم کاشف الغطاء(۴) در نجف اشرف تلمذ کرده است و از محضر سید عبد الحسین شرف الدین عاملی و شیخ علی محمّد یزدی مستفیض گشته در سال ۱۳۲۸(۵) هجری قمری به قم مهاجرت و در این شهر توطّن کرده است(۶). ایشان عالمی جلیل و زاهدی نبیل بودند و روزگار را به تعلیم و تدریس گذرانده. محضر ایشان مرجع مرافعات و امور شرعیه مردم پائین شهر قم بوده است وفات ۱۳۷۰ قمری(۷).

پاورقی

۱ ر.ك: مجمع الرجال ۱/۶۴; رجال ابن داود: ۱۷; خلاصه: ۳; اتقان المقال: ۸; اعیان الشیعه ۲/۲۰۳; تذکره مشایخ قم: ۱۸; بشاره المؤمنین: ۵۶; تاریخ قم: ۱۶۶; بهجه الآمال ۱/۵۶۹; تنقیح المقال ۱/۳۰; التهذیب ۲/۳۵۱ و۱/۴۴۴ و۷/۲۵۵; تهذیب المقال ۱/۳۳۲; جامع الرواه ۱/۳۱; رجال ابنداود: ۳۳; رجال کشی: ۱۸۱; فهرست طوسی: ۸; کامل الزیارات: ۲۸; لسان المیزان ۱/۹۷; مجمع الرجال ۱/۶۴; معالم العلماء: ۵; معجم الثقات: ۴; معجم رجال الحدیث ۱/۲۵۲; معجمالمصنفین ۴/۴۷۱; معجمالمؤلّفین ۱/۸۶; منتهی المقال: ۲۵; منهج المقال: ۲۶; نقد الرجال: ۱۲; هدایه المحدّثین: ۱۲۸; الوجیزه: ۲۶; احسن التراجم ۱/۳۶.

۲ معظم له فرزند مرحوم حاج شیخ عباس عاملی و از احفاد مرحوم شیخ بهاء الدین عاملی بوده است.

۳ در قریه جبع.

۴ مرحوم آیت الله حاج شیخ احمد کاشف الغطاء.

۵ ۱۳۳۸ گنجینه.

۶ وی در این شهر از محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری استفاده کرده است.

۷ مدفن ایشان در قم قبرستان شیخان. و تاریخ صحیح در گذشت ایشان ۲۰ رجب سال ۱۳۷۱ه ق است. و نیز ترجمه او را در: گنجینه دانشمندان ۲/۱۲۰، آثار الحجه ۱/۲۲۲،

آینه دانشوران، نقباء البشر ۱/۴۵۷، اعیان الشیعه ۲/۱۷۵ .

ابراهیم بن هاشم(۱):

«ابو اسحق قمی» قرن سوم از راویانی است که سخن اصحاب درباره او مختلف است. علامه(۲) روایات او را مقبول دانسته و اغلب صحیح شمرده است، شاگرد یونس بن عبد الرحمن است وی اصلش از کوفه و به قم مهاجرت کرده است، کلینی و سعد بن عبد الله، و عبد الله بن جعفر حمیری، و محمد بن یحیی و عده دیگر به روایات او اعتماد کرده اند به دیدار علی بن موسی الرضا و امام جواد(علیهما السلام)نائل شده و از مشایخ اجازه است. دو کتاب دارد به نام (نوادر) و (قضایای امیر المؤمنین (علیه السلام))(۳).

« الف »۲

ابراهیم مسعودی (میرزا ابراهیم قمی):

از رجال معاصر خطیب، خطاط و سیاسی بوده در دوره چهارم وکیل مردم قم در مجلس شورای ملّی بوده است کتابهای تاریخ تمدّن اسلام (می ظ) و

پاورقی

۱ این بزرگوار اول کسی است که احادیث کوفیین را در قم نشر داد. علماء حدیث او را حسن کالصحیح می دانند و شیخ بهائی از والد خود نقل کرد که وی میفرمود: من حیا می کنم که حدیث ابراهیم را صحیح نشمرم. و علامه طباطبائی در رجال خود فرموده: اصح درنظر من این است که ایشان ثقه و صحیح الحدیث است، مرحوم میرداماد در رواشح فرموده: «والصحیح الصریح عندی أنّ الطریق من جهته صحیح فأمره أجل وحاله أعظم من أن یعتدل ویتوثّق بمعدل أو موثق غیره بل غیره یعتدل ویتوثّق بتعدیله وتوثیقه ایّاه». و نیز مرحوم مجلسی و محقّق اردبیلی تصریح به وثاقتش کرده اند و مرحوم محدّث نوری در مستدرک وجوهی برای توثیق او ذکر کرده.

۲ ر.

ک. خلاصه علامه; رجال نجاشی.

۳ محل قبر او معین نیست. در شرح حال او رجوع شود به: مجمع الرجال ۱/۷۹ ۸۰; رجال ابن داود: ۲۰; خلاصه: ۳; تنقیح المقال ۱/۳۹; تذکره مشایخ قم: ۱۹; تاریخ قم: ۱۶۶; رجال شیخ طوسی: ۳۶۹; تحفه الأحباب: ۹، رجال نجاشی: ۱۲، فوائد الرضویه: ۲۶۴; فهرست شیخ طوسی: ۱۴; نقد الرجال: ۱۵; معالم العلماء: ۳; الذریعه ۱۷/۱۵۲ و۲۴/۳۱۹; المعجم الموحّد ۱/۷۲.

عباسه «اخت الرشید» تألیف جرجی زیدان را به فارسی ترجمه کرده است(۱)، وفات ۱۳۲۵ شمسی(۲).

ابن بابویه:

به ابو عبد الله حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه القمی رجوع شود.

ابن شاذان:

محمد بن علی القمی قرن سوم فقیه و محدّث مورد اعتماد و ثقه است(۳)

پاورقی

۱ ایشان تألیفات دیگری هم داشتهاند به نامهای: اجوبه الوفیه در علم صرف، چاپ طهران; عقد الجمال در معانی و بیان و بدیع، چاپ طهران; مدارج القرائه ۳ج، طبع طهران; مؤلّفین کتب چاپی ۱/۹۲، و نیز ر. ک. گنجینه دانشوران: ۲۰۹ ۲۰۴; گنجینه آثار قم: ۳۷۲.

۲ ۱۳۵۱ . فیص در گنجینه آثار قم.

۳ تاریخ وفات این محدّث جلیل القدر بدست نیامد ولیکن در سال ۴۰۲ به مکّه بوده و شاگردش علامه کراچکی در این سال از وی حدیث شنیده. پدر وی احمد بن علی نیز از محدّثان و دانشمندان شیعه است و دارای کتابی به نام زاد المسافر و الامالی میباشد بنابر این نباید آندو را در عداد رجال قرن سوم به حساب آورد قرن پنجم به واقع نزدیکتر است.

خواهر زاده ابن قولویه بوده و کتابی در مناقب علی بن ابیطالب (علیه السلام) دارد(۱).

ابو ابراهیم:

الشیخ الثقه اسمعیل بن محمّد بن بابویه

القمی، اسحق بن محمّد بن حسن بن حسین بن موسی بن بابویه برادر اوست. شیخ منتجب الدین ترجمه هر دو را در فهرست(۲) آورده هر دو را از عالمان جلیل و محدّثان ثقه ذکر کرده است.

ابو الحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه القمی (۳):

اواخر قرن دوّم و اوائل قرن سوم از مشایخ حدیث(۴) معتمد و موثق اصحاب، و مفتخر به توقیعی از حضرت امام حسن عسگری (علیه السلام) شده است(۵)،

پاورقی

۱ ابن قولویه دائی پدرش بوده، باید دانست که مناقب او غیر از فضائل شاذان بن جبرئیل قمی است، فوائد الرضویه: ۳۹۰; الکنی والألقاب.

۲ فهرست منتجب الدین: ۳۳. در ترجمه او رجوع شود به مجمع الرجال ۴/۱۸۶ ۱۸۹; رجال ابن داود: ۱۴۱; خلاصه: ۴۵; تذکره مشایخ قم: ۵۳; روضات الجنات: ۳۷۷; منتهی المقال: ۲۱۳; فوائد الرضویه ۱/۲۸۰; هدیه العارفین ۱/۶۷۸; منهج المقال: ۲۳۱; فهرست ابن ندیم ۱/۱۹۶; معجم المؤلّفین ۷/۸۱; بهجه الآمال فی شرح زبده المقال ۵/۴۱۴; و مقدمه الهدایه: ۴۲.

۳ کنیه ایشان «ابو الحسن» معروف به ابن بابویه «که گاهی بخاطر کثرت استعمال بابویه هم خوانده می شود) و در اصطلاح فقهاء گاهی به فقیه و گاهی در مقابل پسرش (محمد بن علی = صدوق)، به صدوق اول متصف می گردد. و ایشان غیر از علی بن بابویه صوفی است که قرامطه وی را در سال ۳۱۶ قمری در مسجد الحرام کشتند. ر. ک. الکنی والالقاب ج۱; نوابغ الرواه جزء اول از طبقات اعلام الشیعه: ۸۵; و مقدمه الهدایه: ۳۷.

۴ ایشان یکی از فقهاء بزرگ شیعه بوده و در عظمت علمی وی همین بس که فقهاء همانطور که شهید

اوّل در «ذکری» فرموده: در مواردی که حدیثی از پیشوایان دینی شیعه سلام الله علیهم أجمعین نرسیده باشد، فتاوای او را نشان از وجود حدیث در آن زمینه می دانند. علامه(رحمه الله)دربارهاو درکتاب خلاصه میگوید: «بزرگ قمیان درعصر خود فقیه وثقه ایشان بوده».

۵ از آنجا که توقیع مزبور حاوی نکات اخلاقی و دستور العمل مفید برای خود سازی است و امام عسگری (علیه السلام) شیعه را به عمل به مفاد آن توصیه کرده و نیز مقام بلند علمی مترجم را می رساند به ترجمه آن اشاره می گردد در آن توقیع پس از درود و ثناء و حمد و سپاس الهی آمده است که; بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و درود ویژه آفریدگار جهان است، ای شیخ و مورد اعتماد من! ای ابا الحسن علی بن الحسین القمی!، خداوند ترا به رضایت و خشنودیهای خویش، موفق بدارد و ترا مژده می دهم که خداوند فرزندان صالحی را به تو عنایت خواهد کرد، ترا به تقوا و به پاداشتن نماز و پرداخت زکات توصیه می نمایم زیرا نماز فرد تارک زکات مقبول درگاه خدا نیست. ترا دعوت می کنم به گذشت از خطاها و خودداری از غضب وصله رحم و مراعات برادران دینی، و سعی و تلاش در برطرف کردن گرفتاری آنان، در آسانی ها و مشکلات، و علم اندوزی و تفقّه در امور دین، و پایداری، خدای عز وجل در آیه ۱۱۴ سوره نساء می فرمایدترا به اجتناب از ناروائیها دعوت می کنم و ترا به نماز شب فرامیخوانم (و این توصیه سه مرتبه تکرار شده) زیرا پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) علی

(علیه السلام) را سه بار به این امر سفارش کرد و فرمود: کسی که نماز شب را سبک بشمارد از ما نیست. ترا و شیعیان را به عمل به مفاد این نامه توصیه می نمایم، باز ترا به صبر و پایداری و انتظار فرج دعوت می کنم زیرا، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)فرمود: بهترین اعمال امّت من انتظار فرج است و نیز فرمود: امّت من همواره در حال حزن واندوه باشند تا آنکه فرزند من ... ظاهر گردد. و وعده داده است که او روی زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود پس از آنکه از جور و ظلم پر شده باشد. پس ای شیخ بزرگوار صبر را پیشه خود ساز و عموم شیعیان را نیز به شکیبائی و پایداری دعوت کن، زمین از آن خداوند است و آنرا در اختیار افرادی از بندگان خویش که بخواهد قرار می دهد و پایان کار از آن پروا پیشگان خواهد بود. سلام و درود و رحمت و برکات خداوند بر تو باد او خداوند کفایت کننده ما است. حسبنا الله ونعم المعین ونعم المولی ونعم النصیر.

لؤلؤه البحرین: ۳۸۴; مجالس المؤمنین ۱/۴۵۳; مستدرک الوسائل ۳/۵۲۷ ۵۲۸; ریاض العلماء ۴/۷; احتجاج طبرسی; لوامع صاحبقرانی ۱/۴۰۲ ۴۰۳; روضات ۴/۲۷۷.

رئیس المحدّثین شیخ صدوق فرزند اوست، و دارای مصنّفات عدیده ایست(۱)از آن جمله۱ کتاب التبصره من الحیره(۲).

۲ کتاب الإمامه.

پاورقی

۱ ابن الندیم در «الفهرست» گوید: صدوق در یکی از اجازاتش تألیفات پدر را ۲۰۰ جلد دانسته و در رجال نجاشی ۱۸ کتاب از آنها را نام برده.

۲ کتاب «الإمامه» و «التبصره من الحیره» با تحقیق و

مقدّمه آقای سید محمد رضا حسینی جلالی و توسّط مؤسّسه آل البیت (علیهم السلام) در سال ۱۴۰۷ه ، ۱۹۸۷م به چاپ رسیده است.

۳ کتاب التوحید.

۴ کتاب الإیلاء.

۵ کتاب المنطق.

۶ کتاب الطب.

۷ کتاب الاخوان.

۸ کتاب التفسیر.

۹ کتاب المعراج(۱).

وفاتش سنه ۳۲۹ قمری، مدفن او در قم ضلع شرقی قبرستان قدیم قم و در حاشیه شرقی خیابان ارم، معروف به مقبره ابن بابویه دارای گنبد و بارگاه کاشی کاری است.

ابو الحسن «حاج میرزا ابو الحسن روحانی»:

تولّد ۱۳۰۹ قمری فرزند مرحوم حاج سید صادق مجتهد قمی خدمت آیه الله سید ابو الحسن اصفهانی به نجف اشرف تلمذ کرده است. فعلاً ساکن قم و از محترمین و مروّج احکام شریعت است(۲).

ابو الحسن «حاج میرزا ابو الحسن روحانی»:

تحصیلاتش در قم و از شاگردان آیت الله حائری و آیت الله بروجردی است.

پاورقی

۱ بقیه آثار ایشان در مقدّمه «الإمامه» و «التبصره من الحیره» معرفی شده است.

۲ ایشان در زمانی که در قم بوده از محضر پر فیض مرحوم آیت الله حائری استفاده کرده و یک دوره کامل فقه و اصول مرحوم حاج شیخ را دیده و آنگاه به نجف اشرف سفر کرده و پس از چند سال توقّف در آنجا چشم از جهان فرو بسته و در جوار امام المتقین، امیر المؤمنین علی(علیه السلام) دفن شده است. ایشان فرزندانی به نامهای آیت الله حاج سید مهدی و حاج سید هادی روحانی دارد. در ترجمه او به منابع زیر می توان مراجعه کرد: گنجینه دانشمندان ۱/۲۳۷; دایره المعارف تشیّع ۱/۱۷۴.

از بدو ورود آیه الله بروجردی به قم در سلک ملازمین ایشان وارد شده وبعضی امور طلاب را

عهده دار است(۱).

ابو الحسن علی بن عبید الله «منتجب الدین»(۲):

از روات و محدّثین مورد اعتماد است. کتاب «فهرست» در تراجم رجال و فهرست کتب شیعه از اوست، این کتاب در حاشیه یکی از مجلّدات بحار الانوار(۳) چاپ کمپانی چاپ شده است.

شیخ رافعی شافعی(۴) که یکی از علماء عامه است شاگرد او است(۵)

«الف »۳

ابو الحسن موحّد «حاج موحّد قمی»:

از دانشمندان و فضلای قمی است و اکنون در تهران به وکالت دادگستری اشتغال دارد و عضو هیئت مدیره کانون وکلای عدلیه می باشد. تحصیلاتش در حوزه علمی قم و تولّدش در سال ۱۳۰۲ هجری قمری بوده است...

پاورقی

۱ ببینید: آثار الحجه ۲/۷۹.

۲ وفات ایشان در ۵۸۵ه است و بعضی بعد از این تاریخ ذکر کرده اند.

۳ صاحب ریاض العلماء تمام آن را در جلد اول اجازات بحار درج کرده است و دو چاپ مستقل دارد یکی با تحقیق استاد سید عبد العزیز طباطبائی (رحمه الله) که در تاریخ ۱۴۰۴ و توسّط مجمع الذخائر الاسلامیه چاپ شد و دیگری با تحقیق و مقدّمه دکتر سید جلال الدین محدّث ارموی توسط کتابخانه آیت الله مرعشی در سال ۱۳۶۶ شمسی به چاپ رسید.

۴ ر. ک. التدوین فی تاریخ قزوین. و مقدمه فهرست چاپ ارموی ص۸ و مقدمه چاپ استاد طباطبائی ص۱۰.

۵ ترجمه ایشان در کتب زیر آمده است: مقدمه فهرست او، و لؤلؤه البحرین: ۲۳۴; مستدرک الوسائل ۳/۴۶۵; امل الآمل: ۴۸۸; روضات الجنات ۴/۳۱۶; اعیان الشیعه ۴۱/۳۴۳; الاعلام زرکلی ۵/۱۲۵; الکنی والألقاب ۳/۲۰۹; مصفی المقال: ۴۶۳; الایرانیون والأدب العربی ۳/۳۰۱ تا ۳۰۸; تنقیح المقال ۲/۲۹۷; منتهی المقال: ۲۱۹; فوائد الرضویه ۱/۳۰۹; تذکره المتبحرین: ۴۸۸; معجم المؤلّفین ۷/۱۴۴; بهجه الآمال فی شرح

زبده المقال ۵/۴۹۶.

ابو الفتح علی بن محمد بن العمید القمی «ذو الکفایتین»:

اواخر قرن چهارم وزیر رکن الدوله ومؤیّد الدوله دیلمی است. وزارت او پس از وفات پدرش (ابو الفضل محمد بن حسین بن العمید القمی) شروع می شود(۱) شاعری زبردست و نویسنده ای توانا بوده صاحب بن عباد با تمام جلالت و فضل او را مدح و بر او میخواند وبالآخره به امر مؤیّد الدوله به زندان افتاد و در همان زندان درگذشت.

ابو الفضل زاهدی قمی «حاج میرزا ابو الفضل»:

واعظ مدرس تفسیر و کلام در حوزه علمیه قم. سال ۱۳۰۹قمری متولّد شده. فرزند حاج ملا محمود واعظ قمی نماینده دوره اول مجلس شورای ملّی، شاگرد مرحوم آقا شیخ ابو القاسم قمی و مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری فعلاً ساکن قم و از اساتید حوزه و از ائمّه جماعت است(۲).

پاورقی

۱ نک: تجارب الامم ۲/۲۷۳ ۲۷۴; الکامل ۸/۶۰۶.

۲ وی تألیفاتی به این شرح دارد: ۱ رساله الشرط وآثاره، ۲ رساله الضرر، ۳ افعل وما افعل، ۴ منطق الحسین (علیه السلام)، ۵ مقصد الحسین (علیه السلام) ۶ اثبات المعلوم فی نفی المفهوم، ۷ تسهیل الأمر فی بحث الأمر، ۸ ارغام الکفره فی سوره البقره (ناتمام)، ۹ اقسام الدین (ناتمام)، ۱۰ بعضی حواشی بر جواهر.

یکی از آثار بر جای مانده از این عالم اسلامی بازسازی زیر زمین قسمت غربی مسجد امام حسن عسکری(علیه السلام) قم است که از مساجد قدیمی و پر برکت قم است واحمد بن اسحاق اشعری قمی آن را در اوائل نیمه اول قرن سوم هجری به امر یازدهمین امام شیعه احداث کرده است و در سال ۱۲۰۰ قسمت شرقی مسجد توسّط

حاج ابراهیم قمی و قسمت غربی توسّط حاج علی نقی کاشانی به آن اضافه شد ، در مجاورت این زیر زمین کتابخانه ای احداث گردید که دارای چهار هزار جلد کتاب و مورد استفاده طلاب و دانشجویان است. توضیح بیشتر راجع به مسجد در مصاحبه حضرت آقای زاهدی آقا زاده آیه الله زاهدی با رسالت ش۵۰۱، ۶ صفر ۱۴۰۸ ص۱۰. آیه الله زاهدی در ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۹۸ه ق از دنیا رفت و در قبرستان شیخان دفن شد.

ابو الفضل تولیت «مصباح»:

فرزند مرحوم محمد باقر متولی باشی و رئیس خدام حرم فاطمه معصومه(علیها السلام). هفت دوره دارای کرسی قم در پارلمان بوده است. خطاط و نقاش و در تیراندازی ماهر است(۱).

ابو الفضل طهماسبی:

نویسنده و روزنامه نگار، صاحب روزنامه استوار قم دارای مشی آزادی خواهانه و مدافع مردم است. ایشان به علّت مشی مخصوص به خود مورد تعرّض حتی جرح و ستم مخالفین واقع شده ولی همچنان به اصول افکار خود وفادار است. از شروع روزنامه نگاری او اکنون ۲۲ سال میگذرد(۲).

پاورقی

۱ وی در روز جمعه پنجم مرداد ۱۳۵۸ شمسی فوت کرد . در «انقلاب بی رنگ» سال ۱۶ دوره جدید مسلسل ۳۸۰ آمده: او به تحقیق از رجال برجسته و مورد احترام اکثریت قریب به اتفاق مردم قم بود، آن مرحوم پس از سالها نزدیکی و تماس الزامی به لحاظ رعایت مصالح منصب و مقام روحانی، سیاسی که با رژیم داشت لکن بناگاه در ۱۹ مرداد ۱۳۳۶ در رفراندم علیه رژیم حاکم علناً شرکت نموده سر به مخالفت با طاغوت برداشت و از طرفداران مرحوم دکتر مصدق گردید بالنتیجه برای همیشه از نمایندگی

مجلس محروم شد و بعد از وقایع و جریانات سال ۱۳۴۲ و طرفداری و ارادت ورزی نسبت به مقام عالی رهبر انقلاب اسلامی دوبار (سنوات ۴۳ و ۱۳۴۴) تحمل زندان نمود. همین تعنّیات و مشقّات معظم له را در میان مبارزان راستین جامعه محبوبیّت بخشید...

در ترجمه سید ابو الفضل تولیت ر. ك: گنجینه آثار قم ۱/۳۷۴، گنجینه دانشوران؛ دایره المعارف تشیع، ج ۱و۵/۱۵۸.

۲ وی در ۱۲۸۰ متولّد و خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۴ آغاز کرد و مدّت ۴۲ سال روزنامه استوار قم را اداره کرد و در ۱۰ مرداد ۱۳۵۴ بدرود حیات گفت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید. اولین شماره روزنامه او در ۲۴ تیر ۱۳۱۴، مطابق با ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۵۴ در قم منتشر شده است. و نیز ر. ک. چهره مطبوعات معاصر: ۱۹۲.

ابو الفضل محمد بن العمید القمی «معروف به استاد»(۱):

قرن چهارم وزیر دانشمند رکن الدوله دیلمی، متبحر در علوم فلسفه و نجوم و ادب و نویسنده توانا است درباره او گفته شده است «بدأت الکتابه بعبد الحمید و ختمت بابن العمید». دانشمندان را دوست می داشت و حمایت می کرد و صاحب بن عباد لقب (صاحب) را به خاطر هم صحبتی او به دست آورد.

ابو الفضل «دکتر مصفا»:

صاحب درجه دکترا در ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات تهران دبیر فرهنگ قم و نویسنده ای فاضل و دانشمند است(۲).

ابو القاسم بن محمد حسن «میرزای قمی»:

در سال ۱۱۵۲ قمری در دهکده (درباغ) از قراء جاپلق والیگودرز متولّد شده است، پدرش را گیلانی دانستهاند ولی مبنای صحیحی ندارد(۳)، شاید شهرت او به گیلانی به این دلیل باشد که چند سالی از عمرش

را در شـفت گیلان گذرانده است، مقدّمات علوم را نزد والد ماجدش تعلیم گرفته و سـپس به خونسار رفته، و پس از چندی به اعتاب مقـدّسه تشـرّف یافته است و در آن سامان خـدمت آقا محمـد باقر بهبهانی علامه عصـر تدرس کرده و پس از مراجعت، مدّتی در اصـفهان سکونت گزید و مدّتی نیز به هنگام حکومت کریم خان وکیل الرعایا شیراز رفته است وبالآخره در قم توطن اختیار کرد و تا پایان عمر به تعلیم و تدریس فقه و اصول و علوم اسلامی همت گماشتند.

پاورقی

۱ و نیز ر. ك. رساله شـرح احوال و آثار ابن عمید (از دکتر سـید ضیاء الدین سجادی، چاپ شرکت انتشاراتی پاژنگ; وزیران ایرانی: ۱۲۵.

۲ از تألیفـات اوست: بـا حافـظ بیشـتر آشـنا شویم (قم، ۱۲۳۷ش، عربی، وزیری ۱۳۹۰ صـفحه)، فرهنگ اصـطلاحات نجومی. سخنوران نامی معاصر ۵/۳۳۳۶، مؤلّفین کتب چاپی ۱/۲۱۵; سالنامه دبیرستان حکمت قم، سال تحصیلی ۳۶ ۱۳۳۷ ش.

۳ مرحوم حاج شیخ عباسی قمی می نویسد: وی بدین لحاظ به میرزای قمی اشتهار یافت که در شهر قم حرم ائمه اطهار (علیهم السلام) متوطّن گردید.

در فضائـل و معـارف حضـرتشان هر چه گفته شود، قطرهـای از دریاست. وجود مبارك او در حیات و ممات منشاء سـعادت و برکات است و مدفن شریف او ملجاء حاجتمندان.

تصنیفات او به این شرح است:

۱ کتاب القوانین در اصول فقه.

۲ جامع الشتات در فقه(۱).

۳ کتاب غنائم در عبادات.

۴ کتاب مناهج.

۵ رساله به فارسی در اصول دین.

۶ کتاب مرشد العوام در فقه به فارسی.

۷ منظومهای به عربی در علم معانی و بیان.

و همچنین دیوان شعر

عربی و فارسی در حدود پنج هزار بیت.

وفاتش در سنه ۱۲۳۱ قمری است(۲)، ایشان را فرزنـد ذکور نمانـده است و آنهائی که فعلاً منتسب به حضـرت ایشانند، عموماً دختر زادگـان و اسـباط اوینـد، خانـدانهای معروف ایشـان یکی در قم احفـاد میرزا ابوطالب قمی است که به(میرزائی) ملقّب و مشـهورند و دیگری در شهر کاشان احفاد مرحوم ملا محمّد(۱)فرزنـد ملا احمد نراقی هسـتند و نیز دو عالم جلیل که از فحول مجتهـدین عصـر خود بود ندبه شـرف مصاهرت حجت الحق میرزای قمی نائل شدهاند یکی مرحوم آخوند ملا علی بروجردی کـه از احفـاد او فعلاًـ در بروجرد و تهران بـه لقب (علویـان قـوانینی) مشـهورند، اغلباهـل علم و دانشـند و دیگر مرحـوم حجّت الاسـلام حاج ملا اسـد الله بروجردی است که بازماندگانش به لقب «حجّتی» شـهرت یافته اند(۲). در کتاب «المآثر والآثار»(۳) نقل شده است که فتحعلی خان صبا ملك الشعرا درباره این مصاهرت چنین گفته است:

پاورقی

۱ مرحوم محدّث قمی در الکنی والألقاب می نویسـد: این کتاب بقدری نفیس و مفید است که هر مجتهدی به آن نیاز مندمی باشد، و هر کس بخواهد بر جنبه فقاهت و اطلاعات خود و... مطلع گردد به این کتاب رجوع نماید.

۲ مرحوم میرزای قمی یك پسـر و نه دختر داشـته است که پسـرش در زمان پدر (در سـنین کودکی) در آب غرق شد و از دنیا رفت. مؤلّفین کتب چاپی ۱/۲۸۲، ۲۸۳.

عقل گفتا اسد اللهی باز

همدم دخت(۴) ابو القاسم شد

مدفن شریف او در شیخان قم و زیارتگاه مردم دانش دوست و قدرشناس است.

پاورقی

۱ ثمره این وصلت است عالم بزرگوار مرحوم میرزا ابو القاسم نراقی (متوفای ۱۳۱۹)، مؤلّف کتاب «مجیب الظنون»

و «تسهیل الدلیل»; تاریخ قم ۲۲۱ ۲۲۳.

۲ ایشان استاد، علامه محقّق، استاد الفقهاء والمجتهدین شیخ مرتضی انصاری است و دارای آراء مخصوص از جمله «الفتاح باب علم» بوده است. وبه «حجه الاسلام» اشتهار داشته است. وی سه پسر به نامهای فخرالدین محمد و جمال الدین محمد و نور الدین محمد داشته که هر سه از دانشمندان بزرگ و از مجتهدین شیعه بودهاند. خاندان قوانینی بروجرد نیز به مرحوم حاج ملا اسد الله می پیوندند. ترجمه و ذکری از او در کتب زیر شده است: الکرام البرره: ۱۲۸; سفینه البحار ۱/۲۱; الفوائد الرضویه ۱/۴۲ ۴۳; الروضه البهیه: ۲۶۲; روضات الجنّات ج۱، تحقیق و شرح سید محمد علی روضاتی: ۲۴۸; قصص العلماء: ۱۱۵ ۱۱۷ و۱۴۵ و۱۸۲; اعیان الشیعه ۱۱/۱۴۹ ۱۵۰; ریحانه الأدب ۱/۳۱۱ ۳۱۲; مقتبس الأثر ۴/۲۴۶; ناسخ التواریخ; مجلّد قاجاریه ۳/۲۰۵; زندگانی و شخصیّت شیخ انصاری: ۶۶ ۶۷; المآثر والآثار: ۱۴۰; دائره المعارف الاسلامیه ۲/۱۵۵; نخبه المقال: ۱۶; لباب الألقاب: ۵۹; مرآه البلدان ۲/۱۵۴; لغت نامه، حرف الألف: ۲۲۶۴.

۳ المآثر والآثار: ۱۶۱.

۴ کلمه «بنت» به «دخت» تحریف شده است ر. ک. روضات الجنّات با تحقیق آقای روضاتی ۱/۲۴۹.

« الف »۴

ابوالقاسم جعفر بن محمّد بن جعفر بن موسی بن قولویه القمی (۱):

قرن چهارم فقیه و محدّثی جلیل و استاد شیخ مفید(۲) بوده است، دارای مصنّفات عدیده منجمله۱ کتاب قضا و آداب و احکام(۳).

۲ کتاب الشهاده(۴).

۳ کتاب تاریخ شهور و حوادث.

۴ کتاب کامل الزیاره(۵).

پاورقی

۱ درباره ایشان نک. رجال نجاشی ۱۲۳ ، نجاشی گوید: وی از اصحاب مورد وثوق ما; از بزرگان ایشان در حدیث وفقه بود

و از همـه مردم بالاـتر بـود «کتب نیکـویی داشت». فهرست طوسـی: ۴۲; رجال طوسـی: ۴۵۸; خلاصه ۱/۳۱; المعجم الموحّد ۱/۱۸۵.

۲ نک: رجال طوسی، ۴۱۸، رقم ۶۰۳۸; فهرست: ۹۲، رقم ۱۴۱. در بزرگی مقام ایشان همین بس که استاد شیخ مفید رحمه الله علیه است و زمان فوتش را امام زمان (عـج) معیّن فرموده است. وفاتش یا در سال ۳۶۹ یا ۳۶۸ می باشد و مدفنش همانطور که مرحـوم محـدّث قمی (رحمه الله) در فوائـد الرضویه: ۷۸ و مؤلّـف گنجینه دانشـمندان ۱/۷۲ نوشـته انـد بقعه مطهّره کاظمیه در کـاظمین (پـائین پـای امـامین همـامین (علیهما السـلام) است) و قبری که در نزدیکی بقعه علی بن بابویه قمی در قم وجوددارد مربوط به محمّد بن قولویه والد ایشان است.

۳ قضـا و آداب احکـام دو کتـاب میباشـند. و غیر از کتبی که ذکر شـد از این کتابها مـداوه الحسـد، وکتاب یوم و لیله و کتاب النوادر وکتاب النساء نیز یاد می کنیم.

۴ الشهادات (ظ)، و شیخ الطائفه در فهرست گوید ابن قولویه به عدد أبواب فقه کتاب نوشته است.

۵ مرحوم مجلسی (رحمه الله) در مقدمه بحار الانوار می فرماید: کتاب کامل الزیاره... از اصول معروفه است که شیخ طوسی در کتاب تهذیب و دیگر محدّثان در کتب خود از آن استفاده کردهاند. این کتاب دارای ۱۰۸ باب است و حاوی احادیث مربوط به ثواب و اهمیّت زیارت پیامبر(صـلی الله علیه وآله وسـلم) وائمّه معصومین (علیهم السـلام) است و در سال ۱۳۵۶ با تصحیح و حواشی علامه متتبع شیخ عبد الحسین امینی در نجف و اخیراً با تحقیق شیخ جواد قیّومی در قم به چاپ رسیده است.

در سال

۳۶۹ (۱) قمری وفات کرده است و قبرش در قسمت شرقی شیخان و کنار خیابان ارم قم است(۲).

ابو القاسم روحانی (حاج میرزا ابو القاسم):

از مدرسین حوزه علمیه قم و از ائمّه جماعت است فرزند مرحوم حاج سید صادق(۳) مجتهد قمی است تحصیلات او در نجف اشرف و از محضر مرحوم نائینی و آیت الله اصفهانی(۴) استفاضه کرده است(۵).

ابو القاسم صاحب جمعی قمی:

از شخصیتهای مورد توجه قم، در تأسیس مدرسه محمودیه واداره آن با آقای سید محمود مدیر قمی همکاری داشته و سپس در سال ۱۳۳۷ قمری در آقای حاج سید محمد علی روحانی و حاج سید فضل الله روحانی و حاج سید مهدی روحانی فرزندان اویند. ایشان در قم از دنیا رفته ودر قبرستان شیخان خاک سپاری شده است.

پاورقی

۱ نقل فوق در خلاصه: ۸۸، رقم ۱۸۹ آمده و صحیح است برخی ۳۶۸ ه . ق ذکر کردهاند ر.ک. رجال شیخ طوسی: ۴۵۸; لسان المیزان ۲/۱۲۵.

۲ علی بن محمّد مکنی به ابو الحسین از محدّثان شیعه و برادر شیخ جعفر و صاحب کتاب فضل العلم و آدابه است که در سن ۹۰ سالگی فوت کرده است و پدر شیخ جعفر، محمّد بن جعفر مکنّی به ابو جعفر یا ابوالقاسم است که از محدّثان و وجوه فقهای شیعه و از ثقات است که در سال ۲۹۹ یا ۳۰۱ه . ق در قم درگذشته و نزدیک بقعه علی بن بابویه قمی (پدر صدوق) دفن گردیده. و نیزنک: ریحانه الأدب ۸/۱۶۲ و۱۶۳; مفاخر اسلام ۳/۱۳۵.

۳ وی سومین فرزند مرحوم آیت الله حاج سید صادق روحانی است.

۴ و مرحوم آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی.

۵ صاحب گنجینه دانشمندان در ۱/۳۳۷

می نویسد: «آن جناب عالمی بود عامل وفاضلی بود کامل و متعصّب و غیور در دین ولی در عین حال بسیار ظریف و خوش مشرب و خوش مجلس و محاوره بود. فرزندانی دارد که در سلك روحانیّت و علماء قم و تهرانند».

در ترجمه او به منابع زیر می توان رجوع کرد: گنجینه دانشمندان ۱/۳۳۷; دایره المعارف تشیع ۱/۱۷۴.

تأسیس مدرسه دیگری به نام اتحادیه قدسیه کوششهائی کرده است، این مدرسه در سال ۱۳۳۹ منحل شد، فعلاً ساکن قم و سرپرست امور ساختمانی مسجد آیت الله بروجردی و عهده دار امور عام المنفعه دیگر است.

ابو القاسم طباطبائی (حاج میرزا ابو القاسم)(۱):

برادر ارشد مرحوم آیت الله حاج آقا حسین قمی و فرزند مرحوم حاج سید محمود(۲) قمی است. مردی دانشمند و زاهد بوده است.

ابو القاسم عارفی(۳) فرزند حاج سید حسن عارفی:

نویسنده ای فاضل است مدّتی روزنامه سرچشمه را در قم منتشر کرده و اکنون مقالات مفیده در روزنامه های قم می نویسد.

ابو القاسم (آقا شیخ ابو القاسم قمی) فرزند محمد تقی:

در سال ۱۲۸۱ قمری متولّد شده و از محضر شیخ محمد جواد قمی و حاج میرزا خلیل طهرانی و حاج آقا رضا همدانی صاحب مصباح الفقیه و آخوند ملا محمد کاظم یزدی استفاده کرده است. در سال ۱۳۵۳ ایشان را با مرحوم حاج سید محسن امین (جبل عاملی) اتفاق ملاقات افتاده است و مرحوم امین شرح این ملاقات را در اعیان الشیعه ذکر می کند. ایشان مردی مطلع و فقیهی پارسا بوده و اغلب مردم قم و شهرهای دیگر از او تقلید می کردند. بسیار مراقب و محتاط و بی اندازه کریم و مهربان بوده اند. در

جمادی الاخری سنه ۱۳۵۳ قمری وفات کرده و در مسجد بالاسر مدفون است(۱).

پاورقی

۱ وی از شاگردان مرحوم میرزای بزرگ شیرازی رهبر نهضت تنباکو و سید صاحب عروه بوده و در سال ۱۳۳۵ جهان فانی را وداع گفته و در قبرستان شیخان قم مدفون گردیده است. ر.ک. میرزای شیرازی: ۱۰۵; دایره المعارف تشیع ۱/۲۰۶; نقباء البشر ۱/۷۵; هدیه الرازی:۴; تاریخ قم ناصر الشریعه: ۲۵۰.

۲ درباره این سید سعید نک: فوائد الرضویه: ۳; گنجینه دانشوران: ۱۵۰.

۳ ایشان مرحوم سید ابو القاسم میر عارفین (میر عارفی)، نویسنده و روزنامه نگار و مدیر سابق چاپخانه قم و صاحب امتیاز و مدیر روزنامه سرچشمه است که در تاریخ ۱۲۹۹ در قم متولّد و در ۷/۱/۶۶ به دیار حق شتافت. وی روزنامه مذکور را به مدّت ۱۶ سال درد و دوره منتشر کرد. اولین شماره روزنامه او در تاریخ دوشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۳۰ منتشر گردید، با نام مستعار «عارفی» نیز مطالب خود را امضاء کرده است. و نیز ر.ک: چهره مطبوعات معاصر:۱۹۸ و شناسنامه مطبوعات ایران: ۲۴۰.

ابو القاسم نحوی (شیخ ابو القاسم):

متولّد ۱۳۰۰ قمری از مدرسین نحو در حوزه علمیه قم، بیشتر تخصص او در تدریس کتاب مغنی و مطوّل است و به همین مناسبت به لقب نحوی مشهور است. در علوم نقلیه و عقلیه نیز وارد و از شاگردان آیت الله حائری و آیت الله بروجردی و حجّت و خونساری بوده است(۲).

ابو المحارب حسین بن سهل بن محارب القمی:

اوائل قرن پنجم در مجالس المؤمنین(۳) ترجمه او آمده است. از اصحاب ابن عمید و مورد عنایت خاص او بوده است و همچنین پادشاهان آل بویه خصوصاً رکن الدوله او

را گرامی داشته.

پاورقی

۱ اعیان الشیعه ۷/۸۶ (ش۸۷۴) و چاپ جدید، ۲/۴۱۰. شرح حال مفصل این مرد بزرگ و فقیه خود ساخته را در مجله نور علم ، دوره دوّم از ص۸۲ تا ۹۶ تحت عنوان «نجوم امّت» چاپ کرده ایم.

۲ نیز ببینید: آثار الحجه ۲/۸۱.

۳ مجالس المؤمنین، ج۱.

ابو جریر زکریا بن ادریس(۱):

قرن دوم از روات حدیث و از فقهای امامیه صدر اوّل از امامان: حضرت جعفر الصادق و موسی بن جعفر و علی بن موسی علیهم صلوات الله اخذ حدیث می کرده است، کتابی در احادیث فقه دارد، دفنش در شیخان قم است(۲).

ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه القمی (شیخ صدوق)(۳):

قرن چهارم، بزرگ محدّثین و مقتدای فقها و مجتهدین اوائل است در علوم مذهب و حدیث و فقه کمتر مانندی داشته است، شیخ منتجب الدین او را در کتاب فهرست، عدیم النظیر و یکتا یاد کرده، با رکن الدوله دیلمی معاصر و مورد تکریم و تجلیل او واقع شده است، به خواهش مردم ری به آن سامان مهاجرت و توطن اختیار کرده و از بحر دانش و فضیلت خود اهالی ری را مستفید گردانید. تصنیفات و تألیفات او بیشمار است، کتاب (من لا یحضره الفقیه) که یکی از

پاورقی

۱ در ترجمه ابو جریر اشعری (زنده قبل از ۲۰۲) نک: اتقان المقال: ۱۹۰; اعیان الشیعه ۷/۶۴; ایضاح الاشتباه: ۴۰; بهجه الآمال ۴/۲۰۱; تنقیح المقال ۱/۴۴۹; توضیح الاشتباه: ۱۶۳; جامع الرواه ۱/۳۳۲; جامع المقال: ۶۹; رجال حلی: ۷۶; رجال ابن داود: ۹۸; رجال طوسی: ۲۰۰ و۳۶۵ و۳۷۷ و۳۹۶; رجال نجاشی: ۱۲۳; ریحانه الأدب ۷/۵۱; سفینه البحار ۱/۱۵۳ و ۵۵۰، شرح مشیخه الفقیه:

۷۰; فهرست شیخ طوسی: ۷۴; قاموس الرجال ۴/۱۹۳; الکنی والألقاب ۱/۳۳; مجمع الرجال ۳/۵۸; معالم العلماء ۵۳; معجم الثقات: ۲۸۵; معجم رجال الحدیث ۷/۲۷۷ و۲۱/۸۱; منتهی المقال: ۱۳۷; منهج المقال: ۱۴۹; نقد الرجال: ۱۳۹; هدیه المحدثین: ۶۱; وسائل ۲۰/۱۹۹; احسن التراجم ۱/۲۵۷ ۲۵۹.

۲ توضیح بیشتر در مجمع الرجال ۳/۵۸ ۵۹، رجال ابن داود: ۱۵۹; خلاصه: ۳۷.

۳ جناب ایشان به دعای امام عصر (عج) به دنیا آمد و از این رهگذر عمری پر برکت و مؤلّفاتی جاودانه از خود به یادگار گذاشت، تراجم نگاران تعداد مصنّفات وی را سیصد جلد ذکر کردهاند، مرحوم علامه در ضمن ستایش او می نویسد در بین علمای قم در حفظ و علم نظیرش دیده نشده، و سید بن طاووس می فرماید: شیخ صدوق کسی است که همگان بر دانش و عدالتش اتفاق نظر دارند.

اصول اربعه کتب شیعه می باشد از اوست، در سال ۳۸۱ هجری در ری درگذشته و مدفن او اکنون در شمال ری کنونی زیارتگاه مردم است و به مقبره ابن بابویه مشهور می باشد(۱).

ابوطالب الشیخ الثقه ابن محمد بن الحسن بن حسین بن موسی بن بابویه(۲):

قرن چهارم، ترجمه برادرش ابو ابراهیم گذشت فقیه و محدث; مصنفات او در جمع احادیث و اصول اعتقادات به عربی و خلاصه ای از آن اصول اعتقادات به فارسی است.

ابوطالب(۳) (میرزا) بن میرزا ابو الحسن:

شاگرد و داماد حجه الحق میرزای قمی است. از علمای بزرگ و سادات جلیل دار المؤمنین قم و مورد عنایت و اعتماد و وثوق مرحوم صاحب قوانین بوده است به آنگونه که امور حسبیه و مرافعات مردم را به ایشان رجوع میفرموده صاحب تمولی قابل ملاحظه

می بوده و در دستگیری فقرا و سرپرستی ایتام اهتمام داشته است(۴) خانواده میرزائی و عموم منسوبین به مرحوم میرزای

پاورقی

۱ درباره رئیس المحدثین شیخ صدوق(رحمه الله) به منابع زیر نیز می توان مراجعه کرد: مقدمه معانی الاخبار و سایر کتب ارزنده او; رجال نجاشی: ۳۸۹; رجال شیخ طوسی: ۴۹۵; خلاصه مرحوم علامه: ۱۴۷; روضات الجنات ۶/۱۳۲; فهرست شیخ طوسی: ۱۵۶; ریحانه الأدب ۳/۴۲۵; الفوائد الرجالیه ۲/۲۹۲.

۲ نک: فهرست منتجب الدین: ۳۳; و مقدمه کتاب الهدایه تألیف شیخ صدوق: ۴۲ به نقل از ففهرست.

۳ میرزا علی اکبر فیض در تاریخ خود می نویسد: میرزا ابوطالب قمی الأصل است، فضلی باهر وقدسی متکاثر داشت و... و کتابی دارد به نام سئوال و جواب.

۴ وی آب انبار بزرگی در قم جنب میدان کهنه، در زمانی که مردم قم نیازمند، آن بودهاند بنا کرد پس از حیات خود ثلث املاک خود را وقف مصارف خیریه نموده است.

قمی در قم از احفاد ایشانند، مقداری از کتب و خطوط مرحوم میرزای قمی در این خانواده باقی است. میرزا ابو طالب در جماد الاولی ۱۲۴۹ قمری وفات و در مقبره زکریا بن آدم در شیخان مدفون است.

« الف »۵

ابو محمد، الیاس بن یوسف نظامی مشهور به نظامی گنجوی:

تولّد(۱) او در اوائل قرن ششم در دهکده «تا» از قهستان قم است، شاعر داستان سرای قرن ششم، حکیمی است بلند مرتبه که در طی داستانهای نغز خود افکار حکیمانه را با لطائف و ریزه کاریها و توصیفات دقیق ادبی در هم آمیخته است اشعار او چه در داستانها و چه در غزلیات روان و شیوا است.

مخزن الاسرار خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و

بهرام نامه و اسکندرنامه و مثنویات او در بحر تقارب است، تعداد اشعار خمسه او مخزن الاسرار ۲۲۰۰ بیت، خسر و و شیرین ۸۳۰۰ بیت، لیلی و مجنون ۴۵۰۰ بیت، بهرامنامه یا هفت پیکر او ۴۶۰۰ بیت و اسکندرنامه ۱۰۰۰۰ و کسری است دیوان او غیر از خمسه بیست هزار بیت شامل غزلیات و قصائد و موشّحات است. شعر توحیدیه او در مقدمه اسکندرنامه چنین است:

خدایا جهان پادشاهی تراست

زما خدمت آید خدائی تراست

پناه بلندی و پستی توئی

همه نیستند آنچه هستی توئی

پاورقی

۱ در تاریخ ولادت و وفات او اختلاف زیادی به چشم میخورد چون ولادتش را بین ۵۳۳ تا ۶۲۲ و فوتش را بین ۵۷۶ تا ۷۰۶ ه ق ذکر کرده اند ر. ك: تاریخ پیدایش تصوّف و عرفان: ۲۰۸; مخزن الأسرار; هفت پیکر; شرفنامه; گنجینه; اقبالنامه; لیلی و مجنون; و فرودسترن با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی به کوشش دکتر سعید حمیدیان توسط نشر قطره چاپ شده است، و برخی از این آثار با تصحیح و مقدمه و توضیحات دکتر بهروز ثروتیان و خلاصه خمسه حکیم به تصحیح دکتر عزیز الله جوینی توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است.

همه آفریده است بالا وپست

توئی آفریننده آنچه هست

توئی برترین دانش آموز پاك

ز دانش قلم رانده بر لوح پاك

خرد را تو روشن بصر کرده ای

چراغ هدایت تو بر کرده ای

توئی کاسمان را برافراختی

زمین را گذرگاه او ساختی

توئی کافریدی ز یک قطره آب

گهرهای روشنتر از آفتاب

جهانی بدین خوبی آراستی

برون ز آنکه یاریگری خواستی

ز گرمی و سردی و از خشک و تر

سرشتی باندازه یکدیگر

بهرچ آفریدی و بستی طراز

نیازت نه، ای از همه بی نیاز

در وفات او اختلاف کردهاند، سال

۵۹۸ صحیح تر به نظر آمده است(۱).

ابو محمد ابن الحسن بن داود القمی: به سدید الدین مراجعه شود.

ابو محمد جعفر بن احمد بن علی القمی:

از روات حدیث و از علمای مهم قم بوده است احادیث مسلسل را جمع آوری کرده و «مسلسلات» نامیده است غیر از آن مصنّفات دیگری نیز دارد(۲).

پاورقی

۱ و نیز ر. ک. به: کتاب نظامی داستانسرا تألیف علی اکبر شهابی; مجمع الفصحاء ۱/۶۳۷; دیوان قصائد و غزلیات نظامی گنجوی، شامل شرح احوال و آثار نظامی به کوشش سعید نفیسی، کتابفروشی فروغی; نظامی الگنجوی شاعر الفضیله عصره وبیته وشعره، از دکتر عبدالنعیم محمد حسنین، چاپ مصر، مکتبه الخانجی، چاپ ۱۳۷۳ه . ش.; مجله وقف میراث جاویدان، سال اوّل، ش۴، ص۱۱۲ به بعد مقاله دکتر سید محمد دامادی; نفحات الأنس: ۳۹۷; تذکره دولتشاه: ۸۱; ریاض العارفین ۲/۱۴۹; مؤلّفین کتب چاپی ۶/۶۹۹; تاریخ پیدایش تصوف و عرفان: ۲۰۶; نتایج الافکار: ۷۰۴ چاپ بمبئی; لغتنامه دهخدا; نظامی گنجوی: ۶۰۰; دانشمندان آذربایجان: ۳۸۱ ۳۸۵; تاریخ گزیده: ۷۵۳; لباب الألباب: ۵۲۹; تاریخ أدبیات در ایران ۲/۷۹۸; تاریخ ادبیات ایران شفق: ۲۳۱; تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی: ۱۰۴; احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، تألیف دکتر برات زنجانی، چاپ انتشارات دانشگاه تهران; فرهنگ شاعران زبان پارسی: ۵۶۷; تاریخ نهضتهای فکری ایرانیان ۲/۱۸۶ تا ۱۸۸.

۲ کراجکی و مرحوم حاج شیخ عباس قمی(رحمه الله) در فوائد الرضویه: ۶۰ منویسند: او ۲۲۰ کتاب در قم و ری تألیف کرد.

ابو عبد الله حسین بن علی بن حسین بن(۱) بابویه القمی:

اواخر قرن چهارم از اعاظم علماء و محدّثین امامیه و برادر شیخ صدوق است(۲)، دارای

تألیفاتی است۱ کتاب التوحید و نفی التشبیه.

۲ کتاب الرد علی الواقفیه.

مورد تکریم صاحب بن عباد و بعضی کتب خود را به او اتحاف کرده است(۳).

ابو عبد الله محمد بن خالد البرقی:

اواخر قرن دوم مفسری بزرگ و دانشمندی پرمایه و از صحابه امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بوده است کتاب التنزیل و التعبیر و کتاب التفسیر از جمله مصنّفات او است(۴).

پاورقی

۱ کذا، ولی موسی بن بابویه، صحیح است.

۲ در جلالت این بزرگوار همین بس که وی و برادرش به دعای امام عصر ارواحنا لتراب مقدمه الفداء متولّد شده (غیبت شیخ طوسی: ۱۸۸)، و مرحوم نجاشی و شیخ و علامه وی را توثیق کردهاند. و شیخ منتجب الدین گوید: وی و فرزندش شیخ ثقه الدین و پسرش حسین، مردانی فقهاء و صلحاء بودند ر. ک.: خلاصه: ۲۶; رجال ابن داود: ۱۲۵; مجمع الرجال ۲/۱۸۹; بهجه الآمال فی شرح زبده المقال ۳/۲۹۷; و تذکره مشایخ قم: ۲۸; تاریخ قم: ۱۸۹; بشاره المؤمنین: ۹۹; وجیزه: ۱۰; مقدّمه کتاب الهدایه: ۳۸ و ۳۹.

۳ در مورد سال فوت ایشان آنچه مسلّم است بعد از فوت برادر خود محمد بن علی (صدوق) در سال ۳۸۱ ه ق بوده ولی سال دقیق آن نامعلوم است.

۴ ابن داود می نویسد وی به ملازمت حضرت امام موسی (علیه السلام) نیز نائل شده و از آن حضرت هم روایت کرده است توضیح بیشتر در خلاصه: ۶۷; رجال ابن داود: ۳۰۹; مجمع الرجال ۵/۲۰۵ ۲۰۶; تذکره مشایخ قم: ۶۶. به این منابع مراجعه فرمائید: اتقان المقال: ۱۲۲ و ۲۲۶، احسن التراجم ۲/۷۴; اضبط المقال: ۵۴۱; ایضاح الاشتباه: ۷۷; بهجه الآمال ۶/۴۲۲; تأسیس

الشیعه: ۳۳۰; التحریر الطاووسی: ۲۵۰; تنقیح المقال: ۳، قسم میم، ۱۱۳; ریحانه الأدب ۱/۲۵۱; جامع الرواه ۲/۱۰۸; رجال برقی ۵ و۵۴ و۵۵; رجال حلی: ۱۳۹; رجال ابن داود: ۱۷۱ و۲۷۲; رجال طوسی: ۳۸۶ و۴۰۴; رجال کشی: ۱۲۴ و۱۷۱ و۲۳۱ و۳۰۶ و۵۴۶; رجال نجاشی: ۲۳۶; سفینه البحار ۱/۷۲; فهرست شیخ طوسی: ۱۴۸; مجمع الرجال ۵/۲۰۵; مسنی المقال: ۴۰۶; معالم العلماء: ۱۰۵; معجم رجال الحدیث ۱۶/۳۴ و۴۱ و۲۱۸; منتهی المقال: ۲۷۲.

احمد (قاضی احمد):

قرن یازدهم از جزئیات حال او چیزی روشن نیست، فاضل نراقی در کتاب خزائن(۱) او را مردی فاضل و ادیب از بزرگان عصر خود یاد کرده است.

احمد اوحدی:

اصلاً اهل گیلان و در قم متوطّن شده است مدیر مدرسه حیات و سنائی قم است مردی است که زحمات و خدمات فرهنگی او قابل ستایش است.

احمد بنی فاطمی فرزند مرحوم حاج سید حسن:

از مشاهیر و از وکلاء مبرز دادگستری، خطیب و سخنوری دانشمند بود و در سال ۱۳۵۸ قمری وفات کرده است.

احمد بن ابی زاهر الاشعری(۲) ابو جعفر:

پاورقی

۱ و مرحوم نراقی در کتاب خزائن نامه ای از وی به فاضل زادهای جاسبی آورده که از مطاوی آن معلوم می گردد که ایشان از دانشمندان دوره صفویه میباشد (متن نامه را صاحب گنجینه دانشمندان در ۱/۱۰۶ و مرحوم ناصر الشریعه در تاریخ قم: ۱۷۱ آورده است).

۲ شیخ در فهرست گوید: ... وی در قم محدّثی سرشناس بوده لکن حدیثش چندان پاکیزه نبوده، محمد بن یحیی عطار نزدیکترین اصحاب وی بوده است. فهرست: ۲۵. و صاحب منتهی المقال گوید: این تعبیر که وی در قم مورد توجه محدثین بوده، بالاترین مدح اوست، و این که شیخ فرموده «لکن

حدیثش چندان پاکیزه نبوده» یعنی در مرتبه بالائی از پاکیزگی نبوده و این تعبیر ذمّ او محسوب نمیشود. فهرست ۳۰. علامه مجلسی در وجیزه و شیخ سلیمان بحرانی در بلغه گویند: «دروی ذمّی هست» و مرحوم مامقانی پس از نقل اقوال گوید: «من بر این ذم اطلاع نیافتم». و شاید منظور اینان سخن شیخ و علامه حلی و نجاشی باشد که گویند (حدیث او چندان پاکیزه نبود) ر. ک. تنقیح المقال ۱/۴۹.

از روات حدیث و فقهای قم و استاد محمد بن یحیی العطار است، تألیفاتی دارد(۱) و مورد اعتماد و موثق است.

احمد بن ادریس بن احمد الاشعری ابو علی:

از روات موثق و از فقهای امامیه است(۲).

احمد بن اسحق بن عبد الله بن سعد بن مالک بن الاحوص الاشعری:

قرن سوم، محدّثی بزرگ و فقیهی جلیل القدر است به دیدار امام عصر عجلالله فرجه نائل و به مدح حضرتش مفتخر شده است و از ائمه طاهرین محمد بن علی التقی و علی بن محمد و امام ابی محمد حسن العسگری(علیهم السلام)، روایت می کند. بدون اختلاف نزد همگان موثق است(۳).

پاورقی

۱ ر. ک. فهرست شیخ: ۲۵; رجال طوسی: ۴۵۳; خلاصه ۲/۲۰۲; رجال نجاشی: ۸۸ و اشعریان قم.

۲ وی صحیح الروایه و کثیر الحدیث و مؤلّف «نوادر» است که طبق نقل شیخ (رحمه الله) کتاب بزرگ و پر فائدهای است وی در سال ۳۰۶ وفات کرده است. ر. ک.: خلاصه: ۹; مجمع الرجال ۱/۹۳ ۹۴; رجال ابن داود: ۲۳; رجال نجاشی: ۹۲; تذکره مشایخ قم: ۱۹; بشاره المؤمنین: ۵۷; تاریخ قم: ۱۶۸; فهرست طوسی: ۲۶; رجال طوسی: ۴۲۸. و اشعریان قم از معلم حبیب آبادی با تحقیق

این بنده.

۳ ایشان دارای چندین کتاب بوده و مشهور است که مسجد امام حسن عسگری (علیه السلام) را در قم وی به امر امام عسکری احداث نموده، وفاتش در حدود سال ۲۵۸ قمری به هنگام مراجعت از سامراء در «حلوان» اتفاق افتاد و کفنش را امام عسگری (علیه السلام) ارسال فرمود. مدفن او در سرپل ذهاب زیارتگاه مردم دانش دوست است ر. ک.:خلاصه الأقوال: ۹; رجال ابن داود: ۲۴; مجمع الرجال: ۱/۹۵ ۹۷; تذکره مشایخ قم: ۲۰; احمد بن اسحاق، امین امامت از اینجانب و اشعریان قم: «احمد بن اسحاق قمی».

در فضائل السادات و تاریخ قم و گنجینه دانشمندان ۱/۶۵; کمال الدین . داستانی از مترجم و سید حسین جعفری ذکر شده که خواندنی است.

« الف »۶

احمد بن اسمعیل بن عبد الله البجلی، ابو علی:

و به قول نجاشی ملقب به «سمکه» از اعراب قم استاد ابو الفضل محمد بن حسین بن العمید است قدحی از او نشده روایاتش مقبول است(۱).

احمد بن اِصْفَهْبُذ (اسپهبد) ابو العباس قمی:

از روات حدیث و مفسّر بوده(۲) است، ابن قولویه جعفر بن محمد، از او روایت می کند، او را نابینا و ضریر دانسته اند.

احمد بن الحسین بن احمد بن، محمد القاضی:

از روات موثّق و اهل زهد و صلاح و حافظ احادیث است عبد الرحمن مفید نیشابوری از او روایت می کند(۳).

پاورقی

۱ او دارای چند کتاب بی نظیر از قبیل کتاب عباسی در اخبار عباسیه بوده است و والدش از تلامذه احمد بن ابی عبد الله برقی بوده است. رجال نجاشی: ۹۷; فهرست طوسی: ۳۱; رجال شیخ طوسی: ۴۰۵; المعجم الموحّد ۱/۷۷; تذکره مشایخ قم: ۲۱; مجمع الرجال

۱/۹۷; رجال ابن داود: ۲۴; خلاصه: ۱۰.

۲ کتاب تفسیر رؤیا از اوست، وی در کتاب مصابیح خود آیاتی که در شأن اهل بیت (علیهم السلام)، گشته گردآورده. ترجمه وی در رجال ابن داود: ۲۴; مجمع الرجال ۱/۹۸; رجال نجاشی: ۷۶; فهرست طوسی: ۳۱; رجال طوسی: ۴۵۵; تذکره مشایخ قم: ۲۱; تاریخ قم: ۱۶۹; بشاره المؤمنین: ۶۱; گنجینه دانشوران: ۵۱; گنجینه آثار قم ۱/۴۰۵.

۳ ر. ك.: جامع الروات ۱/۴۷; تذکره مشایخ قم: ۲۱; ریاض العلماء: ۴۰; بشاره المؤمنین: ۶۵; تاریخ قم: ۱۶۹.

احمد بن حمزه بن عمران:

از روات حدیث و موثق است.

احمد بن حمزه بن الیسع بن عبد الله القمی:

قرن سوم، علامه(۱) و نجاشی(۲) او را توثیق کرده اند، از طبقه روات حضرت هادی (علیه السلام) و پدرش از امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) روایت می کرده است.

احمد بن داود بن علی القمی:

اوائل قرن پنجم، از روات معتمد و مورد توثیق نجاشی و علامه(۳) است، کتابی به نام (نوادر) دارد.

احمد بن عبد الله بن عیسی بن مصقله بن سعد:

قرن سوم، از اشعریین و از روات حدیث است، نجاشی او را توثیق کرده است.

پاورقی

۱ خلاصه: ۱۱.

۲ رجال نجاشی: ۹۰; با لفظ ثقه، ثقه وی را توثیق کامل نمودهاند، و امام عصر (عج) هم در توقیع شریف وی را توثیق کرده است، و نجاشی کتابی با نام «نوادر» به وی نسبت می دهد. و نیز ر. ك.: مجمع الرجال ۱/۱۱۲; خلاصه الاقوال: ۱۱; رجال ابن داود: ۲۷; تذکره مشایخ قم: ۲۲; بشاره المؤمنین: ۶۱; تاریخ قم: ۱۶۹; رجال طوسی: ۴۰۹.

۳ خلاصه: ۹ و نیز ر. ك. مجمع الرجال ۱/۱۱۵; رجال ابن داود: ۲۷ ۲۸; تذکره مشایخ

قم: ۲۲; بشاره المؤمنین: ۵۸; رجال نجاشی: ۹۵; فهرست شیخ طوسی: ۲۹; خلاصه: ۱۲ و مجمع الرجال ۱/۱۲۱، تذکره مشایخ قم: ۲۳، بشاره المؤمنین: ۶۱، رجال نجاشی: ۱۰۱. و اشعریان قم چاپ شده در ضمن میراث اسلامی ایران پس ۷.

احمد بن عبد القاهر بن احمد(۱):

از روات حدیث مردی فاضل و در روایت موثق است.

احمد بن علی بن ابراهیم بن هاشم:

از روات حدیث، ابو جعفر، ابن بابویه بر او اعتماد داشته و از او روایت می کرده است(۲).

احمد بن علی بن حسن بن شاذان:

فقیه و محدّث، درباره او سخن مختلف است، نجاشی و علامه(۳) او را توثیق کرده اند، از تألیفات او کتاب «زاد المسافر»! است.

احمد بن محمد بن الحسین بن الحسن القمی:

از روات حدیث و فقهاء بزرگ است، نجاشی برای او در حدود

صد تألیف شمرده است از آن جمله تمام ابواب مسائل فقهیه و کتاب خصائص النبی(۴) علیه الصلوه والسلام و کتاب شواهد امیر المؤمنین (علیه السلام)(۵) و کتاب

پاورقی

۱ ر. ک.: جامع الروات ۱/۵۲; تذکره مشایخ قم: ۲۳; تاریخ قم: ۱۷۰; بشاره المؤمنین: ۵۸; ریاض العلماء ۱۶/۷۶.

۲ این و همچنین تعبیر «رضوان الله علیه» صدوق در مورد او حاکی از حسن حال و مورد اعتماد بودن اوست. بشاره المؤمنین: ۶۷; تاریخ قم: ۱۷۰.

۳ علامه گوید وی از معرفت کلی برخوردار بوده است و نیز ر. ک: مجمع الرجال ۱/۱۲۸; خلاصه: ۱۱; رجال ابن داود: ۳۲ ۳۳; تذکره مشایخ قم: ۱۳; تاریخ قم: ۱۷۰; بشارهالمؤمنین: ۶۰; ریاض العلماء ۱/۸۶.

۴ الذریعه ۷/۱۷۵.

۵ رجال نجاشی: ۶۵; الذریعه ۱۵/۵۴; اعیان الشیعه ۹/۲۶۲; الذریعه ۲۲/۳۱۴; اعیان الشیعه ۹/۲۶۲; رجال نجاشی: ۱۵; الذریعه ۱۹/۷۳; اعیان الشیعه ۹/۲۶۱; رجال نجاشی:

مناقب(۱) و کتاب مثالب(۲).

احمد بن محمد بن احمد بن داود ابو الحسن:

از روات حدیث در سلسله روایات بعد از پدرش محمد بن احمد واقع شده و از او روایت می کند(۳).

احمد بن محمد بن خالد بن عبد الرحمن بن محمد علی البرقی:

قرن سوم از روات حدیث و دانشمندان امامیه است که از کوفه به قم مهاجرت کرده اند(۴). شیوه روایت کردن او نزد قمیین مطعون شمرده شده(۵) و

پاورقی

۱ وفات او در سال ۳۵۰ است.

۲ نیز ر. ك.: بـه رجـال ابن داود: ۳۹; مجمع الرجـال قهپائی ۱/۱۳۷; قاموس الرجال ۱/۳۸۸; تـذکره مشایخ قم: ۲۴; تاریخ قم: ۱۷۴; بشاره المؤمنین: ۶۰; اعیان الشیعه ۹/۲۶۱; الاعلام زرکلی ۱/۲۰; رجال نجاشی: ۶۵; منهج المقال (= رجال کبیر): ۴۲.

۳ تاریخ قم: ۱۷۶; ترجمه ریاض العلماء ۱/۹۲.

۴ علّت هجرت خاندان او این بود که یوسف بن عمر ثقفی والی سفاك عراق پس از شهادت زید بن علی، جد مترجم، محمد بن علی را زندان و آنگاه وی را کشت، جد اول او خالد در آن هنگام خردسال بود که به همراه پدر از ترس والی مذکور متواری شدند و در «برق رود» که در شش فرسنگی قم واقع بود رحل اقامت افکندند. نیز ر. ك: فهرست شیخ: ۲۵.

۵ چون از ضعفا روایت می کرده است و بر مراسیل اعتماد داشته و لذا احمد بن محمد بن عیسی که از اعیان و مشایخ قم محسوب می شد وی را از قم نفی بلد کرد، امّا همین فرد طبق نقل ابن غضایری پس از فوت مترجَم، سروپای برهنه در جنازهاش حاضر شد. گنجینه دانشمندان ۱/۶۷ و نیز ر. ك.: خلاصه الاقوال: ۱۴،

مفاخر اسلام ۱/۴۰۰ مرحوم وحید بهبهانی گفته است توثیق برقی از طرف عدول علماء ثابت و قدحش معلوم نیست، بلکه روشن نیست و آنچه را می توان گفت قدح در روش اوست آن هم از نظر بعض علماء جد من (علامه مجلسی اول) گفته: اگر تبعید وی به دستور احمد بن محمد بن عیسی قدح و نکوهشی باشد، بیشتر متوجه احمد بن محمد بن عیسی است ولی آن هم اشتباهی بوده که از وی سرزده. منتهی المقال: ۴۲.

بعضی او را تضعیف کردهاند، تألیفات او متعدّد است(۱)، از جمله:۱ کتاب البلدان.

۲ کتاب جداول الحکمه.

۳ کتاب المحاسن.

۴ کتاب طبقات الرجال.

۵ کتاب الحقائق.

۶ کتاب العجایب.

در سنه ۲۷۴(۲) وفات یافته است(۳).

احمد بن محمد بن عبید الله الاشعری القمی:

از روات حدیث و پدرش با نجاشی دوست بود از مشایخ قم، شیوه او در نقل احادیث، مورد قدح واقع شده و او را تضعیف کرده اند(۴)، ادیب و شاعر، دارای خطی خوش بوده است(۵).

پاورقی

۱ مؤلّفات وی را بیشتر از ۹۰ جلد دانستهاند ر. ک: فهرست شیخ: ۲۰; رجال نجاشی: ۵۶; معالم العلماء: ۱۱; معجم المؤلّفین ۱/۹۷.

۲ علی بن محمد ماجیلویه گوید: برقی در سال ۲۸۰ درگذشته است. رجال نجاشی: ۵۶.

۳ ترجمه او را در کتب زیر می توان دید: فهرست: ۳۲۳ ۳۲۴; فهرست طوسی: ۲۰ ۲۲; رجال نجاشی ۵۹/۶۰; معجم الادباء ۴/۱۳۲ ۱۳۵; لسان المیزان ۱/۲۶۲; معالم العلماء: ۹ ۱۰; جامع المقال: ۹۹ و۱۴۳; جامع الرواه: ۶۳ ۶۵; تنقیح المقال ۱/۸۲ ۸۴; الأعلام ۱/۱۹۵; شرح مشیخه الفقیه; مستدرک الوسائل ۳/۵۵۲ ۵۵۳; اعیان الشیعه ۹/۳۹۹ ۴۰۹;

سفینه البحار ۱/۷۲; معجم المؤلّفین ۲/۹۷ ۹۸; مصفی المقال ۵۹/۶۰; الذریعه ۹/۹۹; مقدمه بحار: ۹۱ ۹۲ ط۲; روضات الجنّات ج۱.

۴ علامه در خلاصه: ۱۱، نجاشی: ۷۹ و صاحب مشترکات وی را توثیق کردهاند، شیخ در رجال: ۳۶۶.

۵ و نیز ر. ک. مجمع الرجال ۱/۱۵۱; رجال ابی داود: ۴۲; رجال طوسی: ۲۹۷; رجال نجاشی: ۷۹.

احمد بن محمد بن عیسی بن عبد الله بن سعد بن مالک(۱) بن الاحوص(۲)الاشعری و کنیه اش ابو جعفر است:

قرن سوم، از مشایخ فقها و محدّثین قم و زعیم مردم بوده است. به افتخار دیدار علی بن موسی الرضا(علیه السلام) و ائمه هدات دیگر نائل شده، مورد توثیق و اعتماد اصحاب است(۳). تألیفات او کتاب التوحید و کتاب فضل النبی(صلی الله علیه وآله وسلم) و کتاب متعه و کتاب دیگری در فقه است، که احمد بن کوره آنرا مرتب و برای آن فصول و ابواب تهیّه کرده است و دیگر کتاب ناسخ و منسوخ و کتاب اضلّه و کتابی در فضائل عرب و دیگر کتابی در مناسک حج(۴).(۵)

احمد بن محمد بن یحیی العطار(۶):

از مشایخ روات و محدثین بوده، مورد توثیق همگان است، شیخ طوسی در

پاورقی

۱ در تاریخ قم مالک بن عامر اشعری آمده است و این نقل بر نقل فوق ترجیح دارد.

۲ این بزرگوار از کسانی است که شهادت بر نص بر امامت امام هادی (علیه السلام) داد.

۳ بن السائب بن مالک بن عامر.

۴ سلطان وقت قم در امور ملکی قم به جناب ایشان رجوع می نموده است و پاس احترام او را که پیشوای علمای قم و شخصیت با نفوذ و چهره سرشناس علمی بوده نگاه می داشته است

(البته حاکم قم در عصر وی دو حاکم شیعه و اهل فضل به نام محمد بن علی بن عیسی قمی و پدرش علی بن عیسی معروف به «طلحی بودهاند».

۵ و کتـاب طب کبیر و کتاب طب صـغیر، کتاب ملاحم و کتاب مکاسب، کتاب مسائل امام هادی (علیه السـلام)، کتاب مسوخ و...

۶ ترجمه و ذکری از او در کتب زیر آمده است: رجال نجاشـی: ۸۱، ۳۹; فهرست طوسی: ۲۵; رجال طوسی: ۳۶۶، ۴۰۹; تنزیه القمیین: ۱۱; فهرست ابن ندیم: ۳۲۶; لسان المیزان ۱/۲۶۰; تنقیح المقال ۱/۹۰ ۹۲; اعیان الشیعه ۱۰/۷۵ ۸۳; اختیار الکشی رقم ۹۸۹; مرحوم حجه الاسـلام شـفتی (سید محمد باقر) مقاله ای درباره احوال او نوشته که در مجموعه رسائل رجالی اش (ص۴۴ ۴۶) به چاپ رسیده است. نک: رجال طوسی: ۴۴۴.

تهذیب(۱) هر روایتی که احمـد بن محمـد در طریقش واقع شـده صـحیح دانسـته و دیگران مانند شـیخ جزایری صاحب کتاب حاوی(۲) او را ستوده و شهید ثانی در وجیزه او را از مشایخ اجازه شمرده است.

« الف »۷

احمد بن الیسع بن عبد الله القمی:

ظاهراً همان احمـد بن ظ حمزه باشد(۳) که ذکرش گـذشت و فی الجمله ابنداود(۴) در رجـال خود همین نـام را ذکر و توثیق کرده است عقیده این که این احمد با احمد بن حمزه بن الیسع یکی است، از میرزا احمد استرآبادی و نیز صاحب کتاب منتهی المقال میباشد.

احمد خوانساری (حاج سیّد)(۵):

از علمای بزرگ معاصر و از زهاد بنام است فرزند حاج میرزا یوسف امام جمعه. و در سال ۱۳۰۹ قمری در خونسار متولّد شد. اساتید او علامه طباطبائی یزدی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آیت

الله حائری(۱) بوده اند و پس از سی سال توطن در قم(۲) بنا به خواهش مردم تهران به این شهر مهاجرت و مردم را از خرمن دانش خویش مستفید می فرمایند(۳).

پاورقی

۱ واستبصار.

۲ شیخ عبد النبی جزائری صاحب کتاب «حاوی الاقوال فی معرفه الرجال».

۳ درباره احمد بن حمزه بن الیسع بن عبد الله قمی نک: رجال نجاشی: ۹۰; رجال طوسی: ۴۰۹; خلاصه ۱/۱۴.

۴ و در درایه وی را توثیق نموده است.

۵ نسب شریف ایشان به سی واسطه به امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می رسد و این شخصیّت والا مقام و مرجع بزرگ شیعه حق عظیمی بر گردن حوزههای علمیه و فضلاء و دانشمندان داشت و به حق «اسوه تقوی» و «مجسمه فضیلت و پاکی» بود که زندگی سراسر درس آموزش یادآور حیات انبیاء و اوصیاء طاهرین سلام الله علیهم اجمعین است، مجتهد توانایی که طبق گفته استاد بزرگوارش مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری اجتهاد را به هر معنی تفسیر کنید، آقای خوانساری مجتهد است و عدالت را به هر معنی بگیرید، او عادل است».

احمد رحیمی(۴):

پاورقی

۱ اساتید دیگر ایشان عبارتند از مرحوم سید علی اکبر بیدهندی، مرحوم حاج میر محمد صادق احمد آبادی اصفهانی، مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی، مرحوم میرزا حسین نائینی و مرحوم آقا ضیاء عراقی و مرحوم سید ابو تراب خونساری و مرحوم میرزا علی اکبر حکیم یزدی، و مرحوم حاج میرزا محمد حسن ریاضی.

۲ معظم له طی مدّت اقامت خود در قم ضمن شرکت در درس مرحوم حائری و مرحوم میرزا علی اکبر حکیم و دیگران، خود حوزه درسی مهمّی داشت و شاگردان بسیاری را تربیت کرد تا در

سال ۱۳۷۰ (= ۱۳۳۰ هجری شمسی) که مرحوم حاج سید یحیی عالم مشهور تهران رحلت کرد، علماء و شخصیتهای موجه تهران از مرحوم آیت الله بروجردی درخواست عالمی پرهیزکار برای اداره حوزه تهران و راهنمائی مردم شدند که آن مرحوم از آقای خوانساری درخواست حرکت به تهران را کرد و معظم له پذیرفتند و در تهران ساکن گردیدند و شاگردان بسیاری را پرورده و خدمات شایان توجهی به فرهنگ اسلام کرده اند:

فهرست مؤلّفات ایشان۱ جامع المدارک فقه استدلالی و شرح مختصر النافع مرحوم محقق حلی است که در ۷ مجلّد به چاپ رسیده.

۲ تعلیقه بر «عروه الوثقی» در این تعلیقه افکار و نظرات خود را آنجا که با مرحوم سید صاحب عروه اختلاف نظر دارد بیان میکند.

۳ العقائد الحقه.۴ رساله عملیه.۵ مناسک حج.

۳ سرانجام این عالم بزرگوار پس از عمری تلاش و مطالعه و تدریس و تحقیق در ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۰۵ (= ۲۹/۱۰/۱۳۶۳) دار فانی را وداع و در قم کنار مرقد مطهّر حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) به خاک سپرده شدند. ما به پاس قدردانی از مقام علمی و تقوای این عالم بزرگ شرح حال مختصرش را پس از وفاتش در مجله نور علم ش۸، سال ۱۳۶۳ از ص۱۱ تا ص۱۸ آورده ایم.

۴ از ایشان تاکنون طی سه دوره پرفراز و نشیب در طول ۲۸ سال روزنامه نگاری (از شهریور ماه ۱۳۳۰ لغایت شهریور ماه ۱۳۵۸) مجموعاً ۳۸۶ شماره هفتگی نامه پیکار مردان و انقلاب بیرنگ و ده شماره (یکسال) ماهنامه پیکار مردان در قم چاپ و نشر شده است:۲ گنجینه دانشوران در ۲۲۱ صفحه دیماه ۱۳۳۹ که با تعلیقات اینجانب آماده

چاپ است.

۳ تاریخچه روزنامه نگاری در قم در ۱۰۱ صفحه، اسفندماه ۱۳۴۸.

۴ کارنامه شانزده ساله آموزشگاه ملی مسعود را پس از صدور فرمان تحصیل رایگان در ۳۶ صفحه، اردیبهشت ماه ۱۳۵۳.

۵ پنجه خونین استعمار در آستین باب در ۱۴۳ صفحه، آذرماه ۱۳۵۷.

۶ در راه نهضت ملّی ایران در ۸۳ صفحه، فروردین ماه ۱۳۵۸.

۷ صنعت مرغداری (فنی و تجربی) در ۷۹ صفحه، مرداد ماه ۱۳۶۱.

۸ خواجه بده رسان در ۱۱۲ صفحه مرداد ۱۳۶۲.

۹ سیری در زندگی ومقایسه اعمال معدود رهبران ملل چاپ نشده.

۱۰ گلچینی از آثار بزرگان علم و ادب چاپ شده. ر.ك: تاریخچه روزنامه نگاری در قم، کتاب شناسی آثار مربوط به قم: ۱۹۶. و شناسنامه مطبوعات ایران: ۱۱۹.

متولّد ۱۳۰۴ شمسی، مدیر روزنامه و مجله ماهنامه پیکار مردان در قم، جوانی فعّال و نویسنده و روش روزنامه نگاری او قابل ملاحظه است، پیکار مردان شش سال است، که مرتّب منتشر می گردد.

احمد روحانی (حاج آقا):

فرزند مرحوم حاج سید صادق مجتهد قمی است وی پس از تحصیلات مقدّماتی در قم(۱) به نجف اشرف رفته و از محضر آیت الله عراقی و آیت الله نائینی و آیت الله اصفهانی مستفید گردید(۲)، و سپس به تهران مهاجرت نموده و فعلاًـ یکی از مبلغین و ائمه جماعت تهران است(۱).

پاورقی

۱ در محاضر آیات الله العظام: مرحوم میرزا ابو الحسن رفیعی قزوینی و میرزا سید علی یثربی کاشانی و مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و مرحوم حاج سید محمد تقی خوانساری و مرحوم حاج شیخ حسن فاضل و در سال ۱۳۴۴ ه ق جهت تکمیل معلومات عازم نجف شد.

۲ سپس به قم مراجعت و مجدداً از محضر مرحوم حاج

شیخ عبد الکریم حائری استفاده کرد تا آنکه حوادث روزگار اوضاع تحصیل حوزه را پریشان نمود و وی به این علّت و علّت های دیگر از جمله احتیاج شدید جامعه به امر تبلیغ، به قزوین سفر کرد و حدود سه سال و خوردهای در آن شهر به تبلیغ پرداخت و آنگاه به مناسبت پیش آمد فاجعه رفع حجاب در ۱۷ دی جلای وطن کرد و مدّت ده سال در کربلا مجاور شد و از افادات مرحوم آیت الله قمی استفاده علمی کرد و در طی این مدّت، شش مرتبه جهت تبلیغ به هندوستان رفت و در ملازمت آیت الله قمی برای اعاده حجاب زنان به ایران سفر کرد و پس از جنگ جهانی دوّم که اوضاع دینی ایران نسبتاً رو به بهبودی گذاشت به ایران مراجعت و در تهران ساکن شد. تألیفات ایشان بدین شرح است: ۱ سر السعاده (این کتاب توسط آقای ابو القاسم دانش آشتیانی با نام رمز نیکبختی به فارسی برگردان شده است). ۲ کتاب تسلیه المریض ۳ کتاب خاطرات. ۴ کتاب کفایه النحو.

احمد زنجانی (حاج سید(۲)):

در سال ۱۳۰۸ در زنجان متولّد شده و پس از مدّتی تحصیل در سال ۱۳۴۶ به قم مهاجرت و به تعلیم و تدریس اشتغال دارند ایشان از دانشمندان حوزه علمیه قم و مورد علاقه عموم مردم و طلاب علوم دینیه هستند، تألیفاتی دارند که بعضی از آنها چاپ نشده است. کتاب اخیر ایشان که مجموعه ای از علوم مختلف است به شیوه کشکول شیخ بهاء الدین و زنبیل فرهاد میرزا تألیف و به نام «الکلام یجر الکلام» نامیده شده است، ایشان را فرزند خلفی

است به نام سید

پاورقی

۱ معظم له در سال ۱۳۸۸ قمری به رحمت حق پیوسته و در قم قبرستان شیخان نزدیک قبر میرزای قمی دفن گردیده. مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد علی شاه آبادی تهرانی یکی از دامادهای ایشان بوده است.

۲ مرحوم آیت الله زنجانی فقیهی بزرگ و پارسایی پرهیزکار و متخلق به اخلاق الهی بود. اساتید معظم له عبارتند از: مرحوم آیت الله حاج شیخ زین العابدین زنجانی و مرحوم آیت الله میرزا عبد الرحیم فقاهتی، مرحوم آیت الله آقا میرزا ابراهیم فلکی حکمی زنجانی و مرحوم آیت الله آقا شیخ عبد الکریم خوئینی زنجانی و عالم مجاهد آقا میرزا احمد زنجانی و مرحوم استاد حاج سید حسن زنجانی و مرحوم آیت الله حاج آقا محمد آقا زاده و مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد صادق خاتون آبادی و مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی (مشهور به مسجد شاهی) و مرحوم آیت الله حائری. فعالیتهای اجتماعی و خصوصیات اخلاقی آن مرحوم را در «نجوم امّت» دوره سوّم، ش۲، ببینید.

موسی شبیری(۱)، که با سن کم دارای مقام والای علمی هستند.

احمد طباطبائی قمی:

فرزند مرحوم حاج سید علی صدیق متولّد ۱۲۸۲ قمری پس از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۴۵ قمری به تهران مهاجرت و پس از مدّتی اشتغال به تحصیلات عالیه در عدلیه عهده دار مشاغل قضائی شده است و در سال شمسی شغل وکالت را انتخاب کرده اکنون نیز به همین شغل اشتغال دارد، سخنوری توانا و نویسندهای دانشمند و سیاستمداری واردست، در دوره نوزدهم از طرف همشهریان خود به نمایندگی مردم به مجلس قدم نهاد، و وکالت عدلیه را به وکالت مردم

در وضع قوانین تعمیم داد.

احمد طباطبائی (حاج آقا):

فرزنـد مرحوم سـید محمود و برادر بزرگوار آیت الله قمی است وی از علماء بزرگ و متقی قم محسوب می شدند، مورد توجه اهالی و در صحن بزرگ اقامه جماعت می نمودند. وفات سنه ۱۳۳۲ قمری(۲).

احمد نعمت الهی:

از ادبای معاصر شهر قم است، مردی فاضل و چندین تألیف دارد(۳)، شعر

پاورقی

۱ از مدرسان بزرگ و مراجع بزرگوار تقلید.

۲ حاج شـیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشـیعه: ۱۲۲ ومؤلّف گنجینه دانشمندان ۱/۱۳۱ سـال وفات وی را ۱۳۳۴ ذکر کردهاند. مدفنش قبرستان شیخان است و نیز در ترجمه او مراجعه شود به: دایره المعارف تشیّع ۱/۲۰۶.

۳ فهرست تألیفـات ایشان از این قرار است: ۱ نسرین و آزاد (منظوم) ۲ عالم انتقام ۳انـدیشه های من یا دامنههای خیال که این سه جلد به چاپ رسیده است. و نام کتب چاپ نشده او به قرار ذیل است: عبد و معبود، اندیشه های یک بنده، صد چکامه.

خوب می گوید و تخلّصش (شهره) می باشد اشعار ذیل از اوست.

در ره جانانه روزی ترک سرخواهیم کرد

باز چشم مست مه رویان حذر خواهیم کرد

در قمار عشق عقل و دین و دل خواهیم باخت

یا در این سودا بسی کسب هنر خواهیم کرد

آتشاندر خر من بی حاصلان خواهیم زد

عالمی زین شعله پرشور و شرر خواهیم کرد

«شهره» سرو آسا قد آزادی افرازیم باز

شهرت سرسبزی خود بیشتر خواهیم کرد

«الف»۸

احوص بن سعد بن مالک الاشعری(۱):

از مردان رشید و جنگاوران شجاع قرن اول هجری است، در کوفه متولّد و جوانیش در همان شهر گذشته است مدّتی در زندان حجاج بن یوسف ثقفی محبوس بود و سپس در سال ۷۳ هجری با

برادرانش عبد الله و نعیم و عبدالرحمن به قم مهاجرت کرد، در ابتدای سکونتش در شهر قم، حملات و ایلغارهای دیلمی را با شجاعت از این ناحیه دفع کرد و موقعیت اشعریان را مستحکم نمود، مردی خشن، متهور و بی باک بوده است.

آخوند ملا غلامحسین(۲):

پاورقی

۱ درمورد او نک: تاریخ قم؛ اشعریان قم (میراث اسلامی و نامه قم ش۱).

۲ وی معروف به «شاه زیدی» بوده و از زهاد و علمای ابرار قم محسوب می شده و در نوشتن قبالههای شرعی و سایر مکاتبات ید طولایی داشته و برای انجام اینگونه امور در صحن امامزاده زید حجره ای داشته است. گنجینه ۱/۱۴۷. واشعار زیر نیز از اوست:

ای به رویت همه را روی نیاز

وی به سویت دل و جان در پرواز

همه کس را بدرت چشم امید

هر که را با تو رهی باز زراز

خوان اطعام تو گسترده به خلق

باب احسان تو بر یکسره باز

دست بخشایش وجود تو بلند

دامن لطف و عطای تو دراز

پای اندیشه ما قاصر و لنگ

راه ادراک تو در شیب و فراز

قومی از باده عشقت سرمست

دستهئی با غم و حرمان دمساز

جمعی از وصل تو آسوده خیال

خلقی از هجر تو در سوز و گداز

هر که با یاد تو نحوی ذاکر

هر که با فکر تو نوعی به نماز

کشته لیلی حسنت مجنون

وآله عشق تو محمود و ایاز

نیست از حیطه فیض تو بد

عاشقان را چه حقیقت چه مجاز

(شهره) را حد ثناگوئی نیست

خود به توصیف ثنایت پرداز

منظومه اندیشههای من یا دانه

های خیال: ۸.

آنجا که عقل و دانش و ادراک ره نبرد

هر بی خرد خطاست در آن ره قدم زند

در آن حرم که دل به دل محرمان طپد

نامحرمی چگونه تواند که دم زند

از

فضلاءقم، در امامزاده زید اقامه جماعت می کرده است از آیت الله سیدمحمد کاظم یزدی در مسائل شرعی سئوالاتی کرده و سپس با جوابهای آن، به طبع رسانیده است.

ادریس بن عبد الله القمی، ابو القاسم(۱):

از علماء بزرگ قم و از اصحاب حضرت صادق(علیه السلام) است.

ادریس بن عبد الله سعد الاشعری(۲):

نجاشی(۳) او را از ثقات محدثین شمرده است. ابو جریر زکریا القمی فرزند او است.

پاورقی

۱ درباره او نک: رجال طوسی: ۱۰۰.

۲ درباره او نک: رجال نجاشی: ۱۰۴; فهرست طوسی: ۳۸; رجال طوسی: ۱۵۰; خلاصه ۱/۱۳.

۳ رجال النجاشی: ۱۰۴.

ادریس بن عیسی الاشعری القمی(۱):

اواخر قرن دوّم، به شرف دیدار امام علی بن موسی الرضاع مفتخر شده است، مرحوم علامه، در کتاب خلاصه(۲) او را توثیق فرموده.

اسحق بن آدم بن عبد الله بن سعد الاشعری:

اواخر قرن دوّم و برادر زکریا بن آدم است و به دیدار امام علی ابن موسی الرضا نائل آمده وصاحب کتابی است که شیخ در فهرست خود از آن یاد می کند(۳).

اسحق بن عبد الله بن سعد بن مالک الاشعری(۴):

از ثقات و معتمد قمیین و از حضرت صادق و امام کاظم (علیهما السلام) روایت می کند، فرزند او احمد از مشاهیر است نجاشی(۵) ترجمه او را ذکر و توثیقش کرده است.

پاورقی

۱ درباره او نک: رجال طوسی: ۳۶۷، خلاصه ۱/۱۲.

۲ خلاصه ۱/۱۲، و رجال النجاشی: ۷۳، علامه گوید: وی یک حدیث از امام رضا (علیه السلام)استفاده و روایت کرده است.

۳ قبر ایشان در شیخان قم است.

۴ در ترجمه او نـک: اتقـان المقال: ۲۴; اعیان الشیعه ۳/۲۷۱; بهجه الآمال ۲/۱۹۹; تنقیحالمقال ۱/۱۱۴; تهذیب المقال ۳/۹۲; جامع الرواه ۱/۸۲; رجال برقی: ۲۸; رجال حلی: ۱۱; رجال ابن داود:

۴۸; رجال طوسی: ۱۰۷ و۱۴۹; رجال نجاشی: ۵۳; فهرست طوسی: ۱۶; لسان المیزان ۱/۳۶۵; مجمع الرجال ۱/۱۸۷; معالم العلماء: ۲۷; معجمالثقات: ۱۵; معجم رجال الحدیث ۳/۵۰ و۷۹; منتهی المقال: ۵۰; منهج المقال: ۵۳; نقدالرجال: ۴۰; هدایهالمحدّثین: ۱۸۰; الوجیزه: ۲۷; احسن التراجم ۱/۶۴ ۶۵.

۵ رجال النجاشی: ۷۳.

اسماعیل بن آدم بن عبد الله بن سعد الاشعری:

از وجوه رجال قم است صاحب مشترکات و نجاشی او را توثیق کرده اند، شهید ثانی او را با اسمعیل بن سعد الاحوص الاشعری یکی می داند.

اسمعیل بن سعد الاحوص الاشعری(۱):

علامه و شیخ منتجب الدین او را از ا ...امام علی بن موسی الرضا و از ثقات شمرده اند، این اسمعیل بنا به اعتقاد شهید ثانی و محقق همان اسمعیل بن آدم بن عبد الله است که ترجمه اش پیش از این بلا فاصله ذکر شد.

اسمعیل بن عبد الله البجلی القمی:

از وجوه اعراب قم و پدر احمد بن اسمعیل مشهور به سمکه است.

اسمعیل بن محمد:

به قول شیخ صاحب فهرست(۲) از دانشمندان قم بوده و کتابی به نام (المعرفه) نوشته است.

پاورقی

۱ درباره او نک: اتقان المقال: ۲۵; اعیان الشیعه ۳/۳۶۶; بهجه الآمال ۲/۲۶۷; تنقیح المقال ۱/۱۳۴; توضیح الاشتباه: ۵۹; جامع الرواه ۱/۹۶; جامع المقال: ۵۶; رجال برقی: ۵۱; رجال حلی: ۸; رجال ابن داود: ۵۰; رجال طوسی: ۳۶۷; قاموس الرجال ۲/۳۵; لسان المیزان ۱/۴۰۷; مجمع الرجال ۱/۲۱۲; معجم الثقات: ۱۷; معجم رجال الحدیث ۳/۱۳۷; منتهی المقال: ۵۵; منهج المقال: ۵۷; نقد الرجال: ۴۴; هدایه المحدّثین: ۱۹; الوجیزه: ۲۷; احسن التراجم ۱/۷۴.

۲ فهرست طوسی.

اسمعیل (حاج سید اسمعیل):

از علماء بزرگ قم و شاگرد حجه الحق مرحوم میرزای قمی بوده است پس از فوت مرحوم میرزا،

در تـدریس کتـاب مشـهور او (قوانین) از همگان گوی سـبقت ربوده، دانشـمندی زاهـد و عارفی سالک بوده است(۱). گویند یکی از مرشدین و عرفاء هندوستان در سفری که از اعتاب مقدسه مراجعت می کرده است در او تأثیر بخشیده و او را به لذّت روحانی ریاضت آشنا ساخته است در سال ۱۲۶۳ قمری وفات یافته(۲).

اخگر قمی (بیگدلی)(۳):

اسـمش عبد الرشـید (محمد رشید ظ) خان فرزند حسنعلی بیک(۴) (شـرر) و نواده لطفعلی خان (آذربیگدلی) از ادبا و قصـیده سرایان به نام معاصر معتمـد الدوله (منوچهرخان) بوده و قصائد بسیاری در مدح وی سـروده است، اخگر در جوانی به فضل و ادب شهره گشت و علاوه بر مرتبت بلندی که در شعر و شاعری داشت دارای خطی خوش و نستعلیق بسیار دلپسند بود. پاره ای از قطعاتش (که اگر منتشر شود همچون کاغـذ زر می برنـد و چون گنـج گهر نهانش می دارنـد) نزد فامیل محترمش محفوظ است؛ دیوان شعری دارد که(۱) به نوشته صاحب مدائح المعتمدیه(۲) «کاطباق الذهب مشحون بالدرر» است.

پاورقی

۱ و تولیت حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) نیز با او بوده.

۲ در ایوان طلای حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) دفن شده است ر. ک. مکارم الآثار: ۱۷۱۹.

۳ در منتخب الرجال بخش شعراء آمـده: در ایام صـدر اعظمی حاج میرزا حسـین خان مشـیرالدوله یک چندی استیفای اجرای وزارت خـارجه مرجوع شـد از جانب دولت به امارت دیوانخانه عـدلیه خراسان، مأمور که فیصل امورات عامه رعایا را به میزان شرعی بدهد در بین راه قصـیدهای در مدح ثامن الحجج (علیه السـلام) سرودو متولی آستان مبارک به او هدایائی بخشید، وی به مدّت دو سال در ارض

اقدس انجام وظیفه و در سنه ۱۲۹۷ به دار آخرت شتافت و در توحید خانه مبارکه دفن گردید. وی فرزندی به نام «آزر» دارد و علامه سید محسن امین در اعیان الشیعه در حق او گفته: «شاعر ادیب، من شعراء الفرس، له دیوان بالفارسیه» ر. ك.: مقدمه فغان دل; اعیان الشیعه ج۵، طبع اول ص۹.

۴ حسینعلی بیگ.

پاورقی

۱ ر. ك. الذریعه ۹/۳۵۷.

۲ محمد علی بهار بن آقا ابو طالب مذهّب اصفهانی.

« ب »

بابویه بن سعد بن محمد بن الحسن بن بابویه(۱):

فقیه و مفسّر قرآن بوده است، کتابی در مسائل فقهیه(۲) نوشته و آن را (صراط المستقیم) نام نهاده است.

باقر خاکزاد:

از قضات دادگستری و مردی فاضل است اکنون با آخرین رتبه قضائی بازنشسته شده اند.

بیگدلی:

خانواده بیگدلی(۳) از خاندانهای قدیم قم می باشند. شخصیتهای زیادی از این خانواده بر خاسته که ذکر چند نفر از مشاهیر آنها خواهد آمد در اینجا بی مناسبت نیست نام محمدحسین ضیائی بیگدلی(۴) معاون بازرسی دارائی کل کشور را جزء مشاهیر این خانواده ذکر کنیم.

پاورقی

۱ وی از مشایخ منتجب الدین بن بابویه است و کتاب صراط المستقیم خود را بروی قرائت کرده است ر. ك. طبقات اعلام الشیعه الثقات العیون فی سادس القرون: ۳۰; و در فهرست منتجب الدین: ۴۲، بابویه بن سعید آمده است و نیز ببینید: امل الآمل: ۴۶۳; جامع الرواه ۱۰/۱۱۵; تنقیح المقال ۱/۱۶۰; منتهی المقال: ۶۲; روضات الجنّات: ۵۸۴.

۲ و اصولیه.

۳ دکتر غلامحسین بیگدلی شاملو به نام تاریخ بیگدلی شاملو نوشته است که توسط انتشارات فتحی به چاپ رسیده است.

۴ دکتر محمـد حسـین ضـیائی بیگدلی مؤلف کتاب انگیزه قیام امام حسـین(علیه السـلام) است. ببینید: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان

در دو قرن اخیر ۲/۳۰۹.

باقر طباطبائی قمی (حاج آقا):

از علمای بزرگ تهران و فرزند مرحوم آیت الله قمی است ایشان صرف نظر از مقام علمی که دارند دارای فضیلت و تقوی بوده و مورد توجه مردم تهران می باشد و از ائمّه جماعت نیز بشمارند.

«پ»

پیشوائی:

خاندان پیشوائی یکی دیگر از خاندانهای قدیم قم است نام چند نفر از بزرگان و مشاهیر آنها ذکر خواهد شد یکی از شخصیّتهای معاصر این خاندان عباسی پیشوائی است که از نویسندگان ارجمند و قضات فاضل مملکت و اکنون دادستان اصفهان می باشند.

«ت»

تاج الملک ابو الغنائم :

از دبیران و منشیان عصر سلجوقی است پس از قتل خواجه نظام الملک طوسی در نهاوند، به وزارت ملک شاه رسید و چون بعد از چندی ملکشاه نیز به سرای باقی شتافت، وزارت سنجر را عهده دار گردید، شاید وزارت او به این دلیل باشد که حکومت سلجوقی با وزارت او خواسته است که پیروان اسماعیلیه را در منازعاتشان با سلجوقی تنها و بی پناه کرده باشند زیرا مردمان شیعه عراق تا آن زمان پناهگاه مناسبی برای فدائیان و مبارزان حسن صباح بودند. این وزیر مردی لایق و با حزم، مآل اندیش بوده و شیوه خواجه نظام الملک را در اداره امور به کار می بست(۱).

تقی(۲) رزاقی:

از شعرای معاصر قم است(۳) که چند سال قبل به تهران مهاجرت کرده و در بانک ملی تجریش مشغول میباشد آثار ایشان زیاد است(۴) ولی متأسفانه از اشعار ایشان چیزی در دسترس ما نبود(۱).

پاورقی

۱ آثار الوزراء عقیلی: ۲۱۶; وزیران ایرانی از بزرگمهر تا امیر کبیر: ۱۷۲.

۲ فرزند حاج محمد مهدی کاشانی متولّد ۱۲۹۶ ش و متوفی ۱۳۶۹.

۳ ر. ك. سخنوران نامی معاصر ۳/۱۰۵ و چاپ جدید ۳/۱۵۱۸; مؤلّفین کتب چاپی ۲/۲۲۰; تاریخ تکایا و عزاداری قم: ۱۰۵

و۱۰۴; فرهنگ شاعران زبان پارسی: ۲۲۷.

۴ از جمله آثار وی یکتا نامه یا ترجیع بندهاتف اصفهانی است که در ۱۳۱۶ش در قم به

چاپ رسید.

پاورقی

۱ ما برایتان این شعر را برگزیدیم:یکی میخ در کهنه دیوار دیدم

شب و روز مشغول خدمتگذاری

گهی جای او بود دیوار مطبخ

گهی در اطاق و کنار بخاری

اثاثیه گاهی سبک گاه سنگین

همه میکشیدند از آن سواری

نه فرهاد کز در دیک تیشه خوردن

سرو کارش افتاد با جان سپاری

نه شیرین که از شدت ناز و غمزه

فراموش گشتش ره و رسم یاری

نه مانند مجنون که از عشق لیلی

شد از شهر سوی بیابان فراری

نه مانند لیلی که در راه مجنون

نبودش به شایستگی پایداری

نه پروانه کز شعله عشق شمعی

پر و بال سوزد پی جان نثاری

نه چون شمع روشن که از بی ثباتی

سحر بسپرد محفلی را بتاری

چو کوه گران پای بند زمینها

بری از سبک روحی و بی قراری

فراوان خورد بر سرش سنگ و آهن

مکرر زنندش کتک های کاری

بهر پایه بر سر زندش فزونتر

فزونتر کند قوّت و پافشاری

خوش است آنکه از میخ گیرم عبرت

همی سر نه پیچم از بردباری

ز رزاقی این قطعه نغز ماند

ادب دو ستان را یادگاری

«ج»

جعفر بن احمد(۱) بن علی القمی:

در (ابو محمد) ذکر آن است.

جعفر بن الحسن بن علی شهریار ابو محمد المؤمن القمی(۲):

از فقهاء قمیین و مشایخ امامیه است، نجاشی و علامه او را توثیق کردهاند اسم پدر او را نجاشی «حسین» ذکر کرده است. صاحب ترجمه از قم به کوفه هجرت و در آنجا توطن اختیار کرده است، کتابی در فضیلت مسجد کوفه و مزارات و مساجد آن نوشته است.

جعفر بن الحسین بن حَسَکه:

ابو الحسن(۳) قمی، از ابوجعفر ابن بابویه روایت می کند و به نقل منتهی المقال از مشایخ شیخ طوسی است.

پاورقی

۱ درباره اسم پدر و جدّش اختلاف است در منابع زیر به شکل بالا

ثبت شده است: فلاح السائل: ۱۶۱ و۲۶۵، عدّه الداعی: ۲۲۷; روض الجنان: ۳۶۱; بحار /۲۶ و۲۷; روضات الجنّات ۲/۱۷۲; تفسیر امام عسکری: ۹; التحصین: ۲۰ و همین صحیح تر است. و در برخی منابع نام او و پدر و جدّش این گونه ثبت شده: جعفر بن علی بن احمد. ببینید: معانی الاخبار: ۹; توحید ۸۸ و۴۱۷ و۴۴۱; رجال شیخ: ۴۵۷; رجال ابن داود: ۶۴; عیون اخبار الرضا ۱/۱۵۴ و۱۷۸ بنگرید: جامع الأحادیث. با تصحیح و تعلیق سید محمد حسین نیشابوری.

۲ درباره او نک: رجال نجاشی: ۱۲۳; رجال طوسی: ۴۶۱; خلاصه ۱/۳۳; منتهی المقال: ۲/۲۳۷.

۳ در منتهی المقال ابو الحسین. منتهی المقال ۲/۲۴۰; فهرست شیخ ۱۵۶/۷۰۵ و۱۳۱/۵۸۹; تعلیقه وحید بهبهانی: ۸۱.

جعفر بن سلیمان قمی(۱) ابومحمّد :

از روات موثق قمی و از وجوه امامیه است. نجاشی و علامه او را توثیق کردهاند. دارای کتابی است به نام ثواب الأعمال.

جعفر بن عبد الله بن جعفر بن الحسین بن جامع القمی(۲):

از اعراب حِمْیر که به قم مهاجرت کردهاند و از صحابه امام علی بن محمد النقی (علیه السلام) بوده و با صاحب الأمر عجّل الله فرجه مکاتبه داشته است.

جعفر بن علی بن احمد القمی، ابن الرازی(۳):

از مشایخ اجازه است و شیخ صدوق از او روایت می کند. ابن داود او را توثیق کرده(۴) و تألیفاتی به او نسبت می دهد.

جعفر بن محمّد بن عیسی:

از علی بن یقطین روایت می کند. احمد بن محمد الاشعری برادر اوست.

جلال الدین «امام جمعه»:

از علماء و دانشمندان شهر قم بوده و منصب «امام جمعه» این شهر، در خانواده ایشان موروثی بوده است و پس از ایشان آقا سید مرتضی فرزند

او همین عنوان را داشته است. سید جلال الدین امام جمعه، از اعاظم شهر و مورد توجه و عنایت تمام مردم بوده و در سال ۱۳۲۹ هجری قمری وفات یافته است.

پاورقی

۱ درباره او ر. ک.: رجال نجاشی: ۱۲۱; خلاصه ۱/۳۳; منتهی المقال ۲/۲۴۶.

۲ درباره او نک: رجال نجاشی: ۳۵۵، (ضمن ترجمه برادرش محمّد)؛ رجال طوسی: ۴۱۱; خلاصه ۱/۳۳; منتهی المقال ۲/۲۵۱.

۳ نک: رجال طوسی: ۴۵۷، المعجم الموحّد ۱/۱۸۲; منتهی المقال ۲/۲۵۵; عیون اخبار الرضا(علیه السلام) ۱/۱۷۶ و۱۵۴.

۴ رجال ابن داود: ۶۴.

جلال مدیر فاطمی:

از رؤسای سابق دوائر ثبت کل و چندی شهردار قم بوده است در مدّت تصدّی شهرداری مصدر خدماتی قابل ملاحظه بود اکنون با رتبه ۱۰ قضائی بازنشسته شده است.

« چ »

چهل اخترانی:

از سادات محترم و خاندان قدیمی قم هستند تولیت مقبره موسی مبرقع با این خاندان است، فعلاً در رأس این فامیل سید علی(۱) چهل اخترانی قرار دارد که همّ خود را صرف آسایش مردم پائین شهر می نماید.

پاورقی

۱ فرزند مرحوم حاج سید حسین چاووش (م ۱۳۳۱ش)، که در ۱۶ آذرماه ۱۳۶۷ در سن ۹۵ سالگی درگذشت. نک: تاریخ تکایا و عزاداری قم: ۱۵۳.

« ح »

قسمت اول

حاج سید جواد(۱) قمی:

از علماء و فقهای متأخر قم مردی صالح و متقی بوده است، در ترویج احکام شریعت و حفظ حدود شرعیه همتی وافر داشته:

تحصیلات او در قم و اصفهان و نجف اشرف بوده است. در ترجمه ای که به خط فرزند او حاج میرزا زین العابدین(۲) نوشته شده است، کتابهای زیر تألیفات او شمرده شده(۳):۱ کتاب مقالید الاحکام در فروع فقه در شش مجلد.

۲ کتاب دره الباهر در دو مجلد.

کتاب ینابیع در توحید و نبوت(۴).

پاورقی

۱ نام شریف این فقیه عالیقدر سید محمد تقی و ملقب به «جواد» است، و نام پدرش سید علی رضا و در مآثر و آثار ۱۵۳ آمده که مجتهدی مسلّم و مروجی مبسوط الید بود و در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعیه هیچ نکته فرو نمی گذاشت. و... ونیز ر.ک: نقباء البشر ۱/۳۳۷; اعیان الشیعه ۱۷/۱۲۶; لباب الألقاب: ۷۷; المآثر والآثار: ۱۵۳; ایضاح المکنون ۱/۲۸ و۳۴۱ و۲/۱۴۷ و۲۴۴ و۵۱۸ و۵۶۲; زندگانی و شخصیت شیخ انصاری: ۲۲۳; معجم المؤلّفین ۳/۱۶۷; هدیه العارفین ۱/۲۵۹; معجم رجال الفکر والأدب فی النجف خلال الف عام ۳/۱۰۱۱ و تراجم الرجال از آقای حسینی اشکوری ۱/۱۳۳ که

این کتاب نیز با تعلیقات این حقیر آماده چاپ است.

۲ ایشان از علماء بزرگ قم و از شاگردان مبرز صاحب کفایه الاصول مرحوم آخوند خراسانی(رحمه الله)بوده است.

۳ ر.ک: حاشیه رجال ابو علی و تاریخ قم ۲۵۵.

۴ و اثبات کفر بعض اهل الحاد و بدعت. این فقید سعید با این که در مقابل ظالمان و کژاندیشان و بدعتگزاران و خلافکاران چون کوه می ایستد، در مقابل خالق جهان فوقالعاده خاشع و متواضع و بکّاء بود و بسیار عبادت می کرد و بسیار اتفاق می افتاد که در قنوت نماز وتر»، مناجات ابی حمزه ثمالی را قرائت می کرده، و دارای برجستگی های فراوان و کرامات باهره ای داشته است رحمه الله علیه رحمه واسعه.

و بیست رساله دیگر بدون این که اسامی آنها را ذکر کند به او نسبت می دهد. حاج سید جواد، جد اعلای خانواده پیشوائی است که ذکری از آن در کلمه «پیشوائی» شده است در سال ۱۳۰۳ قمری وفات یافته و در کنار مقبره زکریا بن آدم(۱) در شیخان قم مدفون است(۲).

حاج سید صادق(۳):

از فقهای جلیل و علمای بزرگ اخیر قم است، خانواده او اهل علم نبودند ولی شوق و علاقه به تحصیل علوم اسلامی و معارف بشری او را به خدمت استادان بزرگ زمان چون(۴) میرزا محمد حسن شیرازی و حاج میرزا حبیب الله رشتی کشاند و پس از سعی و جهد وافی و صرف سهمی از عمر شریف به درجات والای کمال و فضل نائل شدند، مرحوم حاج سید صادق قبل از این که به اعتاب مقدسه مشرف گردند در تهران و اصفهان به تحصیل مقدمات علوم و کسب فضایل پرداختهاند

و بعد ازچندی مجاورت در نجف اشرف به قم بازگشته و به تدریس علوم و معارف مذهبی همّت گماشته و مرجعیّت یافتند تا آنجا که حل و عقد امور جامعه و حکومات شرعیه به امضاء و حکم ایشان منوط شده است علاقمندان و مردم دانش دوست و حقیقت جو وی را در بر گرفتند و به تکریم و تجلیل او کوشیدند، مقابل خانه نشیمن او مدرسه(۱) و مسجدی بزرگ به نام او ساختند این مدرسه در جنوب شرقی قم نزدیک دروازه قعله واقع است.

اولاد ایشان عبارتند از: حاج میرزا محمود و حاج میرزا ابوالحسن و حاج میرزا ابوالقاسم در قم و حاج آقا احمد قمی در تهران و حاج میرزا فخرالدین. و از احفاد او عده نیز اهل علم میباشند و اغلب فاضل و شایسته ترقی و کمالند. وفات مرحوم حاج سید صادق در سال ۱۳۳۸ قمری واقع و در قبرستان شیخان در کنار مقبره مرحوم میرزای قمی مدفون شده است(۲).

پاورقی

۱ نزد قبر پدر و جدش.

۲ ایضاً ر.ک: المآثر والآثار چاپ اول ص۱۵۳; چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه جلد دوم ص۷۵۹; الذریعه ۱/۲۴۶.

۳ فرزند مرحوم حاج میرزا زینالعابدین و متولد ۱۲۵۵ ه ق است که تا سن هیجده سالگی در قم مشغول به تحصیل مقدمات بوده و سپس مدت دو سال در اصفهان تحصیل کرده و چندی هم در تهران از محضر حکیم معروف مرحوم آقای علی مدرسی تحصیل حکمت کرده و در حدود سال ۱۲۷۹ به نجف اشرف هجرت کرده.

۴ مرحوم شیخ اعظم انصاری.

حاج ملا آقا حسین(۳):

از مجتهدین متأخر قم مردی دانشمند و زاهد و از خدام حرم فاطمه معصومه(علیها

السلام) می باشد تحصیلات مقدماتی او در قم خدمت حاج سید اسماعیل که از شاگردان حجه الحق میرزای قمی بوده است و سپس مدت چهارده سال در اعتاب مبارکه از محضر مرحوم شیخ محمد حسن صاحب جواهر و پس از فوت او از محضر حجه الاسلام شیخ مرتضی انصاری مستفید و مستفیض گشته است سپس، به قم مراجعت و مرجع امورات شرعیه و حسبیه مردم قم بوده و

پاورقی

۱ این مدرسه در محله سلطان محمد شریف واقع است که در حدود سال ۱۳۱۱ ه ق شروع و مرحوم آقا میرزا محمود آن را تکمیل و این اواخر به همّت فرزند زاده و سمی آن مرحوم حضرت آیت الله حاج سید صادق روحانی از نو ساخته شده است و هم اکنون جمعی از طلاب در آن ساکن و حضرت آیت الله حاج سید مهدی حسینی روحانی عضو محترم جامعه مدرسین و عضو محترم مجلس خبرگان در آن اقامه نماز می کند.

۲ از تألیفات ایشان قسمتی از زکوه (اول زکوه تا اصناف مستحقین) در دست است، که شرح مبسوطی بر این بخش از شرایع است، و دیگری مجلدی از مباحث عقلیه در اصول بوده که در جریان سیل قم (۱۳۵۲) از بین رفته و...

۳ در مآثر و آثار آمده: آقا حسین مجتهد قمی به علم و عمل اشتهار دارد. و میرزای فیض در حقش گوید: عالمی است قدس نهاد که زهد در نهاد او عجین است و قدس در ذات او دفین والدش از اعزه و اتقیاء این بلد و از خدام آستان بضعه احمدی صلوات الله علیها است.

عموم حکومات شرعیه این

شهر در محضر ایشان فیصله می یافته احفاد آن مرحوم فعلًا در قم به لقب «حرم پناهی» مشهور می باشند.

در سال ۱۳۲۷ قمری در قم وفات یافته و مدفن او در زوایه شمال شرقی صحن اتابکی است که با سنگ چینی به ارتفاع نیم متر از سایر قبور ممتاز است.

حاج ملا غلامرضا(۱) معروف به حاج آخوند :

از علماء بزرگ و فقهای جلیل قم، مردی متّقی و زاهد بوده است، درمعیّت مرحوم حاج سید صادق به نجف اشرف کوچ کرده و در آن سرزمین مبارک از محضر اساتید زمان حاج میرزا محمد حسن شیرازی و حاج میرزا حبیب الله رشتی رضوان الله علیهما(۲) به تکمیل علوم شرعیّه همّت گماشت و پس از اتمام تحصیلات و نیل به درجه اجتهاد به قم مراجعت و مردم این شهر را از سرچشمه فیوضات خویش مستفیض گردانید.

اثر او حاشیه ای است که در کتاب «فرائد الاصول» استاد بزرگ حجه الاسلام شیخ مرتضی انصاری نگاشته است، این حاشیه(۳) به طبع رسیده است، وفات او سنه ۱۳۳۲ قمری واقع شد(۴).

پاورقی

۱ فرزند حاج رجب علی قمی.

۲ استاد دیگرش مرحوم علامه محقق شیخ مرتضی انصاری است.

۳ نام این کتاب قلائد است. سائر مؤلفات وی بدین شرح است: القضاء (۱ جلد)، الصلاه (۱جلد)، صلاه المسافر (۱ جلد)، اجتماع الامر والنهی، مسأله الضد. ر.ک: کتاب کیمیاء (تألیف فرزند مترجم) و نقباء البشر ۱۶۵۷; هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی: ۱۴۱; زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ۲۹۸، مختار البلاد ۲۷۳، الذریعه ۶/۱۶۰، مؤلفین کتب چاپی ۴/۶۹۵; بشارت به اهل توحید; معجم رجال الفکر والأدب فی النجف خلال الف عام ۳/۱۰۱۹; تراجم الرجال ۱/۴۲.

۴

پیکر پاک این عالم بزرگ شیعه در ایوان آئینه صحن اتابکی قم به خاک سپرده شده است.

حاج ملا محمد صادق:

از دانشـمندان بزرگ و فقهای جامع عصـر اخیر قم است. مدرسه «حاج ملا محمد صادق»(۱) در قم نزدیک میـدان میر منسوب به اوست. تحصیلات مقدماتی او در اصفهان بوده است، در این شهر گذشته از ادبیات و مقدمات و فقه و اصول به علم ریاضی و هیئت و فلسـفه نیز می پردازد، اسـتاد او در این شـهر مرحوم حاجی شـیخ محمـد تقی اصـفهانی صاحب حاشـیه بر معالم بوده است، پس از ده سـال اقامت در اصـفهان به نجف اشـرف ارتحال کرده و از محضـر مرحوم شـیخ محمـد حسن صاحب جواهر مسـتفیض گشـته و پس از نیل به درجات عالی کمال و فضایل به قم بازگشته است، در مراجعت به قم گذشته از اشتغال به نشر معارف مذهبی و تدریس علوم شـرعی به حل معضـلات مردم و رسـیدگی به مسائل شـرعی و حسبی و مرافعات می پرداخته تا آنجـا که فیصـله هر امری به امضـاء و نظر والاـی او منوط شـده است، به نقل «المآثر و الآثار»(۲) ایشان در مورد پیراسـتن موی صورت فتوائی دارنـد که تقریباً منحصـر به ایشـان است یـا لااقـل در متـأخرین بی سابقه است و آن حکم به جواز ستردن موی صورت است. یکی از قضایائی که در افواه مردم از مرحوم حاج ملا محمد صادق یاد می شود نماز استسـقائی است که خوانده و به فاصله کمی رحمت حق برمردم باریده است(۱).

پاورقی

۱ این مدرسه معروف به مدرسه حاجی است که میرزا آقا خان صدر اعظم نوری در زمان صدارتش، اوائل سلطنت ناصرالدین

شاه به سال (۱۲۷۳) با مسجدی که در همان مدرسه قرار داد برای جناب ایشان ساخته است و این مدرسه دو طبقه است و در ایوان مدرسه اشعاری از مرحوم حاج رشید خان بیگدلی به چشم می خورد. ر.ك: گنجینه دانشمندان ج۱/۵۷، مقاله آقای مدرسی در مجله توحید.

۱۵۲ ۲.

خانواده (صادقی) در قم احفاد ایشانند که در رأس آنان جناب حاج میرزا مصطفی قمی صادقی واقع است. وفاتش در سال ۱۲۹۸ قمری واقع شده است(۲).

حسام الدین قمی (حاج آقا حسام):

از علماء سادات و از ائمه جماعت است، از شاگردان آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری بوده است(۳).

حسکه بن بابویه:

نام او در کتاب امل الآمل، حسن بن حسین مردی فقیه و محدثی فاضل یاد شده است، جد او شیخ منتجب الدین صاحب کتاب فهرست است خود شیخ او را شمس الاسلام حسن بن حسین بن بابویه ذکر کرده است، در ری سکونت داشته و به لقب (حسکا)(۴) یا (حسکه) خوانده میشده است از وجوه علما و ثقات قمیین به شمار می رود کتبی که برای او ذکر شده چنین است:۱ کتاب عبادات.

پاورقی

۱ نیز نک: نماز باران و برپا کنندگان آن.

۲ مضجع شریف وی در قبرستان شیخان قم است.

۳ در آثار الحجه ۱/۴۳ ضمن شرح حال اجمالی او آمده است: «عالمی است پارسا و صریح اللهجه و خلیق و با تعصّب که اصالت و سیادت را از نیاکان و اجداد طاهرین خود به میراث برده است» وی در سال ۱۳۳۷ شمسی فوت کرد و در بالای سر قبر مرحوم حاج شیخ در حرم مطهر مدفون گردید. و نیز نک: وفیات علما از آیت الله زنجانی

به کوشش آقای جواهرکلام. میراث اسلامی ایران ش۷ ص۷۰۱.

۴ در طبقات اعلام الشیعه (الثقات العیون فی سادس القرون) ۵۷ آمده است: حسکا مخفف حسن کیا و کیا در فارسی به بزرگ و عالیقدر می باشد.

۲ کتاب اعمال الصالحه.

۳ کتاب سید(۱) الانبیاء والائمه.

حسن برقعی (حاج میر سید...):

متولد ۱۳۰۶ قمری فرزند مرحوم آقا سید عبدالله مجتهد بزرگ قم می باشد از معروفین علماء فعلی قم هستند تحصیلات او ابتدا در قم و از شاگردان مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم قمی و سپس در نجف از محضر مرحوم نائینی استفاده کرده است پس از مراجعت از نجف به مجلس درس آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری حاضر می شده است اکنون به ترویج معارف مذهب و اقامه جماعت، اشتغال دارند، در دهکده شادقلی خان به همّت ایشان مسجد و آب انباری ساخته شده است(۲)، آقای حاج آقا مصطفی برقعی(۳) فرزند ارشد ایشان می باشند که از فضلا محسوب می شوند.

قسمت دوم

حسن بن ابان:

چنین به نظر می رسد که از علماء و دانشمندان قم می باشد زیرا حسین بن سعید اهوازی که از فقهاء و محدثین بزرگ امامیه صدر اول و از اصحاب ائمه طاهرین علی بن موسی الرضا و محمد بن علی التقی و امام الهادی(علیهم السلام) بوده است، در سفر خود به قم بر وی وارد شده است(۴)، و این می رساند که قطعاً تجانس و مناسبتی می بایست بین آنان باشد هرچند که در کتب رجال و طبقات محدثین و علماء از او به طور روشن یاد نشده است، به دلیل ورود حسین بن سعید بر او، از علمایش دانسته اند.

پاورقی

۱ سیر الانبیاء والائمه(علیهم السلام).

۲

وی در خصوص بناء مسجد بزرگی برای آستانه و نیز آوردن آب کارون به قم اقداماتی کرد.

۳ ترجمه مختصری از زندگانی وی در گنجینه دانشمندان ۲/۸۴ آمده است.

۴ منهج المقال ۹۵ و نیز نک رجال نجاشی ۵۹ (ضمن ترجمه حسین بن سعید اهوازی).

حسن بن احمد بن ریذویه القمی(۱):

در کتاب «خلاصه» اسم جدش «ریذویه» به فتح ذال و در کتاب ایضاح به ضم ذال یاد شده است صاحب ترجمه و از محدثین مورد اعتماد و موثق و از فقهاء قمیین است. کتابی به نام (مزار) دارد.

حسن بن خالد بن محمد بن علی البرقی:

کنیه او ابو علی و برادر محمد بن خالد البرقی است، از روات موثّق و فقهای امامیه قم است. تألیفاتی برای او ذکر کرده اند(۲).

حسن بن خورزاد(۳):

در قمی بودن او سخن مختلف است، نجاشی او را قمی دانسته و از روات کثیر الحدیث شمرده است، شیوه او در نقل روایات قدح نشده ولی صحیح نیز نشمرده و عدهای او را از غلات دانستهاند. کتابی به نام «اسماء رسول الله(صلی الله علیه وآله وسلم)» و کتاب دیگری به نام «متعه» به او نسبت داده شده است.

پاورقی

۱ و نیز در ترجمه او بنگرید ابن داود ۱۰۳; خلاصه ۲۳; قهپائی ۲/۹۷; تذکره مشایخ قم ۳۴; رجال نجاشی ۶۲; خلاصه ۱/۴۴.

۲ ر.ک: بهجه الامال فی شرح زبده المقال ۳/۹۴; فهرست ۸۸; رجال ابن داود ۱۰۶; خلاصه الاقوال ۷۳; الوجیزه ۹; رجال طوسی ۴۶۲; رجال نجاشی ۶۱.

۳ در منابع حسن بن خُرّزاذ قمی ثبت شده است. درباره او نک: رجال نجاشی ۴۴; رجال طوسی ۴۱۲; خلاصه ۲/۲۱۴.

حسن بن زبرقان(۱):

کنیه او ابوالخزرج است. از فقها و دارای تألیفات است.

حسن بن

السید عمادالدین احمد بن ابی علی الحسین القمی:

کنیهاش ابو علی است، مردی صالح و فقیهی دانشمند بوده است. شیخ منتجب الدین او را در کتاب خود به وصف فاضل و صالح یاد کرده است.

حسن بن سابور ابو عبدالله الصفار :

از فقها و محدثین قم کتابی در (صلاه) دارد که به نقل ابن غضائری کتابی با ارزش و مفید بوده است عدهای از قمیین او را از غلات دانسته اند ولیکن این معنی درباره او اثبات نشده است خصوصاً اگر اتهام «غلو» نسبت به او قابل توجه می بود از قلم نقّاد ابن غضائری رهائی نمی یافت.

حسن بن فاذار القمی، افضل الدین:

مردی ادیب و در علم لغت متبحر بوده است، شیخ منتجب الدین از او به عنوان امام علوم ادب و لغت یاد کرده است(۲).

پاورقی

۱ نک: رجال نجاشی ۵۰; فهرست طوسی ۵۹; رجال طوسی ۴۷۱.

۲ میر منشی در رساله مفاخر قم و مافیها می نویسد: وی از مشایخ بلده طیبه قم و از ادبا به شمار بوده، و در زمانی می زیسته که هیچ یک از دانشمندان مانند او در فن لغت مهارت نداشته و از اساتید علم لغت محسوب می شده. ر.ک: ریاض العلماء ۱/۲۳۵; جامع الرواه ۱/۲۱۹; تذکره مشایخ قم ۳۷.

حسن بن عبدالرزاق لاهیجی(۱):

از علماء بزرگ است که در قم سکونت گزیده است مردی فقیه و عالمی شایسته بود علوم مختلف مذهبی را تدریس می کرده است. کتابی در مسأله امامت به نام «شمع الیقین» و کتاب دیگری به نام «جمال الصالحین» در ادعیه و اذکار(۲) تألیف کرده. قبرش در شیخان قم است.

حسن بن عبدالصمد بن محمد بن عبدالله الاشعری القمی(۳):

در بعض

نسخ نجاشی نام او (حسین) ذکر شده است. ابن داود و نجاشی او را از ثقات و مشایخ حدیث شمرده اند. صاحب تألیفاتی است.

حسن بن علی بن بهلول القمی:

لقب او نصیرالدین است، مردی دانشمند و فقیهی صالح بوده است، در بعضی تراجم او را با عنوان «الامام» یاد کردهاند(۴).

پاورقی

۱ دیوان حزین لاهیجی، تصحیح بیژن ترقی به ضمیمه تاریخ و سفرنامه حزین: ۱۶; ریاضالعلماء ۱/۲۰۷; فوائد الرضویه ۱/۲۲۹; ریحانه الأدب ۳/۲۳۵; مفاخر اسلام ۷/۳۶ ۴۰; یادنامه حکیم لاهیجی: ۴۹۵ مقاله میرزا حسن لاهیجی و شمع یقین او.

۲ در ریحانه الأدب ۳/۲۳۵ جمعاً ۱۳ کتاب از ایشان ضبط کرده است.

۳ در ترجمه او بنگرید: قهپائی ۲/۱۱۹; خلاصه ۲۳; ابن داود ۱۰۹; تذکره مشایخ قم ۳۵; رجال نجاشی ۶۲.

۴ منتجب الدین در فهرست گوید: وی، واعظی شایسته بوده، و صاحب ریاض العلماء می نویسد: ظاهراً وی از معاصران منتجب الدین است.

حسن بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه القمی:

برادر شیخ صدوق است. او را مردی دانشمند(۱) و زاهد و گوشه نشین یاد کرداند.

حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک القمی:

اوایل قرن نهم از فضلا و دانشمندان بوده است(۲). کتاب تاریخ قم تألیف حسن بن محمد بن حسن القمی را به فارسی ترجمه کرده است(۳).

پاورقی

۱ در ریحانه الادب ۷/۴۰۰ آمده است که وی بهرهای از فقاهت و روایت نداشت، تمامی عمر خود را در زهد و عبادت صرف کرد، و با وحدت و انزوا می گذرانیده است، سال وفاتش بدست نیامد.

۲ وی مردی ادیب و دانشمند بوده و در علوم ادبیت و عربیت تبحری به سزا داشته است (قم در قرن نهم ۱۹۶) از او فرزندی می

شناسیم با نام «بهاء الدین حافظ کاتب قمی» که خطی خوش داشته و...

۳ این کتاب در شناساندن مردم و اماکن و مزارات و شرح مهاجرت طالبین و قبائل عرب به قم بسیار سودمند و پر ارزش است کتاب مذکور در بیست باب تدوین شده است ابواب آن به ترتیب از این قرار است در فهرست ۲۰ باب تاریخ قم به کتاب مفاخر اسلام ۳/۱۶۲ ۱۶۷ نیز می توان مراجعه کرد: ۱ در ذکر قم و تاریخ بنا و چگونگی اسم آن در هشت فصل ۲دفعات ممیزی و مساحی قم برای ترتیب وصول خراج در پنج فصل ۳ شرح ورود و توطّن طالبین منظور سادات دودمان ابوطالب است و علویین به شهر قم در دو فصل ۴ شرح ورود و توطّن اشعریین در دو فصل ۵ در ذکر بزرگان و رجال عرب قم و اخبار مربوط به آنها در دو فصل ۶ در شرح انساب اشعریین و دیگر مهاجرین قم عموماً و شرح نسب بزرگان آنها به تفصیل در پنج فصل ۷ در ذکر مسأله ریاست قبائل عرب در قم و کیفیّت احراز ریاست از طرف بعضی آنها در پنج فصل ۸ حاوی واقعات و حادثاتی است که در بین قبائل مهاجر قم به وقوع پیوسته است در یک فصل ۹ اسامی تراجم حکام و والیان و دبیران و مستوفیان قم در یک فصل ۱۰ در باب اسلام آوردن مردم قم در قدیم الایام و شرح فضائل آنان در سه فصل ۱۱ در شرح تواریخ سنین والیان و فرمانداران قم و مساحت اراضی مزروع و

خراج آنها و ذکر مسافات شهر و روستای آن از سال ۸۱ هجری تا سال ۳۷۸ هجری در یک فصل ۱۲ در شرح اسامی قضات قم و بیان علّت خودداری خلفاء عباسی از فرستادن و مأمور کردن قضاتی به شهر قم تا زمان المکتفی بالله و مطالب دیگر در یک فصل ۱۳ قسمتی از تاریخ اسلام و پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) از روز مبعث و همچنین ذکر احوال خلفا و شرح وقایع و حوادث دیگر تا سال ۳۷۸ هجری در یک فصل ۱۴ در شرح ضیاع و حصص سلاطین در شهر قم و ساوه و آوه شهرکی در نزدیکی ساوه که اینک به صورت روستا درآمده است و انواع آن از خاصه قدیمی معروف به عباسیه و ضیاع عامه آن مانند فراتیه سهلانیه و یعقوبیه و خاصه جدیدی که در دو سال ۳۶۶ و ۳۶۷ جزء حصه سلطانی در آمده است و مطالب دیگر در یک فصل ۱۵ در شرح ضیاع و املاک موقوفه در قم و مقدار خراج و شماره سهام و ذکر آنچه از آن موقوفات خراب و بائر مانده است و نام متولیان آن موقوفات از مردم عرب و یا عجم قم و مطالب دیگر در یک فصل ۱۶ تراجم علما و دانشمندان قم و خواص آنها و ذکر این که دویست و شصت و شش نفر بودند و بیان مؤلفات و تصانیف آنها در یک فصل ۱۷ در تراجم ادیبان و دبیران و فیلسوفان و مهندسان و منجمان و کاتبان و وراقان کتاب فروشان و صحافان قم و ذکر بعض احوال و اخبار

آنهـا در یک فصل ۱۸ در شـرح شاعرانی که در مـدح مردم قم شـعر گفته انـد و ذکر آن کسانی که شـعر و حالشان مشـهور و محفوظ مانده بوده است و تعداد آنان که چهل نفرند و همچنین ترجمه احوال شـعرائی که از سـرزمین قم و آوه برخاسـتهاند و به عربی و فارسی شعر می گفته اند و تعداد آنان که صد و سی نفرند در سه فصل ۱۹ در شرح احوال زردشتیان و یهودان قم و نواحی و مقـدار جزیه آنهـا و کیفیت وصول و دریـافت جزیه و همچنین بیان علت اینکه چرا ترسایان]نصارا و مسـیحیان در قم سکونت و توطّن اختیـار نکردنـد در یک فصل ۲۰ ذکر بعضـی امور خاصه قم شـرح شـگفتیهای دنیای قدیم و عمر پیغمبران و تعداد آنان و بیان اخبار امم سالفه و مطالب دیگر در پنج فصل. متأسـفانه کتاب اصلی که به زبان عربی نوشته شده است از بین رفته و فارسـی آن که به خامه و همت صاحب ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبـدالملک ترجمه شده است فقط حاوی پنج باب آن است.]صاحب ریاض العلماء ترجمه کل کتاب را که ۲۰ باب بوده در ضمن چند جلد دیده است از مقدمه مترجم هم بدست می آید که تمام آن ترجمه شده، لیکن در اختیار همه نبوده است. جناب آقای مدرسی طباطبائی مینویسد: مجلسی برای تـدوین بحار الانوار خود اصل عربی این کتاب را می خواسـته ولی جز همین ترجمه را نیافته است (بحار چاپ جدیـد ج۱/۴۲) (و از آن در مزار بحار نقل کرده ر.ک. ریاض العلماء) بعد ایشان تحقیقی

می کند که آیا نسخ ترجمه شده چند باب بوده و آنچه که در دست است نسخهای است کامل یا ناقص ر.ک کتاب شناسی آثار مربوط به قم ۴۳ ۴۰ و ۳۱ و ۳۲[. ترجمه این کتاب در سال ۸۰۵ و ۸۰۶ هجری به خواهش ابراهیم بن محمود بن محمد بن علی الصفی که از سلاطین و والیان عراق بوده است انجام و به تصحیح و همّت آقای سید جلال الدین طهرانی در تاریخ ۱۳۵۳ قمری طبع گردیده است.

حسین بن علی ابو محمد الحجّال(۱):

از دانشمندان بزرگ قم و از فحول فقهاء خود بوده است، کتابی مشروح و مفصل در فروع فقه به نام کتاب «الجامع فی ابواب الشرایع» دارد علامه و نجاشی او را توثیق کرده اند(۲).

قسمت سوم

حسن بن مالک القمی(۳):

عدهای او را حسین بن مالک یاد کردهاند علامه در کتاب خلاصه در شمار اصحاب امام ابوالحسن علی بن محمد(علیه السلام) و از ثقات شمرده است. عبارات کتاب مشترکات نیز بر موثق بودن او دلالت می کند.

حسن بن محمد بن بندار:

از مشایخ معتمد و فقهاء قم بوده است نجاشی او را توثیق کرده است، در کتاب مجمع الرجال(۴) از او به صحت و ثقه بودن یاد می کند به این دلیل که ابن غضائری از او قدحی نکرده.

پاورقی

۱ درباره او نک: رجال نجاشی ۴۹، ۳۴، (ضمن ترجمه حسن بن علی فضال) خلاصه ۱/۴۲.

۲ وی از دودمان سائب بن مالک اشعری است ر.ک: منتقلهالطالبیه ۲۵۵، ۲۵۶ ۲۵۷ و کتابشناسی مربوط به آثار قم ۱۱.

۳ درباره او نک: خلاصه ۱/۳۹، المعجم الموحد: ۲۲۳.

۴ مجمع الرجال ۲/۱۴۷.

حسن بن محمد بن حسن قمی(۱):

قرن چهارم از دانشمندان و

مورخین بزرگ ومعاصر شیخ صدوق(۲) است از نزدیکان و مقربان صاحب بن عباد وزیر فخرالدوله دیلمی بوده و بخواهش و دستور او تاریخ قم را به عربی نوشته است. این کتاب در شیوه نگارش بی نظیر و بسیار پرارزش است چنین تاریخ مستند و دقیق کمتر نوشته شده است تنها ممکن است کتاب تاریخ مسعودی «بیهقی» را از لحاظ دقّت و ثبت مدارک با آن مقایسه کرد، نه تنها این کتاب در بین کتب متقدمین بی نظیر است بلکه امروزه نیز که تاریخ نویسی شیوه خاصی یافته و به تأثیر سبک مورخین عصر جدید اروپا وضع شایسته ای به خود گرفته، مانند و نظیری ندارد و هنوز تاریخی به این جامعیّت نوشته نشده است، کسی که این کتاب را مطالعه می کند کتب تاریخی دیگر را که به جای حقیقت و سادگی با عبارات تملّقآمیز وجملات بی معنی وقالبی صفحات را پر کرده اند آنقدر بی ارزش می یابد که از صرف وقت ومال برای مطالعه آنها شرمنده میشود، این کتاب بر بیست باب که هر یک از ابواب آن مشتمل بر فصولی است در سال ۳۷۸ (۳) هجری تدوین شده است ما شرح فصول آن را در ذیل ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملك القمی مترجم کتاب مزبور به فارسی بیان کردیم.

پاورقی

۱ وی با محمد بن الحسن الولید در تجارت شریک بوده است.

۲ وی از شیخ حسین بن علی بن بابویه برادر شیخ صدوق، بلکه از خود صدوق(رحمه الله) روایت میکرده است. گرچه ترجمه حسن بن محمد بن حسن قمی در مآخذ اولیه رجال و تراجم نیامده ولی در ترجمه

او از کتب زیر می توان بهره گرفت: ریاض العلماء; تکمله امل الآمل; مفاخر اسلام ۲/۱۵۳ ۱۶۶; تاریخ قم (از ناصر الشریعه); تاریخ مذهبی قم ۲۱; گنجینه دانشوران; کتابشناسی قم از اینجانب.

۳ نویسنده در این اثر وقایع را تا پایان سال ۳۷۸ گرد آورده (ترجمه کتاب قم، ص۱۷، سطر۱۳ و ۲۳) و لذا نمی توان گفت که سال فوق سال پایان تألیف است و باید تألیف آن را در سال ۳۷۹ دانست.

حسن بن محمد بن عمران(۱):

قرن سوّم از فقهای قم است. حسین بن محمد بن عمران، برادر او و موسی بن الحسن بن محمد بن عمران فرزند او هر دو از ثقات محدثین بودهاند زکریا بن آدم، که ترجمه اش خواهد آمد او را وصی خود قرار داده است، این وصایت دلیل توثیق او است زیرا زکریا بن آدم با توجه به این که در بعض امور از امام(علیه السلام)وکالت داشته استجز شخص موثّق و مورد اعتمادی را طبعاً به وصایت انتخاب نمی کرده است.

حسن بن مَتّیل(۲):

از وجوه فقهاء امامیه قم و از ثقات محدثین است، شیوه او ممدوح و مورد توثیق واقع شده است، نجاشی او را از مشایخ محدثین قم ذکر کرده است.

حسن بن میرزا سید عزیز (حاج میرزا سید حسن)(۳):

از فقها و دانشمندان اخیر قم و از خدّام حرم فاطمه معصومه سلام الله علیها بوده است. تحصیلات او در قم و نجف اشرف، و از شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی است، کتاب کفایه الاصول را شرح کرده و یک جلد آن را به چاپ رسانیده است در اواخر عمر به تهران مهاجرت و در همانجا سکونت گزید.

پاورقی

۱ تاریخ

قم: ۸۶. اشعریان قم چاپ شده در میراث اسلامی ۷/۴۴۶.

۲ درباره ایشان مراجعه کنید: رجال نجاشی ۴۹; فهرست شیخ طوسی ۵۳; رجال شیخ طوسی ۴۶۹; خلاصه ۱/۴۲.

۳ و نیز نک: گنجینه دانشمندان ۱/۱۳۶.

حسن رشدیه (حاج میرزا حسن...):

از پیشقدمان فرهنگ و اهل تبریز است(۱). در سال ۱۳۱۳ شمسی به قم آمد و در این شهر مدرسهای با وضع و شیوه نو به نام «رشدیه» تأسیس کرد. پس از یک سال این مدرسه به علّت مسافرت مؤسس و مدیرش مرحوم رشدیه تعطیل و ضمیمه دبستان محمدیّه گشت سال بعد چون به قم بازگشت دوباره مدرسه را دائر نمود و از سال ۱۳۱۵ شمسی با شهریه محصلین و مبلغ پانصد ریال کمک که از اداره فرهنگ دریافت می کرد مدرسه مزبور را اداره می نمود، ایشان قبل از تأسیس این مدرسه در قم مدرسهای به همین نام در تبریز دائر نموده بود وفات او در سال ۱۳۲۳ شمسی در قم اتفاق و در همانجا دفن شد.

پاورقی

۱ مؤلف کتاب «رجال آذربایجان در عصر مشروطیت» مینویسد: حاج میرزا حسن رشدیه در بین خادمین معارف ایران در مقام اول قرار دارد... (و) دو خدمت مهم به معارف ایران کرده است اول این که دبستان به طرز جدید اروپائی را وی در ایران تأسیس نموده، دوّم این که تدریس الفبا را به تقلید از اروپائیها (که امروز در مدارس ابتدائی مرسوم است) به طرز جدید او رواج داده است... وی در سال ۱۳۰۵ قمری مسجدی را در ششکلان مکتب خانه خود ساخت. به شاگردان خود الفباء را به شیوه امروز یاد داد و سپس از کتابهای آسان به آنها درس آموخت و

تـابلوئی به نام مـدرسه رشـدیه به بالای در مسـجد زد... کار رشـدیه رونق گرفت چنان که حیاطی اجاره کرد چنـد اطاق درس فراهم نمود و سـفری به قفقاز و مصر کرد و مطالعات خود را درباره تعلیم الفباء تکمیل نمود برحسب تقاضای والی آذربایجان (امین الـدوله) دو مرتبه به تبریز آمد مدرسه ای مکمل تر و مجللتر از سابق تأسـیس نمود. در اواخر سال ۱۳۱۴ امین الدوله او را با خود به طهران برد و وی اداره مدرسه تبریز را به برادر خود سپرد و در طهران مدرسـهای جدید ساخت. وی در ایام صدارت اتابک میرزا علی اصـغر خان به اتهام نشـر شب نامه مورد تعقیب قرار گرفت به منزل آقا شیخ هادی نجم آبادی پناه برد. قبل از مشـروطیت عین الـدوله برای ترسانیـدن آزادیخواهان او و رفقایش را به عنوان بابی گری به کلات تبعید نمود. وی در نهضـت مشـروطیت شـرکت کرد... در تهران میدانی را به نام رشدیه نام نهادند. دمکراتها می خواسـتند مجسـمه ای از او تهیّه کرده، در مقابـل اونیورسـیته تبریز قرار دهنـد. از آثـار رشـدیه کتـابیست به نام «وطن دیلی» که در تبریز چاپ شـده است در آن کتاب با اسـتفاده از افکـار میرزا فتحعلی آخونـدوف اصـول بهـتری برای تعلیم اطفـال وضع کرده که فعلاـ بـا کمی تفـاوت در مـدارس آذربایجان متداول است. تألیفات دیگر او عبارتند از: اصول عقاید یا اتحاد بشر، کنایه التعلیم، نهایه التعلیم که هر سه در طهران به چـاپ رسیدهاند و المشـتقات که در رشت چاپ شـده است. زنـدگینامه پیر معارف، رشـدیه بنیانگـذار فرهنگ نوین ایران؛ سوانح عمر ص۷۷ و ۷۸ و نیز ر.ک: مجله

یادگار سال ۳ ش ۱۰; مؤلفین کتب چاپی ۲/۵۵۶.

حسن رضائی (سید حسن...):

فرزند سید عزیز الله رضائی هر دو از فرهنگیان قم و مؤسسین و مدیران مدارس جدید قم بودهاند. سید حسن در سال ۱۳۳۱ قمری مدرسه ای با شرکت عده ای از نیکوکاران با وجوه خیریه تأسیس کرد و پس از شش سال این مدرسه در سال ۱۳۴۰ قمری مطابق ۱۳۰۰ شمسی، دولتی گردید. این مدرسه ابتدا به نام احمدیه موسوم بود و پس از اینکه فرهنگ قم آن را تحت اداره خود درآورد به نام «حکمت» نامگذاری شد، سید عزیز الله رضائی پدر او نیز در سال ۱۳۳۲ قمری مطابق ۱۲۹۲ شمسی با کمک عدهای از دوستداران فرهنگ، مدرسه ای برای تربیت و سرپرستی اطفال یتیم تشکیل دادند. در بدو تأسیس بیست طفل یتیم را برای تربیت پذیرفته و مخارج لباس و کتاب آنها را نیز تکفّل کردند دو سال بعد در سال ۱۲۹۸ شمسی مدرسه دو کلاسهای نیز تأسیس کرد که پس از چند سال به مدرسه احمدیه که تحت نظر فرزندش اداره می شد ضمیمه گردید.

حسن فاضل(۱):

از دانشمندان زاهد و مدرسین اخیر حوزه علمیه بودند. نزد حاج سید(۲)حسن نادی و مرحوم حجه الاسلام حاج سید صادق تحصیل کرده است، عدهای از فضلاء فعلی از شاگردان او هستند. در سال ۱۳۲۶ شمسی وفات یافت و در شیخان مدفون گردید.

پاورقی

۱ و نیز نک: گنجینه دانشمندان ۱/۱۳۷.

۲ شیخ است نه سیّد.

حسن ندیم (شیخ حسن...)(۱):

از اساتید ادب حوزه علمیه در علوم صرف و نحو و معانی و بیان و علوم هیئت و ریاضی وارد بوده است. به مناسبت این که استاد و ندیم حاج میر سید حسین

متولی باشی بزرگ بوده است به شیخ استاد و شیخ ندیم مشهور شده است.

حسن نویسی (حاج شیخ...)(۲):

فرزند ملا نصیر، از مجتهدین بزرگ و مدرسین با ارج حوزه علمیه قم بودند در سال ۱۲۹۱ قمری در دهکده «نویس» که از روستاهای قم است متولّد شده و سپس برای تحصیل به حوزه علمی آمده و در خدمت حاج میرزا محمد ارباب به کسب فضائل مشغول شده است، در سال ۱۳۲۲ هجری قمری به نجف اشرف تشرّف یافته و در آن سامان از محضر آیت الله خراسانی و علامه طباطبائی یزدی مستفیض گشته است و پس از چهار سال اقامت در اعتاب مقدسه به قم مراجعت و در این شهر توطّن کردند، ایشان را تألیفات و یادداشتهائی در فقه و اصول است که طبع نشده، وفات او در سال ۱۳۷۱ قمری واقع شد.

پاورقی

۱ و نیز نک: گنجینه دانشمندان، ۱/۱۳۶.

۲ از حضرت آیت الله سید مصطفی خوانساری(رحمه الله) شنیدم که می فرمود: من ایشان را اعلم از معاصرانش می دانستم.

حسین (میرزا سید...):

از دانشمندان بزرگ اخیر قم فرزند میرزا سید حسین(۱) صدر الحفاظ پس از فوت پدرش شغل او را عهدهدار شد ولی علاقه او به تحصیل معارف و علوم باعث شد که شغل پدر را از دست گذاشت و به تهران رفت و خدمت میرزا ابوالحسن جلوه و آقا محمدرضا قمشه ای به تحصیل فلسفه و حکمت پرداخت، پس از وفات دو استاد خود به اعتاب مقدسه رهسپار و در آنجا به خدمت مرحوم میرزا حسن شیرازی مشرّف شد و پس از ده سال کوشش و اجتهاد به تهران مراجعت و در همانجا متوطن گردید و در سال ۱۳۳۴(۲)

در همان شهر به رحمت ایزدی پیوست.

حسین بدلاء(۳):

فرزند سید محمد قمی در خانواده علم و ادب پرورش یافته(۴) و از احفاد

پاورقی

۱ حاج سید اسماعیل صدر الحفاظ که از بزرگان خدام آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه(علیها السلام) بود و منصب صدر الحفاظی را داشت.

۲ تاریخ وفات او در تاریخ قم ص۲۶۲ و گنجینه دانشمندان ۱/۱۳۹ سال ۱۳۲۲ قمری و مدفنش قم ذکر گردیده است.

۳ بدلاء مرادف ابدال و اوتاد است.

۴ ایشان متصدی مسجد آغا بهرام (آیه الله کاشانی) در پامنار بود و مترجم سالها در تهران سکونت داشته و در سال ۱۳۴۲ به قم آمده و پس از گذراندن سطح با شروع خارج بحث صلوهجمعه مرحوم آیت الله حائری در آن شرکت می کند و پس از فوت ایشان از درس مرحوم آیت الله حجت و عمدتاً از بحث مرحوم آیه الله سید محمد تقی خونساری استفاده می کند و پس از ورود مرحوم آیت الله بروجردی در بحثهای ایشان شرکت می کند و یکی از اعضاء حوزه استفتاء معظم له می گردد. وی در حال حاضر از اعضاء شورای مرکزی ائمه جماعت قم و عضو هیئت ارشاد و تزکیه حوزه و امام جماعت مسجد امام حسن(علیه السلام) است، دعا و شرایط و موانع آن; رسالهای در اقتصاد اسلامی; فهرست اصول و فروع کافی از جمله تألیفات اوست. ر.ک: کیهان اندیشه ش۲۹ ص۱۶۲; مجله حوزه شماره ۴۴ ۴۳.

«شاه بدلاء» می باشد(۱)، ایشان از فضلا و ادبای قم محسوب می شوند(۲) و مدّتی در دبیرستان سنائی به تعلیم علوم مذهبی و ادبی اشتغال داشتند.

قسمت چهارم

حسین بن ابراهیم القمی معروف به ابن خیاط :

مردی فاضل

و دانشمند است و از مشایخ شیخ طوسی میباشد.

حسین بن احمد بن ادریس القمی الاشعری (ابو عبدالله)(۳):

از مشایخ اجازه و از محدثین موثق قم بوده است شیخ صدوق او را در کتب خود تکریم و تجلیل کرده(۴) «تلعکبری» که یکی از محدثین است از او اجازه روایت دارد.

حسین الاشعری القمی (ابو عبدالله)(۵):

از روات موثق و علامه در خلاصه او را توثیق کرده است.

پاورقی

۱ این امامزاده در بلوک و بخش جاپلق مدفون و دارای مزار و قبه و مورد توجه مردم آن ناحیه میباشد.

۲ تولد معظم له در چهارم جمادی الاولی ۱۳۲۶ قمری در قم واقع شده و اساتیدش عبارتند از مرحوم ادیب تهرانی و میرزا علی یزدی و مرحوم سید محمد حجت و مرحوم خونساری و مرحوم بروجردی (قدس الله اسرارهم). وی دارای تألیفاتی است از جمله: کتابی در دعا و شرائط آن و اماکن دعا و منتخبی از ادعیه مأثور.

۳ نک: رجال طوسی ۴۷۰.

۴ مرحوم شیخ صدوق پس از نام وی که حدود هزار مرتبه در جاهای مختلف کتب او آمده کلمه «رحمه الله» آورده و نسبت به وی استرحام می کند. ر.ك: تعلیقه وحید بهبهانی ۶; تاریخ قم ۱۸۸; گنجینه دانشمندان ۱/۷۶.

۵ خلاصه ۱/۵۲.

حسین بن بهاء الدین(۱):

مردی دانشمند و حاشیه ای به کتاب قوانین به نام «توضیح القوانین» نگاشته است. وی از شاگردان علامه بزرگ مرحوم میرزای قمی بوده است.

حسین بن الحسن بن ابان(۲):

از محدثین و فقهای قم، از حسین بن سعید روایت می کند، ابن داود در ذیل ترجمه محمد بن اورمه از او ذکری به میان آورده و او را توثیق کرده است، ابن قولویه او را از خویشان

الصفار و سعد بن عبدالله و متقدم بر آنها داشته است(۳).

حسین بن حسن بندار(۴):

از فقها و محدثین قم است، از سعد بن عبدالله روایت می کند.

حسین بن حسن بن الفارسی(۵):

از فقها و محدثین قم مطابق آنچه که از ابی المفضل نقل شده کتابی در جمع روایات دارد.

پاورقی

۱ نک: گنجینه دانشمندان ۱/۱۳۸.

۲ نک: رجال طوسی: ۴۲۰، ۴۶۹.

۳ شاید ابن قولویه بدین علّت وی را متقدم بر آن دو دانسته که ایشان از حسین بن سعید روایت کرده در حالی که این دو از حسین بن سعید روایت نکرده اند.

۴ نک: رجال طوسی ۴۷۰.

۵ نک: فهرست طوسی ۵۵.

حسین بن سعید بن حماد بن مهران الاهوازی:

از اصحاب امام علی بن موسی الرضا و امام محمد بن علی و امام الهادی(۱)بوده، از دوستان علی بن حسین اهوازی، اصلاً اهل کوفه است. با برادرش حسن بن سعید به اهواز رفتند و سپس به قم آمد و بر حسن بن]حسین ظ[ابان که ترجمه اش گذشت، فرود آمد با برادرش مشترکاً کتاب تألیف و تصنیف کردهاند(۲)، نجاشی به تفصیل تمام آن را در کتاب رجال خود یاد می کند. ابن داود و صاحب کتاب مشترکات و نجاشی او را توثیق کرده اند، سعد بن عبدالله و محمد بن الحسن الولید از او روایت می کنند.

حسین بن سهل بن مهارب القمی:

از حکماء و دانشمندان اواخر قرن چهارم است، خلاصه افکار حکماء یونان را در مسائل اجتماعی و سیاست مدرن و همچنین سفارشهای ارسطو را به محمد فقیه ایمانی به فارسی ترجمه شده و به چاپ رسیده است. از این محدّث بزرگوار جمعاً تعداد ۵۲۰۶ حدیث در مجامیع روائی شیعه نقل گردیده

است. حضرت آیت الله خوئی(رحمه الله) در اثر گرانسنگ خود «معجم رجال الحدیث» جلد ۵/۲۴۸ ۲۷۰ حدود ۲۳ صفحه درباره او بحث کرده است.

پاورقی

۱ رجال شیخ طوسی ۳۷۲ ۳۹۹ و ۴۱۲.

۲ فهرست شیخ ۵۸. و فهرست سی کتاب مشهور این دو برادر عبارتند از: کتاب وضوء; کتاب صلوه; کتاب زکات; کتاب صوم; کتاب حج; کتاب نکاح; کتاب طلاق; کتاب عتق و تدبیر و مکاتبه; کتاب ایمان و نذور; کتاب تجارات و اجارات; کتاب خمس; کتاب شهادات; کتاب صید و ذبائح; کتاب مکاسب; کتاب اشربه; کتاب زیارات; کتاب تقیه; کتاب رد بر غلات; کتاب مناقب; کتاب مثالب; کتاب زهد; کتاب مرده; کتاب حقوق مؤمنین و فضیلت آنها; کتاب تفسیر قرآن; کتاب وصایا; کتاب فرایض; کتاب حدود; کتاب دیات; کتاب ملاحم و کتاب دعا; کتاب زهد که با تحقیق و تخریج و مقدمه علامه جلیل میرزا غلامرضا عرفانیان به چاپ رسیده است و ترجمه او در مقدمه کتاب آمده است; و کتاب مؤمن ایشان که شامل ۲۰۱ حدیث است و در ۸ باب دسته بندی و تنظیم گردیده توسط آقای اسکندر مقدونی در باب اداره و سیاست ممالک، از حفظ داشته و می گفته است که این مسائل از همه چیز ارزنده تر است، ابن العمید قمی وزیر دیلمیان درباره او گفته است که اگر از شهر ما همین یک نفر، فقط می بود برای ما کافی بود، جزئی از شرح حال او را در ذیل (ابو المحارب) نگاشته ایم.

حسین بن شاذویه(۱) (ابو عبدالله الصحاف):

از ثقات محدثین قم است، روایتهائی که او در سلسله اسناد آن واقع است اندک می باشد، ابن غضائری. او را

قمی دانسته و نوشته است، که قمیین او را از غلات گمان کرده اند. کتابی در صلوه دارد و شیوه او مقبول، و در کتاب حاوی از ثقات شمرده شده است.

از شرح حال او در کتب رجال برمی آید که شغل او صحافی بوده است.

حسین بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی:

به ابو عبد الله الحسین مراجعه شود.

حسین بن الخراز القمی (ابو عبدالله):

نجاشی کنیه وی را چنین ذکر کرده است: از دانشمندان و محدثین قم و کتابی بنام الزیارات دارد.

حسین(۲) بن مالک القمی:

به نظر می رسد که همان حسن بن مالک القمی که ذکرش گذشت باشد.

پاورقی

۱ رجال نجاشی: ۶۵; فهرست طوسی: ۵۶; خلاصه ۱/۵۲.

۲ رجال شیخ طوسی: ۴۱۳; خلاصه ۱/۳۹;

حسین بن محمد بن عمران بن ابی بکر الاشعری القمی ابوعبدالله (۱):

از مشایخ شیخ بزرگوار محمد بن یعقوب الکلینی است. درباره نام او سخن مختلف است آن چه که نجاشی گفته است، همین ترتیب است که ما در نام او و سلسله نسبش مراعات کردیم ولیکن در کتاب (منلایحضره الفقیه) در سلسله اسناد حسن بن محمد بن عامر یاد شده است، باری از ثقات محدثین و فقهای قم است، جعفربن محمدبنقولویه از او روایت می کند ودر جمع روایات کتابی دارد.

حسین حاج آخوند (آقا حسین...):

فرزند مرحوم حاج ملا غلامرضا معروف به حاج آخوند مجتهد بزرگ قم است. ایشان و اخوان گرامشان همگی اهل فضل و دانش و فضیلتند، تحصیلات او در قم و از شاگردان آیت الله حائری(۲) بوده و اکنون از محضر آیت الله بروجردی مستفید می شود.

حسین حسینی:

شاعریست خوش قریحه و فاضل، اشعار او بسیار است و تاکنون دو مجموعه منتشر

ساخته است، اشعار فکاهی او در روزنامه توفیق(۳) به امضای «خروس اخته» منتشر می شده است. مابه ذکر چند بیت از اشعارش اکتفا می کنیم:

پاورقی

۱ درباره او نک: رجال نجاشی ۶۶; رجال طوسی ۴۶۹; خلاصه۱/۵۲.

۲ و آیت الله حجت و آیت الله خونساری و آیت الله فیض.

۳ و نسیم شمال و کانون شعرا. روزنامه توفیق در بیوگرافی وی می نویسد: «حسینی که به امضای (خروس اخته) مطلب می نویسد نه خروس است و نه اخته بلکه شاعری است ملّی و در سرودن همه نوع شعر مهارت دارد. آب شور قم را می خورد و شعر شیرین می سراید امّا این شاعر ملی بی اندازه از اوضاع ناراضی است و همیشه از عدم تعادل اجتماع می نالد و در عین حال به امید آینده خوش است» دو اثر به نام «المک ملّت» و «سیاست روز» منتشر کرده است; سخنوران نامی معاصر ۳/۸۷; فرهنگ شاعران زبان پارسی: ۱۷۱.

ای دل ار خدمت بشر نکنی

خویش را پاک و مفتخر نکنی

در همان سینه خود بسوز ای آه

بدل سنگ اگر اثر نکنی

خشک شو ای نهال عمر عزی

خویش را گر که باور نکنی

حسین طباطبائی (آیت الله بروجردی):

از دانشمندان بزرگ و فقهای جامع عصر کنونی است، شرح فضائل ایشان در خور قلمی تواناتر و کتابی مشروحتر از کتاب ما است. ایشان در سال ۱۲۹۲ هجری قمری در بروجرد متولد شده مقدمات علوم را نزد اساتید آن شهر منجمله مرحوم آخوند ملا عبدالله بروجردی که از علمای بزرگ آن شهرستان بودهاند فرا گرفته، و در سن ۱۸ سالگی در سال ۱۳۱۰ قمری به اصفهان عزیمت کردند. اساتید ایشان در آن دیار مرحوم میرزا جهانگیر

خان قشقائی و ملا محمد کاشانی در علوم معقول و فلسفه و هیئت و ریاضیات، و مرحوم کلباسی و مرحوم سید محمد باقر درچه ای در علوم منقول بودهاند.

توقف معظم له در اصفهان هشت سال طول کشیده است و سپس به اعتاب مقدسه مسافرت کرده و از محضر استاد بزرگ آخوند ملا محمد کاظم خراسانی(۱) بهره مند گشته و در سال ۱۳۱۸ قمری به بروجرد مراجعت فرمودند و در همانجا رحل اقامت افکندند در سال ۱۳۴۴ قمری به مکّه معظمه مشرف شده و پس از بازگشت(۲) از طرف حکومت وقت مدّت چند روزی محدود شدند پس از آنکه مدّت محدودیت ایشان بسر آمد و دولت وقت از آن پیش آمد نامناسب اعتذار خواست به مشهد مقدس مشرف و بعد از چندی به بروجرد مراجعت فرمودند، از این پس مدّت نوزده سال به هدایت و ارشاد خلق و تربیت و تعلیم طلاب و دانشجویان همّت گماشتند، مردم بروجرد او را مقتدای خود دانسته و به خطاب (امام) از او یاد می کردند و به این طریق از فضائل او قدرشناسی می نمودند.

پاورقی

۱ و نیز مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی (م۱۳۳۷) و مرحوم آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی (م۱۳۳۹).

۲ در این سفر بود که ۸ ماه دیگر در نجف ماندند و آنگاه در سال ۱۳۴۵ بعد از زیارت کاظمین(علیهما السلام) و سامره، از راه بصره به ایران مراجعت نمود که به دستور رضا خان دستگیر و مدّتی در محل ستاد مشترک، تحت نظر بوده و آنگاه به صورت تبعید به مشهد مقدس فرستاده شد.

در این مدّت از برکات وجود ایشان حوزه علمیه بروجرد روح تازه

گرفت و گذشته از طلاب آن شهر طالبان دانش از شهرهای دیگر به آنجا روی آورده و مجلس درس ایشان را مغتنم میشمردند تا این که در سال ۱۳۶۴ قمری عارضه کسالتی ایشان را به تهران و بیمارستان فیروز آبادی کشانید برای اوّلین بار محمدرضا پهلوی به ملاقاتشان توفیق یافت.

این مسافرت سبب شد که حوزه علمیه قم به وجود ایشان مباهی و مفتخر شود، از آن زمان تاکنون مرجعیّت عامّه داشته اند. در قم ساکن بوده و گذشته از حوزه علمیه قم، حوزه علمیه نجف اشرف و سامرا و کربلا و اصفهان و مشهد و بروجرد به عنایت و توجه ایشان اداره میشود.

آثار ایشان گذشته از رسالات فقهیه که به فارسی و برای مقلدین نوشته می شود یکی تعلیقاتی است که بر کفایه الاصول، کتاب استاد خود مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی نگاشتهاند، و دیگر کتابی است در طبقات رجال حدیث که هنوز به چاپ نرسیده است(۱). و دیگر از آثار باقیه ایشان مدرسه و کتابخانه ایست درنجف اشرف و همچنین مسجد معظمی در شهر قم در جهت غربی حرم حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها .

پاورقی

۱ مؤلفات پرارزش مرحوم آیت الله بروجردی زیاد بوده که برخی تمام و برخی ناتمام و برخی از آنها بر اثر نقل و انتقال از بروجرد به قم مفقود گردیده است که فهرست آنها غیر از آنچه که مؤلف محترم در متن آورده از این قرار است: ۱ تجرید اسانید الکافی ۲ تجرید اسانید التهذیب ۳ تجرید اسانید کتاب من لا یحضره الفقیه ۴ اسانید رجال کشی ۵ اسانید استبصار ۶

اسانید کتاب خصال شیخ صدوق ۷ اسانید کتاب امالی ۸ اسانید کتاب علل الشرایع ۹ تجرید فهرست شیخ طوسی ۱۰ تجرید رجال نجاشی ۱۱ حاشیه بر نهایه شیخ طوسی ۱۲ حاشیه بر عروه الوثقی ۱۳ حواشی و مستدرکات فهرست شیخ منتجب الدین رازی ۱۴ حواشی کتاب مبسوط شیخ (به انضمام کتاب قراض که در نسخه مطبوعه مبسوط چاپ نشده بود) ۱۵ رسالهای پیرامون سند صحیفه سجادیه و پاسخ به اشکالات مربوط به سند آن ۱۶ بیوت الشیعه ۱۸ اصلاح و

قسمت پنجم

مستدرک رجال شیخ طوسی. از تقریرات بحثهای پربار ایشان کتب زیر به چاپ رسیده است: ۱ نهایه الاصول ۲ البدر الزاهر فی صلوه الجمعه والمسافر توسط حضرت آیت الله منتظری ۳ نهایه التقریر در دو جلد توسط آیت الله حاج شیخ محمدموحدی لنکرانی (فاضل) ۴ زبده المقال (در خمس) توسط حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج سید عباس ابو ترابی قزوینی. از دیگر خدمات فرهنگی این فقیه پارسا تألیف «جامع احادیث الشیعه» است که زیر نظر مستقیم معظم له جمعی از فضلای محترم حوزه قم انجام داده اند، و نیز اهتمام خاص ایشان نسبت به طبع و چاپ کتب علمی و مخطوط علماء پیشین از جمله خدمات فرهنگی ایشان محسوب می شود. سرانجام پس از سالها تدریس، تبلیغ، تألیف، تقویت حوزه و تأسیس و دستور تعمیر بناهای خیریه در ۱۳ شوال المکرم سال ۱۳۸۰ هجری مطابق با ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ ه ش، این نجم پرفروغ از آسمان فرهنگ این مرز و بوم افول کرد و در کنار مسجد اعظم قم

به خاک سپرده شد.

حسین طباطبائی (مرحوم حاجی آقا حسین قمی):

از علمـاء جلیـل و مراجع بزرگ اخیر بودنـد، مرتبه دانش و فضائـل او نه به حدّی است که ما لایق بیان و شـرح آن باشـیم(۱). ایشان در سال ۱۲۸۲ قمری در قم تولّد یافته است، مقدمات علوم را در طهران فرا گرفته و سـپس به نجف اشرف مسافرت و در آن دیار از محضـر مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و مرحم آسـید محمّد کاظم یزدی مستفید گشته است.مرحوم سیّد مرتضـی کشـمیری ایشان را به کمالات روحانی و درجات عالی تهذیب نفس آشـنا ساخت و مدّتی نیز در شهر سامرا از محضر علامه، میرزا محمـد تقی شـیرازی درک فیوضات کردنـد و بعـد از چندی درخواست مردم خراسان را اجابت فرمود و به ارض اقـدس مسافرت و در همانجا مقیم شدند، در آن زمان دانشـجویان و طلاب علوم مشـهد مقدس از برکات جنابشان مسـتفیض و بهره منـد شده و در همین زمان عدّه کثیری از مردم بلاد ایران و خارج از کشور از ایشان تقلید نموده و او را به زعامت مذهب برگزیـده بودند تا در سال ۱۳۱۳ پس از فتنه خراسان(۱)برای مـذاکره و جلوگیری از اقـدامات خلاف مذهبی به طهران آمدند ولی حکومت وقت گذشـته از اینکه به مطالب و تـذکرات ایشان توجه ننمود مردم را نیز از ملاقات و دیدار ایشان منع و پس از مدت کمی او را مجبور به ترک ایران کردند.

جنـاب ایشـان از آن پس در کربلاـ رحـل اقـامت افکنـده و طلاب و دانش پژوهان پروانه وار گردش مجتمع شدنـد، تا در سال ۱۳۲۳ شمسی مطابق ۱۳۶۳ قمری که وضع تغییر یافته

بود به دعوت مردم خراسان سفری به ایران کردند در شهرهای کرمانشاهان و همدان و ملایر و اراک و قم و تهران و مشهد و در بین راهها استقبال بی نظیری از او به عمل آمد پس از بازگشت از این سفر و فوت مرحوم آیت الله اصفهانی مرجعیّت تامّه یافته ولی متأسفانه دولت مستعجل بود زیرا پس از گذشت چند ماهی در ربیع الاول سنه ۱۳۶۶ قمری وفات یافت. فرزندان ایشان اغلب اهل دانش و فضل و تقوی هستند از جمله حاج آقا محمد در کربلا و حاج آقا حسن(۱) در مشهد و حاج آقا باقر(۲) در تهران(۳) که همه آنها از بزرگان اهل علم می باشند.

پاورقی

۱ شرح حال و مبارزات معظم له خاصه در ارتباط با کشف حجاب اجباری رضا خانی و ویژگیهای اخلاقی و تقوای این فقیه نستوه و مجاهد فی سبیل الله را در مجله نور علم دوره دوم ش۱ از ص۷۶ تا ۹۵ آوردهایم. اخیراً کتاب مستقلی تحت عنوان «عنصر فضیلت و تقوی حضرت آیت الله قمی(قدس سره)» توسط آقای عباس حاجیانی دشتی منتشر شده است.

پاورقی

۱ بلکه حماسه خونین مردم خراسان در مسجد گوهرشاد بر علیه دین زدایی و کشف حجاب رضاخانی.

حسین عمید قمی:

فرزند آخوند ملا علی اکبر، متولّد ۱۳۱۳ قمری. در سال ۱۳۴۰ قمری به تهران مهاجرت و پس از تکمیل تحصیلات خود شغل وکالت دادگستری را انتخاب کردند. ایشان مردی متواضع و سخنوری بی مانند می باشد و از مشاهیر قمیین تهران است.

حسین فاطمی «حاج آقا حسین»(۴):

پاورقی

۱ در کتاب گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد تألیف حضرت آیهالله سید علی خامنهای ص۱۲۲ آمده است:

آیت الله آقای سید حسن طباطبائی قمی از علماء مبارز مشهد بود که به واسطه موضع گیری های حاد او علیه رژیم پهلوی در سال ۱۳۴۲ در جریان رفراندوم به اصطلاح انقلاب سفید در مشهد دستگیر و به تهران اعزام و در آن جا زندانی گردید، و بعد از مدّتی از زندان آزاد شد و به مشهد بازگشت، و به مبارزه خود علیه رژیم ادامه داد، تا سرانجام وی را به سیستان و بلوچستان و شهرستان زابل تبعید کردند، و بعد از آن باز در شهرستان کرج به صورت تبعیدی تحت نظر قرار گرفت...

۲ متولد ۱۳۵۵ ق.

۳ و حجه الاسلام والمسلمین حاج آقا تقی از فحول مدرسین معاصر که ترجمه احوال ایشان در گنجینه دانشمندان ۲/۲۳۱ و دایره المعارف تشیع ۱/۲۰۶ آمده است.

۴ این معلم بزرگ اخلاق فرزند سید اسحق قمی است که حسب الامر مرحوم آیت الله حجت در روزهای تعطیلی حوزه در مدرسه حجتیه درس اخلاق می گفت و به تربیت نفوس مستعدّه میپرداخت. وی در ۲۷ ماه شوال ۱۳۸۹ ق دعوت حق را لبیک گفت و چشم از جهان فانی فرو بست و مرغ روحش به عالم بالا پر کشید و جسد مطهرش در قبرستان شیخان جنب مضجع شریف زکریا بن آدم به خاک سپرده شد. از تألیفات ایشان است: دررالاخبار (۲ جلد) که به چاپ رسیده است. ر.ك: کیهان اندیشه ش۸، مهر و آبان ۶۵ ص۷۶ ۷۸ مقاله استاد حسن زاده آملی; گنجینه دانشمندان ۲/۲۹۳.

از دانشمندان و پارسایان قم است، تحصیلاتش در قم و در خدمت مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و مرحوم حائری یزدی، تدرّس کرده

است، فعلاً در شهر قم به تدریس و تعلیم فقه و اصول و اخلاق اشتغال دارند، مردی زاهد و متّقی می باشد.

حمدان بن مهلّب قمی(۱):

از روات و محدثین قم، کتابی در حدیث دارد که ابن ابی عمیر از او روایت می کند.

حمزه بن الیسع القمی(۲):

از روات و محدثین قم است زندگانی او در قرن دوم بوده و از صحابه امامان جعفر الصادق و موسی الکاظم(علیهما السلام) بوده است، محمد بن ابی نصر بزنطی از او روایت می کند، نجاشی او را توثیق کرده است.

حمزه بن یعلی الأشعری(۳):

کنیه او (أبو یعلی) است، اواخر قرن دوّم هجری می زیسته و از اصحاب امام علی بن موسی الرضا و محمد بن علی(علیهما السلام) بوده است، از بزرگان و مشایخ قمیین و از فقهاء جلیل است نجاشی و علامه او را از ثقات دانسته اند و به نقل مشترکات سعد بن عبدالله و الصفار از او روایت می کنند.

پاورقی

۱ نک: رجال نجاشی ۱۳۹; منتهی المقال ۳/۱۲۵; هدایه المحدّثین: ۵۲.

۲ نک: اعیان الشیعه ۶/۲۵۲; تنقیح المقال ۱/۳۷۷; جامع الرواه ۱/۲۸۳; خاتمه مستدرک ص۷۹۷; رجال برقی ۴۸; رجال ابن داود ۸۵; رجال طوسی ۱۷۸ و ۳۴۷; مجمع الرجال ۲/۲۴۲; معجم رجال الحدیث ۶/۲۸۲; منتهی المقال ۱۲۲; و چاپ جدید ۳/۱۴۰; منهج المقال ۱۲۶; نقد الرجال ۱۲۰.

۳ نک: رجال نجاشی ۱۴۱، خلاصه ۱/۵۳; منتهی المقال ۳/۱۴۰; هدایه المحدّثین: ۵۲.

حسین کبیر (حسین آقا قمی)(۱):

فرزند ارشد مرحوم آیت الله(۲) کبیر و از فضلا به شمار می روند و در مسجد امام به جای والد گرامشان اقامه جماعت می نمایند.

قسمت ششم

حسین کوچه حرمی(۳) (حاج سید...):

از علماء حوزه علمی قم و مردی زاهد و مورد توجه

اهالی بودند تحصیلات او در قم و نجف اشرف بوده و از محضر اساتید بزرگ زمان مستفیض شده است در مسجد بالاسر در مواقع ظهر و شب اقامه جماعت می فرموده و اوقات دیگر را به تدریس می پرداختند. حضرت آیه الله سید شهاب الدین مرعشی رحمه الله علیه داماد برادر اوست.

در سال ۱۳۵۷ هجری وفات کردند و در قرب مقبره مرحوم شیخ عبدالکریم حائری مدفون شده است.

پاورقی

۱ وی که از فضلاء قم و از شاگردان مرحوم ادیب تهرانی و آیات عظام مرحوم آقای حجت و مرحوم آقای خونساری و مرحوم آقای فیض و والد بزرگوارشان و مرحوم آقای بروجردی رضوان الله علیهم اجمعین بود بعد از ۱۳۸۴ قمری فوت کرد و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

۲ میرزا محمد کبیر.

۳ این مرد بزرگوار از سادات طباطبائی و از اخیار و ابرار قم بوده است و به طوریکه نگارنده شنیده در جناب ایشان حائل، مانع نبوده است و لذا اگر در منزل نشسته بوده، پشت منزل و رفت و آمد کوچه را می دیده است. و هم ایشان است که محل اقامه جماعت خود را به آیت الله سیّد شهاب الدین مرعشی نجفی تفویض کرده است. و نیز ببینید: آثار الحجه ۱/۲۱۹.

حیرانی قمی:

زادگاه این شاعر قم و در همدان می زیسته است، شاعری شیرین گفتار و خوش قریحه بوده و از ندیمان سلطان یعقوب آق قویونلو ۸۸۳ ۸۹۶ به شمار می رود قصائد و غزلیات و مثنویات بسیاری سرود، و در سال ۹۰۳ قمری درگذشته است(۱)، از اشعار او است:

دوش آتشی که بر سر کویش بلند بود

آتش نبود، آه من مستمند بود!

صحبای(۲) عید

گرمن، دست آن نازک بدن ببوسم

زشادی تا به شب آنروز دست خویشتن ببوسم

زهجران تا بکی سوزد دل برگشته و من هم(۳)

چو شمع از آتش دل کاشکی می سوختم من هم

پاورقی

۱ وی صد هزار بیت شعر در حافظه خود سپرده بوده است و در سفری که به کاشان رفته قاضی آن شهر (قاضی محمد کاشی) را هجو کرده و به همدان گریخته است و در آنجا کدخدا شده و در همانجا جرعه (کل نفس ذائقه الموت) را چشیده است. چهار مثنوی از او به جای مانده است به نامهای ۱ بهرام و ناهید ۲ مناظره آسمان و زمین ۳ مناظره سیخ و مرغ ۴مناظره شمع و پروانه، فرزند او «ضمیری» نیز از شعرای شاه طهماسب بوده است. ر.ک: تحفه سامی ۱۱۲; الذریعه ۹/۲۷۴; قم در قرن نهم هجری ۱۹۷ و ۱۹۸; تذکره سخنوران قم ص۱۱۷; تاریخ علماء و شعرای گیلان: ۱۵۰; گلزار جاویدان ۱/۴۲۵; شمع انجمن: ۱۳۰; آتشکده آذر ۲/۱۲۴۶ و ۱۲۴۷; نتایج الافکار: ۱۷۸; تاریخ مفصل ایران: ۶۶۰.

۲ صباح ظ.

۳ در تذکره این بیت به شکل زیر نیز آمده است:

زهجران تا بکی سوزد، دل سرگشته و تن هم

چو شمع از آتش دل کاشکی می سوختم منهم

« خ »

قسمت اول

خواجه نصیر الدین طوسی:

ابو جعفر محمد بن فخرالدین محمد بن حسن از بزرگترین نوابغ قرن هفتم هجری است که در فنون حکمت و ریاضی ردیف فارابی و پورسینا و ابو ریحان بیرونی و از مفاخر خاور و ایران(۱) به شمار می رود.

ولادت او در روز شنبه یازدهم جماد الاولی سال ۵۹۷ هجری در مشهد مقدس بوده است و پس از هفتاد و پنج سال و هفت

ماه و هفت روز زندگانی در روز شنبه هفدهم ذی الحجه سال ۶۷۲ در بغداد وفات و در مشهد کاظمین در جوار حضرت امام موسی الکاظم ع به خاک سپرده شد(۲).

در «تذکره هفت اقلیم» در ضمن تراجم علماء ساوه نوشته شده است که استاد شهید مرتضی مطهری در «خدمات متقابل اسلام و ایران» ۲/۶۱۰ می نویسد: ارزش کارهای فلسفی او و نقشی که در تحول فلسفه داشته است نیازمند به یک کتاب است. در ریاضیات از شخصیتهای معدود جهان به شمار می رود، از کسانی است که در اساس هیئت بطلمیوس تشکیک کرده و زمینه را برای هیئت جدید فراهم کرده است.

پاورقی

۱ بعضی از بزرگان گفته اند که اگر به دیده انصاف نظر افکنی و عصبیت را به میان نیاوری توانی گفت که خواجه، افضل علمای بنیآدم از بدو دنیا تا بدین روزگار است. فوائد الرضویه: ۶۰۳.

آقای تقی زاده مدعی است که ایرادات خواجه در کتاب تذکره خویش بر اساس هیئت بطلمیوس، به پیشنهاد کوپرنیک لهستانی طرح نوینی را برای هیئت عالم کمک کرده است. مقالات و بررسیها دفتر هفتم و هشتم ۱۶۲.

۲ درباره تاریخ وفات او به فارسی گفته شده:

نصیر ملت و دین، پادشاه کشور فضل

یگانهای که چه او مادر زمانه نزاد

به سال ششصد و هفتاد و بذی الحج

بروز هجدهمش درگذشت در بغداد

تاریخ گزیده (حمدالله مستوفی)

بر لوح مزارش نوشتهاند: (وکلبهم باسط ذراعیه بالوصید).

اصل خواجه از جهرود ساوه بوده و چون در طوس متولد شده به طوسی مشهور گردید. و همچنین در کتاب «ریاض العلما» در ذیل شرح حال بدرالدین حسن بن علی نوشته شده است که دستجرد از بلوک جهرود است از نواحی شهر

قم و اصل خواجه نصیرالدین از دستجرد بوده از دهکده به نام «اورشاه»(۱).

معروف اینست که خواجه در علوم نقلیه شاگرد پدرش محمد بن حسن و پدرش شاگرد فضل الله راوندی و وی شاگرد سید مرتضی، بود و در علوم عقلیه نخست به نزد دائی خویش تحصیل کرد و سپس به نیشابور رفته در خدمت فریدالدین داماد نیشابوری به تحصیل اشتغال جست و کتاب اشارات ابو علی سینا را نزد وی استماع نمود و فریدالدین شاگرد صدرالدین سرخسی و وی شاگرد افضلالدین غیلانی و وی شاگرد ابوالعباس لوکری و ابوالعباس، شاگرد بهمنیار بن مرزبان آذربایجانی بوده که از شاگردان معروف شیخ الرئیس ابو علی سیناست.

و مقدمات علوم ریاضی را از کمالالدین محمد حاسب که از شاگردان افضل الدین کاشی بود فرا گرفت، شیخ برهان الدین همدانی شاگرد شیخ منتجب الدین قمی صاحب فهرست هم از مشایخ حدیث و روایت خواجه بود معین الدین سالم بن بدران نیز بدو اجازه روایت داد(۲).

خواجه یک چندهم نزد قطب الدین مصری و کمال الدین یونس موصلی و یک چندهم در مدرس ابوالسعادات اصفهانی و به همدرسی سید علی بن طاووس حسنی وشیخ میثم بن علی بن میثم بحرانی تحصیل کرد.

پاورقی

۱ اصل خواجه از «وِشاره» واقع در بلوک جهرود ده فرسخی قم است و این که در ریاضالعلماء «ورشاه» گفته همان وشاره است که «را» مقدم بر «شین» گردیده و در آنجا قلعه ایست معروف به قلعه خواجه نصیر. فوائد الرضویه ۶۰۴ و نیز بنگرید: تاریخ گزیده; هفت اقلیم; آتشکده آذر; مجالس المؤمنین.

۲ در سال ۶۱۹ و این اجازه در پشت کتاب غنیه النزوع ابن زهره باقی است و در اجازات

بحار هم آمده است.

و از شاگردان معروف خواجه، یکی فقیه بزرگوار علامه حلی مؤلف کتاب تذکره و تبصره در فقه می باشد که از بزرگترین فقهای شیعه به شمار می رود. و دیگر دانشمند مشهور، علامه قطبالدین شیرازی و دیگر سید غیاث الدین عبدالکریم بن احمدبن طاووس صاحب فرحه الغری متولد شعبان ۶۴۸ متوفی شوال ۶۹۳ است.

خواجه نصیرالدین در انواع علوم نقلی و عقلی بویژه حکمت و کلام و ریاضی یگانه عصر خویش بود و در سراسر بلاد اسلامی به فضل و دانش و فهم و کیاست شهرتی بسزا داشت و به لقب «استاد البشر» ستوده می شد.

خواجه پس از فراغ از تحصیل و نیل به درجات عالی کمال به دربار ناصرالدین ابوالفتح عبدالرحیم بن ابی منصور، محتشم حاکم قهستان که مردی فاضل و دانش پرور و از سلاطین اسمعیلیه بود پیوست و در دستگاه او مقامی ارجمند یافت، در اثناء اقامتش در دستگاه اسمعیلیان بطوری که قطبالدین محمد لاهیجی اشکوری در کتاب «محبوب القلوب»(۱) نوشته است قصیدهای به عربی در مدح مستعصم خلیفه عباسی سرود و با نامهای به بغداد فرستاد ابن علقمی وزیر معتصم چگونگی حالرا به ناصرالدین، محتشم قهستان نوشت از این پس رفتار ناصرالدین با خواجه تغییر کرد و او را بگونه بازداشتگان نگهداشت و سپس هنگامی که به قلعه الموت قزوین نزد علاءالدین محمد هفتمین خلیفه حسن صباح می رفت او را نیز همراه خود برد و خواجه به حکم علاءالدین در قلعه الموت متوقف شد و تا هنگام فتح قلاع اسماعیلیه بدست هلاکو در قلعه «میمون دژ» نزد رکنالدین خورشاه بسر برد یا محبوس ماند خواجه از این

تاریخ به خدمت ایلخان مغول پیوست و از مقرّبان دربار وی گشت و در ملازمت وی مقام و منصب تالی وزارت یافت و تا سال ۶۶۳ که هولاکوخان وفات یافت در دستگاه وی با نهایت قدر و منزلت میزیست و از آن پس تا سال ۶۷۲ قمری که پایان عمر خواجه است همچنان گرامی و معزّز بود مدّت اقامت خواجه در دستگاه اسمعیلیه بطور قطع از بیست و دو سال کمتر نبود و در تمام سنوات مابین ۶۳۳(۱) که سال تألیف کتاب اخلاق ناصری است، تا ۶۵۴ که سال فتح قلاع اسمعیلیه و استخلاص خواجه به دست هلاـکوست خواجه در خدمت و تعبیر بعضی در حبس اسماعیلیان به سر میبرد و در این مدت به تألیف و تصنیف کتب مهمّ همچون «اخلاق ناصری» و «رساله معینیه» و «شرح اشارات» و «تحریر مجسطی» و امثال آنها اشتغال داشت و چون به خدمت هولاکو پیوست از طرف وی مأمور بستن رصد و نوشتن زیج گشت.

پاورقی

۱ و نیز آداب السلطانیه و تاریخ وصاف الحضره و... ولی ارتباط و هماهنگی محقق طوسی با ابن علقمی در هنگام فتح بغداد و پس از آن صحت این نقل را محل تردید قرار می دهد گرچه برخی موضوع نامهنگاری و مدیحه سرائی خواجه را مسلّم دانسته و در مقام توجیه برآمده و نوشته اند که مقصود خواجه از سرودن قصیده ای در مدح مستعصم، این بوده که در نزد خلیفه منزلتی پیداکند و بدین وسیله موجبات ترویج مذهب شیعه را فراهم سازد ولی مؤیدالدین علقمی قمی از بزرگان و اکابر فضلای شیعه در بغداد و وزیر مستعصم عباسی مصلحت ندید

و لـذا محرمانه به محتشم نوشت که از عزیمت خواجه جلوگیری کنـد ر.ك: فوائـد الرضويه ۶۰۵. به هرحال ممکن است قضـیه انتقال خواه از قهسـتان بدین گونه بوده که چون ناصـرالدین می خواسته بدیدار علاءالدین محمد به قلعه «الموت» برود، خواجه را نیز با خود برده و پادشاه اسماعیلیه وی را نزد خود نگاه داشته است.

خواجه در سال ۶۵۷ بنای رصـدخانه مراغه را آغاز کرد و به دستیاری چنـد تن از مهندسان و منجّمان بزرگ آن عصـر از قبیل مؤیدالـدین عرضـی دمشـقی و فخرالـدین خلاطی و فخرالـدین مراغی و نجمالـدین دبیران قزوینی دست به کـار زد و در نتیجه کتاب زیج ایل خانی را نوشت که از کتب مهمّ این فن بشمار می رود.

قسمت دوم

پاورقی

۱ سال تألیف اخلاق ناصری ۶۳۰ است و بر این اساس باید گفت خواجه حداقل ۲۴ سال در قلاع اسماعیلیه بوده است.

این که همکاران خواجه را در رصدخانه منحصـر به این اشـخاص نوشتیم مأخذش نوشـته خود خواجه در مقدمه «زیج ایلخانی» است که مینویسـد: «هولاکو خان در آن وقت که ولایتها ملحدان بگرفت من بنده کمترین نصـیرالدین که از طوسم و به ولایت ملحـدان افتاده بودم بیرون آورد و رصـد سـتارگان فرمود و حکما را که در رصـد می دانسـتند چون مؤیدالـدین عرضـی که به دمشق بود و فخرالـدین خلاصـی که به تفلیس بود و فخرالدین مراغی که به موصل بود و نجم الدین دبیران که به قزوین بود از آن ولایت ها بطلبیـد وزمین مراغه را رصـد اختیار کردنـد و به این بنـدگی مشـغول شدند و آلتها بساختند و بناهای لایق رصـد برآوردند و به فرمود تا کتابها از بغداد

و شام و موصل و خراسان بیاورند و در موضعی که رصد می کردند بنهادند تا آن کار نسق و ترتیب نیکو یافت».

اما به قرینه سیاق عبارت خود خواجه و نیز به دلائل تاریخی دیگر مسلّم است، که همکاران خواجه بیش از این چهار نفر بودهاند. و شاید بدین سبب که مقام علمی و همکاری آنها در رتبه این چهار استاد بزرگ نبوده، خواجه از آنها نام نبرده است از آن جمله علامه قطب الدین محمود شیرازی است که از شاگردان و دست پروردگان خود خواجه بود و در مراغه حضور داشت و در اعمال رصدی کاری کرد، خواجه صدرالدین و خواجه اصیلالدین پسران خود خواجه که از حیث شاگردی در رتبه قطب الدین محمود شمرده می شدند نیز از کارکنان رصدخانه بودند. در «فوات الوفیات»(۱) محمد بن شاکر کتبی متوفی ۷۶۴ و نیز در «تاریخ وصاف» نوشته اند که هولاکو خان اوقاف تمام ممالك ایلخانی را به دست خواجه سپرد و خواجه در هر شهری نائب گماشت تا عشر اوقاف را می گرفتند و آن را در مخارج رصدخانه و حقوق و رواتب علماء و اعضاء رصدخانه خرج می کرد.

پاورقی

۱ ۲/۳۰۹.

و نیز در «فوات الوفیات» نقل شده است که هولاکو خان در کار رصدخانه و زیج ایلخانی بذل اموال بی حساب کرد. معروف است که خواجه نصیرالدین کتابخانه بزرگی مشتمل بر چهارصد هزار جلد کتاب(۱) بنیاد کرد و به وسیله قدرتی که داشت ازهمه ممالك کتابها به کتابخانه خویش می آورد و نیز مشهور است که رکنالدین خورشاره اسماعیلی در اثر تشویق و مصلحت بینی خواجه نصیرالدین تسلیم هولاکو خان شد و هلاکو به

پاس این خدمت و به حکم لیاقتی که در خواجه دید وی را به پایگاه ارجمند برکشید و به جایگاه بلند رسانید.

از خواجه نصیرالدین سه پسر باقی ماند(۲) که داخل مناصب دیوانی بودند و در زمره اهل فضل شمرده می شدند: یکی صدرالدین علی که ظاهراً اکبر اولاد خواجه و دره القلاده خانواده او بوده و در علم نجوم دست داشته و به فارسی شعر می گفته و غالب مناصب بعد از وی بدو مفوض شده و مدتی بعد از وفات خواجه در رصدخانه مراغه ریاست داشته است. و دیگر اصیل الدین حسن که یک چند حکومت بغداد داشته و بعد از صدرالدین، غالب مناصب وی بدو رسیده و بنوشته بعضی در سال ۷۱۵ وفات یافته است. سومی فخرالدین احمد که وی نیز از اعیان و فضلای زمان خویش بوده است.

خواجه نصیرالدین گاهی به تفنن شعر می ساخته و بعضی اشعار فارسی و عربی او در کتابها نقل شده است(۳). از تألیفات مهم خواجه یکی زیج ایلخانی است که شرح آن را نوشتیم و دیگر شرح اشارات در فلسفه و منطق است که متن آنها به نام «التنبیهات والاشارات» از ابو علی سیناست و امام فخرالدین رازی متوفی ۶۰۶ پیش از خواجه این کتاب را شرح کرده و اعتراضاتی بر شیخ نموده بود و خواجه میگوید که نوشته های امام فخرالدین به قول ظریفان جرح است نه شرح، خواجه مجدداً این کتاب را شرح و اعتراضات امام را دفع کرد، شرح اشارات را در مدت بیست سال تألیف کرد و در ماه صفر ۶۴۴ به پایان رسانید و در خاتمه کتاب قلم را بر حال

خود می گریاند و می نویسد که من این کتاب را در بدترین و سخت ترین احوال خویش نوشتم و بدین بیت متمثل می شود

پاورقی

۱ جرجی زیدان در آداب اللغه گوید: کتابخانه او بیش از چهارصد هزار مجلد کتاب داشته و الوافی بالوفیات ۲/۳۰۷.

۲ ر.ک احوال و آثار خواجه ۶۸ تا ۷۸.

۳ ر.ک: احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی از ص۵۹۸ تا ۵۲۵. این رباعی نمونهای از اشعار اوست:

لذات دنیوی همه هیچ است نزد من

در خاطر از تغیّر آن هیچ ترس نیست

روز تنعم و شب عیش و طرب مرا

غیر از شب مطالعه و روز درس نیست.

بگرداگرد خود چندان که بینم

بلا انگشتری و من نگینم

و دیگر کتاب «تجرید العقاید» در فن کلام(۱) که شرحهای متعددی بر آن نوشته شده و سه شرحش معروفست: نخست شرح علامه حلی و دوم شرح شمس الدین ابوالقاسم اصفهانی و سوم شرح ملا علی قوشچی که از کتب درسی قدیم است. و دیگر «تذکره» در هیئت استدلالی که نیز چند شرح دارد بهتر از همه شرح ملا عبدالعلی فاضل بیرجندی است متوفی ۹۲۴ و دیگر شمسالدین خضری به نام تکمله و دیگر شرح نظام الدین نیشابوری به نام توضیح التذکره و این شروح به نام شارحان معروفست. دیگر تحریر اقلیدس در هندسه و تحریر مجسطی در ریاضیات عالیه قدیم و دیگر اساس الاقتباس در منطق به فارسی و دیگر اوصاف الاشراف در اخلاق به فارسی که آن را به نام خواجه شمس الدین محمد جوینی تألیف کرده است و دیگر زبده الهیه به فارسی و دیگر سی فصل در معرفت تقویم به فارسی و دیگر اخلاق ناصری است(۱).

پاورقی

۱ تجرید الکلام فاضل

قوشچی درباره آن گفته: گنجی است که از عجائب پر و حجمش کوچک و نظمش موجز، علمش بسیار و مقامش بلند، ترتیبش نیکو و مورد قبول پیشوایان است علما و دانشمندان به مانند او برخورد نکرده اند.

پاورقی

۱ آنچه را که نویسنده محترم به عنوان تألیفات خواجه ذکر کرده همه تألیفات او نیست، و فهرست مجموع مصنفات ایشان که به ۱۶۰ کتاب و رساله بزرگ و کوچک می رسد در کتب مربوطه مسطور است از باب نمونه ر.ک مؤلفین کتب چاپی ۵/۷۳۳ تا ۷۴۵; احوال و آثار خواجه، مفاخر اسلام از ۱۳۸ تا ۱۴۲.

و نیز در ترجمه مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی ر.ک: اعیان الشیعه ۴۶/۴ ۱۹; فوائد الرضویه ۶۰۲ ۶۱۵; روضات الجنات ۶۰۵ ۶۱۱; الاعلام زرکلی ۷/۲۵۷ ۲۵۸، ایضاح المکنون بغدادی ۲/۲۴۳۳۵۲; فوات الوفیات ابن شاکر الکتبی ۲/۱۴۹ ۱۵۲; معجم المؤلفین ۱۱/۲۰۸ ۲۰۷; البدایه ابن کثیر ۱۳/۲۶۷ ۲۷۸; هدیه العارفین بغدادی ۲/۱۳۱; المجددون فی الاسلام صعیدی: ۲۵۹ ۲۶۲; کشف الظنون حاجی خلیفه، ۹۵، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۳۴۶، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۹۱، ۸۵۹، ۸۹۶، ۹۵۰، ۹۶۹، ۱۱۰۳، ۱۳۶۱، ۱۴۳۶، ۱۴۹۳، ۱۶۶۴، ۱۷۳۹; تذکره المتبحرین: ۶۷; مفتاح السعاده طاش کبری ۱/۲۶۱; السلوک مقریزی ۱/۶۱۴; المختصر فی اخبار البشر ۴/۴۹; تاریخ مختصر الدول ابن العبری ۵۰۰، ۵۰۱; طبقات اعلام الشیعه (الانوارالساطعه): ۱۶۸ ۱۷۰; احوال و آثار خواجه نصیر از سید محمد تقی مدرسی; سرگذشت خواجه نصیر از مدرسی زنجانی; مجله ارمغان ش۸ مقالات مدرسی چهاردهی; مفاخر اسلام ج۴; زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی از سده سوم تا سده یازدهم هجری ۴۸۶.

«د»

داود بن کوره، ابو سلیمان القمی(۱):

فقیه و محدث است، کتاب

نوادر احمد بن محمد بن عیسی و کتاب حسن بن محبوب را(۲) مرتب و معرب کرده و همچنین خود او کتابی در مسائل وضو و صلوه و زکوه و صوم و حج، تحریر کرده و آن را کتاب (الرحمه) نامیده است.

احمد بن محمد بن یحیی از او روایت می کند و به نقل بعضی، از مشایخ شیخ کلینی است.

پاورقی

۱ رجال نجاشی: ۱۵۸; رجال طوسی: ۴۷۲; فهرست طوسی: ۶۸.

۲ نک: اصحاب اجماع و امتیازشان بر سایر راویان از این جانب.

«ذ»

ذاتی قمی:

متأسفانه هیچ چیز از شرح حال این شاعر در تذکره ها نیافتیم، این شعر به نام اوست.

به کنه ذات تو هرگز نمی رسد ذاتی

یکی زذات تو می گوید از صفات یکی(۱)

ذوالمجدین (زین العابدین):

از فضلای قم و ساکن تهران است، تحصیلات او در قم بوده و سپس به تهران مهاجرت کرده است، در دانشکده معقول و منقول به تدریس فقه اشتغال دارد، تبصره علامه را به فارسی ترجمه و شرح کرده است این ترجمه در دو مجلد بزرگ از طرف دانشگاه تهران چاپ و جزء کتب درسی دانشکده معقول و منقول قرار داده شده است(۲).

پاورقی

۱ ذاتی کبابی قمی از معاصرین مؤلف تذکره تحفه سامی است ر.ک: تحفه سامی، به تصحیح همایونفرّ خ۳۲۴; تذکره سخنوران قم ۱۴۸.

۲ وی از شاگردان حاج شیخ غلامرضا صاحب فرائد الاصول و شیخ حسن ناظر و شیخ ابوالقاسم متوفی ۱۳۵۳ ق میباشد. مؤلفات دیگر وی عبارتند از: ۱ اصول عقاید و مکارم اخلاق (نشریه ۱۲۸ دانشگاه) ۲ انسان و خواب (به همت احمد پرنیانی چاپ شده) ۳ فقه و تجارت (نشریه ۱۸ دانشگاه) کرائم اخلاق، و خلاصه من متاجر شیخنا العلامه

الانصاری وما علّق علیه من الحواشی باضافه اقسام البیع والخیارات التی لم یتعرض لهاالشیخ (از سلسله انتشارات دوره دکتری)؛ فهرست رضویه ۵/۶۰۲؛ مؤلفین کتب چاپی ج۳/۲۶۹.

«ر»

رضا (آقا سید رضا آسید صفی)(۱):

از فضلا و دانشمندان و مدرسین فعلی حوزه علمیه قم می باشند و تحصیلات او در قم بوده و از شاگردان آیت الله حائری بوده اند اکنون نیز از فضلای شاگردان آیت الله بروجردی است و ضمناً بعضی از کتب فقه و اصول را در حوزه علمی تدریس می نمایند.

رضا(۲) برقعی:

فرزند مرحوم آقا سید عیسی از ذاکرین و مدت ۲۰ سال است که با اداره کردن مدرسه و آموزشگاه باقریه خدمات فرهنگی خود را ادامه می دهد.

رضا صدر:

فرزند ارشد مرحوم آیت الله صدر، در سال ۱۳۹۹ شمسی در مشهد مقدس متولد شده، تحصیلاتش در قم و در مراحل عالی از محضر پدر بزرگوارش مستفید گشته و همچنین در خدمت اساتید دیگر حوزه علمیه تدریس(۱) کرده و اکنون از شاگردان فاضل آیت الله بروجردی است. فضل و دانش و خوی و روش را از مرحوم آیت الله صدر به ارث برده و اکنون از فضلای مورد توجه حوزه علمیه است و در مسجد موزه آستانه اقامه جماعت می نماید

پاورقی

۱ امروزه این عالم بزرگ که از مفاخر حوزه مقدسه قم به حساب می آید و در حوزه به تربیت نفوس مستعد پرداخته و تدریس خارج فقه و اصول دارند به نام آیت الله حاج آقا رضا بهاءالدینی معروفند. تاریخ تولد ایشان در حدود سال ۱۲۸۷ ش می باشد و «نردبان آسمان» مجموعه ای از درسهای اخلاق حضرت آیه الله بهاء الدینی است که توسط آقای اکبر

اسدی تدوین و ویرایش گردیده; و «حاج آقا رضا بهاء الدینی آیت بصیرت» از مجموعه دیدار با ابرار تألیف آقا سید حسن شفیعی با تدوین و نگارش آقای احمد لقمانی شرح حال آن بزرگ را به تصویر کشیده است. ببینید: آثار الحجه ۲/۹۴; حوزه: ش۱۶ (سال سوم ش۴) مصاحبه با حضرت آیت الله حاج آقا رضا بهاءالدینی.

۲ ایشان برادر آقا مرتضی برقعی واعظ است فرزندان او از فرهنگیان این شهر هستند.

رکن الدین محمد بن سعد القاضی(۲):

پاورقی

۱ برخی دیگر از اساتید او عبارتند از: مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله حاج آقا روح الله خمینی(قدس سره). شماری از تألیفات سودمند معظم له: دروغ، حسد، استقامت، تفسیر سوره حمد، راه علی(علیه السلام)، راه قرآن، حسن یوسف در تفسیر سوره یوسف; فلسفه آزاد; الفلسفه العلیا; الاجتهاد والتقلید; پیشوای شهیدان; معنی العداله (مطبوع در مجله الهادی); بانوی کربلا (ترجمه); نگاهی به آثار فقهی شیخ طوسی; مرد وفا (این کتاب توسط ناشری با نام «زیر درختان سدر» هم چاپ شده است); تفسیر سوره حجرات; زن و آزادی; مقدمه بر کتاب دانشوران عصر ناصری; حاشیه منظومه (غیر مطبوع); پایان شب سیه; نشانه هائی از او. در ترجمه ایشان که در سال ۱۳۷۳ به رحمت ایزدی پیوست به کتب زیر مراجعه شود: زندگی و مبارزات امام موسی و سید محمد باقر صدر (بضمیمه چهره های درخشان خاندان صدر) ص۱۱۶; آثار الحجه ۱/۲۰۵; تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ج۱/۳۰۳; مجله تاریخ و فرهنگ معاصر ش۱۴۰ و۱۳.

۲ قاضی رکنالدین خط نیکوئی داشت ر.ک: خطّ و خطّاطان از ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی ص۱۷۹. دیوان رکنالدین دعویدار قمی (شاعر ذواللسانین

سده شـشم و هفتم) با تصحیح ومقدمه علی محدّث توسط انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است. شاعر در مقدمهای که به نثر عربی بر دیوان خویش نوشته می گویـد: این دیوان را به فرمان عزالـدین یحیی بن شـرفالدین محمد بن عزالدین یحیی الشـهید گردآوری کرده است. در پیشگفتار سـی و پنج صـفحه ای توضـیحات زیادی درباره شاعر و خاندان وی، مکاتبات و سفرهای شاعر و نسـخه اساسـی طبع و... داده شده است وی نخست در قم می زیسته و از مداحان حسام الدوله اردشیر پسر حسن پادشاه باوندی (۵۶۷ ۶۰۲ ه) بود پس از انقراض این سلسـله به تبریز رفت و سـرانجام در همانجا از دنیا رفت. بنگریـد: کیهان فرهنگی سال سوم آذرماه ۶۵ ص۳۸ و مقدمه دیوان; دایره المعارف تشیع ۱/۱۷۷; امل الآمل ۲/۲۷۴; مجمع الفصحاء چاپ دکتر مظاهر مصفا ۲/۶۸۰; آتشکده آذر ۲۳۷; تاریـخ نهضـتهای فکری ایرانیـان از آغاز قرن هفتم تا پایان قرن نهم بخش اول (از مولوی تا جامی) ص۷۲; تذکره سخنوران قم ۱۳۶; امل ۵۰۲; جامع الرواه ۲/۱۱۷; تنقیح المقال ۳/۱۲۰.

از مردان فقیه و دانشـمندان بزرگ این دیار، و زندگانی او اواخر قرن شـشم و اوائل قرن هفتم بوده، شـیخ منتجب الدین ترجمه او را در کتاب رجال خود آورده است(۱).

رکن الدین شاعری پارسـی گوی و توانا بوده است. با کمال الدین اسماعیل و اثیرالدین اومانی معاصر بود، شعر زیر مطلع یکی از غزلهای اوست:

صبح برآمد زکوه، خنجر زر در برش

گشته روان بر افق خون زسر خنجرش

شرم بالای خون من در گردنت

یا زخود، یا از خدا یا از منت

آهن اندر سیم نبود، پس چرا

معدن فولاد شد سیمین

تنت؟!

روح الله خمینی (حاج آقا روح الله):

از اساتید درجه اول امروز حوزه علمی قم و فرزند مرحوم سید مصطفی خمینی(۲) است، در سال ۱۳۲۰ قمری در خمین متولد شده، تحصیلات مقدماتیش را در اراک فرا گرفته است و سپس به قم آمدهاند، در علوم فلسفه و اخلاق استادان او مرحوم آقامیرزا محمد علی شاه آبادی و آقاسید ابوالحسن حکیم قزوینی(۱) و مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بوده اند. و علوم منقول و فقه و اصول را از محضر آیت الله مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری و آقای میر سید علی کاشانی(۲) فرا گرفته اند.

پاورقی

۱ فهرست منتجب الدین: ۱۲۲.

۲ در کتاب علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی ۳۱۸ آمده: مجاهد مبارز آیت الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی یکی از مشاهیر علماء مکتب ما در اوایل قرن چهاردهم هجری است... شهید خمینی، مجتهدی فقیه و دانشمندی متین و شجاع و با ابّهت بود. از تواضع و تقوی و فضائل اخلاقی، گذشت و ایثار برخوردار بوده با داشتن این فضائل از بیدادگری و مظالم ستمگران و خانهای غارتگر زالوصفت، که از دسترنج مردم بهره می بردند، خیلی ناراحت بود، خانه ای ستمگری که در گذشته به جان و مال و ناموس مردم مستضعف و کشاورزان زحمتکش طمع نامشروع داشتند و آن بیچارگان بدون اجازه مالکان و اربابان زورگو حتّی جرأت نوشیدن آب نداشتند، شهید خمینی در آگاهی مردم و نصیحت به مالکان سالها رسالت خویش را ایفا می نمود و گاه ناگزیر می شد مردانه قد علم نموده علیه مظالم آنها قاطعانه برخورد کند. اربابان ستمگر علیه او توطئه ها چیدند. سرانجام موقعی که

آقا قصد مسافرت از خمین به اراک داشت در بین راه به وسیله رضا قلیخان و بهرام خان ناگهان به ضرب گلوله نقش بر زمین شد و...».

امروز هرچند به مجلس درس حضرت آیت الله بروجردی حضور می یابد، خود نیز از اساتید عالی فقه و اصول بشمار می رود(۳) سابقاً در بعضی ایام هفته خصوصاً روزهائی که دروس معمولی تعطیل می شد مباحث اخلاقی را در ایوان مدرسه فیضیه مطرح می فرمودند و طلاب علوم دینی و دانش پژوهان از محضرشان مستفیض می شدند.

پاورقی

۱ و مرحوم حکیم الهی حاج شیخ علی اکبر یزدی م۱۳۵۴.

۲ و مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا نجفی مؤلف وقایه الاذهان و مرحوم آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی.

۳ جناب ایشان از سال ۱۳۴۷ در حالی که تنها ۲۷ سال داشت تدریس متون فلسفی را آغاز کرد و در کنار تدریس فقه و اصول و فلسفه از تدریس اخلاق غافل نبود و از همان ایّام بهرمناسبتی در افشای جنایات و مفاسد رژیم می کوشید و لذا پلیس رضا خانی در صدد تعطیل این درس که با استقبال فراوان مواجه شده و از هفته ای یک روز به هفتهای دو روز ارتقاء یافته بود، برآمد که حضرت امام خمینی(قدس سره) مقاومت کرد. معظم له تدریس خارج فقه و اصول را در سالهای ۱۳۶۳ قمری (۴۴ سالگی) آغاز کرد و شاگردان لایق و دانشمندی را تربیت کرد و یکی از زعماءبزرگ حوزه و مراجع تقلید شیعه گردید و با بینش عمیق و درایت و مدیریّت خاصی که داشت توانست نهضت اسلامی ایران را رهبری و رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را در ایران سرنگون

و حکومت جمهوری اسلامی را پایه گذاری کند. مبارزات و سائر ابعاد زندگی این مرجع آگاه و بیدار و پرمجاهد و روشن ضمیر شیعه در این مختصر نمی گنجد، علاقمندان به کتب مربوطه زیر مراجعه کنند: بررسی و تحلیل از نهضت امام خمینی; تاریخ سیاسی معاصر ایران; تفسیر آفتاب; لمحات من حیاه الامام الخمینی; نهضت روحانیون ایران و... نجوم امّت و الامام الخمینی قائد الثوره الاسلامیه فی ایران; زندگینامه امام خمینی; یکصد سال مبارزه روحانیت مترقی; اختران تابناک; سرگذشته ای ویژه از زندگی امام خمینی.

تألیفات ایشان بسیار است از آن جمله:

۱ مصباح الهدایه فی الخلافه والامامه.

۲ حاشیهای بر فصوص محیی الدین.

و قریب چهارده جلد دیگر در مسائل مختلف علوم فقه و اصول و فلسفه که چاپ نشدهاند(۱) و یک کتاب به فارسی به نام کشف الاسرار پیرامون بعضی ایرادات و اشکالات نوشته اند.

ریّان بن شبیب:

از ثقات محدّثین است، اصلاً اهل قم نیست ولی در قم سکونت گزیده و به این سبب او را از سلسله قمیین شمرده اند(۲).

پاورقی

۱ فهرست سائر تألیفات آیت الله امام خمینی(رحمه الله): البیع ۵ جلد; مکاسب محرمه ۲ج; تحریر الوسیله ۲ج; کتاب الطهاره ۲ج; الرسائل ۲ج; اسرار الصلاه یامعراج السالکین; رساله فی الطلب والإراده; حکومت اسلامی یا ولایت فقیه; حاشیه بر مفتاح الغیب; مبارزه با نفس یا جهاد اکبر; تفسیر سوره حمد; مختصر فی شرح الدعاء المتعلق بالسحر (این کتاب اولین تألیف حضرت امام است که در سن ۲۷ سالگی نوشته و توسط آقای سیّد احمد فهری به نام «تفسیر دعاء سحر» به فارسی ترجمه شده; اربعین حدیث (۷ حدیث آن مسائل عقلی و ۳۳ حدیث دیگرش در اخلاقیات

است)؛ شرح حدیث رأس الجالوت؛ شرح حدیث جنود عقل و جهل؛ و تقریرات بحثهای ارزنده ایشان را جمعی از شاگردان ایشان نوشتهاند که از برخی از آنها نام می بریم: تهذیب الاصول؛ نیل الأوطار فی بیان قاعده لا ضرر ولا ضرار؛ رساله فی الاجتهاد والتقلید و دهها کتاب دیگر و مجموعه گفتارهای ایشان نیز با نامهای مختلف چاپ شده که جامع تر از همه «صحیفه نور» است که تاکنون ۲۳ جلد آن منتشر شده است.

۲ رجال النجاشی: ۱۶۵؛ خلاصه ۱/۷۱؛ اختیار کشی رقم ۱۱۳۲ گوید: وی دائی معتصم و از ثقات است...، او مسائل صباح بن نصر هندی از امام رضا(علیه السلام) را جمع کرده و ثقه و صدوق بوده است.

ریّان بن الصلت البغدادی الاشعری (ابو علی):

اواخر قرن دوم، نجاشی(۱) و علامه او را قمی دانستهاند از روات موثّق و از اصحاب علی بن موسی الرضا(علیه السلام) است از ملازمان مأمون الرشید و مورد عنایت او بوده است(۲)، مأمون او رامانند فضل بن سهل طرف مشورت و مخزن اسرار خود می دانست و انجام بعضی امور را به ......واگذار می نمود ولیکن ریان بن الصلت باطناً شیعه و از دوستان خانواده عصمت و امامت بوده است. شیخ در فهرست تألیف کتابی را به او نسبت می دهد(۳).

پاورقی

۱ رجال النجاشی ۱۶۵؛ فهرست طوسی ۷۱؛ رجال طوسی ۳۷۶، ۴۱۵، ۴۷۳؛ اختیار کشی رقم ۱۰۳۵ ۱۰۳۷؛ خلاصه ۱/۷۰.

۲ وحید بهبهانی در تعلیقه گوید: او خطیب مأمون و از مقربان و اصحاب سرّ او بود و مأمون خدمات خود را به او و فضل بن سهل رجوع می نمود ولی وی در باطن شیعه بوده است.

۳ در خلاصه

آمده که فرزندش علی نیز ثقه بوده و وکیل امام هادی(علیه السلام) بوده است.

«ز»

زکریا (آقا سید زکریا)(۱):

از فضلا و دانشمندان اخیر قم و اصلاً اهل قزوین است، تحصیلاتش در کربلا و سامرا بوده و از محضر حاج میرزا حسن محمد حسن شیرازی بهره ها گرفته و از آن مرحوم تصدیق اجتهاد داشته است، پس از فراغ از تحصیل از اعتاب مقدسه به شهر قم مسافرت کرده و در همانجا اقامت گزید، مرحوم حاج آقا حسین قمی داماد ایشان است.

زکریا بن آدم بن عبدالله بن سعد الاشعری القمی:

قرن دوم از بزرگان صحابه علی بن موسی الرضا(علیه السلام) و از بزرگوارترین فقها و محدّثین قم است، ما شایسته توصیف او نیستیم(۲) در جلالت او همین قدر بس که امام(علیه السلام) او را با عباراتی ستوده است، که خداوند تبارک و تعالی، زکریا بن یحیی را ستوده است توقیع مذکور وقتی که زکریا بن آدم تازه درگذشته بوده است صادر شدهو چنین است «ذکرت ما جری من قضاء الله به فی الرجل المتوفّی رحمه الله یوم ولد ویوم قبض ویوم یبعث حیّاً، فقد عاش أیام حیاته عارفاً بالحقّ قائلاً به، صابراً محتسبا للحقّ، قائماً بما یحبّ الله ورسوله، ومضی

رحمهالله غیر ناکث ولامبدّل، فجزاهالله اجر نیّته وأعطاه خیر اُمنیّته... الی آخر»(۱).

پاورقی

۱ نک: گنجینه دانشمندان ۱/۱۴۰.

۲ محمد بن قولویه از سعد بن عبدالله از عیسی از احمد بن ولید از علی بن مسیب همدانی نقل می کند که گفت: به امام رضا(علیه السلام) عرض کردم: منزلم دور است و دسترسی بشما ندارم برایم دشوار است تا احکام دینم را از شما بیاموزم (چه کنم؟) امام فرمود: زکریا بن آدم

قمی بیاموز که امین دین و دنیا است. و ایشان آنقدر عظیم المنزله بوده که طبق روایتی که در کشی است: خداوند بواسطه وی بلیات را از اهل قم دور کرده است.

و در مورد دیگر امام(علیه السلام) او را به جلالت قدر و برکت وجود یاد کرده است، سال وفاتش به تحقیق معلوم نیست ولی می توان سال وفات او را بین سنوات ۱۹۰ و ۲۰۰ هجری دانست.

قبر شریف او در شیخان قم در مقبرهای به نام خود او معروف است و زیارتگاه مردم سعادتمند است.

زکریا بن ادریس القمی ابو جُریر(۲):

محدّثی بارع و دانشمندی بزرگوار است از امامان جعفر الصادق وموسی الکاظم و علی الرضا علیهم صلوات الله روایت میکند، زندگی اودر قرن دوّم بوده، علامه او را از وجوه اصحاب امامیه شمرده، شیخ درفهرست برای او کتابی ذکر می کند، صفوان بن یحیی از او روایت می نماید(۳).

پاورقی

۱ رجال کشی ط نجف ۴۹۷. کشی از محمد بن اسحق ابن محمد روایت می کند که گفتند: سه ماه پس از درگذشت زکریا بن آدم به عزم حج خارج شدیم، در اثناء طریق نامهای از علی بن موسی الرضا(علیه السلام) رسید که در آن این عبارت بود: «از قضاء الهی که درباره آن مرد که برحمت ایزدی پیوسته سخن گفتی خداوند او را مشمول رحمت خویش قرار داد در روزگاری که متولد شد و روزی که چشم از جهان فروبست و روزی که مبعوث خواهد شد، وی در وقتی که زنده بود با معرفت به حق که معتقد به آن بود زیست و مردی بردبار بود و از حق و حقیقت جدائی نداشت و

همواره کمر خدمت برای آنچه خدا و پیامبرش دوست می دارند بسته و با همین حال بدون هیچگونه تبدیل و انحرافی نیز رحلت کرد خدایش پاداش نیتش را بدوی ارزانی دارد و بهترین آرزویش را جامه عمل بپوشاند. در ترجمه او به منابع زیر رجوع می توان کرد: زکریا بن آدم نوشته سید سیف الله نحوی; رجال ابن داود ۱۵۸; خلاصه ۳۷; مجمع الرجال قهپائی ۳/۵۳ ۵۷; تذکره مشایخ قم ۴۲; گنجینه آثار قم ۱/۲۲۴; بهجه الآمال ۴/۱۹۶; گنجینه دانشوران ۲۵.

۲ ایشان پسر عم زکریا بن آدم اشعری است.

۳ همین امر قرینه وثاقت ایشان است چه آن که صفوان بن یحیی از غیر ثقه روایت نمی کند.

وفات او(۱) قبل از سال ۱۹۰ هجری(۲) واقع شده و در قبرستان شیخان قم مدفون است.

زند وکیلی:

خاندان زند وکیلی از فامیلهای بزرگ و محترم قم و شخصیت های مهمی از این فامیل برخاسته که ذکر همه آنها از حوصله کتاب ما خارج است، ریاست این فامیل با آقای محمد رضا خان زند وکیلی است و آقای دکتر اکبر زند وکیلی جراح و رئیس درمانگاه جراحی بیمارستان پهلوی و دکتر جعفر زند وکیلی دندان پزشک از مشاهیر این خانواده هستند.

زین الدین (آسید امیره بن شرفشاه الحسینی)(۳):

از دانشمندان و محدثین است، در شهر قم سمت قضا داشته است.

زینالعابدین قمی (حاج میرزا...):

از علماء بزرگ و فرزند مرحوم آقای حاج سید جواد مجتهد بزرگ قم است،

پاورقی

۱ هنگامی که خبر ارتحال وی در مرو به امام رضا(علیه السلام) رسید برایش طلب مغفرت کرد و این روایت را از قول پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) نقل کرد که رسول خدا فرموده: اللّهمّ اغفر للاشعریین

صغیرهم وکبیرهم، والاشعریون منّا وانّا منهم.

۲ بعضی سال وفات او را ۲۰۱ نقل کردهاند. در ترجمه ایشان به منابع زیر می توان رجوع کرد: مجمع الرجال قهپائی ۳/۶۱; رجال ابن داود: ۱۶۰; خلاصه: ۹۲; بهجه الآمال فی شرح زبده المقال ۴/۲۰۲; رجال نجاشی: ۱۷۳، ۱۰۴; تذکره مشایخ قم: ۴۳; رجال طوسی ۲۰۰، ۳۷۷; فهرست طوسی: ۷۴; اختیار کشی، رقم ۱۱۵۰; گنجینه آثار قم ۱/۲۲۳; گنجینه دانشوران ۲۴; منتهی المقال ۳/۲۶۳.

۳ فهرست منتجب الدین: ۳۶; النقض: ۱۶۴ و۴۹۴; امل: ۴۶۳; جامع الرواه ۱/۱۰۹; تنقیح ۱/۱۳۲ به نقل از فهرست شیخ منتجب الدین.

ایشان از شاگردان مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی(۱) بوده و در دوره دوم مجلس شورای ملی جزء ۵ نفر علمای طراز اول به مجلس شورای ملی رفت و پس از چند ماهی درگذشت(۲).

پاورقی

۱ و شیخ محمد طه نجف، میرزا حسین خلیلی، شیخ هادی تهرانی، شیخ محمد کاظم خراسانی.

۲ وفات این عالم بزرگ و فقیه صالح بعد از سنه ۱۳۲۹ بوده است. نقباء البشر ۱/۸۰۰. سال ۱۳۲۷ می نویسد در حالی که ایشان در آن تاریخ از عتبات به قم آمده است.

« س »

سدیدالدین بن اسحق بن داود القمی(۱):

کنیه او ابو محمد است، شیخ منتجب الدین در فهرست او را مردی دانشمند و عالم یاد می کند و قاضی شهر قم بوده است.

سرکشیک (حاج میرزا خلیل):

از مشاهیر و محترمین معاصر قم بودند و از سرکشیک های آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه(علیها السلام) بوده است، ایشان مردی مقتدر و صاحب عنوان بود و مدتها برای بهبود وضع خدام آستانه کوشید ودر بیشتر مسائل اجتماعی قم از حقوق و منافع مردم طرفداری می کرد، در سال ۱۳۱۸ فوت

کرده است.

سعد بن ابراهیم القمی:

از فقها و دانشمندان جلیل قم بوده است. محدّثی بارع و موثّق است، کتابی به نام «تصدیر الدرجات» تألیف کرده است(۲).

سعد بن سعد بن الأحوص بن سعد بن مالک الاشعری:

از محدثین و روات بزرگ و جلیل است، از امامان علی بن موسی الرضا و محمد بن علی النقی (علیهما السلام) روایت کرده، به روایت عباد بن سلیمان روایاتی را که از این دو امام نقل کرده در کتابی مرتب و مبوب ساخته است، و به نقل از محمد بن خالد البرقی، کتاب دیگری که مرتب و مبوب نشده نیز داشته، شیخ منتجب الدین در فهرست او را «سعد الاحوص» یاد کرده است(۱).

پاورقی

۱ فهرست منتجب الدین: ۴۰; امل ۵۱۵; جامع الرواه ۲/۴۱۴; تنقیح ۳/۲ قسمت کنی والقاب: ۲۳.

۲ و نیز ر.ک: فهرست ابن ندیم; اعیان الشیعه ۳۴/۱۵۹.

سعد بن عبدالله بن ابی خلف الاشعری(۲):

کنیهاش ابوالقاسم و زندگانی او در قرن سوم است، به دیدار امام عسکری مشرف شده است. علامه و نجاشی او را از مشایخ و وجوه امامیه دانسته و همگان او را توثیق کرده اند، نجاشی در رجال خود بعد از ذکر ملاقات او با امام متذکر شده است که بعضی اصحاب، این حکایت را درست نمی دانند، و سپس کتب او را به این تفصیل یاد کرده است.

۱ کتاب الرحمه.

۲ کتاب الوضوء.

۳ کتاب الصلوه.

۴ کتاب الزکوه.

۵ کتاب الصیام.

۶ کتاب الحج.

۷ کتاب بصائر الدرجات(۳).

پاورقی

۱ ر.ک: بهجه الامال ۴/۳۱۹، فهرست طوسی: ۷۶; منتهی المقال ۳/۳۱۹; رجال نجاشی: ۱۷۹; بعضی سعد بن سعد الاحوص را فرزند سعد الاحوص می دانند و ایندو را دو تا گرفته

اند. ببینید: اعیان الشیعه ۳۴/۱۶۵ و ص۱۷۶.

۲ ترجمه او را در کتب زیر ببینید: الایرانیون والادب العربی ۳/۵۸ و اعیان الشیعه ج۳۴/۱۸۸; رجال نجاشی ۱۷۷، فهرست طوسی: ۷۵; رجال طوسی: ۴۳۱; خلاصه ۱/۷۸.

۳ این کتاب غیر از بصائر الدرجات صفار است که فعلا در دست است. تحفه الاحباب ۱۲۱.

۸ کتاب الضیاء فی الامامه.

۹ کتاب فرق الشیعه(۱).

۱۰ کتاب الرد علی الغلاه.

۱۱ کتاب ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه.

۱۲ کتاب فضل الدعا و الذکر.

۱۳ کتاب جامع الجوامع.

۱۴ مناقب رواه الحدیث.

۱۵ کتاب مثالب رواه الحدیث.

۱۶ کتاب المتعه.

۱۷ کتاب الرد علی علی بن ابراهیم بن هاشم فی معنی هاشم و یونس.

۱۸ کتاب قیام اللیل.

۱۹ کتاب الرد علی المجبره.

۲۰ کتاب فضل القم و الکوفه(۲).

۲۱ کتاب فضل ابیطالب و عبدالمطلب و اب النبی علیه الصلوه والسلام.

۲۲ کتاب الدعاء.

۲۳ کتاب الاستطاعه.

۲۴ کتاب احتجاج الشیعه علی زید بن ثابت فی الفرائض.

پاورقی

۱ بحث است که فرق الشیعه یا المقالات والفرق با فرق الشیعه حسن بن موسی نوبختی چه ارتباطی دارد، استاد سید محمد رضا حسینی جلالی در مجله و زین تراثنا، سال اول، ش اول ثابت کرده که فرق الشیعه از نوبختی نیست و نسخه ای ناقص از کتاب المقالات و الفرق سعد بن عبد الله است. در هر حال این اثر برای نخستین بار بر اساس دو نسخه موجود با تحقیق و تعلیق محمد جواد مشکور به سال ۱۳۴۱ منتشر شد.

۲ رجال نجاشی: ۱۲۶; فهرست شیخ: ۷۶; الذریعه ۱۶/۲۷۲; و باید احادیثی باشد که در بیان شرافت خاک قم و کوفه و فضائل مردمان

این دو از پیشوایان دین رسیده است، کتاب شناسی آثار مربوط به قم ۹.

۲۵ کتاب النوادر.

۲۶ کتاب المنتخبات.

۲۷ کتاب المزار.

۲۸ کتاب مثالب هشام و یونس.

۲۹ کتاب مناقب الشیعه.

وفات او را نزدیک سال سیصد هجری ذکر کرداند(۱).

سعد بن الحسن بن الحسین بن بابویه (ابو المعالی)(۲):

از روات موثق و فقهاء قرن سوم و مردی صالح و پارسا بوده است.

سعد بن عمران القمی:

از روات و فقهای قرن دوم و از اصحاب امام موسی الکاظم(علیه السلام) است(۳).

سعد بن سعید القمی:

محدث و فقیه، زندگانی او در قرن سوم و از اصحاب امام محمد بن علی التقی(علیه السلام) است.

سهل بن راذویه (ابو محمد):

از ثقات محدثین قم و از وجوه امامیه است، مورد اعتماد بوده کتابی به نام «فضل الموالی» و کتاب دیگری به نام «المرد علی مبغضی آل محمد(صلی الله علیه وآله وسلم)» تألیف کرده است(۱).

پاورقی

۱ نجاشی وفات اورا سنه ۳۰۱ یا ۲۹۹ و علامه ۲۷ شوال سال ۳۰۰ ذکر کردهاند.

۲ منتهی المقال ۳/۳۱۸; فهرست منتجب الدین: ۶۹; امل الآمل: ۴۷۶; جامع الرواه ۱/۳۵۳; تنقیح ۲/۱۲.

۳ ر.ک: اعیان الشیعه ۳۴/۱۹۳، بهجه الآمال ۴/۳۲۴; رجال طوسی ۳۵۱

سهل بن هُرمُزان:

از روات موثق مورد اعتماد بوده است، نجاشی و علامه او را توثیق کردهاند و همچنین نجاشی در رجال خود کتابی که حسن بن علی ریتونی از او روایت کرده، از او بدست می دهد(۲).

سهل بن الیسع بن عبدالله بن سعد الاشعری:

از دانشمندان بزرگوار و جلیل القدر امامیه در قرن دوم هجری است از صحابه امام موسی الکاظم و علی بن موسی الرضا است و از ایشان روایت می کند، نجاشی و علامه به تأکید او را توثیق کردهاند(۳).

سلامت:

فامیل

سلامت از خانوادههای مشهور قم می باشد دو برادر او به نام شیخ علی اصغر و حاج شیخ علی اکبر در رأس این خاندان قرار داشتند که در هر کار خیری پیش قدم بودند. زین العابدین سلامت که از اعضای فعال جامعه لیسانسیه ها و فرهنگیان تهران می باشد از این خانواده است.

پاورقی

۱ ر.ك: بهجه الامال ۴/۵۱۳; رجال نجاشی: ۱۸۶; خلاصه ۱/۸۱.

۲ ر.ك: بهجه الآمال ۴/۵۲۲; رجال نجاشی: ۱۸۵; فهرست طوسی: ۸۱; خلاصه ۱/۸۱.

۳ ر.ك: بهجه الآمال ۴/۵۲۲; رجال نجاشی: ۱۸۶; رجال طوسی: ۳۷۷; خلاصه ۱/۸۱.

« ش »

شاذان بن جبرئیل بن اسماعیل بن ابیطالب القمی:

محدثی بارع و فقیهی بزرگ بوده است(۱)، کتابی در شناخت قبله بنام (ازاحه العله)(۲) دارد و یکی «تحفه المتؤلف الناظم وعمده المکلف الصائم» و کتاب «فضائل» است.

شرر قمی (بیگدلی):

اسمش حسن علی(۳) بیك فرزند لطفعلی خان بیگدلی صاحب آتشکده آذر است، از غزل سرایان و شعرای معاصر محمد شاه قاجار بوده است، دیوان اشعار او هنوز به چاپ نرسیده(۴) تنها یك نسخه از آن در خاندان او موجود است که امیدواریم به طبع و نشر آن همت کنند.

پاورقی

۱ در امل الآمل است که وی مردی عالم، فاضل، فقیه عظیم الشأن و جلیل القدر بوده است.

۲ علامه مجلسی تمام آن را در «بحار» آورده است، و شهید در «ذکری» از آن نقل کرده است.

۳ حسینعلی بیگ. معاصر او شاهزاده محمود میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار در تذکره «سفینه المحمود» می نویسد: نام نیکویش حسینعلی بیگ، اصلش از اهالی دارالمؤمنین «قم»، بهتر و مهتر «ایل بیگدلی» خلف پاك «حاجی لطفعلی بیك آذر» جوانی است در نهایت آهستگی و آزرم، سیره وصوره از ابنای

زمانه، به و مه است. در اصناف شعری، فرید و موحد است خاصه در غزلسرائی... دیوانی به اندازه پنج هزار شعر دارد. و محمد فاضل متخلص به «راوی» در انجمن چهارم از «انجمن خاقان» می نویسد: «... جوانی فرشته صورت، بهشتی سیرت، آدمی وش، ملکی منش، ادیب نجیب الیف نصیف، چرب زبان و مهربانست. از آداب انسانیت و رسوم ملازمت و ایراد لطایف و اتخاذ ظرایف، فروزن است و از مراتب شاعری نیز، طبعی صافی و خاطری جواد و فکری مطیع و ذهنی وسیع دارد...». شرر تا سال ۱۲۵۴ زنده بوده است. و نیز بنگرید: تذکره اختر ۱/۱۰۸.

۴ دیوان او «فغان دل»، به کوشش شمس الدین محمد علی مجاهدی (پروانه) و مقدمه آقای علی اصغر فقیهی، توسط انتشارات دارالعلم قم به چاپ رسیده است.

از اشعار اوست:

سوختن، خون شدن، ایدل به فراقش خوش باش

جستم آخر زپی درد تو درمانی چند

جز خیال تو که در هر دلی آمد وطنش

یوسفی کس نشنیدست بزندانی چند(۱)

باد باید به پریشانی آن زلفنک وشد(۲) یا به عطار بگوئید که عنبر نفروشد

شرفالدین ابو طاهر بن سعد(۳):

زندگی او اواخر قرن پنجم و وزیر سلطان سنجر سلجوقی بوده است، مردی دیندار و صالح و در کار اداره مملکت بردبار و مآل اندیش و نیک سیرت بوده است(۴).

پاورقی

۱ دنباله این غزل در فغان دل ص۱۰۹ ومجمع الفصحا ۵/۵۶۳ مذکور است.

۲ بکوشد «م . ل». و صحیح آن ابو طاهر سعد بن علی بن ممیسه است دنباله این غزل را در فغان دل ۱۰۶ ملاحظه فرمائید.

۳ و به قولی سعدالدین.

۴ این وزیر دانشمند و نیکو سیرت و متدیّن در سال ۴۸۱ از طرف خواجه نظام الملک به

حکومت مرو رسید و نزدیک چهل سال به اداره مرو پرداخت و بر اثر حسن سیاست و اداره صحیح مرو ارتقاء مقام یافت و در سال ۵۲۱ صاحب دیوان ملکه مادر سلطان سنجر گردید و پس از درگذشت شهاب الاسلام وزیر، به وزارت سلطان سنجر سلجوقی رسید اما از دوران وزارت او بیش از سه ماه نگذشت که اجل به سراغش آمد، و در جوار روضه مطهره حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه والثناء که خود آن را که به دنبال فتنه غزان در سال ۴۵۷ منهدم شده بود، تجدید بنا کرد و برای خود نیز قبری را منظور نمود، به خاک سپرده شد. امیر معزی در مدح این وزیر اشعاری سروده است این وزیر دانشمند و برادرش اوحد الدین ابو ثابت ممیسه وزیر فارس از بیدهند برخاسته اند نک: تربت پاکان ۲/۱۸۷; گنجینه دانشوران ۱۷۹ ۱۷۶. وزیران ایرانی از بزرگمهر تا امیر کبیر: ۱۷۸.

شهاب الدین المرعشی، ابوالمعالی:

مشهور و معروف به «آقا نجفی»(۱)، از دانشمندان و مراجع بزرگوار و جلیل حوزه علمی قم، و نسّابهای بصیرند مردی بزرگوار و مورد نظر و توجه خاص مردم دانش دوست قم می باشند، تولدشان در سال ۱۳۱۸ قمری در نجف بوده است، فرزند مرحوم شمس الدین سید محمود مرعشی بن السید علی شرف الدین طبیب معروف به سید الاطباء. خاندان جلیل ایشان عموماً از دانشمندان و فضلا بوده اند پادشاهان و سلاطین مرعشی طبرستان که در قرن هشتم و نهم و زمانی بعد از آن سلطنت را داشتند و تا اوائل حکومت صفویه در اقتدار باقی بودهاند اجداد و اسلاف جناب ایشان

بوده اند(۲). تحصیلاتشان را در نجف اشرف شروع میکنند و مدارج عالی کمال علمی را پیموده و سپس در سال ۱۳۴۲ قمری بـه ایران مسافرت می نماینـد، در ایـن سـفر مـدتی در طهران اقـامت فرمـود و از محضـر دانشـمند فقیـد میرزا طـاهر تنکـابنی و دانشـمندان دیگر آن زمـان در طهران بهره هـا می یابنـد و سـپس در سـال ۱۳۴۶ به قم آمـده و در همین شـهر سـکونت اختیار کردند، مرحوم آیت الله حاج شـیخ عبدالکریم حائری به ایشان عنایت خاصـی داشـتند، از همان زمان ایشان در ردیف اساتید و مدرسـین عـالی حوزه علمیه بودنـد و هم اکنون نیز مجلس درس ایشـان منبع فیض و منشـأ فضـل است، ایشان در علوم مختلف ادبی و علمی تألیفات و آثاری دارند که اغلب آنها تعلیقات و شروحی است که بر کتب و رسالات اساتید گذشته و دانشمندان متقـدم نوشـته انـد، یکی از تألیفات سودمنـد و بی سابقه که حضـرت ایشان با تحمّل زحمات و صـرف مـدّت مدیـدی از زمان نگاشـته اند کتابی در انساب طالبیین «علویین» به نام (شـجرات نسب الطالبیین) است و کتب دیگری که تعداد آنها از سـی عدد تجاوز می کند(۱).

پاورقی

۱ نسب شـریف ایشان با ۲۹ واسـطه به حضـرت سـیدالساجدین، علی بن الحسین(علیهما السلام)منتهی میگردد و حضرت حجه الاسـلام و المسـلمین حاج شـیخ محمد صادق (علامه) معروف به «صدر الشـریعه» نسب نامه ایشان را به نظم کشـیده و ضـمیمه افاضات النجفیه کرده است.

۲ شـرح حال اعیان این خاندان اصـیل در کتب زیر آمده است: روضه الصـفا; حبیب السیر; عالم آرا; مجالس المؤمنین; تاریخ سید ظهیرالدین مرعشی; ریاض العلماء; انساب سمعانی; ریحانه الادب; اعیان المرعشیین، شهاب

شریعت.

پاورقی

۱ فهرست تألیفات معظم له به قرار ذیل است: الهدایه فی شرح الکفایه; مصباح الهدایه فی شوارع الکفایه; حاشیه معالم; مطارح الافکار فی حلّ مطارح الانظار (حاشیهای است بر تقریرات اصولی شیخ انصاری(رحمه الله)); حاشیه مکاسب شیخ انصاری; رسالهای در لباس مشکوک; رسالهای در بیع بشرط; حاشیه شرح لمعه شهید; اجوبه المسائل الرازیه; الصناعات الفقهیه; غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی; سبیل الرّشاد; الشمس الطالعه; مقدمه التفسیر; حاشیه تفسیر بیضاوی; التجوید; الرد علی مدعی التحریف; المسلسلات الی مشایخ الاجازات; مزارات علویین; طبقات النسابین; اعیان المرعشیین; الرساله الافلیسه; مطلع البحرین در احوال صاحب مجمع البحرین; لؤلؤ الصدف فی ترجمه المرحوم محمد اشرف صاحب فضائل السادات; کاشفه الحال فی ترجمه صاحب خزانه الخیال; هدیه ذوی الفضل والنهی; منبع الرشاد فی ترجمه فاضل الجواد; منهج الرشاد فیترجمه الاستاد حاج شیخ جواد بلاغی; کلمه طریفه فی ترجمه شیخ علینقی کمرهای; رساله مفرج الکروب فی ترجمه صاحب ارشاد القلوب; اللئالی الثمینه; سجع البلابل در ترجمه صاحب وسائل; کشف الظنون در ترجمه صاحب کشف الظنون; ریاض الاقاحی; منیه المستجیر; الغریه; کتاب الزیاره والدعاء; الدر الفرید; روض الریاحین; انس الوحید; جذب القلوب الی دیار المحبوب; حاشیه بر فصول المهمه; تعلیقه بر احقاق الحق شهید قاضی نورالله شوشتری.

معظم له دارای آثار فراوانی در قم و دیگر شهرستانها است که هریک برای بقاء نام شریفش کافی است، از آنجمله: مدرسه علمیه در خیابان ارم قم، مدرسه مهدیه، مدرسه مؤمنیه، مدرسه شهابیه، حسینیه در جنب منزل خود، کتابخانه و قرائتخانه، درمانگاه جدا، احداث یکصد وچهل باب منزل در کوی آیت الله مرعشی نجفی، تعمیر قبور برخی از امامزادگان، بیش از دهها مسجد که در

قم و سایر شهرستانها به امر ایشان یا با مساعدت های معظم له ساخته شده است.

شهیدی قمی (بابا شهیدی)(۱):

شاعر درویش مشرب و بذله گو بوده است، این شاعر که نام و مشخصات کامل زندگی وی در دست نیست چندی ملک الشعرا دربار سلطان یعقوب بوده پس از وی به هرات نزد سلطان حسین میرزا بایسنقور رفته و مورد احترام وی بوده، سپس به هندوستان مهاجرت و در گجرات اقامت گزیده و در ۹۳۵ (۲)قمری در صد سالگی وفات یافته است.

از اشعار اوست:

بیا ای عشق و آتش زن دل افسرده ما را

بهنور خویش روشن کن چراغ مرده ما را

خواب دیدم کز هوا شاهین او صیدی ربود

چون شدم بیدار، مرغدل به جای خود نبود

زمام از دست لیلی در ربای ای ناقه کاری کن

سرخودگیر و بر مجنون سرگردان گذاری کن

پاورقی

۱ ترجمه او در بسیاری از کتابها و تذکرهها آمده است، بنگرید: قم در قرن نهم هجری ۱۹۸، تذکره هفت اقلیم ۲/۵۰۳ ۵۰۴; مجالس النفائس ۱۱۹ ۱۲۰ و ۲۹۶ ۲۹۷; تحفه سامی ۱۰۶، مجمع الفصحاء ۴/۴۳; حبیب السیر ۴/۶۱۱; امتحان الفضلاء ۱/۱۱۵; فرهنگ سخنوران (از دکتر خیام پور): ۳۱۴; الذریعه ۹/۵۶۲ و ۹۳۱; ریحانه الادب ۳/۲۹۰.

۲ طبق نقل آزاد بلگرامی است که دیگران از او تبعیت کردهاند اما از نقل صاحب تاریخ فرشته در واقعات اسماعیل عادلشاه برمی آید که وی در سال ۹۳۶ه زنده بوده است. نک: کاروان هند ۱/۶۶۳.

شیرزاد بن محمد بن محمد بن بابویه:

از دانشمندان قرن چهارم. مردی فقیه و پارسا بوده است(۱).

پاورقی

۱ در امل الآمل ص۲۵۵ آمده است که: «انّه فقیه صالح». و در فهرست منتجب الدین: ۷۰، آمده که وی مردی

فقیه و صالح بوده است. و نیز نک: جامع الرواه ۱/۴۰۳; تنقیح ۲/۹۰.

«ص»

صادقی:

خانواده صادقی از خاندانهای بزرگ و مشهور قم می باشد، مرحوم ملاـ محمد صادق، صاحب مدرسهای به همین نام که ترجمه اش گذشت، رئیس و قائد این خانواده بوده و اکنون احفاد و بستگان او به لقب صادقی مشهورند، فرد معمّر و بزرگ آنها اکنون آقای احمد شریف(۱) صادقی است که از مردان شریف این دیار هستند و دیگر آقای جواد صادقی که اکنون رئیس دادگستری استان خوزستان از مشاهیر این خانواده است، افراد صاحب عنوان دیگری نیز در این خانواده هستند.

صدرالدین الرضوی القمی فرزند سید محمد باقر الرضوی(۲):

از علماء بزرگ و فقهای جلیل القدر قرن دوازدهم هجری است تولد او باید در حدود سنه ۱۰۹۰(۳) باشد تحصیلاتش در اصفهان در خدمت آقا جمال خونساری و مدقق شروانی و شیخ جعفر قاضی بوده است، پس از فراغ از تحصیل به قم مراجعت و مدّتی عهده دار امور شرعی قم وتدریس علوم گشت تا فتنه افغان سبب شد که از وطن مألوف هجرت کند از این پس مدتی در همدان و سپس در نجف اشرف، اقامت گزید، و در آنجا به تکمیل مدارج کمال و مراتب علمی خود همت گماشت و از محضر اساتید الشریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزائری مستفیض گردید در ضمن خود نیز تدریس علوم فقه و اصول را عهده دار گشت، آقا محمد باقر وحید بهبهانی و سید عبدالله جزائری(۱) نوه سید نعمت الله از شاگردان ایشان هستند.

پاورقی

۱ وی وکیل پایه یک دادگستری و مؤلف کتاب مصاحبه فیلسوف با بیهقی است. ر.ک: مؤلفین کتب چاپی ۱/۴۱۸.

۲ صاحب روضات

گوید: در مرحله فضیلت و تدقیق و جودت تصرف و تحقیق فردی است بلاثانی.

۳ ۱۰۸۵ تا ۱۰۹۵ ه.

تألیفات او یکی کتاب طهارت و دیگری شرح وافیه ملا عبدالله تونی است، وفات او در سنه ۱۱۶۰(۲) اتفاق افتاده است(۳).

صدرالدین(۴) صدر:

از مراجع بزرگ و دانشمندان جلیل القدر دوره اخیر بودند، فرزند مرحوم آیت الله سید اسمعیل صدر، فرزند سید صدرالدین جبل عاملی است، خانواده ایشان از جلیل ترین و اصیل ترین بیوت علویین و سادات است، تولد آن مرحوم در کاظمین به سال ۱۲۹۹ قمری و تحصیلاتشان در کربلا و نجف اشرف بوده است. در سال ۱۳۴۶ قمری برای تشرف به آستان قدس رضوی به ایران آمدند و پس از توقف دو سال در شهر قم به مشهد مقدس مشرف شده و در آنجا مقیم شدند.

جناب ایشان داماد مرحوم آیت الله حاج آقا حسین قمی بودند و پس از مسافرت آن مرحوم به کربلا برحسب خواهش مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری در قم سکونت فرمود و به تدریس فقه و اصول اشتغال ورزیدند، پس از وفات مرحوم حائری یزدی مرجعیّت یافته و مقتدای مسلمین و طلاب و دانشجویان علوم دینی و یکی از مدرسین سه گانه عالی بودند.

پاورقی

۱ ایشان در اجازه کبیر خود درباره استادش می گوید: او اعلم علمائی است که من آنها را در عراق عرب دیده ام و اجمع آنها در معقول و منقول نزد اهل عراق و عظیم القدر بوده و زوّار از هر ناحیه به ملاقات او می آمدند و به زیارتش تبرّک می جستند و از وی استفاده می نمودند.

۲ ۱۱۵۰ تا ۱۱۶۰ ه.

۳ در ترجمه ایشان به منابع زیر مراجعه

شود: اعیان الشیعه ۳۶/۲۸۲; گنجینه دانشمندان ۱/۱۱۲; ریحانه الادب ۳/۴۳۰، خورشید پنهان از اینجانب; الکنی والالقاب; فهرست مشاهیر ایران ۲/۱۴۳; گنجینه آثار قم ۱/۳۰۲; اعیان الشیعه ۳۶/۲۸۲.

۴ اسم ایشان، محمد علی، کنیهاش ابو الرضا، و مشهور به صدرالدین بوده اند.

مرحوم ایشان گذشته از مراتب علمی صاحب اخلاق حسنه وسجایای حمیده ای بودند که هرکس به دیدار ایشان توفیق می یافت شیفته رفتار و اخلاقشان می شد، بسیار متواضع و مهربان بودند و خوشبختانه فرزندان برومندشان همان شیوه شایسته و مهربانی و فروتنی را از پدرشان به یادگار دارند همچنان که فضل و دانش را از او به ارث بردهاند، فرزندان ذکور ایشان سه نفرند: آقای سید رضا (که شرحش گذشت) و آقای سید علی و آقای سید موسی، فرزند کوچک ایشان سید موسی(۱) یکی از فضلاء و دانشمندان جوان هستند که مورد

پاورقی

۱ امام موسی صدر در حدود سال ۱۳۴۳ قمری در مشهد مقدس در میان خاندانی که پشت در پشت از عالمان متقی و افراد پرهیزکار دوران بودند چشم به جهان گشود و در سال ۱۳۴۹ در معیّت والد معظم خود به قم آمد و تحصیلات خود را در نزد اساتید معروف قم آغاز و آنگاه در درس مدرسان بزرگ زمان خود همچون مرحوم آیت الله محقق داماد و مرحوم آیت الله بروجردی و حضرت آیت الله امام خمینی(قدس سره) شرکت کرد ضمناً در دانشگاه تهران هم تحصیل کرد و از دانشکده حقوق فوق لیسانس اقتصاد گرفت و سپس به نجف اشرف عزیمت نمود و در آنجا از محضر عالمان بزرگ نجف بهرهها گرفت و به مقام بلندی از نظر علمی نائل آمد تا این

که پس از رحلت مصلح بزرگ شیعی حضرت علامه سید عبدالحسین شرف الدین رهبر شیعیان لبنان بنا بر دعوت رسمی بیت رفیع شرف الدین و شیعیان لبنان برای زعامت و سرپرستی شیعیان لبنان در سال ۱۹۵۹ میلادی به آن کشور مهاجرت فرمود و ریاست مجلس اعیان (سنا) شیعیان لبنان را عهده دار شد و علاوه بر این مسئولیت خطیر خود دست به پارهای اقدامات اصلاحی زد که موجب سربلندی و عظمت شیعیان در دید دیگران گردید و آوازه و عظمتش را در جهان بگسترد، از جمله: تأسیس مجلس اعلاء شیعیان در سال ۱۹۶۹، تأسیس هنرستانهای صنعتی در شهر صور، تأسیس بیمارستان (در مدینه الزهراء) بیروت، درمانگاههای فراوان در بیروت و صور و...، تأسیس شاخه نظامی حرکه المحرومین (امل) لبنان، تأسیس کودکستانها و مهد کودکها و زایشگاهها، مراکز آموزشهای فرهنگی و حرفهای دختران شیعه در صور و... و سرانجام این مصلح مجاهد براساس دعوت قبلی لیبی در تاریخ ۲۲ رمضان ۱۳۹۸ (۲۰ اوت ۱۹۷۸) به همراه شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین (خبرنگار) برای شرکت در جشنهای انقلاب وارد فرودگاه طرابلس شد ولی وسائل ارتباط جمعی لیبی خبر ورود ایشان را مخابره نکردند و پس از یک هفته لیبی ادعا کرد که ایشان در عصر روز ۲۸ رمضان ۱۳۹۸ با هواپیمای خطوط هوائی ایتالیا پرواز ۸۸۱ لیبی را به سوی ایتالیا ترک کرده اند. و از اطلاعاتی که پلیس گمرک فرودگاه رم و سرنشینان هواپیمای پرواز ۸۸۱ در اختیار نمایندگان مجلس اعلای شیعه و دستگاه امنیتی و قضائی ایتالیا و هیئت تحقیق دولت لبنان قرار دادند معلوم گردید که امام موسی صدر

جزء مسافرین هواپیما نبوده و در فرودگاه رم هم پیاده نشده اند.

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا تو نگهدارش باش

پارهای از کتابهای او: اقتصاد در مکتب اسلام، اسلام و فرهنگ قرن بیستم (با ترجمه علی حجتی کرمانی)، المعاملات الجدیده فی ضوء الفقه الاسلامی، رساله اسلام و تربیت بدنی، جزوه اسلام و تمدن در قرن حاضر، جزوه اسلام و زن، جزوه اسلام و پیشرفت و تکامل، اسلام و عبادات، تأملات حول مبحث تعالیم اسلامیه، مقدمهای بر تاریخ الفلسفه الاسلامیه (از پرفسور هانری کوربن)، مقدمه بر القرآن الکریم والعلوم الطبیعی (از مهندس یوسف مردّه)، و مقدمه بر کتاب فاطمه الزهراء (از سلیمان کتانی)، و جهان بینی و انسانشناسی، خطوط اساسی فرهنگ اسلامی، نقش اسلام در زندگی نوین. ر.ک: لبنان از شهید دکتر مصطفی چمران; آثار الحجه ۱/۲۰۵; تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۱/۳۰۱; دائره المعارف تشیع ۱/۱۸۳; مجله الوحده الاسلامیه عدد سابع عشر، ذوالحجه ۱۴۰۵ ه; گنجینه ۸/۱۱۷ ۱۲۳; زندگی و مبارزات امام موسی صدر و سید محمد باقر صدر (از علی علمی اردبیلی); تاریخ فرهنگ معاصر، ویژه نامه ۵، مخصوص امام موسی صدر; امام موسی صدر امید محرومان از عبدالرحیم اباذری.

توجه اساتید و محبوب عوام است.

وفات مرحوم صدر ربیع الثانی(۱) ۱۳۷۳ قمری اتفاق افتاد و تألیفات ایشان غیر از رسالات عملیه که در فروع فقه به فارسی برای استفاده مقلدین نوشته اند کتاب (المهدی) است(۲) که به عربی تحریر و طبع گردیده است.

پاورقی

۱ روز شنبه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۷۲ ه . ق . وفات کرده است.

۲ این کتاب تاکنون دو بار به فارسی ترجمه

شده است یک بار توسط آقای محمد جواد نجفی و یک بار هم توسط آقای مهدی فقیه کرمانی به نام «مهدی منتظر یا مصلح جهانی». تألیفات دیگر ایشان عبارتند از: ۱ الحقوق (همان رساله الحقوق امام سجاد(علیه السلام) است که با مقدمهای کوتاه از ایشان مکرر چاپ شده است) ۲ تاریخ مختصر اسلام ۵ جلد که دو جلد آن چاپ شده است ۳ حاشیه بر عروه الوثقی ۴ حاشیه بر وسیله النجاه. آثار چاپ نشده آن مرحوم به شرح ذیل است: منظومهای در حج; منظومه در صوم; رسالهای در امر به معروف و نهی از منکر، رسالهای در حکم ماء غساله; رسالهای در تقیّه; رسالهای در حج; رسالهای در نکاح; سفینه النجاه در فقه و به زبان فارسی است ; رسالهای در اصول دین; رسالهای در رد شبهات وهابیّه; رسالهای در اثبات عدم تحریف کتاب; لواء الحمد (در اخبار خاصه و عامه) ۱۲ جلد; مدینه العلم ۶ج; دیوان اشعار.

صدقه بن بندار القمی، ابو سهل:

زندگی او در قرن سوم هجری بوده است، از راویان و از محدثان بزرگوار و صالح بوده است، علامه در کتاب خلاصهاو را توثیق کرده وکتابی بهنام «التجمّل و المروّه»برای او بدستمی

دهد، وفاتش را در سال سیصد ویک هجری نوشته اند(۱).

صهبای قمی(۲):

نامش تقی و فرزند ملا یدالله بوده است، این شاعر از معاصرین و دوستان نزدیک آذر بیگدلی و مصاحبت وی را در محضر سید علی مشتاق اصفهانی(۳)

پاورقی

۱ و نیز ر.ک: بهجهالآمال فیشرح زبدهالمقال ۵/۳۵; رجالنجاشی: ۲۰۴; خلاصه ۱/۸۹.

۲ الذریعه ۹/۶۲۳; معجم مؤلفی الشیعه: ۲۴۹; ریحانه الأدب ۵/۳۱۶; نتایج الافکار ۴۲۵; تذکره اختر ۱/۱۱۳; تجربه الاحرار

و تسلیه الابرار ۱/۴۳۴ تا ۴۳۶; مواد التواریخ: ۱۰۴; تذکره سخنوران قم: ۲۱۴; سفینه المحمود ۲/۳۲۳; مجمع الفصحاء ۵/۶۹۹; دویست سخنور: ۲۰۳; تاریخ ادبیات براون ۴/۲۰۸; نگارستان دارا: ۴۲۴; گلزار جاویدان ۲/۸۲۲; اختر ۱/۱۱۳.

۳ وی از شعرای قرن دوازدهم هجری است و دیوان او دارای حدود ۶ هزار بیت است و دو نسخه خطی از آن که ابیات یکی در حدود سه هزار و دیگری در حدود سه هزار و سیصد می باشد و به شماره ۲۵۴ و ۲۵۵ در کتابخانه مدرسه سپهسالار موجود است، ماده تاریخ وفات وی را یکی از دوستانش به صورت زیر بیان داشته:

بهر تاریخ او نوشت رفیق

جای مشتاق در جنان بادا

= ۱۱۱۷

داشته است، و تخلصش را از مشتاق گرفته است، صاحب آتشکده، صهبا را بسیار ستوده و بیت زیر را از صباحی درباره تاریخ وفات وی نقل و تصریح کرده است که مصراع دوم ماده تاریخ است:

کلک صباحیش زد نقل(۱) از برای تاریخ

«دایم بود زکوثر لبریز جام صهبا»= ۱۱۹۱ ه. ق اجداد صهبا از دماوند بوده و خود او در آنجا درگذشته است، صهبا قطعه مناسبت عروسی دوستش لطفعلی آذر بیگدلی متضمن ماده تاریخ آن(۲) سروده که مورد تحسین بسیار قرار گرفته و آذر درباره آن قطعه می گوید قطع نظر از تعارفات رسمی از برای عروسی به این مناسبت کم اتفاق افتاده و نهایت امتیاز دارد، این است آن قطعه:

شمع بزم اهل فکر آذر، که هست

محفل افروز سخن چون انوری

آنکه باشد نوعروس طبع او

غیرت افزای بتان آذری

از نکو سنجیدن دُرهای نظم

هست بازار سخن را جوهری

آمدش در بر زدور اختران

دختری چون زهره در نیک اختری

کلک صهبا بهر تاریخش نوشت

(زهره) آمد

در کنار (مشتری)(۳)

پاورقی

۱ نقش.

۲ یعنی سال ۱۱۶۷.

۳ مقصود جمع کلمه «زهره» با کلمه «مشتری» است که به حساب جمل ۱۱۶۷ باشد. و این رباعی نیز از اوست:

تا ساغر مهر و جام مه گشت پدید

چیزی به جهان کسی به از باده ندید

آیا چه گرفتش به بها آنکه فروخت

آیا به عوض چه داد آنکه خرید

و نیز بنگرید: تاریخ علماء و شعرای گیلان ص۱۴۸; مجمع الفصحاء ۵/۶۹۹.

«ع»

قسمت اول

عامر بن نعیم القمی:

اوائـل قرن چهـارم از محـدثان و فقهـاء دوره خود بوده است، ابن ابی عمیر و حمـاد بن عثمان(۱) از او روایت می کننـد، شـیخ صدوق(۲) به قرینه روایت ابن ابی عمیر او را موثـق دانسـته، ولی علاـمه حلی در کتـاب خلاـصه روایـات او را «حسن» شـمرده است.

عباس بن معروف، ابوالفضل:

از محـدّثان صالح و موثق قم بوده است، نجاشـی و علامه و صاحب مشترکات او را به راسـتگوئی و ثقه بودن وصف کردهاند، شیخ منتجب الدین در فهرست تألیفاتی از او بدست می دهد(۳).

عباس صبوحی (شاطر عباس):

فرزنـد محمد علی در تاریخ ۱۲۷۵ شمسـی در قم متولد شده و در تهران به شـغل خبازی اشـتغال داشته است، صبوحی شاعری است لطیفه پرداز و خـوش قریحه که طبع روانش پرده بر روی «بیسوادی» او کشـیده است، این که کلمه «بیسواد» را دربارهـاش

استعمال میکنیم از این جهت است، که او شاعری را از کسی نیاموخته و به مکتب نرفته و استادی ندیده است، و بنا بر اشتهار، خواندن و نوشتن نیز نمی دانسته، اگر این معنی صحیح باشد و باور کنیم که سواد نداشته و خواندن و نوشتن نیاموخته باشد باید اعتراف کرد که قریحه او چنان عالی و سرشار بوده

که این نقص را جبران کرده است، ولی از نظر دور نباید داشت، که علاقه اش به شعر و شاعری او را به شنیدن و حفظ اشعار و غزلیات شعرای پیشین وا داشته و همین امر یک مبدء عالی و سرچشمه الهامی برای شاعری او قرار گرفته است، معروف است که وقت نان پختن نویسندهای را کنار خود می نشانده و در ضمن کار شعر می سروده و نویسنده معهود یادداشت می کرده. مردان معمّر تهران او را به خاطر دارند و شیوه کار او را نقل می کنند. وفات او در سال ۱۳۱۵ شمسی بوده است(۱).

پاورقی

۱ از اصحاب اجماع است. بنگرید: الفقیه مشیخه ۴/۳۸; الکافی ۳/۳۹۲; التهذیب ۲/۳۷۴ به نقل از منتهی المقال ۴/۵۲.

۲ وحید بهبهانی در تعلیقه: ۱۷۶.

۳ درباره او نک: رجال نجاشی: ۲۸۱; فهرست طوسی: ۱۱۸; رجال طوسی: ۳۸۲; خلاصه ۱/۱۱۸; منتهی المقال ۴/۷۰; تعلیقه شهید ثانی بر خلاصه: ۵۶.

غزل زیر از او است:

بر جان شرار عشقت خوش می کشد زبانه

باور نداشت بختم، این دولت از زمانه

دیشب دل پریشم با خویش شکوه می کرد

گاهی ز دست زلفت گاهی زدست شانه

پاورقی

۱ در مجله یادگار سال ۲ ش۲ آمده است.. در دوازده سال پیش... بعضی از مطابع... اشعار شعرای متوسطی مانند مؤمن و نادم ومشتاق و دیگران را که اتفاقاً برخی از آنها به نام صاحبان خود قبلاً در حواشی مثنوی شاه و درویش هلالی جغتائی و مثنوی ذو بحرین و ذو قافیتین اهلی شیرازی در طهران چاپ شده بود به شاطر عباس صبوحی نامی نسبت داده و چندین بار آنها را به نام همین شاطر آقای شاعر که معلوم نبود از

کجا آمده و چطور شاعر شده چاپ کردند و شاید اصلاً چنین کسی هم وجود نداشت و به کلی نام ساختگی بود و...!! قضاوت درباره این سخنان به عهده خوانندگان. به هر تقدیر دیوان شعر او در ۴ جزء در طهران ۱۳۰۶ ۱۳۰۷ ش در قطع جیبی و سنگی، ۱۶۸ صفحه چاپ شد بعداً هم در مشهد چاپ سربی گردید و اخیراً هم به کوشش حسن گل محمدی در تهران انتشارات پاسارگاد در ۷۰ صفحه به چاپ رسیده است. ر.ک: پیک کتاب ص۱۹; غزلیات مرحوم شاطر عباس صبوحی جزوه سوم چاپ کتابخانه گودرزی ستوده و...

خواهم که چون سکندر گرد جهان، بگردم

شهد لبت بنوشم، آب بقاء بهانه(۱)

عباس فیض (میرزا عباس):

فرزند مرحوم آیت الله میرزا محمد فیض و از فضلاء حوزه علمیه و از دانشمندان و نویسندگان قم است، تألیفات زیادی از ایشان انتشار یافته است، از جمله «بدر فروزان» در تاریخ آستان قدس رضوی(علیه السلام)، و «انجم فروزان»(۲)، و «جدی فروزان» است(۳). ایشان در علم تاریخ و انساب دارای اطلاعات زیاد و ذی قیمتی است(۴).

پاورقی

۱ تمام غزل در دیوان او ص۹ و ۱۰ آمده است.

۲ در باب معرفی مزارات قم و مباحثی پیرامون انساب امامزادگان و کلیاتی در تاریخ شهر قم و البته از امامزادگانی در این کتاب سخن رفته است که فرزندان یکی از شش امام نخستین شیعه بوده اند.

۳ در صفحات ۱۵ ۱۳۰ و ۲۱۳ ۲۳۹ و ۲۵۹ ۳۰۴ مطالبی مربوط به قم و مزارات این شهر آمده است (کتاب شناسی آثار مربوط به قم ص۱۹۹).

۴ فهرست مؤلفات دیگر این نویسنده به شرح ذیل است: گنجینه آثار قم (که جلد

اول حـاوی کلیـاتی مربـوط به قم و رجـال علمی آن و بخش دیگرش مربـوط به زنـدگانی حضـرت معصومه(علیهـا السـلام) و وصف ابنیه آسـتانه مقـدسه و جلـد دوم آن توصـیف دیگر مزارات و بناهای قـدیم قم (در محـدوده سابقش که شامل تفرش و محلات و ساوه، و فراهان و اردهال و... بوده است، گویا این کتاب جلـد سومی هم دارد که چاپ نشـده است; قم و روحانیت (در این کتاب علاوه بر مباحث اجتماعی و انتقادی که عمـده مباحث کتاب را تشـکیل می دهد، بحثهائی تاریخی مربوط به قم وچگونگی تأسیس حوزه نیز به چشم می خورد; تاریخ کاظمین ۲ جلد که جلد اول آن چاپ شده است; کتاب خلاصه المقال در احوال ائمه و آل در دو جلد که جلد اول آن چاپ شده است; تاریخ پاکستان در ده جلد که جلد اول آن چاپ شده است و فهرست آثار غیر مطبوع ایشان در گنجینه دانشوران ۱۳۸ ۱۲۸.

ترجمه ایشان در این کتابها نیز آمـده است: مؤلفین کتب چاپی ۳/۶۶۹; مقدمه تاریخ کاظمین; چهره مطبوعات معاصر ۲۲۸; و فرهنگ تراجم نگاران.

عباس صفائی قمی (حاج شیخ عباس...)(۱):

از فضـلا و دانشمندان کنونی حوزه علمیه قم است، فرزند مرحوم حاج شیخ محمد علی حائری قمی است. در سال ۱۳۲۲ قمری در شـهر سامرا متولد شده است، تحصـیلات او در قم بوده و از پدر خود و همچنین آیت الله حائری یزدی مسـتفید گشـته است اکنون عهده دار تدریس در حوزه علمیه قم هسـتند و در مسـجد نو قم به جای پدرشان اقامه جماعت می نمایند. تألیفاتی دارند یکی از آنها که تاریخ پیغمبر اسلام(صلی الله علیه وآله وسلم)

باشد به طبع رسیده. مرحوم (عبدالصاحب صفائی) وکیل سابق مازندران در مجلس شورای ملی برادر ایشان است.

عباس محدّث قمی(۲) (حاج شیخ عباس محدّث...):

از محدّثین بزرگ و مؤلفین پرمایه و توانا و از دانشمندان و واعظان جلیل و پارسای قرن اخیر بودهاند فرزند (محمد رضا قمی)، و در سال ۱۲۹۴ قمری متولد شده است، آنچه را که در شرح حال خود نگاشته است، چنین است: «در عشر آخر از مائه ثالثه بعد الألف متولّد شده ام و در بلده مذکوره قم الی سنه ۱۳۱۶ به تحصیل علم اشتغال ورزیده بعد به نجف اشرف مشرف شدم، پس خداوند متعال به من منّت گذارده به ملازمت شیخنا الاجلّ الأعظم... ذو الفیض القدسی ثقه الاسلام النّوری الطّبرسی انار الله تعالی برهانه... و خاتمه مستدرک الوسائل را برای او استنساخ می کردم که بفرستد برای طبع به ایران و در خدمت او بودم تا

پاورقی

۱ ترجمه او در منابع زیر آمده است: آثار الحجه ۲/۵۵; گنجینه دانشمندان; مؤلفین کتب چاپی ۳/۶۶۱.

۲ تفصیل زندگانی ایشان را در مجله نور علم، ش۲ از دوره دوم از ص۱۱۴ تا ۱۲۵ و مقدمه فوائد الرضویه و مقدمه نزهه النواظر و فرهنگ تراجم نگاران آوردهایم.

سنه ۱۳۱۸ پس خداوند متعال حج بیت الله الحرام و زیارت قبر سید الأنام علیه و علی آله التحیه والسلام ، مرا عنایت فرمود، و پس از اداء حج و فراغ از زیارت از طریق فارس به بلد خود قم برای زیارت سیدتنا فاطمه بنت موسی بن جعفر(علیهم السلام)... و تجدید عهد با والدین مراجعت کردم و ایام قلیله مانده به مشهد مولایم امیرالمؤمنین(علیه السلام)مسافرت نموده ملزم]ملازم ظ[خدمت

شیخی العلامه النوری، نوّرالله مرقده گشته و در مقابله مستدرک و کشف الاشعار کشف الاستارو استنساخ لؤلؤ و مرجان و تصنیف تحیه الزائر و غیر ذلک مساعدت نمودم تا در این بین از جنابش استفاده میکردم... و در خلال استفاده من از آن بزرگوار استجازه نمودم که مرا به روایت مؤلفات اصحاب رضی الله عنهم اجازه مرحمت فرمائید، پس به من منّت گذارده و در اواخر ایّام حیاتش مسئلت مرا قبول نموده اجازه دادند که مؤلفات اصحاب را قدیماً و حدیثاً در تفسیر و حدیث و فقه... و غیرها از آنچه اجازه دارد و روایت آنها به طریق معموله و از مشایخ عظام که در خاتمه مستدرک مشروحاً مذکور است... از برای من نیز اجازه دادند که روایت بکنم. و بعد از وفاتش دو سال در نجف اشرف مانده، به عجم، به دار الایمان قم مهاجرت کرده تا سنه ۱۳۲۹ آنجا بودم پس دوباره به حج مشرف شده به قم برگشتم و تقریباً دو سال آنجا مانده بعد به مشهد مولانا الامام المعصوم ابوالحسن الرضا(علیه السلام) مهاجرت کرده تا سال ۱۳۴۶ در این مکان شریف هستم(۱)... الی آخر(۲)».

مرحوم حاج شیخ عباس تألیفات و تصنیفات بسیاری دارند و اغلب آنها وفات ایشان در سال ۱۳۵۹ قمری ۲۳ ذی الحجه در نجف اشرف اتفاق افتاد و در جوار استادش مرحوم شیخ نوری به خاک سپرده شد.

پاورقی

۱ این ترجمه دست نوشت را مرحوم محدث قمی در سنه ۱۳۴۶ بنا به درخواست مؤلف محترم علماء معاصرین نوشته و تمام آن در کتاب یاد شده ص۱۸۱ و ۱۸۲ آمده است.

۲ معظم له پس از ۱۲ سال

اقامت در مشهد پس از تبعید مرحوم آیت الله قمی و جریان مسجد گوهرشاد به عتبات عالیات رفت و تا پایان عمر در آنجا ماند.

چاپ شده است، آنچه را که ما دریافتهایم در این جا ذکر می کنیم: ۱ الفوائد الرجبیه(۱) ۲ الدره الیتیمه(۲) ۳ مختصر الابواب فی السنن والآداب(۳) ۴ هدیه الزائرین ۵ نزهه النواظر فی ترجمه معدن الجواهر(۴) ۶ سبیل الرشاد(۵)۷الکنی والالقاب(۶) ۸ ذخیره الابرار در تلخیص انیس التجار(۷) ۹ رساله فی الصغائر والکبائر ۱۰ الفصول العلیه فی مناقب الرضویه ۱۱ حکمه بالغه ومأه کلمه جامعه ۱۲ اللئالی المنثوره فی الاحراز والاذکار المرتضویهالمأثوره ۱۳ دستورالعمل ۱۴ نفس المهموم فی مقتل الحسین المظلوم(۸) ۱۵ نفثه المصدور(۹) ۱۶ انوار البهیه در تاریخ علماء و دانشمندان(۱۰) ۱۷ تحفه طوسیه ۱۸ نفحه قدسیه ۱۹ مقامات العلیه(۱۱) ۲۰ مفاتیح الجنان (در اذکار و ادعیه) ۲۱ الباقیات الصالحات ۲۲ منتهی الآمال ۲۳ منازل الآخره ۲۴ ترجمه مصباح المتهجد ۲۵ سفینه البحار (راهنمای مفیدی است برای کتاب بحار الانوار مجلسی)(۱) ۲۶ ترجمه جمال الاسبوع ۲۷ ذخیره العقبی ۲۸ تحفه الاحباب ۲۹ الفوائد الرضویه(۲) (در شرح حال علماء شیعه) ۳۰ تتمه المنتهی در تاریخ روزگار خلفا ۳۱ بیت الاحزان در مصائب فاطمه زهرا(علیها السلام)(۳).

پاورقی

۱ این کتاب اوّلین تألیف مرحوم محدث قمی است که با خط خودش به چاپ رسیده است.

۲ شرح فارسی نصاب الصبیان و تتمیم شرح نصاب فاضل یزدی است.

۳ مختصر کتاب حلیه المتقین علامه مجلسی است و مکرراً چاپ شده و اخیراً

هم به صورتی دیگر تلخیص و تهذیب و چاپ شده.

۴ نگارنده این سطور اصل کتاب و ترجمه مرحوم محدّث قمی را آماده چاپ کرده است.

۵ در اصول دین است.

۶ این کتاب به نام مشاهیر دانشمندان اسلام به فارسی ترجمه شده است.

۷ انیس التجار از ملا مهدی نراقی است که توسط ایشان بخش معاملاتش تلخیص شده است.

۸ بهترین و معتبرترین مقتل که تاکنون چهار مرتبه به چاپ رسیده است، ضمناً توسط آقایان کمرهای، شعرانی، امیری فیروزکوهی جدا جدا به فارسی برگردانده شده است.

۹ رسالهای است در تکمیل و تتمیم نفس المهوم، جداگانه چاپ شده و اخیراً بضمیمه نفس المهموم نیز چاپ شده است.

۱۰ این کتاب در تاریخ علماء و دانشمندان نیست، به شرح زندگانی چهارده معصوم است و توسط آقای صحفی به فارسی ترجمه شده است.

۱۱ گویا کتاب تحفه طوسیه و نفحه قدسیه یک رساله مختصر بیش نباشد که در باب زیارات امام رضا(علیه السلام) و برخی فوائد مربوط به آستان قدسش نوشته شده.

قسمت دوم

آنچه را که برشمردیم مجموع آثار آن مرحوم نیست، و غیر از اینها مؤلفات دیگری نیز دارند که بعضی از آنها هنوز چاپ نشده است.

از ایشان دو تن اولاد ذکور باقی مانده که هر دو اهل فضل و دانشند، جناب آقای حاج میرزا علی محدّث(۱) که از فضلا و وعاظ تهرانند و دیگری آقا شیخ محسن محدث که از طلاب فاضل و در مسجد باب همایون اقامه جماعت مینمایند.

پاورقی

۱ مرحوم محدث قمی ۲۰ سال برای این کتاب زحمت کشیده اند.

۲ این کتاب ارزنده با تحقیق و تعلیق اینجانب انشاء الله تعالی به زودی به بازار کتاب عرضه خواهد شد.

۳ فهرست سائر مؤلفات:

ترجمه مسلك دوم ملهوف سید بن طاوس چاپ شده؛ تتميم تحیه الزائر محدث نوری چاپ شده؛ هدیه الاحباب فی المعروفین بالکنی والالقاب؛ فیض العلّام فیما یتعلق بالشهور والایام و تلخیص آن به نام کتاب هدایه الانام الی وقایع الایام؛ کلمات لطیفه؛ کحل البصر فی سیره سید البشر به فارسی ترجمه شده است؛ رسالهای در طبقات؛ الدر النظیم فی لغات القرآن العظیم توسط مؤسسه در راه حق قم برای اولین بار چاپ شده است؛ تتمیم بدایه الهدایه شیخ حر عاملی؛ شرح وجیزه شیخ بهائی؛ فیض القدیر فیما یتعلق بحدیث الغدیر تلخیص جلد غدیر کتاب عبقات الانوار است؛ کتاب قره الباصره فی تاریخ الحجج الطاهره؛ نقد الوسائل شیخ حر عاملی؛ علم الیقین؛ تلخیص کتاب حق الیقین علامه مجلسی؛ کتاب مقالید الفلاح فی عمل الیوم واللیله و تلخیص آن به نام کتاب مقلاد النجاح؛ مختصر جلد یازدهم بحار الانوار؛ کتاب ضیافه الاخوان؛ کتاب مختصر «الشمائل» ترمذی اخیراً توسط مؤسسه در راه حق چاپ گردید؛ شرح کلمات قصار امیرالمؤمنین(علیه السلام)؛ کتاب صحائف النور فی عمل الایام والسنه والشهور؛ کتاب مسلی المصاب بفقد الاخوه والأحباب؛ الآیات البینات فی اخبار امیرالمؤمنین(علیه السلام)عن الملاحم والغائبات؛ شرح صحیفه سجادیه؛ مختصر دارالسلام محدث نوری به نام غایه المرام فی تلخیص دارالسلام؛ شرح اربعین حدیث؛ ترجمه زاد المعاد و ترجمه تحفه الزائر مجلسی(رحمه الله)؛ کشکول.

عباس مستقیم (حاج شیخ...):

فرزند مرحوم حاج میرزا حبیب الله تاجر، و داماد مرحوم آیت الله فیض است و تحصیلاتش در قم، استادان او در سابق مرحوم آیت الله حائری و آیت الله شیخ محمد علی قمی و آیت الله فیض(۲) بوده و اکنون نیز از محضر آیت الله بروجردی بهرهمند و

از فضلا و دانشمندان حوزه علمیه و امام جماعت مسجد «امام» می باشند(۳).

عبدالحسین ابن الدین:

از فضلاء و دانشمندان قمی مقیم تهرانند. فرزند مرحوم آقا شیخ علی اصغر قمی و تولدشان در سال ۱۳۲۳ قمری در شهر قم بوده، استادان ایشان، آقا میر سید علی کاشانی و آسید ابوالحسن حکمی قزوینی بوده اند و همچنین از محضر آیت الله حائری یزدی بهره ها گرفته و اکنون از فضلاء مدرسین تهران و در مدرسهعالی سپهسالار تدریس می فرمایند وهمچنین به عنوان خطیب در مدارس دولتی به ارشاد و راهنمائی دانشجویان خدمات گرانبهائی دارند، دانشمندی خوش خلق و مهربانند و اغلب دانشجویان تهران، چه دانشجویان دانشگاه و و دیگر جناب ایشان در مسئله توحید فکری و اتحاد مسلمین با «دار التقریب» همکاری های گرانبهائی دارند، و مقالات ایشان به زبان عربی عصری در مجله «رساله الاسلام» در این باره نشر می شود

پاورقی

۱ ترجمه ایشان در گنجینه دانشمندان و کتاب حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت آمده است.

۲ و مرحوم آیت الله حاج سید محمد حجت کوه کمرهی.

۳ شرح حال مفصل ایشان در گنجینه دانشمندان ۲/۲۶۱ و آینه دانشوران: ۹۱ و۲۱۱. آمده است.

مدارس جدید و چه طلاب علوم دینی از وجودشان مستفیض میشوند.

آثار ایشان یکی کتاب الآراء و النظرات در مبحث الفاظ علم اصول(۱) و دیگر کتابی در نحو است(۲)، و همچنین مقالات زیادی سابقاً در دو مجله «العرفان» و «المرشد» که در سوریا و لبنان نشر می شد نوشته اند(۳).

عبدالحسین صاحب الداری بروجردی:

از دانشمندان حوزه علمیه و از مدیران امور طلاب علوم دینی قم هستند فرزند مرحوم آخوند ملا علی بروجردی. در سال ۱۰۳۸ قمری در

بروجرد متولد شده و در اوائل جوانی برای تحصیل به شهر اراک «سلطان آباد» سفر کرده است و در آن شهر در خدمت مرحوم آقا نورالدین عراقی و مرحوم آخوند ملا علی عراقی درس خوانده و سپس به شاگردان آیت الله حائری یزدی پیوسته است. در شهر اراک از طرف آیت الله حائری تصدی امور طلاب و مشاهره آنان را عهده دار گردید و در سال ۱۳۴۰ همراه ایشان به قم مسافرت و در این شهر نیز تکفّل امور طلاب و اداره مدرسه فیضیّه و کتابخانه آن، به ایشان محوّل شده است، اکنون نیز از ملازمان حضرت آیت الله بروجردی و مدیر کتابخانه مزبور هستند و حل و فصل امور نظام وظیفه دانشجویان را به عهده دارند(۱)

پاورقی

۱ تقریرات ابحاث مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم یزدی حائری است. الذریعه ۲۶/۱۴.

۲ و نیز اعجاز قرآن و بلاغت محمد (ترجمه کتاب از مصطفی صادق رافعی) و سخنرانیهای دینی، که هر دو در تهران چاپ شده است. الذریعه ۲۶/۱۹۱.

۳ و نیز در ترجمه او مراجعه کنید به: تاریخ مدرسه سپهسالار ص۱۸۱; مؤلفین کتب چاپی ج۳/۷۲۰; آینه دانشوران ۱۰۰. وی در شب جمعه ۱۰ ماه صفر سال ۱۳۹۰ ه ق درگذشته است; تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ۲/۲۷۲.

عبدالرزّاق بن علی بن الحسین اللاهیجی(۲):

از متکلمین بزرگ و حکماء جلیل قرن یازدهم هجری است، شاگرد صدر المتألهین و داماد اوست، ملا صدرا او را به لقب «فیّاض»(۳) خوانده است، در قم توطّن اختیار کرد، و به نقل صاحب «روضات الجنّات»(۴) در مدرسه معصومیه قم تدریس می کرده است. تصنیفات او بسیار و اغلب در مسائل فلسفه و

کلام است،

پاورقی

۱ وی تعلیقهای بر رجال ابی محمد داود دارد، و در ماه رجب ۱۳۷۷ فوت کرده است. ر.ك: آثار الحجه ۲/۵۶; آینه دانشوران ۳۰۴.

۲ استاد سید جلالالدین آشتیانی در مجموعه رسائل فیلسوف کبیر حاج ملا هادی سبزواری ۳۵ می نویسد: اکثر دانشمندان از مقام و مرتبه حکیم نحریر، ملا عبدالرزاق لاهیجی صاحب شوارق غفلت دارند. این حکیم محقق که از تلامیذ صدر المتألهین است اگرچه به حسب ظاهر متمایل به سبک مشاء و از طرفداران شیخ رئیس و از شارحان کلام اوست و الحق در فلسفه مشا و سبک حکمت نظری یکی از اعاظم فلاسفه اسلامی است و بر جمیع متأخرین غیر از میرداماد و استاد خود صدر المتألهین ترجیح دارد ولیکن در فلسفه اشراق نیز بسیار ماهر و یکی از مدرسان این فن بود و به حسب باطن فیلسوفی متأله و محیط بر افکار اهل اشراق و در تصوف وارد و عقاید فلسفی او باطناً موافق عقیده استادش می باشد. حقیر در منتخبات فلسفی بعد از سیر افکار و آثار این حکیم عقاید نهایی او را استخراج و اثبات نمودهام که ملا عبدالرزاق سخت به مبانی استاد پابند و یکی از راسخان در حکمت متعالیه می باشد. نگارنده در عقائد سابق خود نسبت به این حکیم تجدید نظر به عمل آوردهام که «وکلّ یوم هو فی شأن...».

۳ و داماد دیگر خود مرحوم ملا محسن کاشانی را به لقب «فیض» ملقّب ساخته است.

۴ این فیلسوف و حکیم متأله در سال ۱۷۰۲ ه. ق در قم دار حیات را وداع گفته و به دیار بقاء شتافته است. ناگفته نماند که فیاض شاعر زبردستی بوده و

دیوانی دارد که جزء مخطوطات آستان قدس رضوی است که طبق نوشته نصرآبادی قریب به دوازده هزار بیت است: شرح حال ایشان در کتب زیر آمده است: ایضاح المکنون ۲/۵۹; هدیه العارفین ۱/۵۶۷; معجم المؤلفین ۵/۲۱۸; ریحانه الادب ۴/۳۶۱; اعیان الشیعه ۳۷/۱۹۳; گنجینه آثار قم ج۱/۲۴۶; تاریخ علماء و شعرای گیلان ۲۹; مجمع الفصحاء ۴/۵۱; منتخبی از تاریخ فلاسفه اسلام ۲۰۹; لغتنامه دهخدا حرف (ع); تاریخ پیدایش تصوّف و عرفان و سیر تحول و تطوّر آن ۵۹۸ و ۶۱۷; مفاخر اسلام، ج۷، مقدمه آثار او، و یادنامه حیکم لاهیجی.

از جمله:۱ کتاب گوهر مراد.

۲ کتاب سرمایه ایمان(۱).

۳ مشارق الالهام در شرح تجرید الکلام(۲).

۴ کتاب شوارق(۳).

۵ کتاب شرح هیاکل(۴).

۶ رساله در حدوث عالم(۵).

فرزندش(۶) حسن بن عبدالرزاق نیز از حکماء و دانشمندان این سرزمین است که شرح حال او را در جای خود آوردیم.

عبدالصاحب صفائی:

فرزندمرحوم آقاشیخ محمد علی حائری قمی است، تحصیلات او در قم(۷)

پاورقی

۱ تلخیص گونهای است ازگوهر مراد که در آن بعض از مشکلات کتاب را تسهیل نموده تا مبتدیان را نیز به کار آید.

۲ طبق اظهار صاحب روضات الجنّات این کتاب غیر از شوارق اوست و تا مبحث امور عامه را دارد.

۳ شرحی است متقن بر تجرید خواجه طوسی از ابتداء تا مسئله کلام الهی.

۴ صاحب ریاض العلماء در صحّت انتساب این کتاب به وی تردید کرده است هیاکل النور از تألیفات شیخ اشراق است و شروح بسیاری بر آن نوشته شده که در کتاب تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تحول و تطور آن از ص۶۱۴ به بعد آمده است.

۵ و نیز تعلیقات بر شرح اشارات خواجه

و الکلمات الطیّبه فی اصاله الماهیه والوجود.

۶ فرزند دیگر فیاض میرزا ابراهیم نامدارد که مؤلف کتاب القواعد الحکمیهوالکلامیهبوده است.

۷ و کربلا ـ و نجف بوده و در سال ۱۳۴۹ به همراه پدر والامقام خود به قم منتقل و در دانشکده معقول و منقول به تحصیل پرداخته و پس از اخذ گواهی نیز در کلاسهای ویژه وزارت دارائی شرکت جسته و در همان وزارتخانه استخدام شده است و در سال ۱۳۲۰ شمسی به ساری سفر کرده.

بوده و سپس شغل سر دفتری ثبت اسناد را در شهر ساری برای خود اختیار کرد و در آنجا سکونت گزید در سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ شمسی روزنامه صفا(۱) را در مازندران انتشار می داد و در دورههای ۱۶ و ۱۸ به نمایندگی مردم ساری به مجلس شورای ملّی رفت و در سال ۱۳۳۴ در سن پنجاه سالگی زندگی را بدرود گفت(۲).

عبدالصمد بن محمد(۳):

از روات حدیث و از اصحاب امام العسکری(علیه السلام) است.

قسمت سوم

عبدالصمد بن عبیدالله الأشعری(۴):

از روات و محدثین قم است، از حنّان روایت می کند، ممکن است این عبدالصمد با صاحب ترجمه قبلی یکی باشد.

عبدالعزیز بن المهتدی بن محمد بن عبدالعزیز الاشعری القمی(۵):

زندگی او در قرن دوّم هجری بوده، و از روات و محدّثین بزرگ قم، و از اصحاب امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) است، و در بعض امور از امام(علیه السلام) وکالت داشته است، نجاشی و علامه او را در بخش موثقین ذکر کرده اند. شیخ منتجب الدین در فهرست و شیخ کشی در رجال خود او را از وکلاء امام محمد بن علی التقی(علیه السلام) نیز دانستهاند و همچنین ابن داود در کتاب خود می نویسد که

عبـدالعزیز بن مهتـدی از اصـحاب امام علی بن موسـی الرضا(علیه السـلام) و مردی صالح و موثق و از جانب امام(علیه السـلام) وکالت داشته است(۱).

پاورقی

۱ نک: شناسنامه مطبوعات ایران: ۲۷۴.

۲ وی در حین وکـالت فوت کرد و جسـدش در صـحن اتابکی به خاک سپرده شـد. و نیز ر.ک: گنجینه آثار قم ۳۷۳; گنجینه دانشوران ۲۰۰.

۳ نک: رجال طوسی ۴۱۹.

۴ نک: رجال نجاشی ۶۲ ضمن ترجمه فرزندش حسن.

۵ رجال نجاشی: ۲۴۵; فهرست طوسی: ۱۱۹; رجال طوسی: ۳۸۰، ۴۸۷; اختیار کشی، رقم ۹۱۰، ۹۷۴، ۹۷۶; خلاصه ۱/۱۱۶.

عبدالقاهر بن احمد بن علی القمی(۲):

از فضلا و دانشمندان و ادباء شهر قم بوده. شیخ منتجب الدین در فهرست خود به لقب «الادیب فخرالدین» از او یاد میکند.

عبدالقاهر بن حمویه القمی:

کنیهاش ابو طالب است، شاذان بن جبرئیل از او اجازه روایت دارد، دانشمندی جلیل و محدّثی بزرگوار است(۳).

عبدالکریم حائری (آیت الله المرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی)(۴):

مرجع بزرگ و مفتی جلیل القـدر دیار شیعه در دوره اخیر، فقیهی متبحر و قائـدی پارسا بود، که از دهکـده «مهر جرد»(۵) یزد طلوع کرده و عالم اسلامی را به نور خویش روشن ساخت.

پاورقی

۱ شـیخ رضوان الله علیه گویـد این دعـا از نـاحیه امـام رضا(علیه السـلام) درباره او صادر شـده: «غفر الله لک ذنبک و رحمنا و ایاک و رضـی عنک برضای» (یعنی: خداوند تو را بیامرزد و ما و تو را در ظل رحمت خود جای دهد و از تو راضـی و خشنود باشد همانگونه که من راضی هستم).

۲ فهرست منتجب الدین: ۸۷; امل ۴۸۲; جامع ۱/۴۶۲; تنقیح ۲/۱۵۹.

۳ شیخ حر عاملی در امل الامل گوید عالمی جلیل القدر بوده و...

مقـدسه قم (مرحوم آیت الله حائری) را در مجله نور علم، ش۱۱، مرداد ۱۳۶۴ از ص۱۰۵ تا ۱۲۰ به تفصیل نوشته ایم. و نیز در کتاب دیگر خود، «دست پروردگان آیت الله مؤسس».

۵ ۱۰ فرسنگی یزد.

فرزند مرحوم آقا محمد جعفر، از کشاورزان پارسای مهرجرد بوده و در اوان جوانی به تشویق و مراقبت میر ابو جعفر نامی برای کسب دانش به (اردکان) سـفر کرده است(۱)، و پس از چنـدی به شـهر یزد وارد شـده و در خـدمت آقا میر سـید علی مدرس بزرگ و آقا سـید یحیی و آقا میر سیّد حسـین میرزا و سیّد حسـین وامق به کسب فضائل همت گماشته است، پس از مدّتی به اعتاب مقدسه رهسپار و در آن دیار از محضر آقا شیخ علی یزدی بفروئی و آقا میر سیّد محمّد فشارکی و آیت الله میرزا محمّد تقی شـیرازی و آقا میرزا ابراهیم محلاتی شیرازی و شیخ نوری(۲) مسـتفید گشته است، مدّت زمانی نیز به مجلس درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی پیوسـته و در ضمن برای طلاب و فضلاء دیگر درس آن مرحوم را تقریر می فرموده، تا به خواهش و تقاضای مردم عراق «سـلطان آباد» به ایران مهاجرت و در شـهر مـذکور مقیم شدند این اقامت چندان به طول نینجامید و دوباره در سال ۱۳۲۴ ابتدای انقلاب مشروطیت به اعتاب مقدسه مراجعت فرموده و در شهر کربلا به تدریس و افاضه مشغول شدند، تا در سال ۱۳۳۲ ثانیاً مردم اراک در مراجعت جناب ایشان إلحاح و إصـرار کردنـد و حاج سـید اسـماعیل عراقی را به نمایندگی نزد ایشان فرستادند، بالاخره ایشان(۳) به اراک تشریف فرما شده و تا

سال ۱۳۴۰ در آن شهر مقیم بودند، در این سال در ایام نوروز برای زیارت به قم مشرف شده و در منزل مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم قمی(۴) فرود آمدند، در این موقع مردم قم و علماء این شهر از حضرت ایشان تقاضا کردند که فسخ عزیمت کنند و در شهر قم مقیم شوند، بالأخره(۱) تصمیم به اقامت گرفتند و به توسعه حوزه علمیه همّت گماشتند از این زمان مرجعیّت تامّه یافته و از هر سو طلاب علوم و دانش پژوهان به خدمتش شتافتند، به علّت کثرت طلاب و دانشجویان مدرسه فیضیّه و دارالشفاء را تعمیر و یک طبقه بر بنای مدرسه فیضیه اضافه کرده و همچنین خانه هائی برای سکونت طلاب اجاره کردند.

پاورقی

۱ در این شهر از محضر مرحوم مجد العلماء اردکانی و دیگران استفاده کرده است.

۲ شهید مشروطه مشروعه آیت الله حاج شیخ فضل الله نوری (مستشهد به سال ۱۳۲۷ ه ق) است.

۳ به قصد زیارت مرقد امام هشتم، حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه والثناء به ایران آمدند و پس از زیارت... .

۴ طبق قولی در منزل مرحوم آیت الله حاج شیخ مهدی حکمی پائین شهری اقامت داشته اند.

از آثار دیگر ایشان مریضخانه سهامیه قم که از موقوفه مرحوم سهام الملک ساخته شده و دیگر محله مبارک آباد را برای سیل زدگان، و دار الایتامی برای نگهداری و تربیت یتیمان بنا فرموده و همچنین کتابخانه متناسبی برای استفاده طلاب ترتیب دادند که اکنون قابل ملاحظه و دارای کتب زیادی است(۲).

عبدالملک بن عبدالله بن سعد الأشعری القمی(۳):

زندگی او در نیمه اوّل قرن دوّم هجری است از روات موثّق و محدّثان

تاریخ به بعـد فصل جدیـدی در تاریـخ دارالایمان قم با تأسـیس حوزه علمیه قم به دست توانای این فقیه عالی مقدار پدید می آیـد و علیرغم آن همه تحمیلات و تضیـقات و فشارهای حکومت رضا خانی با درایت خاصـی حوزه نوپای قم را اداره کرد و علما و فقهای بزرگی را تربیت کرد.

پاورقی

۱ پس از اصـرار فراوان علمـاء بزرگ قم (مرحـوم آیت الله شـیخ ابوالقـاسم کـبیر قمی و مرحـوم آیت الله میرزا احمـد اربـاب و مرحوم آیت الله حاج میرزا محمود روحانی و...) مرحوم آقای حائری به قرآن تفأل میزند وآیه شـریفه ۹۳ سوره یوسف (اذهبوا بقمیصـی هـذا والقوه علی وجه ابی یأت بصـیرا واتونی باهلکم اجمعین) می آیـد و لذا به خواست علماء و مردم قم پاسخ مثبت می دهد و از این

۲ تألیفات ایشان یکی درر الاصول جمعی از بزرگان بر این کتاب حاشـیه زده اند و دیگری کتاب صـلوه است. وفات ایشان در سال ۱۳۵۵ واقع در مدرس خودشان در مسجد بالاسر مدفون شد. تألیفات دیگر ایشان عبارت است از: ۱ تقریرات (تقریر درس اسـتادش مرحوم فشارکی است الـذریعه ۴/۳۷۸) ۲ کتاب الرضاع (مشاهیر دانشـمندان اسـلام ۴/۳۶۹) ۳ کتـاب النکاح (ریحانه الادب ۱/۳۲، احسن الودیعه ۲۶۹) ۴ کتاب المواریث.

۳ درباه او نک: رجال شیخ طوسی: ۲۳۴; رجال برقی: ۲۴; الاختصاص: ۲۷۶ و ۳۲۶.

بزرگوار شهر قم و از صحابه امام جعفر الصادق(علیه السلام) است.

عبدالوهاب القمی(۱):

قرن دوّم و از اصحاب جعفر الصادق(علیه السلام) است.

عبدالهادی القمی (حاج میرزا...):

فرزند حجه الاسلام حاج آخوند(۲) قمی است، و اکنون ایشان نیز به این لقب مشهورند، تحصیلات او در قم و در محضر

آقای شیخ ابوالقاسم قمی و آیت الله حائری و همچنین اساتید دیگر تحصیل کرده، مردی فاضل، خوش خو و آرام و مهربان است(۳).

عبدالله «آقا سید عبدالله قمی»(۴):

از سادات رضوی قم و از دانشمندان و فقهاء بزرگ شهر قم بوده اند سلسله نسب و «اجازهاش» را بر لوح قبرش نقش کردهاند. تحصیلات او در نجف اشرف و استادان او حاج میرزا حبیب الله رشتی و مرحوم شیخ راضی عرب بودهاند، پس از فراغ از تحصیل و نیل به درجات عالی علمی در سال ۱۲۸۸ به قم مراجعت نمودند و در مسجد امام اقامه جماعت می کرده، و در جامعه قم ریاست و مرجعیت یافت، محضر او محل ترافع و سریر او مسند قضاء گردید، در سال ۱۳۳۳ در سن هشتاد و چهار سالگی وفات یافت قبر او در شیخان بزرگ و مجاور قبر ابو جریر است.

پاورقی

۱ نک: رجال طوسی ۲۳۸.

۲ حاج غلامرضا.

۳ وی در اواخر زعامت دینی مرحوم آیت الله بروجردی از دنیا رفت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد، گنجینه ۱/۱۲۲.

۴ نک: تاریخ تکایا و عزاداری قم و گنجینه دانشمندان ۱/۱۴۳.

حجه الاسلام مرحوم میر سید محمد و حجه الاسلام حاج میر سید علی برقعی و حجه الاسلام حاج میر سید حسن برقعی فرزندان او هستند.

عبدالله بن جعفر بن الحسین بن مالک بن جامع الحمیری(۱):

کنیه او ابوالعباس است، زندگانی او در قرن سوّم بوده و از محدّثین بزرگ و از وجوه و بزرگان قمیین و اصحاب امام العسکری(علیه السلام) است، نجاشی و ابن داود می نویسند که در سال دویست و هفتاد و کسری(۲) به کوفه وارد شد و مردم کوفه در شنیدن احادیث

از او بهره مند شدند(۳)، همگان او را توثیق کرده و به درستی ستوده اند.

تألیفات او بسیار است از جمله:

۱ کتاب الامامه.

۲ کتاب الدلائل.

۳ کتاب العظمه والتوحید.

۴ کتاب الغیبه والحیره.

۵ کتاب فضل العرب.

۶ کتاب التوحید والبدا والإراده والإستطاعه والمعرفه.

۷ کتاب قرب الاسناد الی الرضا(علیه السلام).

۸ کتاب قرب الاسناد الی ابی جعفر بن الرضا(علیهما السلام).

پاورقی

۱ درباره ایشان نک: رجال نجاشی ۲۱۹، و ۳۰۳ (ضمن ترجمه علی بن علی)؛ فهرست طوسی: ۱۰۲؛ رجال طوسی: ۳۹۶، ۴۱۹، ۴۳۲؛ اختیار کشی رقم: ۱۱۲۴؛ خلاصه: ۱/۱۰۶.

۲ یا ۲۹۷ ه ق.

۳ ابو غالب زراری و محمد بن یحیی عطار که از رجال کلینی هستند از او روایت می کنند.

۹ کتاب مابین هشام بن الحکم وهشام بن السالم والقیاس والارواح والجنه والنار والحدیثین المختلفین.

۱۰ کتاب قرب الاسناد الی صاحب الأمر(علیه السلام).

و چند کتاب دیگر(۱).

قسمت چهارم

عبدالله بن الحسن بن بابویه:

از دانشمندان و محدّثین قم و شاگرد شیخ طوسی است.

عبدالله بن سعد بن مالک الأشعری(۲):

همان کسی است که با برادرش احوص و نعیم و عبدالرحمن در تاریخ ۷۳ هجری از شهر کوفه مهاجرت کرده و به قم آمدند. عبدالله مردی عالم و دانای به احادیث و احکام اسلامی بوده و مدّتی در شهر کوفه امارت داشته است، برخلاف برادرش احوص مردی نرم و مهربان بوده است.

اوّلین مسجد را در شهر قم او ساخته است(۳).

پاورقی

۱ به نامهای مسائل الرجال ومکاتباتهم إلی أبی الحسن الثالث(علیه السلام)؛ مسائل لابی محمّد الحسن(علیه السلام)علی ید محمّد بن عثمان العمری؛ مسائل ابی محمد(علیه السلام)؛ کتاب الطب.

۲ منتهی المقال ۴/۱۸۶.

۳ وی از ناحیه منصور عباسی به حکومت بلاد جبل

منصوب شد و پس از مدت زمانی کوتاه از سمت خود استعفا کرده به قم بازگشت و همچون گذشته به خدمات دینی پرداخت. او دارای پانزده فرزند بود که جمعی از زردتشتیان را به مذهب پاک تشیّع رهنمون گردیدند. در ترجمه این صحابی امام باقر(علیه السلام) به منابع زیر می توان مراجعه کرد: گنجینه آثار قم: ۱/۲۲۲; اشعریان قم.

عبدالله بن الصَّلت القمی(۱) (ابوطالب):

زندگی او در نیمه دوّم قرن دوم بوده، از مشایخ فقهاء و از راویان و محدثان و موثق است، شیخ صدوق در مقدمه کتاب (کمال الدین)(۲) او را به درستی و نیکی ستوده است، وی از اصحاب علی بن موسی الرضا ع و فرزند بزرگوارش امام التقی ع است. ابن داود و نجاشی و صاحب مشترکات ترجمه حال او را آوده و همگان او را توثیق کردهاند.

عبدالله(۳) بن عامر بن عمران بن ابی عمرو الاشعری القمی:

کنیه اش ابو عبدالله و از فقها و محدثان بزرگ قم و از مشایخ امامیه است. علامه در خلاصه و نجاشی در رجال خود او را به عدالت ستوده اند و همچنین نجاشی کتابی برای او یاد کرده است.

عبدالله بن محمد(۴) بن عیسی:

برادر احمد بن محمد بن عیسی است، شیخ کشی در رجال خود احوال او را ذکر کرده، و لقب او را «بنان» می داند.

پاورقی

۱ معجم الثقات: ۷۴; رجال نجاشی چاپ جامعه: ۲۱۷; خلاصه: ۱۰۵; الفهرست: ۱۰۴; معالم العلماء: ۷۰; نقد الرجال: ۲۰۱، مجمع الرجال ۴/۷; تنقیح المقال ۲/۱۸۹; جامع الرواه ۱/۳۹۲; معجم رجال الحدیث ۱۰/۳۳۱.

۲ کمال الدین: ۳.

۳ رجال نجاشی: ۲۱۸; خلاصه: ۱۱۱; معجم الثقات: ۷۴.

۴ در مورد بنان نک: رجال نجاشی ۳۲۸ (ضمن ترجمه محمد

سنان) اختیار کشی رقم ۹۸۱، ۹۸۹.

عبیدالله بن الحسن(۱) بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی(۲):

لقبش «موفق الـدین» و کنیهاش ابوالقاسم است، زنـدگی او در قرن پنجم بوده و در شـهر ری مقیم بوده است، از روات موثق و محـدثان است، شـیخ منتجب الـدین او را به نیکی سـتوده و می نویسـد او تمام روایات و مسـموعات خود را بر والد خود شـیخ الاسلام، حسن حسکا قرائت کرده است.

عذری قمی(۳):

این شاعر برادر کهتر آذر بیگدلی و نامش اسـحاق بیک بوده است. در آتشـکده از وی نام برده و بسیارش ستوده و نمونه هائی از اشعارش را نقل کرده است. از آنجمله:

از حسرت نگاهی مردم بکوی ماهی

ماهی که کشته خلقی از حسرت نگاهی

فسانه از پی خوابش کنم بهانه خویش

به این بهانه مگر گویمش فسانه خویش

صباحی(۴) درباره تاریخ وفاتش چنین گفته است:

پاورقی

۱ طبق نقل امل و در فهرست حسین.

۲ فهرست منتجب الدین: ۷۷; امل الآمل: ۴۸۴; جامع الرواه ۱/۵۳; تنقیح ۲/۲۳۸; روضات: ۵۵۷; منتهی المقال: ۱۹۵.

۳ مرحوم «آذر» در شـرح حالش نوشته است: اسم شریفش «اسحاق بیک»، برادر کهتر مؤلف، جوانی محجوب و منصف، دلش از رموز عاشقی آگاه و طبعش شکفته و دلخواه، گاهی به نظم غزل و رباعی میپرداخت و در سنه (۱۱۸۵) از دنیا رفته.

ونیز ببینید: مجمع الفصحا ۵/۷۳۱; تذکره نتایج الافکار; مکارم الآثار; و مقدمه فغان دل (محیط); تذکره اختر ۱/۱۴۶ تا ۱۴۹.

۴ حاجی سـلیمان صـباحی بیدگلی است که به تقاضای مرحوم آذر ماده تاریخ فوت عذری را در مصـراع دوم بیت فوق آورده است و ماده تاریخ سال ۱۱۸۵ را نشان می دهد. گرچه در تذکره اختر ۱/۱۴۶ فوت او را در سال

۱۲۰۵ ذکر کرده است.

از صباحی خواستم تاریخ سال رحلتش

گفت «بادا در بهشت جاودان اسحق بیک»

علی اصغر دربانی (حاجب التولیه):

از بزرگـان اخیر قـم مردی مهربـان و خـوش خـو بـوده است از دوره هفتم قانونگـذاری تـا دوره یـازدهم چهـار دوره متوالیاً به نماینـدگی مجلس شورای ملی از شـهر قم انتخاب شـده است. فرزنـدان برومندی از خود باقی گذارده و در سال ۱۳۲۱ شمسی بدرود حیات گفته است.

علی اصغر فقیهی(۱):

از دانشـمندان معاصر قم و از نویسندگان نامی این شهر می باشند سالها است که به تدریس دروس ادب فارسی اشتغال دارند و کتبی مربوط به دروس خود را چاپ و منتشر کردهاند و مقالاتی در مسائل تاریخی و ادبی به قلم ایشان در روزنامه ها درج می شود.

پاورقی

۱ وی فرزنـد ابو الحسن و در سال ۱۳۳۶ قمری در خانوادهای روحانی در قم متولـد شد و تحصـیلات خود را از مکتب خانه و سپس مـدرسه علمیه آغـاز کرد و در سال ۱۳۱۵ در دانشـکده معقول و منقول در رشـته ادبیات ثبتنام می کنـد و در سال ۱۳۱۹ قمری تحصـیلاتش به اتمـام میرسـد و در همان سال به عنوان دبیر به قم اعزام می گردد و به تـدریس میپردازد و چنـد سال هم مسئولیت دبیرسـتان حکیم نظامی (امام صادق(علیه السلام) فعلی) قم را به عهده داشت و تا سال ۱۳۵۰ در این شهر به تدریس مشـغول بود و در همین سال بازنشسته شد و به تهران سفر کرد و تا سال ۱۳۵۸ در مدرسه علوی تدریس کرد. تألیفات معظم له عبارتند از: ۱ تاریخ و عقاید وهابیان، ۲ دستورهای املا و انشاء ۳ تاریخ اسلام

و جغرافیای کشورهای اسلامی ۴ ترجمه توحید مفضل ۵ ترجمه عهدنامه مالک اشتر ۶سفرنامه حج ۷ عضد الدوله دیلمی ۸ ترجمه نهج البلاغه ۹ دستور زبان فارسی ۱۰تاریخ مذهبی (بخش اول از تاریخ جامع قم) ۱۱ آل بویه و اوضاع زمان ایشان. ر.ک: کیهان فرهنگی سال سوم ش ۶ شماره پیاپی ۳۰; کوثر، سال دوم ش۱۶ ص۷۹ به بعد، کتابشناسی قم از اینجانب; و فرهنگ تراجم نگاران.

علی اکبر برقعی (حاج سید علی اکبر):

از علماء و دانشمندان معاصر، و فرزند آقا سید رضی، از خانواده رضویین قم است، در سال ۱۳۱۷ قمری متولد شده و در همین شهر تحصیلات خود را شروع کرده است، اساتید او مرحوم حاج شیخ حسن معروف به فاضل و آقا شیخ ابوالقاسم قمی و آیت الله حائری یزدی بودهاند، مدتی، در حوزه علمیه به تدریس کلام و فلسفه اشتغال داشته و اغلب اوقات را به نوشتن کتب و تحریر رسالات مفید گذراندهاند، و همچنین مدتی، در مسجد «امام» اقامه جماعت می کردند، اجازه تأسیس دبستان و دبیرستان حیات و سپس سنائی به نام ایشان بوده است، در سالهای اخیر، به دعوت انجمن هواداران صلح(۱) سفری به «وین» پایتخت اطریش کردند و در کنفرانسی که در آن شهر تشکیل شده بود شرکت کرد و پس از مراجعت، به علل سیاسی به شهر یزد تبعید و تاکنون در آن شهر اقامت دارند.

چندین تألیف و تصنیف دارند از آن جمله:

پاورقی

۱ یا سوسیالیستهای بینالملل و سوسیالیستهای ایران افرادی از قبیل: خلیل ملکی و سید علی اکبر برقعی که طبق آنچه در مجله «یاد» آمده فردی روشنفکر و طرفدار

نظام سوسیالیستی بوده دعوت نمودند و در آن کنگره به اسلام توهین شده بود و اینان به دفاع از اسلام برنیامده اند و این خبر در مطبوعات و رسانه های گروهی منعکس و موجب اشمئزاز و تنفّر مردم مسلمان می شود به طوری که یک وقتی وی همراه مریدانش به قم می آید که طلاب و مردم غیور قم به آنان حمله می کنند و سید علیاکبر متواری میشود و به شهرداری پناه می برد و طلاب حسب الامر مرحوم آیت الله بروجردی در صحن متحصن می شوند و حضرت امام خمینی به عنوان نماینده ایشان در مصاحبهای شرکت می کند و طی آن می فرماید: سید علی اکبر برقعی باید از قم اخراج شود. ر.ک: مجله «یاد» ش۶ س دوم بهار ۱۳۶۶ و مجله «یاد» ش اول و مجله ترقی; آثار الحجه ۱/۳۱ ۳۵; تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ۲/۲۷۴.

۱ جلوه حق(۱).

۲ مهر تابان(۲).

۳ کاخ دلاویز(۳).

۴ چرا از مرگ بترسم؟(۴).

۵ ناهیه الفحشاء در اسرار صلوه

۶ لباب الالباب در مسأله حجاب زنان.

۷ رسالهای در شرح خطبه فاطمه(علیها السلام)(۵).

و همچنین به تفنن اشعاری سروده اند و تخلصشان کاشف است.

قسمت پنجم

علی اکبر پیشوائی یزدی (حاج سید علی اکبر):

از دانشمندان بزرگ حوزه علمی قم بوده است، فرزند حاج سید رضای عزآبادی، و در سال ۱۲۸۸ هجری قمری در عز آباد یزد متولد شده است، در اوان شباب برای تحصیل علوم و کسب کمال به یزد رفته، و در آن شهر، از محضر درس آقا میر سید علی مدرس یزدی و شیخ مرتضی مدرس و آقا شیخ علی مسگر و

دیگران بهره مند و سپس در سال ۱۳۱۷ قمری به مشهد رضوی مشرّف و در خدمت مرحوم آقا سید علی حائری تدرّس نموده است، مدّتی بعد به شهر سبزوار رخت سفر بسته و به خدمت حاج میرزا حسین بزرگ و آقا میرزا اسماعیل تهرانی که از شاگردان حکیم حاج ملا هادی سبزواری بودهاند، پیوسته است و در سال ۱۳۲۴ قمری به اعتاب مبارکه مشرف و تا سال ۱۳۴۱ قمری در خدمت مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آیت الله یزدی به تحصیل همّت گماشته است در این سال به قم مهاجرت و به ارشاد خلق و تربیت طلاب اشتغال یافته. فرزندان ایشان سید حسین(۱) و سید احمد پیشوائی(۲) از جوانان فاضل قم می باشند. ایشان فرزند دیگری به نام سید مهدی پیشوائی(۳) داشتند که

پاورقی

۱ مرحوم حاج سیدحسین در سال۱۳۰۴ شمسی در قم بهدنیا آمد و از شاگردان حضرات آیات عظام: خمینی، خونساری، حجّت، مرعشی نجفی محسوب می شد و در مسجد امام حسن عسکری(علیه السلام) اقامه جماعت می کرد ر.ك: گنجینه دانشمندان ۲/۹۶; مؤلفین کتب چاپی.

پاورقی

۱ کتاب مختصری است در زندگانی علی(علیه السلام)، الذریعه ۵/۱۲۷.

۲ این کتاب نیز در سیره امیرالمؤمنین(علیه السلام) نوشته شده است.

۳ در تاریخ شریف رضی است.

۴ این کتاب با ترجمه رساله «لماذا اخاف الموت» تألیف ابن مسکویه که ترجمه اش نیز توسط وی انجام گرفته یکجا به چاپ رسیده است.

۵ مؤلفات دیگر او به این شرح است تذکره مبتکران; راهنمای قم; ترجمه کتاب الشیعه وفنون الاسلام به نام «شیعه و پدید آرندگان فنون اسلام»; راهنمای دینداران; رهبر دانشوران (در معروفین القاب و کنیه ها); رهنمای دانشوران (در ضبط نامها

و لقبها و نسبتها و تراجم صاحبان آنها)؛ درج گهر (در سخنان پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم))؛ هدایا العقول فی الحکم المأثوره عن العتره والرّسول؛ السراج الوهّاج فی اسرار المعراج؛ تبصره معلمان (در نحو)؛ تذکره معلّمان (در صرف)؛ شرح قصیده عینیه سید حمیری؛ روض المنی فی المختار من قصار کلمات امیرالمؤمنین(علیه السلام)؛

ر.ک: علماء معاصرین: ۲۸۸؛ ریحانه الادب ۱/۲۴۹؛ گنجینه دانشمندان ۳/۳۸۹ ۳۹۳؛ معجم مؤلفی الشیعه: ۶۸؛ مجله ارمغان ش۱ ۲۴۵۷؛ سخنوران نامی معاصر ۱/۱۹۰؛ مؤلفین کتب چاپی ۳/۴۹۲؛ وی در مورخه ۱۸/۵/۶۶ بدرود حیات گفت و در قم مدفون گردید.

۲ وی از روحانیون تهران بوده است که به سال ۱۳۳۸ قمری در نجف اشرف متولّد و در سال ۱۳۴۱ به همراه پدر به قم مسافرت کرده و به تحصیل دروس جدید و مقدمات پرداخته و ادبیات را از مرحوم حجه الاسلام حاج شیخ محمد علی ادیب تهرانی و سطوح را از محضر مرحوم آیت الله سید محمد محقق داماد و آیت الله حاج آقا رضا بهاء الدینی فرا گرفته و آنگاه به درس خارج آیات الله العظام مرحوم حجت و مرحوم خونساری و مرحوم یثربی کاشانی و مرحوم آقای بروجردی (قدس الله اسرارهم) حاضر شده تا در سال ۱۳۸۰ قمری به دنبال دعوت جمعی از مردم تهران رخت سفر به آن شهر بسته و در خیابان سلسبیل، بوستان سعدی، «مسجد الصادق» به انجام امور دینی و اقامه جماعت مشغول بوده است. ر.ک: گنجینه دانشمندان ۴/۴۰۳.

۳ وی داماد مرحوم آیت الله فیض و از محصلین جدی و خوش استعداد و پرکار بوده است، شرح حال او در آثار الحجه ۱/۱۳۱ آمده است و رحلت جانگدازش

کمر پدر را شکست و وی را از انجام امور قبلی بازداشت و به انزوای از خدمات اجتماعی کشاند.

در عنفوان جوانی در بازگشت از سفر عراق در رودخانه کارون غرق گردید و همه را در مرگ خود داغدار کرد(۱).

علی اکبر تربتی:

فرزند مرحوم آخوند ملا غلامحسین در سال ۱۳۲۵ قمری در قریه «بابک» از قراء تربت(۲) متولد شده تحصیلات ادبی و مقدماتی او در خراسان و در نزد اساتید آن سامان، مرحوم ادیب نیشابوری و آشیخ هاشم قزوینی بوده است و سپس در سال ۱۳۴۸ به قم مشرف شده و در حوزه علمی به تکمیل تحصیلات خود پرداخته است.

اساتید ایشان در حوزه قم، آقا میرزا محمد همدانی و مرحوم حاج شیخ عبدالکریم یزدی و مرحوم شاه آبادی(۳) بوده اند، اکنون از واعظان مشهور و دانشمند قم هستند، یادداشتهائی در تفسیر سوره یس و همچنین در احادیث اخلاقی دارند که طبع نشده است(۴).

علی برقعی قمی (حاج میر سید علی...):

فرزند مرحومآیتالله حاج سیدعبدالله مجتهد بزرگ قماست، از علماء بزرگ و ائمه جماعت تهران می باشد، در فقه وادب فارسی و عربی صاحبنظر است...

پاورقی

۱ مرحوم پیشوائی یزدی دو فرزند دیگر هم دارند به نامهای ۱ حاج سید حسن پیشوائی که از روحانیون نور آباد و خرم آباد لرستان است (ر.ک: گنجینه دانشمندان ۲/۹۸) و ۲ آقای سید محمود پیشوائی. ایضاً ر.ک: آینه دانشوران; زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۲/۲۲۷.

۲ سه فرسخی تربت حیدریه است.

۳ و آیت الله مرعشی نجفی.

۴ ایشان در ربیع الثانی ۱۳۸۳ قمری چشم از دنیا فرو بسته و در قبرستان ابو حسین قم مدفون گردیده است.

دارای تألیفات و تصنیفات زیادی(۱) است و اشعار زیادی

در توحید و مسائل اخلاقی دارد.

علی بن ابراهیم بن هاشم القمی:

از دانشمندان و محدثین بزرگوار قم است در قرن چهارم هجری می زیسته، نجاشی(۲) در رجال و علامه در خلاصه(۳)، از او به درستی و صحت قول یاد می کنند، کنیه اش ابوالحسن است.

تألیفات بسیاری به نام او است، به نقل از رجال نجاشی مصنفات او از این قرار است:۱ کتاب التفسیر(۴).

۲ کتاب الناسخ والمنسوخ.

۳ کتاب قرب الاسناد(۵).

۴ کتاب الشرایع.

۵ کتاب الحیض.

۶ کتاب التوحید والشرک.

پاورقی

۱ از جمله آنها است «کمال الانسان ومیزان الایمان» چاپ ۱۳۷۳ قمری در عقائد اسلامی (۹۷صفحه)؛ الهی نامه (شعر) چاپ تهران، ۱۳۱۶ ش؛ بطون خمسه (شعر) چاپ تهران؛ بطون سته (شعر)؛ فلسفه شهادت، چاپ تهران؛ مثالی نامه (شعر) چاپ بمبئی. ببینید: مؤلفین کتب چاپی ۲/۱۴۱؛ زندگانی شمس العرفاء: ۲۴؛ گنجینه دانشمندان ۱/۱۴۹.

۲ نجاشی گوید: وی در حدیث موثق و محکم و مورد اعتماد و صحیح المذهب بوده و... و در اثناء عمر نابینا گردید.

۳ الخلاصه: ۱۱۰.

۴ این تفسیر تاکنون بارها به طبع رسیده است.

۵ این غیر از قرب الاسناد تألیف عبدالله بن جعفر حمیری قمی است که معروف است و باز غیر از قرب الاسناد محمد بن عیسی یقطینی، علی بن بابویه قمی، محمد بن جعفر بطه و محمد بن ابی عمران، ابوالفرج قزوینی است.

۷ کتاب فضائل امیرالمؤمنین(علیه السلام).

۸ کتاب المغازی.

۹ کتاب الانبیاء.

۱۰ رساله فی معنی هشام و یونس.

۱۱ جوابهائی که به سئوالات محمد بن بلال داده است.

شیخ منتجب الدین نیز در فهرست خود او را به عدل ستوده و توثیق کرده است و همچنین او را از مشایخ محمد

بن الحسن و حمزه بن محمد العلوی و محمد بن یعقوب کلینی و محمد بن ماجیلویه دانسته است.

مدفن او در قم و در قبرستان شیخان در قسمت شمالی قبر ابن قولویه واقع است(۱).

علی بن أبی القاسم بن عبدالله بن عمران البرقی(۲):

کنیه‌اش ابوالحسن، و لقبش ماجی لویه بوده است، مردی فاضل و ادیب و محدثی ثقه است. خدمت احمد بن محمد برقی رسیده و از او مستفیض گشته است، نجاشی و علامه، ترجمه او را آورده و هر دو توثیقش کردهاند.

علی بن اسحق بن عبد الله بن سعد الاشعری(۳):

از محدثان موثق و فقهاء بزرگ قم بوده است، برقی از او روایت می کند،

پاورقی

۱ ترجمه و یادکردی از ایشان در کتب زیر آمده است: فهرست طوسی: ۸۹; فهرست ابن ندیم ۱/۲۲۲; ایضاح المکنون ۱/۳۰۹ و ۲ صفحات مختلف، منهج المقال: ۲۲۳; تنقیح المقال ۲/۲۶۰; الذریعه ۴/۳۰۲ ۳۰۹; هدیه العارفین ۱/۶۷۸; رجال نجاشی: ۱۸۳ ۱۸۴; معجم المؤلفین ۷/۹ و بهجه الآمال فی شرح زبده المقال ۵/۳۵۴.

۲ نک: رجال نجاشی: ۲۶۱; خلاصه ۱/۲۷۸; فقیه مشیخه ۴/۵۱; منتهی المقال ۴/۳۳۳.

۳ درباره ایشان ر.ک: رجال نجاشی ۲۷۶; فهرست طوسی: ۹۴; رجال طوسی: ۴۸۶; خلاصه ۱/۱۰۲.

شیخ در فهرست خود برای او تألیفی یاد می کند و همچنین علامه در خلاصه او را توثیق کرده، کنیه‌اش را ابوالحسن ابو الحسین ذکر می نماید(۱).

علی بن جعفر الهرمزانی(۲):

کنیه اش ابوالحسن است، علامه در کتاب خلاصه، روایات او را ضعیف شمرده است(۳).

علی بن حسین السعد آبادی(۴):

از محدثین و فقهاء قم و به نقل شیخ در فهرست کنیه اش ابوالحسن است، ملا محمدتقی مجلسی در تعلیقه و میرزا محمد استرآبادی روایات او را

«حسن» شمرده و این عقیده را به «جماعتی» از اصحاب نسبت داده اند(۵)، شیخ منتجب الدین و صاحب مشترکات او را از مشایخ محمد بن یعقوب الکلینی و احمد بن سلیمان الزراری ذکر کردهاند.

علی بن حسین بن موسی بن بابویه: به ابو الحسن رجوع شود.

علی بن حسین الجاسبی(۶)، الشیخ نجم الدین ابوالقاسم:

دانشمند و فقیهی پارسا و واعظ بوده است.

پاورقی

۱ و نیز ر.ک: بهجه الآمال فی شرح زبده المقال ۵/۳۷۹; منتهی المقال ۴/۳۵۱.

۲ هرمزدانی.

۳ الخلاصه ۲/۲۳۵.

۴ نک: رجال طوسی ۴۸۴.

۵ منتهی المقال ۴/۳۸۵; روضه المتقین ۱۴/۴۳.

۶ در فهرست منتجب الدین: ۹۲ و نیز نک: امل الآمل: ۴۸۶; جامع الرواه ۱/۵۷۲; تنقیح ۲/۲۸۱.

علی بن الریان بن الصلت الاشعری:

از صحابهامام ابوالحسن علی بن محمد النقی(علیهما السلام) و از وکلاء مورد عنایت آن حضرت بوده است، نجاشی و علامه او را توثیق کرده(۱) و بسیار ستوده اند. او و برادرش محمدبنالریان، درنوشتن کتا بی در ضبط ونقل احادیث،همکاری کرده اند.

علی بن زیرک القمی «الشیخ الواعظ ابوالحسن»(۲):

مردی محدّث و فقیه بوده است، شیخ او را در کتاب، فهرست به فضل و دانش ستوده است.

علی بن صالح بن صالح:

از راویان و محدثان اوائل قرن سوم هجری، از محمد بن حسن الصفار روایت می کند.

علی بن عبدالمطلب القمی «الشیخ رشید الدین»:

مردی دانشمند و واعظ بوده است(۳).

علی بن عبدالله القمی «ابوالحسن العطار»:

محدّثی موثق بوده است، کتابی به نام «کتاب الاستطاعه علی مذهب العدل»

دارد. نجاشی(۱) او را به بزرگی ستوده است.

پاورقی

۱ و ابن طاووس و مولی محمد امین صاحب مشترکات و علامه و نجاشی فرموده اند: او را نسخه ای است از امام هادی(علیه السلام) و علامه وی را از وکلاء امام(علیه

السلام) دانسته است.

۲ فهرست منتجب الدین: ۸۱; امل الآمل: ۴۸۷; جامع الرواه ۱/۵۸۱; تنقیح المقال ۲/۲۹۰.

۳ در فهرست منتجب الدین او را فقیه و واعظ دانسته است. فهرست منتجب: ۹۰; جامعالرواه ۱/۵۹۱; تنقیح ۲/۲۷۹.

قسمت پنجم

علی بن عبیدالله:

به ابوالحسن منتجب الدین رجوع شود.

علی بن عیسی الاشعری القمی(۲):

او و پدرش از امراء و حکام شهر قم بودهاند.

علی بن محمد الجاسبی:

از فقهاء و دانشمندان قم بوده و شیخ در فهرست او را یاد کرده است(۳).

علی بن محمد بن حفص الاشعری:

از فقهاء بزرگ قرن دوم هجری، و از صحابه امامان جعفر الصادق و موسی الکاظم(علیهما السلام) بوده، و از ایشان روایت می کند، فرزندش حسن بن ابی قتاده نیز از محدثین امامیهاست، هر دورا درکتاب تعلیقه و کتاب مشترکات موثق شمرده اند(۴).

علی بن محمد بن الحسن بن الحسین بن موسی بن بابویه «الشیخ نجم الدین ابوالحسن»(۵):

مردی فقیه و دانشمند بوده است.

پاورقی

۱ رجال نجاشی ۲۱۴; رجال طوسی ۴۰۴، ۴۱۷، ۴۱۹، و علامه در خلاصه ۱/۱۰۰; و ابنداود در رجال خود، بهجه الآمال فی شرح زبده المقال ۵/۴۶۳.

۲ رجال نجاشی ۳۷۱ ضمن ترجمه فرزندش محمد.

۳ شیخ منتجب الدین گوید: وی از فقهاء است.

۴ ایشان عمر زیادی کرده است. در ترجمه او ر.ك: بهجه الآمال فی شرح زبده المقال ۵/۵۱۳; رجال نجاشی: ۲۷۲; رجال

طوسی: ۲۳۹; خلاصه ۱/۱۰۲.

۵ فهرست منتجب الدین: ۹۱; امل: ۴۸۹; جامع ۱/۵۹۷; تنقیح ۲/۳۰۳.

علی بن محمد بن حیدر بن... بابویه القمی:

مردی است محدث و فاضل(۱).

علی بن مؤید الدین بن العلقمی «شرف الدین ابوالقاسم»:

او و پدرش از وزراء بوده اند و در دستگاه خلافت عباسی در قرن هفتم مقام و درجتی والا داشتهاند، علی بن مؤید الدین شاگرد محقق

نجم الدین است(۲).

علی بن محمد «الشیخ جمال الدین»:

مردی فاضل و ادیب بوده و درشهر قمبه شغل پزشگی اشتغا ل داشته است(۳).

علی بن هبه الله بن دعوی دار «تاج الدین ابوالحسن»(۴):

از فقهاء و دانشمندان شهر قم بوده، و مدتی از عمرش را در این شهر، به شغل قضاء گذرانده است. شیخ منتجب الدین او را در کتاب فهرست به خوبی یاد کرده است.

پاورقی

۱ فهرست: ۳۲۷; در امل الامل گوید: فاضل و فقیه است و از ابو علی طوسی روایت می کند.

۲ در امل الامل گوید: عالم و جلیل القدر و شاعر و ادیب و از تلامذه نجم الدین محقق حلی صاحب شرایع است.

۳ فهرست شیخ منتجب الدین: ۹۱; امل: ۴۹۰; جامع الرواه ۱/۶۰۱; تنقیح ۲/۳۰۹.

۴ در نسخه شیخ حر ودر فهرست مورد استناد ما ابوالحسین: ۸۴ و نیز نک: امل الآمل: ۴۹۱; جامع الرواه ۱/۶۰۸; روضات: ۳۷۹; تنقیح ۲/۲۱۴.

علی بن محمد بن علی بن سعد الاشعری(۱):

«ابوالحسن» کنیه اوست و به «ابن متّویه» معروف بوده است، مردی فقیه و محدث بوده و شیخ منتجب الدین برای او تألیفی در جمع احادیث در کتاب فهرست خود به دست می دهد(۲).

علی بن محمد بن فیروزان القمی(۳):

«ابوالحسن» کنیه او است. مردی محدث و فقیه است.

علی پائین شهری قمی (حاج شیخ علی):

فرزند مرحوم آقا شیخ محمد، از علماء قم و مورد توجه اهالی پائین شهر بوده اند پس از تحصیل مقدمات علوم در سال ۱۳۱۴ قمری به نجف اشرف مشرف شده و از محضر اساتید بزرگی همچون آیت الله طباطبائی یزدی و علامه خراسانی استفاده و استفاضه نموده است و سپس در سال ۱۳۲۵ قمری به قم مراجعت و در سال

۱۳۶۰ قمری وفات یافته است.

علی حقنویس (میرزا علی قمی):

فرزند مرحوم ملا محمد جواد در سال ۱۲۹۱ قمری در شهر قم متولّد و پس از تحصیل علوم و نیل به درجه اجتهاد به تهران مهاجرت و در این شهر به امور اجتماعی و سیاسی اشتغال جست، روزنامه «رعد»(۱) را اداره کرد و سپس در کابینه کودتای ۱۲۹۹ شمسی به کفالت وزارت دادگستری رسید و در دوره ششم قانونگذاری از طرف همشهریان خود به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب و سپس مدت ۲۰ سال بعضی ادارات دولتی را اداره کرد، و در دوره اول مجلس سنا با سمت سناتور انتصابی شهر تهران به مجلس سنا رفت و اکنون در دوره دوم مجلس سنا نیز عضویت دارد(۲).

پاورقی

۱ رجال نجاشی: ۲۵۷; فهرست طوسی: ۸۹; رجال طوسی: ۴۸۴.

۲ شیخ نیز در فهرست از کتاب او یاد کرده است.

۳ نک: رجال طوسی: ۴۷۸.

علی رضا «میرزا علیرضا» بن محمد بن کمال الدین الحسینی القمی(۳):

از دانشمندان بزرگ و ارجمند شهر قم در یک قرن پیش است، در خدمت محقق قمی میرزا، صاحب قوانین تحصیل و تدریس کرده و مورد عنایت و محبت مخصوص او بوده است، مرحوم میرزا، مرافعات و محاکمات شهر قم را به ایشان مرجوع می فرموده است، و به همین سبب محضر او و فرزندش «حاج سید جواد» محل حل و فصل خصومات و ترافع حکومات بوده است. در سال ۱۲۴۸ هجری قمری وفات یافته و در بقعه زکریا بن آدم مدفون شده است.

پاورقی

۱ این روزنامه توسط سید ضیاء الدین اداره می شد و مترجم فوق الذکر از یاران سید به حساب میآمد و لذا از ناحیه سید اداره امور

داخلی آن به وی تفویض شده بود و نیز همین ارتباط دوستانه با سید باعث شد که وی به کفالت وزارت دادگستری برسد. و نیز نک: شناسنامه مطبوعات ایران: ۲۱۰ ۲۱۱.

۲ این عضویت در مجلس سنا تا پایان عمر وی (اسفند ماه ۱۳۲۶ شمسی = ۱۲۷۶ قمری) باقی بوده و در سال یاد شده فوت کرده و در قم در ایوان آینه به خاک رفته است.

۳ و نیز نک: گنجینه دانشمندان ۱/۱۴۶.

علی رضا پیشوائی «حاج میرزا علیرضا»(۱):

فرزند مرحوم آیت الله حاج سید جواد آملی مجتهد بزرگ این شهر می باشد، مردی بزرگوار و دوره سوم و پنجم به وکالت مجلس شورای ملی از قم انتخاب شده در سال ۱۳۲۷ شمسی بدرود حیات گفته است.

علی طباطبائی قمی (حاج آقا علی صدیق):

فرزند مرحوم حاج زینالعابدین. در سال ۱۲۸۰ قمری متولد و از مشاهیر معاصر قم می باشند، در صدر مشروطیت از آزادی خواهان و مبارزان مشروطه بوده و به همین علّت مدتی نیز در تبعید به سر برده است، در سال ۱۳۳۵ قمری بدرود حیات گفته است. اغلب فرزندان او موقعیّت و عنوانی یافته اند ارشد آنها، حاج سید محمد طباطبائی «صدیق زاده» است که اکنون مورد علاقه و عنایت همشهریان است و فرزند دیگر آن مرحوم، آقای طباطبائی(۲) نماینده فعلی شهر قم است.

عماد الدین سزاوار:

فرزند مرحوم حجه الاسلام آقا شیخ محمد حسن قمی(۳) در سال ۱۲۷۸ قمری متولد و پس از تحصیلات مقدماتی به تهران مهاجرت و پس از تکمیل تحصیلات به شغل وکالت دادگستری اشتغال جست. در دوره ۱۲ و ۱۳

پاورقی

۱ وی در سال ۱۲۸۲ قمری در قم بدنیا آمد و از سال ۱۳۱۵

شمسی = ۱۳۵۵ قمری تا آخر عمر خود در این شهر، دارای دفترخانه رسمی بود. مؤلف گنجینه دانشوران می نویسد: مرحوم پیشوائی سیدی جلیل و خلیق و متواضع بود. ص۲۰۹.

۲ شرح حال ایشان در ص۲۱۴ گنجینه دانشوران آمده است.

۳ معروف به شیخ (شیخ العلماء).

قانونگذاری به وکالت مجلس شورای ملی از اراک و در دوره ۱۵ از ساوه و در دوره دوم مجلس سنا به سناتوری از حوزه همدان انتخاب شده است، فعلاً از اعضاء جوان و فعال مجلس سنا و از سخنوران و سیاستمداران به نام کشور و مورد توجه همشهریان خود میباشد(۱).

عمران بن سلیمان القمی الکوفی(۲):

ازمحدّثین اوائل قرندوم هجری و از صحابه امامجعفر الصادق(علیه السلام)می باشد.

عمران بن عبدالله القمی:

از روات و فقهاء جلیل و صالح قم است که در نیمه اول قرن دوم هجری می زیسته و از صحابه امام جعفر الصادق(علیه السلام) است، حضرت نسبت به عمران عنایت و محبت خاصی داشته است(۳).

قسمت ششم

عمران بن محمد بن عمران بن عبدالله القمی:

از محدثین اواخر قرن دوم هجری است و از صحابه امام علی بن موسی

پاورقی

۱ آقای رحیمی کاشانی مینویسد: از جمله یادگارهای برجسته معظم له در ساوه جاده سرتاسری است که طرحش را در زمان وکالت مجلس پیشنهاد و تعقیب نمودند و... کارخانه قند ملّی در همدان ر.ک: گنجینه دانشوران: ۱۹۸; گنجینه آثار قم ۱/۳۷۳.

۲ ر.ک: رجال شیخ طوسی ۲۵۶.

۳ رجال طوسی ۲۵۶، اختیار کشی رقم ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۰۹، خلاصه ۱/۱۲۴. از باب نمونه روزی بر امام صادق(علیه السلام) وارد می شود و مورد تکریم حضرت واقع می شود در هنگام رفتن، حمّاد ناب از امام(علیه السلام) می پرسد او که بود؟ امام(علیه السلام)

فرمود: از اهـل بیت نجبـاء (اهل قم) است و جبّاری از جباران آنان را اراده نمی کنـد جز آنکه خداونـد او را درهم می شـکند. ر.ک: رجال کبیر به نقل از کشـی; نقد الرجال تفرشـی به نقل از کشی; بهجه الآمال فی شرح زبده المقال ۵/۶۲۳. نمونه دیگر اینست که او با کرباسه ای ساخت خودشان برای امام صادق(علیه السـلام) چند خیمه ساخت و در منی به حضرت اهداء کرد و حضرت در حق وی دعا کرد.

الرضا به شمار می رود، نجاشی و علامه او را ستوده و توثیق کردهاند(۱).

عمران بن موسی الزیتونی(۲):

از ثقات محدثین و روات امامیه است.

عمرو الاشعری القمی:

کنیهاش ابو عبـدالله، و از فقها و محـدثان بزرگ قم، و از مشایخ امامیه است علامه در خلاصه و نجاشـی در رجال خود او را به عدالت ستوده اند و همچنین نجاشی کتابی برای او یاد کرده است.

عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک الاشعری(۳):

از محـدثین و روات قـم در قرن دوم هجری اسـت و از خرمـن دانش امـام جعفر الصـادق(علیه السـلام) خـوشه چینی کرده و به خدمت امام الهمام موسی الکاظم(علیه السلام)رسیده است.

پاورقی

۱ نسب ایشـان به اشـعریین منتهی می شود و شـیخ الطـائفه طوسـی از او در رجال و فهرست و ابن داود در کتاب خود یاد کرده انـد، وی دارای کتـابی بوده است. نیز ر.ک: بهجه الآمال فی شـرح زبـده المقال ۵/۶۲۳; رجال نجاشی: ۲۹۲; فهرست طوسی: ۱۱۹; رجال طوسی: ۳۸۱; خلاصه ۱/۱۲۴.

۲ نجاشی برای وی کتابی به نام «نوادر» ذکر کرده است. نک: رجال نجاشی: ۲۹۱ و خلاصه ۱/۱۲۵.

۳ امام صادق(علیه السلام) عیسی را مانند برادرش عمران دوست می داشت و به

طوری که در رجال کشی مذکور است حضرت وی را به چند چیز وصیّت کرد از جمله فرمود: «وامر اهلك بالصلاه» و اضافه فرموده که: «تو از ما اهل بیت هستی»، و در هنگام توديع امام(علیه السلام) میانه دو چشم او را بوسیده است. در رجال نجاشی ۲۹۱ آمده که او مسائلی را نیز از امام رضا(علیه السلام)پرسیده است. در منتهی المقال آمده که: از فهرست شیخ برمی آید که ایشان پدر محمد بن عیسی و جد احمد بن محمد بن عیسی است. و نیز نک: فهرست طوسی ۱۱۶; رجال شیخ طوسی: ۲۵۸; اختیار کشی رقم ۶۰۷، ۶۱۰; خلاصه ۱/۱۲۲، ۱۲۳.

«غ»

غلامحسین جواهری(۱):

فرزند مرحوم میرزا مهدی در سال ۱۳۰۳ شمسی متولد و در فرهنگ قم مشغول خدمات علمی است، جوانیست خوش قریحه و شعر خوب می گوید، تخلصش (وجدی) است. از اشعار او است:گرفتار هوای نفس، قرب حق کجا یابد

که از گلچین طریق باغبانی برنمی آید

مخواه از مردم نااهل آئین وفاداری

که از نامهربانان مهربانی برنمی آید

مکندر پیشهر نامحرمی افشای راز دل

که از دزدان رهزن پاسبانی برنمی آید

به دستغیراگردادی عنان عفت خود

مشو ایمن که از گرگان شبانی برنمی آید

ترا باید ره دلسوزی از پروانه آموزی

که قصد شمع با آتش زبانی برنمی آید

تمنای وصال دوست جانی آتشین خواهد

که از هر قلهئی آتشفشانی برنمی آید

بگلزار ادب «وجدی» مرید طبع رنجی شو

که از هر بلبلی شیرین زبانی برنمی آید

پاورقی

۱ خانبابا مشار در ۴/۶۷۰ مؤلفین کتب چاپی «راهنمای شهر قم» را از تألیفات وی ذکر کرده است. شعر زیر هم که در باب سعی و عمل سروده شده از اوست:

زاندرزهای خداوند پند

یکی پندم آمد بسی دلپسند

بگفتم که دست از تکاهل

بدار

چه گیتی است میدان مردان کار

کسی را نصیب است فرخندگی

که فکرش بلند است در زندگی

گرت هست در سر هوای منال

زبون وار کنجی مخسب و بنال

برون کن ز سر فکر تنپروری

گرت هست بر همگنان برتری

که تن پروران را در این خاکدان

تو یک مشتی از خار یا خاک دان

سخنوران نامی معاصر ۶/۳۸۳۶.

تحقیقات و تألیفات او عبارتند از: دیدار (مجموعه اشعار او)؛ گلهای جاویدان؛ تصحیح کلیات شیخ بهائی؛ تصحیح دیوان عرفی شیرازی؛ تصحیح دیوان نظیری نیشابوری؛ نمونه های طنز فارسی؛ نگارش پارسی؛ علی(علیه السلام) در شعر و ستایش؛ تصحیح دیوان سلطان قاجار؛ تصحیح دیوان قصاب کاشانی.

« ف »

فتح الله خان بیگدلی:

از بزرگان و مشاهیر معاصر قم بودهاند و در دوره اول مجلس شورای ملی به نمایندگی مردم قم انتخاب شده است.

فخر آور بن محمد بن فخر آور القمی:

از دانشمندان و حکماء قمی است، کتابی در کیمیا «شیمی» و کتاب دیگری در علم منطق تحریر کرده است از فقه و علوم دینی نیز بهره وافری داشته است(۱).

فخر الدین «حاج سید فخر الدین قمی»:

از علمـاء و فقهـاء اخیر حـوزه علمی قم و فرزنـد سـید ابوالقـاسم(۲) و نـوه دخـتری مرحـوم محقـق قمی، صـاحب قوانین است. تحصیلاتش در قم(۳) و نجف، و از شاگردان مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی(۴) است. در رونق و وسعت حوزه علمی قم با مرحوم آیت الله حائری همکاری و همقدمی(۱) داشته و بر جنازه مرحوم حائری نماز خوانده است در سال ۱۳۶۲ هجری قمری وفات یافت(۲).

پاورقی

۱ شـیخ منتجب الـدین در «حیره» نزدیکی کـوفه وی را دیـده است، به عنوان فاضـل و فقیه از او یـاد میکنـد. فهرست: ۹۶; امل الآمل: ۴۹۲; جامع الرواه ۱/۲; تنقیح

المقال ۲/۳.

۲ معروف به «شیخ الاسلام» و او فرزند میرزا محمد رضا و او فرزند میرزا ابوطالب داماد میرزای قمی و صاحب کتاب سئوال و جواب بوده است پس سید جلیل مرحوم میرزا فخر الدین میرزائی به دو واسطه به محقق قمی منتهی میشود.

۳ و در تهران در محضر مرحوم آیت الله میرزا حسن آشتیانی بهره مند شده.

۴ و نیز نزد مرحومین آیتین آخوند خراسانی و سید یزدی تحصیل کرده وآنگاه سفری به سامراء کرده و در آنجا ۶ سال توقف و از محضر اعلام و اکابر زمان مثل مرحوم آیت الله میرزای بزرگ شیرازی و مرحوم آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی و مرحوم آیت الله آقا سید محمد اصفهانی و مرحوم محقق حاج آقا رضا همدانی، نهایت استفاده را برده و به مدارج عالی کمال نائل گردیده است و از مرحوم آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی و مرحوم آیت الله محمد حسن کبّه بغدادی به دریافت اجازه اجتهاد نائل آمده و از مرحوم حاج آقا منیر بروجردی اجازه روائی دارد. ر.ک: میرزای شیرازی: ۱۸۰، آثار الحجه ۱/۲۱۹; تاریخ قم (ناصر الشریعه): ۲۷۹; آینه دانشوران.

فرزندان او حاج سید حسن سیدی(۳) و حاج سید عبدالحسین سیدی(۴)هستند که از فضلاء مورد توجه حوزه علمیه می باشد.

فیض آیت الله میرزا محمد فیض :

به «محمد» رجوع شود.

پاورقی

۱ و از اصحاب استفتاء او بوده است.

۲ مدفن او مسجد بالا سر حضرت معصومه(علیها السلام) است.

۳ ر.ک: آثار الحجه ۲/۹۰.

۴ ترجمه مختصر او در آثار الحجه ج۲/۹۸ آمده است. وی در ۱۴ جمادی الآخره ۱۴۰۵ قمری فوت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

« ق »

قاسم بن

حسن بن علی بن یقطین بن موسی(۱):

کنیهاش ابو محمد بوده است، اصلاً اهل قم نیست ولی در این شهر سکونت کرده و بیشتر عمرش را در آنجا گذرانده است. علامه و ابن غضائری او را به عدالت ستوده اند.

قاسم بن محمد القمی(۲):

لقبش «کاسولا»، و کنیه اش «ابو محمد» است. در قبول احادیث او تردید شده است، گاهی مورد قدح واقع شده و زمانی، مقبول افتاده است، نجاشی او را تضعیف کرده است(۳).

قاضی سعید(۴) محمد بن محمد، مفید قمی:

پاورقی

۱ نک: رجال نجاشی: ۳۱۶; رجال طوسی: ۴۲۱; خلاصه ۲/۲۴۸; اختیار کشی رقم ۹۹۴ ۹۹۶ و ۱۰۰۱، ۱۰۴۸.

۲ رجال نجاشی: ۳۱۵; فهرست طوسی: ۱۲۷; رجال طوسی: ۴۹۰; خلاصه ۲/۲۴۸; منتهیالمقال ۵/۲۳۳.

۳ رجال نجاشی: ۳۱۵.

۴ وی در سال ۱۰۴۹ در شهر قم چشم به جهان گشود و در صغر سن علم طب را فرا گرفت و در جوانی به اصفهان رفت و از محضر مولانا رجبعلی تبریزی و مولی محمد محسن فیض مستفید شد و طبیب رسمی دربار صفوی گردید و از طرف شاه عباس ثانی صفوی مدتی به قضاوت قم مشغول بود، و لذا به قاضی سعید مشهور گشته است، پس از مدّتی بر اثر سعایت حسودان مفسد از خدمت اخراج و از شهر بنا بود تبعید و در قلعه الموت زندانی گردد ولی چون مردی پاک و خوش نفس بود مورد عفو قرار گرفت و قبل از ۱۰۸۴ به قم مهاجرت می کند و تا سال ۱۰۸۸ در آنجا به تصنیف و تألیف اشتغال داشت و در سال بعد به اصفهان سفر می کند و تا سال ۱۱۰۲ در اصفهان کتابهای اربعینیات و شرح حدیث الغمامه

و تمام جلد دوم شرح توحید را به رشته تصنیف و تألیف درآورد، و در ۱۴ جمادی الثانی سال ۱۱۰۳ نیز حیات داشته و به فاصله کمی در قم وفات کرده است. وی از شعرای ذو لسانین بوده و به فارسی و عربی شعر میسروده است. از او یک فرزند فاضل متکلم به نام مولی صدر الدین باقیمانده که در قم اصول کافی درس می گفت و بعدها به منصب پدر (احتمالاً: قضاء) در آذربایجان منصوب گردید. ر.ک: به کتاب کلید بهشت (مقدمه).

از حکما و عرفای بزرگ عالم اسلامی است که حقیقت را با شریعت تطبیق نموده است و مقام فلسفه او را بعضی ها در ردیف عبدالرزاق لاهیجی و فیض کاشانی می دانند، و برای تفصیل شرح حال او به مقدمه استاد محمد مشکوه بر کتاب «بهشت»(۱) باید مراجعه کرد، و این عالم بزرگ شاگرد ملا صدرای شیرازی بوده، و تألیفات زیادی دارد که به ذکر چند مجلد آن اشاره می شود.

۱ کلید بهشت در اصول عقاید به فارسی چاپ تهران.

۲ فلسفه و اسرار عبادات به عربی یک مجلد به خط مؤلف در کتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله اخوی بوده است.

۳ شرح اربعین به عربی چاپ تهران.

۴ شرح توحید صدوق در سه مجلد.

۵ شرح حدیث غمامه به عربی.

۶ قضا و قدر.

سه کتاب اخیر که «قضا و قدر آن» به خط خود مؤلف است در کتابخانه آقای مدرسی چهاردهی استاد دانشگاه تهران موجود می باشد.

قبر قاضی سعید در قم است(۲).

پاورقی

۱ کتاب کلید بهشت.

۲ ترجمه او در منابع زیر آمده است: لغت نامه دهخدا حرف «ق»: ۸۴ و ۸۵; ریحانه

الادب ۲/۵۹; مقدمه کلید بهشت; الذریعه ۲/۵۱; گنجینه آثار قم ۱/۳۰۸; گنجینه دانشوران ۱۳۳، مجموعه رسائل فیلسوف کبیر هادی سبزواری مقدمه به قلم سید جلال آشتیانی، تاریخ پیدایش تصوف و عرفان و سیر تحول و تطوّر آن: ۵۹۶; روضات الجنات: ۳۰۱ و ۳۰۲، فهرست مشاهیر ایران ۲/۳۴۵; خدمات متقابل اسلام و ایران با تعلیقات نگارنده پی نوشتها.

قدرت قمی:

نامش سید علی(۱) است، و از اعقاب «موسی مبرقع» است، و خانوادهاش به لقب «رضوی» شناخته می شوند، قدرت از شعرای اخیر این شهر است و در سال ۱۳۱۶ شمسی در قم درگذشته است.

این رباعی از اشعار او است:

اقبال شهان ز بخت برگشته ما است

سر سبزی باغ خلد از کشته ما است

گردون که مدار عالم از گردش او است

سربسته بگویمت که سرگشته ما است

قطب الدین، سعد بن هبه الله الراوندی(۲):

«قطب راوندی»(۳) از علماء بزرگ و دانشمندان گران پایه قرن ششم هجری است، خانواده او، همه اهل علم و دانش، بوده اند. تولّدش در سالهای اولیه قرن ششم بین سالهای پانصد و پانصد و پنج بوده است.

پاورقی

۱ فرزند آقا عزیز یکی از بزرگان خدام حضرت معصومه(علیها السلام) بوده و به زهد و پارسائی شهرت داشته است. مؤلف محترم منتخب الرجال سال فوت او را ۱۳۱۵ ذکر کرده است. و در مکارم الآثار: ۱۳۱۶ ذکر کرده است. درباره او نک: مکارم الآثار ۶/۱۹۹۱; الذریعه ۹/۸۷۶ ش۵۸۲۸; مجله ارمغان س۱۳/۶۷۷ به بعد و ۷۶۶ به بعد.

۲ در بین اعلام شیعه دو نفر به «راوندی» اشتهار دارند یکی مترجم فوق و دیگری ابوالرضا ضیاءالدین سید فضل الله راوندی که این هر دو معاصر هم بوده اند.

۳ علماء بزرگ شیعه این محدّث

بلند آوازه را ستودهاند از جمله: شیخ منتجب الدین و مرحوم کاظمی در مقابس ۱۴ و مؤلف لسان المیزان (ج۳/۴۸) حاجی نوری در مستدرک الوسائل (۴۸۹) و مرحوم خونساری در روضات (۳۰۰) و مرحوم مامقانی در تنقیح المقال (ج۲/۲۲) و مؤلف منتهی المقال (۱۴۸) و سید بن طاوس در کشف المحجه لثمره المحجه (۲۰) و مرحوم علامه تهرانی در طبقات اعلام الشیعه ۱۲۴ (الثقات العیون).

تألیفات و تصنیفات ارجمندی دارد از جمله:۱ کتاب تهافت الفلاسفه.

۲ کتاب المغنی در ده جلد(۱).

۳ کتاب الخرائج والجرائح(۲).

۴ کتاب الایجاز.

۵ کتاب خلاصه التفاسیر(۳).

۶ کتاب المستقصی.

۷ کتاب ضیاء الشهاب.

۸ کتاب حل العقود فی شرح الجمل والعقود.

۹ کتاب غریب الاحکام.

۱۰ کتاب منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه.

۱۱ کتاب نفثه المصدور.

۱۲ کتاب قصص الانبیاء.

۱۳ کتاب البحر.

۱۴ کتاب فقه القرآن(۴).

قطب راوندی در سال ۵۷۳ هجری وفات یافته و در قبرستان بابلان دفن گردید، اکنون قبر او در زاویه جنوبی شرقی صحن جدید واقع شده و با ارتفاع قریب نیم ذرع از سایر قبور متمایز و زیارتگاه مردم دانش دوست قم است(۱).

پاورقی

۱ شرح نهایه.

۲ به طبع رسیده.

۳ ده جلد.

۴ و سلوه الحزین، اللباب; نهایه النهایه; زهر المباحثه; جواهر الکلام فی شرح مقدمه الکلام و... ببینید ریحانه الادب ۴/۴۶۸.

قمی(۲):

خواهر زاده شهیدی شاعر قمی است، و معاصر سلطان حسین میرزا بایسنقر از سلاطین تیموری بوده است، این شعر از اوست:

آنم که به عالم زمن افتادهتری نیست

آزار من سوخته چندان هنری نیست

پاورقی

۱ از آیت الله مرعشی نقل شده که از چند نفر پیرمردان موثق شنیده که در موقع ساختن صحن شریف قبر مطهر این علامه

ذو فنون خراب و پیکر مطهرش نمایان می گردد و معلوم میشود که پس از هفتصد سال جسد تازه است و کوچکترین نقصی پیدا نکرده است. و هم ایشان سنگ قبرش را تجدید و مرمت نموده است. ترجمه او در منابع زیر آمده است: ریحانه الادب ۴/۴۶۷; اعیان الشیعه ۳۵/۱۶ و ۱۱۶; هدیه العارفین ۱/۳۹۲; الاعلام زرکلی ج۴/۱۵۷; سفینه البحار ۲/۴۳۷; وفیات العلماء: ۳۲; و اجساد جاویدان.

۲ گلخنی قمی شاعری بیباک و متهور بوده و گفتگوئی که امین احمد رازی در هفت اقلیم ۲/۵۰۴ از او با سلطان حسین بایقرا نقل کرده نشانگر تهوّر و بیباکی او است. وی در هرات کشته شده است. در ترجمه او ر.ك: تحفه سامی: ۱۱۲; آتشکده آذر: ۲۴۱; مجالس النفائس: ۱۶۱ و ۲۹۷ ۲۹۸; الذریعه ۹/۹۳۱; قم در قرن نهم هجری: ۱۹۹; تاریخ علماء و شعرای گیلان: ۱۴۹.

«ل»

لطف الله ترقّی:

فرزند مرحوم حاج آقامهدی از خانوادههای معروف و محترم قم می باشد در کودکی به تهران مهاجرت و شغل وکالت دادگستری را انتخاب کرده است و سالهاست که مجله ترقّی(۱) و آسیای جوان(۲) و نشریات دیگری در تهران منتشر می کند و در مجلس مؤسسان اخیر عضویت داشته است.

پاورقی

۱ نک: شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۲۵۷ش، ص۱۲۹.

۲ همان: ۱۶.

«م»

قسمت اول

مجد الدین محمد بن مانکدیم الحسینی القمی(۱):

دانشمندی بزرگ و نسابهای مطلع بوده است، کتابی به نام «الانساب» تألیف کرده است.

مجد الملک، ابوالفضل اسعد بن محمد البراوستانی(۲) القمی:

مردی دانشمند و هنرمند بوده است، برکیارق پادشاه سلجوقی او را منصب وزارت داد(۳)، مجد الملك دیوان و دفاتر سلطانی را ناقص می دانست و درصدد اصلاح آن برآمد ولیکن سعایت مقربان سلطان و حسادت حسودان او را بکشتن داد بدون این که در انجام مقصودش توفیقی یافته باشد.

سال قتل او ۴۷۶ هجری است و جنازهاش را به کربلا حمل کرده و در آنجا دفن کردند.

محسن اشراقی:

فرزند مرحوم حاج میرزا محمد ارباب. و از فضـلاء و واعظان قم است و در فرهنگ قم دروس ادب عربی و فارسـی را تدریس می کند(۱).

پاورقی

۱ فهرست منتجب الدین: ۱۱۶; امل الآمل: ۵۰۷; جامع الرواه ۲/۱۸۸; تنقیح المقال ۳/۱۷۹.

۲ براوستان در ۴ کیلومتری قم واقع است.

۳ شـیخ عبدالجلیل رازی می نویسد: مجد الملک وزیری شـیعی معتقد و مستبصـر، عالم و عادل شـمرده شده آثار خیرات او در حرمین شـریفین مکه و مدینه ظاهر و در مشـهد ائمه طاهرین به سادات فاطمی احسانهای او متواتر است... از جمله آثار او قبه و بقعه ائمه بقیع(علیهم السلام) در مدینه طیبه است، و از

آثار خیریه او است بقعه مجلل امامین موسی الکاظم و امام محمد تقی(علیهما السلام) در کاظمین و مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی در ری و مسجد جامع قم.

محسن بن الرضی الدین محمد بن علی بن محمد بن پادشاه الرضی القمی(۲):

از دانشمندان و علماء قم است که سلسله نسبش به موسی بن مبرقع، نوه امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) منتهی می شود، در زمان سلطان حسین میرزا بایسنقر به مشهد مقدس مهاجرت و در همان شهر اقامت گزید و اکنون اعقاب او در آن شهرند.

محمد «ابن الشیخ»:

فرزند مرحوم حاج شیخ عباس، از فضلای حوزه علمی قم است، تحصیلاتش در قم و اساتیدش میر سید علی کاشانی و مرحوم آیت الله حائری یزدی در علوم فقه و اصول و آقا سید ابوالحسن قزوینی در علوم معقول بوده‌اند، و اکنون نیز از محضر آیت الله بروجردی استفاده می کند.

در سالهای اخیر اداره مدرسه فیضیه و دارالشفاء(۳) با ایشان بوده است.

محمد(۴) ارباب «مرحوم حاج میرزا محمد ارباب»:

از دانشمندان بزرگ حوزه علمی و از بزرگان قم و مردی صالح و پارسا و فقیهی صاحب نظر بوده، تحصیلاتش ابتدا در قم و سپس در اعتاب مقدسه بوده است. اساتید او حاج میرزا محمد حسن شیرازی و حاج میرزا حبیب الله رشتی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی(۱) بوده اند.

پاورقی

۱ وی در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹ در سن ۶۲ سالگی فوت کرد و در ضلع شمالی قبرستان شیخان دفن شد.

۲ خورشید پنهان از این جانب، گنجینه دانشمندان ۱/۱۱۴; تاریخ قم ناصر الشریعه: ۲۲۲.

۳ و مدرسه عبدالله خان، نک: آینه دانشوران: ۲۵۶.

۴ فرزند محمد تقی بیک معروف به ارباب که در حدود سال ۱۲۷۶

هجری قمری در شهر مقدس قم متولد شد.

پس از تکمیل تحصیلات و نیل به اجتهاد و مقام عالی علمی به قم مراجعت و در این شـهر، موقعیّت ممتازی کسب کردند، در اداره وتنظیم حوزه علمی قم با مرحوم آیت الله حائری همکاری می کرده است.

کتابی به نام «اربعین الحسینیه»(۲) تألیف فرمود و گاهی نیز به تفنن اشعاری سرودهاند. اشعار زیر از اوست:

چه خوش باشد که بعد از انتظاری

به امیدی رسند، امیدواران

جهان شد تیره چون شبهای تاریک

خدایا در رسان خورشید تابان

تو ای جام جهان رخساره بنما

که خستند از تعب آئینهداران

تو ای عدل خدا، کن دادخواهی

زجا خیز ای پناه بی پناهان

پاورقی

۱ و حاج میرزا حسین نوری.

۲ این کتـاب در سال ۱۳۲۸ تـألیف و در سال ۱۳۳۰ در تهران در ۴۴۴ صـفحه رقعی چاپ شده است، داستان این تألیف به این صورت نقـل شـده است: از مرحوم حـاج میرزا حسـین نوری صـاحب مسـتدرک الوسائـل می خواهنـد که بحار الانوار را برای چاپ، مقابله و تصـحیح کند، ایشان می گویند به سراغ آقا میرزا محمد قمی بروید و چون به ایشان مراجعه می کنند می پذیرد ولی در اثر انجام این کار بسـیار سـنگین و طولانی و پرزحمت، بینائی چشم خود را از دست میدهـد، در این تاریـخ نذر میکند که اگر خداوند او را شـفاء داده و بینائی چشـمش برگردد کتاب اربعین را بنویسد که خداوند او را شـفاء داده و ایشان هم این کتاب نفیس را تألیف می کنند. این کتاب شـرح چهل حدیث است و در آغاز حدیث او، سلسـله سند خود را از مرحوم حاجی نوری که شیخ اجازه او بود تا امام معصوم(علیه السلام)

یاد می کند.

تألیفات دیگر آن بزرگوار عبارتند از: شرح کتاب بیان شهید اول در فقه; شرح قصیده عینیه سید اسماعیل حمیری (لام عمرو...); رسالهای در ردّ فرقه ضاله بابیّه; حواشی بر دوره کتاب جواهر الکلام; دیوار اشعار در مرثیه سید الشهداء و...; حواشی بسیاری از کتابهای علمی; تصحیح کتاب غیبت نعمانی; تصحیح کتاب اثبات الوصیه مسعودی; تصحیح نسخه کنز العرفان فاضل مقداد; تصحیح و تحشیه بر منهاج النجاه فیض کاشانی.

قدم در کربلا بگذار و بستان

سر پر خون زدست نیزهداران(۱)

مرحوم آقا میرزا محمد تقی اشراقی واعظ و خطیب توانا و مرحوم ربانی و آقایان آقا محسن و آقا سعید(۲) و آقا محمد اشراقی(۳) فرزندان آن مرحومند که همگی اهل فضل و دانشند.

وفات مرحوم ارباب سال ۱۳۴۱ قمری بوده است(۴).

محمدباقر قمی «شیخ محمدباقر...»:

فرزند مرحوم آیت الله آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و از فضلا و دانشمندان فعلی قم است و در مسجد امام اقامه جماعت می نمایند، اساتید ایشان آیت الله حائری و مرحوم حجت و مرحوم خونساری(۵) بودند.

محمد باقر قمی «میرزا محمد باقر جوادی»:

فرزند مرحوم آقا شیخ محمود فرزند مرحوم آقا شیخ محمد جواد قمی و از فضلای قم و مردی پارسا است، مرحوم حائری و حجت و خونساری اساتید او بوده و اکنون نیز از شاگران آقای بروجردی است.

پاورقی

۱ تمامی اشعار را در مجله نور علم، مسلسل ۱۶، دوره دوم، ش ۴ ذکر کردهایم و در آنجا از ابعاد دیگر زندگی ایشان نیز پرده برداشته شده است.

۲ تنها یادگار بازمانده مرحوم ارباب، حجه الاسلام و المسلمین حاج آقا سعید اشراقی است که در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی متولد و از وعاظ قم می باشد و در

مسجد سیدان قم که توسط شخص ایشان تجدید بنا شده اقامه جماعت می کنند. ر.ک: مجله نور علم، دوره دوم ش۸۸۴ و گنجینه دانشمندان ۲/۳۳۹.

۳ و مرحوم آقا صالح اشراقی.

۴ قبر ایشان در قبرستان شیخان قم و مورد توجه مردم دانش دوست قم می باشد.

۵ و مرحوم والد محترم خود و مرحوم آیت الله فیض و مرحوم آیت الله بروجردی رحمهالله علیهم اجمعین بوده است.

محمد باقر «حاج سید محمد باقر متولی باشی»(۱):

فرزند مرحوم حاج سید حسین(۲) متولی، بعد از پدر متولی آستانه مبارکه فاطمه معصومه(علیها السلام) بوده و در زمان آن مرحوم آستانه وضع مرتبی داشته و در اثر حسن سلوک و سیاست ایشان آستانه با ترتیب خاص و آبرومندی اداره می شده و با تدبیر مخصوص به خود در کارهای شهر قم دخالت مستقیم داشته و در اغلب کارها با موفقیّت روبرو می شده است، مردی سخی و مردمدار بوده و درب منزلش بر روی همه مراجعه کنندگان باز بوده است، تأسیس مدرسه باقریه یکی از آثار نیکوی ایشان می باشد، در سال ۱۳۲۲ شمسی فوت نمود. و در رواق ایوان طلا مدفون گردیده است.

محمد برقعی «آقا میر سید محمد...»:

از دانشمندان و فضلا و پارسایان اخیر قم و فرزند(۳) مرحوم آیت الله آقا سید عبدالله بوده است، در تربیت طلاب و تدریس فقه و اصول اهتمام داشته است در سال ۱۳۵۰ قمری وفات یافت(۴).

محمد بن أبی اسحق القمی(۵):

از متکلمین و علماء قم است و تألیفاتی در جمع احادیث دارد، شیخ منتجب الدین و نجاشی او را یاد کردهاند.

پاورقی

۱ ترجمه او در کتب زیر آمده است: الامام السید محسن الامین سیرته ۱۶۹.

۲ و

او فرزند مرحوم میرزا محمد رضا متولی باشی بوده است.

۳ وی فرزند اکبر آقا سید عبدالله بوده.

۴ ودر مسجد بالاسر نزدیک قبر مرحوم آیت الله حایری دفن شد. ونیز ببینید: آثارالحجه ۱/۲۲۰.

۵ منتهی المقال ۵/۲۹۱; الفهرست: ۱۵۴; مجمع الرجال ۵/۱۰۰; رجال نجاشی: ۳۴۵; بلغهالمحدّثین: ۴۰۰.

محمد بن ابی القاسم، عبدالله بن عمران البرقی(۱):

کنیهاش «ابو عبدالله» و لقبش (ماجیلویه) است دانشمندی بزرگ بوده و در حدیث و روایت مورد اعتماد و ثقه همگان است، علامه حلی در خلاصه او را با عنوان «سیدنا» خطاب می کند، در ادب و شعر صاحب نظر و مطلع بوده و در علوم طب و حکمت نیز به استادی شناخته شده است، داماد احمد بن ابی عبدالله برقی بوده و از این پیوند فرزندی به نام «علی» زاده شده که مانند پدر اهل دانش و فضیلت بوده و از او کسب علوم کرده است. ماجیلویه تألیفاتی دارد از آن جمله است:

۱ کتاب المشارب.

۲ کتاب الطب.

۳ کتاب تفسیر حماسه ابی تمام.

قسمت دوم

محمد بن ابی المضر القمی (زین الدین)(۲):

مردی فاضل و ادیب بوده و طب نیز می دانسته است.

محمد بن ابی یزید رازی:

عدهایاو را از مردم قم دانسته اند، محدثوفقیه و از اصحاب امام صادق(علیه السلام)(۳)بوده است.

پاورقی

۱ درباره ایشان نک: رجال نجاشی ۳۵۲، ۲۹۱ ضمن ترجمه جدش عمران، خلاصه ۱/۱۵۵.

۲ در امل الآمل ابو المضر ودر فهرست منتجب الدین: ۱۲۰ بن ابی نصر.

۳ رجال طوسی ۴۰۷ او را از اصحاب امام جواد(علیه السلام) می داند.

محمد بن احمد بن ابی قتاده (ابو جعفر)(۱):

محدث و راوی موثقی است ابتدا در کوفه ساکن و با سائب بن مالک الاشعری دوست بوده است، با اشعریان

به قم آمد، کتابی دارد به نام «ما یجب علی العبد عند مضی الامام».

محمد بن احمد بن جعفر القمی «العطار»:

از روات و محدثین ارجمند و پارسای قرن سوم هجری بوده است ایّام امام حسن العسکری(علیه السلام) را دریافته و از جانب او وکالت داشته است، تمام نویسندگان رجال «محمد بن احمد» را به خصائل و فضائل عالی ستوده اند(۲).

محمد بن احمد بن داود القمی(۳):

از بزرگان محدثین و فقهاء قرن چهارم هجری است، در علوم فقه و حدیث و تفسیر، جامع و متبحّر بوده و تألیفاتی در هر یک دارد، قسمت اخیر عمرش را در بغداد گذرانده است(۴).

پاورقی

۱ رجال نجاشی: ۳۳۷; خلاصه ۱/۱۵۴.

۲ ر.ك: بهجه الآمال فی شرح زبده المقال ۶/۲۴۱; رجال طوسی: ۴۳۶; اختیار کشی، رقم ۱۰۱۹; خلاصه ۱/۱۴۳.

۳ وی در ۳۶۸ ه در بغداد فوت کرد و در مقابر قریش دفن شد.

۴ مؤلف کتاب الایرانیون والادب العربی نام ۱۲ کتاب وی را ذکر کرده است ر.ك: ۳/۱۲۵ تا ۱۲۷. در ترجمه او به کتب زیر میتوان مراجعه نمود: تذکره المتبحرین تألیف شیخ حر عاملی (چاپ شده در ذیل امل الآمل مطبوع در ذیل منهج المقال استرآبادی) ۴۹۶; رجال نجاشی: ۲۷۲; منهج المقال: ۲۷۹; ریحانه الادب ۵/۳۳۶; روضات الجنات ۶/۱۲۴; مجمع الرجال ۵/۱۳۴; الاعلام زرکلی ۶/۲۰۲; فهرست طوسی: ۱۳۶; رجال طوسی: ۵۱۱; خلاصه ۱/۱۶۲.

تألیفاتش از این قرار است:

۱ رساله فی عمل السلطان.

۲ کتاب الممدوحین والمذمومین.

۳ کتاب الرد علی المظهر الرخصه فی المسکر.

۴ کتاب البیان عن حقیقه الصیام.

۵ کتاب الذخائر.

۶ کتاب المزار.

۷ کتاب العلل.

۸ رساله فی عمل شهر رمضان.

۹ کتاب صلوه الفرج وادعیتها.

۱۰ کتاب الحجه.

۱۱

کتاب الحدیثین المختلفین.

۱۲ کتاب الرد علی ابن قولویه فی الصیام.

در سال ششصد و شصت و هشت «۶۶۸» در بغداد وفات یافت.

محمد بن احمد بن علی بن شاذان القمی(۱):

از فضلاء و محدثین قم است کتابی به نام «مناقب امیرالمؤمنین» تألیف کرده، و در آن به احادیث و روایات منقوله از طریق عامه استناد جسته است.

محمد بن احمد بن یحیی الاشعری:

کنیه اش ابو جعفر است، از روات و محدثین بزرگوار قمی است، شیوه او در نقل احادیث مورد سرزنش واقع شده و آن را نپسندیده اند، ولی خود او صالح و مورد اعتماد بوده است، محمد بن الحسن الولید روایات او را گلچین می کرده است زیرا صاحب ترجمه در احوال ناقلان و محدثان پیشین به دقت نظر نمی کرده است.

پاورقی

۱ منتهی المقال ۵/۳۲۹; رجال نجاشی: ۸۴; تعلیقه الوحید البهبهانی: ۲۸; طبقات قرن پنجم : ۱۵۰.

تألیفاتی دارد، از جمله:

۱ کتاب الملاحم.

۲ کتاب الطب.

۳ کتاب نوارد الحکمه.

۴ کتاب مقتل الحسین(علیه السلام).

۵ کتاب الامامه.

۶ کتاب المزار(۱).

محمد بن احمد بن علی القمی:

در کلمه «ابن شاذان» ذکر شد به آنجا رجوع شود.

محمد بن اسحق القمی(۲):

از محدثین و روات قم در اواخر قرن سوم هجری است.

محمد بن اسماعیل بن احمد بن بشیر البرمکی(۳):

کنیه اش ابو عبدالله، و لقبش «صاحب الصومعه» بوده است، از محدثین موثق است، کتابی به نام «التوحید» تألیف کرده است، ابن غضائری او را تضعیف کرده، و نجاشی و علامه، او را ستوده اند.

پاورقی

۱ ر.ک: بهجه الآمال ۶/۶۸۶; رجال نجاشی: ۳۴۸; فهرست طوسی: ۱۴۴; رجال طوسی: ۴۹۳; خلاصه ۱/۱۴۶.

۲ فهرست طوسی: ۱۵۴; رجال نجاشی: ۳۴۵; رجال طوسی: ۵۱۳.

۳ نک: رجال

نجاشی: ۳۴۱; خلاصه ۱/۱۵۴.

محمد بن اُورمه القمی(۱):

از محدثین ارجمند قم در قرن سوم هجری است، عده ای از قمیین او را از «غلات» دانسته و متهمش کردند و حتی درصدد قتل او برآمدند، ولی کذب این افترا آشکار شد، ابن غضائری او را موثق شمرده و تمام روایات او را صحیح دانسته است، نجاشی و دیگران نیز چنین گفته اند، تنها، علامه او را تضعیف کرده است.

کتابی به نام «الرد علی الغلات» تألیف کرده است.

محمد بن بکران بن حمدان(۲):

از روات قرن چهارم هجری است و به «نقاش» مشهور بوده است، از مشایخ شیخ صدوق است، و به این علّت مورد تکریم و تجلیل او است.

محمد بن بندار بن عاصم(۳):

کنیه اش ابو جعفر است. از محدثانی است که نجاشی و علامه او را توثیق کرده اند، کتابی به نام «المثالب» تألیف کرده است.

پاورقی

۱ رجال نجاشی: ۳۲۹; فهرست طوسی: ۱۴۳; رجال طوسی: ۳۹۲ و ۵۱۲; الخلاصه ۲/۲۵۲.

۲ نک: رجال طوسی: ۵۰۴.

۳ رجال نجاشی: ۳۴۰; فهرست طوسی: ۱۴۰; رجال طوسی: ۴۹۴; خلاصه ۱/۱۵۴.

محمد بن جعفر بُطّه المؤدب القمی(۱):

کنیه اش ابو جعفر است از محدثین و روات قم است، درباره او مختلف اظهارنظر کرده اند، بعضی او را از «ضعیفان» شمردهاند، کتب زیادی تألیف کرده است عده از تألیفاتش بدون نام و با عدد شماره گذاری شده و تا چهل می رسد.

۱ کتاب قرب الاسناد.

۲ کتاب تفسیر اسماء الله.

محمد بن حسن بن ابی خالد القمی الاشعری(۲):

از محـدثین قم است، و به دیـدار امام علی بن موسـی الرضا توفیق یافته و از او حدیث آموخته است، و همچنین وکیل سـعد بن سعد بوده است، او را به عدالت

و درستی ستوده ند.

محمد بن حسن بن احمد بن الولید(۳):

کنیهـاش ابو جعفر است به نقـل نجاشـی و علامه از رؤسا و زعماء بزرگ قم و موثق و مورد اعتماد بوده است. تألیفاتی دارد از این قرار:۱ کتاب تفسیر القرآن.

۲ کتاب الجامع(۴).

وفاتش در سال ۳۴۳ بوده است.

پاورقی

۱ رجال نجاشی: ۳۷۳; خلاصه ۱/۱۶۰.

۲ رجال طوسی: ۳۹۱.

۳ رجال نجاشی: ۳۸۲; فهرست طوسی: ۱۵۶; رجال طوسی: ۴۹۵; خلاصه ۱/۱۴۷; دائرهالمعارف بزرگ اسلامی ۵۹/۸۸، مقاله استاد محمد جواد شبیری.

۴ والفهرست، که مورد استفاده نجاشی و شیخ طوسی در فهرست بوده است.

محمد بن حسن بن بندار القمی(۱):

از روات حدیث است، شیخ کشی او را با محمد بن حسن بن جمهور یکی می داند.

محمد بن حسن جمهور القمی:

از محدثان است، تألیفاتی دارد:

۱ کتاب ملاحم.

۲ کتاب صاحب الزمان.

۳ کتاب وقت خروج القائم.

محمد بن حسن بن حسوله بن صالحان قمی:

خطیبی دانشمند بوده است و همچنین محدثی جلیل است، شاذان بن جبریل از او روایت می کند.

قسمت سوم

محمد بن حسن الطوسی:

پدر علامه خواجه نصیر طوسی است، از فضلاء قم و از اهل جهرود بوده است.

محمد بن حسن بن علی بن محمد بن احمد القمی(۲):

از محدثین و فقهاء بزرگ قم است، شیخ صدوق در مقدمه کتاب «اکمال الدین» او را بسیار ستوده است(۱).

پاورقی

۱ اختیار الکشی رقم ۳۹۶، ۱۱۲۳; منتهی المقال ۶/۱۱; تعلیقه الوحید: ۲۹۰.

۲ منتهی المقال ۶/۲۲; تعلیقه وحید بهبهانی: ۲۹۲.

محمد بن حسن بن فرّوخ الصفّار(۲):

از دانشـمندان و محدثان جلیل و ارجمند قرن سوم هجری و از اصحاب امام عسکری(علیه السلام) است، فقیهی جامع و محدثی موثق و مورد اعتماد است. در سال ۲۹۰ هجری قمری در شهر قم وفات کرده

است.

تألیفات بسیاری دارد، کتاب «بصائر الدرجات» از آن جمله است.

محمد بن حسن القمی(۳):

از محدثان موثق و بعضی او را همان محمد بن حسن الولید دانسته اند.

محمد بن حسین بن المنتهی الحسنی:

لقبش «ناصر الدین» بوده است مردی فقیه و صالح بود و در قم شغل قضاء داشته است(۴).

محمد بن حمزه بن الیسع القمی(۵):

برادر احمد بن حمزه است، از اصحاب امام ابی الحسن علی بن محمد الهادی(علیهما السلام) است، مورد توثیق و تعدیل واقع شده، و کتابی نیز تألیف کرده است.

پاورقی

۱ اکمال الدین: ۳.

۲ رجال نجاشی: ۳۵۴; فهرست طوسی: ۱۴۳; رجال طوسی: ۴۳۶; الخلاصه ۱/۱۵۷; منتهی المقال ۶/۲۳.

۳ رجال طوسی: ۴۹۱; اختیار کشی رقم ۳۹۶، ۱۱۲۳; خلاصه ۱/۱۴۸.

۴ فهرست شیخ منتجب الدین: ۱۰۴; امل الآمل: ۵۱۰; جامع الرواه ۶/۳۶۳; تنقیح المقال ۲/۲۴۷.

۵ رجال طوسی: ۴۲۶; رجال نجاشی: ۴۶۰; خلاصه ۱/۱۸۷.

محمد بن خالد الاشعری(۱):

از روات قمیین بوده کتابی نیز تألیف کرده است.

محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی البرقی، به «ابو عبدالله محمد» رجوع شود.

محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی البرقی:

به «ابو عبدالله محمد» رجوع شود.

محمد بن محمد رضا القمی(۲):

از دانشمندان و علماء متأخر قم است، تألیفات او از اینقرار است:۱ انجاح المطالب در معانی و بیان منظوم.

۲ کنز الدقائق و بحر الغرائب در تفسیر، منظوم.

۳ رسالهای در اعمال سال به فارسی.

۴ رسالهای در احکام صید و ذباحه به عربی.

محمد بن الریان بن الصلت الاشعری(۳):

از محدثانوفقهای قرن سوم هجریاست در مسائل مختلف از امام الهادی(علیه السلام)سؤالاتی کرده است و همچنین از اصحاب آن حضرت شمرده شده است.

پاورقی

۱ رجال نجاشی: ۳۴۳; فهرست طوسی: ۱۵۳; خلاصه ۱/۱۵۵.

۲ مقدمه تفسیر شریف کنز

الدقائق به قلم استاد محمد هادی معرفت; روضات الجنات ۷/۱۰۵; المفسرون حیاتهم و منهجهم: ۵۹۳.

۳ رجال نجاشی: ۳۷۰; فهرست طوسی: ۹۰ ضمن ترجمه برادرش علی; رجال طوسی: ۴۲۳، اختیار کشی رقم ۱۰۳۷; خلاصه ۱/۱۴۲.

محمد بن زین العرب الحسنی القمی(۱):

لقبش «ناصر الدین» و مردی فاضل و فقیهی پارسا بوده است.

محمد بن سالم القمی(۲):

از اصحاب امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) است.

محمد بن سلیمان القمی:

از اصحاب امام جعفر الصادق(علیه السلام) است.

محمد بن سهل بن الیسع بن عبدالله بن سعد بن مالک بن الاحوص الاشعری(۳):

از صحابه امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) بوده و مسائلی از آن حضرت پرسیده است، کتابی در جمع احادیث دارد.

محمد بن عبدالجبّار (ابن أبی الصهبان)(۴):

محدّثی موثق و از اصحاب امام الهادی(علیه السلام) است، شیخ منتجب الدین و علامه او را قمی دانستهاند.

محمد بن عبدالعزیز بن ابی طالب:

فقیهی پارسا و صالح بوده است(۵).

پاورقی

۱ فهرست شیخ منتجب الدین:۱۱۸: املاآمل:۵۰۲: جامع الرواه۲/۱۵۳; تنقیح المقال ۳/۱۵۴.

۲ رجال طوسی: ۳۹۲; تنقیح ۳/۱۱۹; منهج المقال: ۲۹۷; مجمع الرجال ۵/۲۱۵; معجمرجال الحدیث ۱۶/۱۱۹.

۳ رجال نجاشی: ۳۶۷; فهرست طوسی: ۱۴۷; رجال طوسی: ۳۸۸.

۴ منتهی المقال ۶/۸۶; رجال شیخ: ۴۲۴; خلاصه: ۱۴۲.

۵ فهرست منتجب الدين: ۱۰۸; امل: ۵۰۳; جامع الرواه ۲/۱۳۹; تنقيح المقال ۳/۱۳۹.

محمد بن عبدالله بن جعفر بن الحسين بن جامع بن مالك الحميرى (ابو جعفر)(۱):

از فقها و محدثان اواخر قرن سوّم هجرى است. با حضرت صاحبالامرعج مكاتبه داشته و در مسائل مختلف از آن حضرت سئوالاتى كرده است، همگان او را به عدل و درستى ستوده و تأليفاتى به او نسبت داده اند.

محمد بن عبدالله بن عيسى الاشعرى(۲):

از اصحاب امام على بن موسى الرضا]عليه السلام[است.

محمد بن عبدالمؤمن (مؤدّب)(۳):

از

محدثانموثق قماست. نجاشی و علامه برای او تألیفاتی بدست میدهند.

محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه «شیخ صدوق»:

به کلمه ابو جعفر محمد مراجعه شود.

محمد بن علی بن احمد بن هشام القمی(۴):

کنیه اش ابو جعفر است از محدثان است و از محمد بن علی ماجیلویه روایت می کند.

پاورقی

۱ رجال نجاشی: ۳۵۴; فهرست طوسی: ۱۵۶; رجال طوسی: ۴۱۴، ۵۱۲; خلاصه ۱/۱۵۷.

۲ نک: رجال طوسی: ۳۸۹.

۳ و نیز نک: رجال نجاشی: ۳۷۸; الخلاصه ۱/۱۶۱.

۴ نک: رجال شیخ طوسی: ۵۰۷.

محمد بن علی بن جاک(۱):

در قمی بودن او اختلاف است. کنیهاش ابو طاهر و از محدثان موثق است.

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه:

به (ابو جعفر علی) رجوع شود.

محمد بن علی بن عیسی الاشعری(۲):

از محدثان قرن سوم است و از صحابه امام ابی الحسن علی بن محمد الهادی است، در شهر قم امارت داشته است، پرسشهائی از امام(علیه السلام)دارد.

محمد بن علی ماجیلویه(۳):

از روات و محدّثان اواخر قرن چهارم هجری است، شیخ صدوق از او روایت می کند، و در مواردی که اسمش را ذکر می نماید او را تجلیل و تکریم می فرماید. شیخ جزایری در کتاب حاوی، او را از ثقات شمرده است.

محمد بن علی بن محبوب الاشعری(۴):

«ابو جعفر» کنیه او است و در عصر خود بزرگ و قائد قمیین بوده است

پاورقی

۱ نک: رجال نجاشی: ۳۴۲; خلاصه ۱/۱۵۵.

۲ نک: رجال شیخ طوسی: ۴۲۲.

۳ نک: رجال شیخ طوسی: ۴۹۱.

۴ رجال نجاشی: ۳۴۹; رجال شیخ طوسی: ۴۹۴; فهرست طوسی: ۱۴۵; خلاصه ۱/۱۵۶. در تمامی منابع رجالی موجود وثاقت وی به چشم می خورد و در جلد ۱۷ معجم رجال الحدیث طی ۱۸ صفحه ترجمه او و روایات

و استادان و شاگردان و...، آمده است.

فقیهی پارسا و دانشمندی محبوب بوده است.

تألیفاتی دارد از آن جمله:

۱ کتاب الجامع در ابواب فقه.

۲ کتاب الزبرجد.

۳ کتاب الزمرد.

۴ کتاب الضیاء والنور فی الحکومات(۱).

محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک الاشعری(۲):

از محدثان ارجمند و پارسای قمی اواخر قرن دوّم هجری است به دیدار امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) و امام محمد بن علی النقی (ع)مشرف شده و از ایشان حدیث و فقه آموخته است، نجاشی و علامه و شهید ثانی و وحید بهبهانی و شیخ جزایری او را بسیار ستوده و توثیقش کرده اند.

محمد بن قولویه(۳):

از روات و محدثان بزرگوار قم و پدر جعفر بن محمد بن قولویه است که ترجمه او را در ذیل کلمه «ابوالقاسم» یاد کردیم. محمد بن قولویه از سعد بن عبدالله و دیگران روایت می کند، قبر او اکنون در باغ ملّی قم است.

محمد بن محمد بن الحسن الطوسی:

به کلمه (خواجه نصیرالدین) رجوع شود.

پاورقی

۱ و نیز کتابهای نوادر، صلاه، جنائز، زکات، صوم، حج، نکاح، رضاع، طلاق، حدود، دیات، تولد، وضوء و کتاب ثواب. (وفات وی بعد از ۲۸۰ بوده است)

۲ درباره ایشان نک: رجال نجاشی: ۳۳۸; اختیار کشی، رقم معرفی: ۹۳۷; خلاصه ۱/۱۵۴; و اشعریان قم.

۳ نک: رجال طوسی: ۴۹۴; خلاصه ۱/۱۶۴.

محمد بن محمد بن الحسین بن مرزبان القمی:

مردی دانشمند و موثق است.

محمد بن محمد، مفید القمی:

به «قاضی سعید» رجوع شود.

قسمت چهارم

محمد بن یحیی العطار(۱):

کنیهاش ابو جعفر است، از محـدثین و فقهاء بزرگ قم می باشـد، کتابهائی تألیف کرده و روایات بسـیاری از طرق او نقل شده است. در حدیث موثق و مورد اعتماد است،

شیخ کلینی رحمه الله علیه از او روایت می کند.

محمد تقی اشراقی:

از دانشمندان اخیر شهر قم، و از خطبا و سخنوران بی نظیر بود، فرزند مرحوم میرزا محمد ارباب و در سال ۱۳۱۳ قمری متولد شد. اساتید او به غیر از مرحوم والدش، آشیخ ابوالقاسم کبیر و مرحوم آیت الله حائری بودهاند.

مرحوم اشراقی دارای مقام والای علمی در فقه و اصول و کلام و فلسفه و ادب فارسی و عربی بوده و بر تمام فضایل خود نکته سنجی و دقت و ریزه کاری و لطف سخن را با بیان سحرآمیزی افزوده بود خطبه ها و سخنرانی های ایشان در شهر قم، و دیگر شهرها معروف است.

پاورقی

۱ درباره ایشان نک: رجال نجاشی: ۳۵۳; رجال طوسی: ۴۹۵; خلاصه ۱/۱۵۷.

از تألیفات ایشان تفسیر سوره یوسف و تفسیر سوره «ن والقلم» چاپ شده است(۱).

پاورقی

۱ مؤلف گنجینه دانشمندان می نویسد: «مرحوم علامه اشراقی دارای مقام اجتهاد بوده، و حقّاً در هر علم و فنی از فقه و اصول و کلام و حکمت و فلسفه مهارت داشته وتفسیر را با بیانی شیرین بیان می نمود و... علم خود را به زیور حلم و وقار و تواضع و حسن اخلاق آراسته و در این فضائل گوی سبقت از بسیاری از اقران خود ربوده بود و...». مؤلف محترم الوقایع والحوادث (ج۱/۳۰۲) مینویسد: مرحوم اشراقی از گویندگانی بود با سرمایه علمی، و در جهات اخلاقی فردی نمونه، و عنصری صریح، با شهامت، فداکار، شجاع، بی تملّق، متواضع، باوقار، خادم، مستقیم، محکم، مروّج، بی پروا و در سخن گفتن، غیرقابل نفوذ، آزادمنش، منظّم، خوش سلیقه، مبارز، شیردل... روشن دل، پاک سرشت و به

طور کلی نمودار اخلاقی عالی اسلام به شمار میرفت... هرگز تن زیر بار پول و مقام نمی داد. از مقامات مادی حساب نمی برد، با کمال شهامت نقاط ضعف و علل بدبختی جمعیّت را یادآوری می نمود، و در همین راه هم جان را فدای حق گویی کرده... معظم له در سال ۱۳۶۷ بنا به دعوت قبلی اهالی محترم تهران در آن شهر منبر میرفت ولی در روز ۲۴ ماه مبارک رمضان در ضمن سخنرانی اشاراتی به وضع نابسامان مملکت و تسلط نادانان و هجوم واردات لوکس و بی فایده و هدر رفتن پول کشور و تلف شدن خون مردم، کرد و فردای آن روز فوت کرد. پیکر پاک این عالم جلیل القدر پس از تشییع باشکوه و احترام فراوان در مسجد بالاسر نزدیک قبر استادش مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری به خاک سپرده شد. وی دارای طبع شعر بود و گاهی تفنناً شعر می سرود، قطعه زیر نمونه ای از اشعار اوست:

از زندگی خویش پشیمانم

زیراک به مردگان همی مانم

رازیست در درون این گیتی

کش من بسی خزنده و خواهانم

لیکن بگور جهل همی اندر

بگرفته مار و مور گریبانم

جهل که زایدم همگی حیرت

در سه خلقت است زرحمانم

رحمان این همه درد و رنج

داده است از چه سهم فراوانم

بی دانشی من نه زدانشهاست

کز این دانشها چو سلیمانم

صرف و مَجَسطی و نحو و فقه

عرفان و فلسفه همه می دانم

گاهی لطیف و فرشته وار

گاهی پلید و پست چو حیوانم

گاهی چو تار سست بود عهدم

گاهی چو کوه سخت به پیمانم

گاهی به اوج ذرّه لاهوتم

گاهی به مهوی عالم امکانم

ر.ک: گنجینه دانشمندان ۲/۳۳۸; و خطباء المنبر الحسینی.

از فرزندان آن مرحوم، آقای شهاب اشراقی(۱) از

جوانان دانشمند حوزه علمی است و به حقیقت خلف صدق او است.

محمد تقی خونساری «مرحوم آیت الله آقا سید محمد تقی خونساری»:

از مراجع و علماء بزرگ اخیر حوزه علمی قم بودند، فرزند سید اسدالله خونساری و در سال ۱۳۰۶ قمری در خونسار متولد شده است پس از کسب علوم مقدماتی در سال ۱۳۲۲ به نجف اشرف مشرف و در آن شهر، به خدمت مرحوم علامه طباطبائی یزدی و آیت الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی پیوسته است و پس از آن شاگردی مرحوم آقا ضیاء عراقی و مرحوم نائینی را پذیرفته و همچنین علوم معقول را نزد ملا علی قوچانی فرا گرفته است.

در سال ۱۳۳۳ قمری مصادف با جنگ بین الملل اول به پایمردی و هم قدمی مردم و عشایر عرب و مجاورین ایرانی ساکن عراق با نیروهای اشغالگر به جنگ پرداخته و به همین علت به دست آنها اسیر و به هند برده شد و تا خاتمه جنگ در آن دیار به رسم تبعید باقی بود، پس از آزادی(۲) به ایران مراجعت کرده به خونسار و سپس به اراک متوجه شد، در این شهر به خدمت آیت الله حائری پیوسته و خود نیز به تدریس و تعلیم علوم و معارف اسلامی پرداخت، در مهاجرت آیت الله حائری به شهر قم، ایشان نیز همراهی کرد و در این شهر سکونت اختیار کردند، پس از رحلت مرحوم حائری، مرجعیّت یافته و گذشته از تدریس و تعلیم فقه و اصول، قسمتی از حوزه علمی را اداره می فرمودند.

پاورقی

۱ ایشان در ۱۳۰۲ شمسی در قم از مادر زاده شد و در مهد تربیت پدر دانشمند خود رشد و

نما کرد و تحصیلات جدید را تا اخذ دیپلم و آشنائی کامل به زبان فرانسه ادامه داد و از سال ۱۳۲۱ رسماً به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. از اساتید او بجز والد بزرگوارش از مرحوم آیتالله حاج سید محمد محقق داماد، و حضرت آیه الله حاج آقا روح الله موسوی خمینی نام می بریم. از معظم له تألیفات زیادی به یادگار مانده است که به معرفی کتب مطبو ع ایشان بسنده می کنیم: ۱ پاسداران وحی (در امامت که با همکاری حضرت آیت الله محمد فاضل نوشته شده است) ۲ چهرههای درخشان (در آیه تطهیر) ۳ سخن حق (در تفسیر)، جناب ایشان در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی از دنیا رفت و در حرم دفن گردید. ر.ک: گنجینه دانشمندان ۲/۷۰۶۹ واهل البیت یاچهره های درخشان چاپ دفتر نشرفرهنگ اسلامی: ۱۵۲.

۲ در وجه استخلاص و چگونگی آزادی در «نجوم امّت» آوردهایم که یکی از بزرگان عرب که جزء اسراء بود در آنجا مدتی از محضر مرحوم خوانساری حکمت و فلسفه فرا گرفته و متقابلاً ایشان از آن مرد، زبان انگلیسی می آموخته است و چون آن شخص قبل از مرحوم خوانساری آزاد می شود، در جهت استخلاص مرحوم خوانساری تلاش می نماید و در نتیجه معظم له آزاد می گردد.

مرحوم خونساری گذشته از مراتب علمی و مذهبی مردی رؤف و مهربان و متواضع، و آشنا به امور اجتماعی بودند، در سال ۱۳۳۰ به موافقت مردم و آزادی خواهان، نظریه «ملی شدن صنعت نفت» را تأیید و در سال بعد مردم را برای انتخاب نمایندگان لایق و آشنا به وظائف مذهبی و ملّی ترغیب فرمودند(۱).

در

همین سال(۲)، در ایّام تابستان که به دعوت مردم همدان به آن شهر رفته بودند، در ماه رمضان چشم از جهان فرو بست، جنازهاش به شهر قم آورده شد و در کنار گور مرحوم حائری به خاک سپرده گردید.

فرزندان آن مرحوم اغلب اهل فضل و دانشند آقای سید محمد باقر موسوی(۳)، و آقا سید علی، ارشد اولاد ایشان و از فضلاء کنونی حوزه علمی قم می باشند.

از وقایع شایسته ذکر دوره زندگی ایشان، نماز استسقائی است که در سال ۱۳۶۳ هجری مرحوم خونساری با شرکت جماعت زیادی از مردم در مصلای خاک فرج قم خواندند، نگارنده خود با آن جماعت نماز خواندم، پس از بازگشت به شهر، باران شروع شد و تا صبح ادامه یافت و به این طریق، دعای آن جماعت نمازگزار مستجاب گردید(۱).

پاورقی

۱ و در مبارزه علیه کشف حجاب نقش مؤثری ایفا کرد.

۲ در ۱۳۷۱ قمری در هفتم ذی الحجه ۱۳۷۱.

۳ صاحب کتاب انصاف در امامت.

محمد تقی رضوی(۲):

فرزند حاج سید اسحق رضوی، از دانشمندان و علمای پارسا و صالح قم بوده و در مسجد امام اقامه جماعت می کرده است، بر خطبه حضرت صدیقه(علیها السلام)، شرحی نگاشته(۳) و در تهران طبع شده است. در قم وفات(۴) و در شیخان مدفون شده است.

محمد جواد قمی(۵) «حاج شیخ...»:

فرزند مرحوم حاج غلامرضا قمی است در سال ۱۲۹۵ هجری قمری در نجف متولد شد و در جوانی به قم و سپس تهران مسافرت و نزد اساتید آن زمان(۶) تحصیل کرده است. تألیفاتی دارند:

پاورقی

۱ درباره نماز باران و برپا کنندگان آن اینجانب کتابچه ای ترتیب داده است که ان شاء الله تعالی به زودی منتشر خواهد

شد.

۲ علامه متتبع حاج آقا بزرگ تهرانی از دوستان وی بوده و در «نقباء البشر» وی را این گونه ستوده است: «عالم ادیب ورع صالح».

۳ نام این کتاب الدره البیضاء است. وی تمام تبصره را به نظم شیوا کشید، و آن را «التبصره المنظومه» نامید.

۴ در ۲۴ ج۱ سال ۱۳۴۴ه . ق. وفات کرد. ر.ک: مختار البلاد: ۲۵۴; فهرست رضویه ۵/۲۶۷; مؤلفین کتب چاپی ۲/۱۹۵، ر.ک: طبقات ۱/۲۴۵; معجم رجال الفکر: ۳۵۷; وفیات علماء: ۷۰۵، میراث ۴.

۵ وی و سه برادرش (حاج میرزا عبدالهادی، شیخ محمد، شیخ حسین) به «حاج آخوند» اشتهار دارند. در معجم رجال الفکر آمده: «... عالم متتبع فاضل مؤلف مکثر کاتب جلیل».

۶ اساتید او عبارتند از: مرحوم سید میرزای اصفهانی و سید محسن قمی و والد دانشمندش و مرحوم آیت الله حاج آقا احمد طباطبائی و مرحوم میرزای آشتیانی مرحوم حاج شیخ علی نوری و مرحوم میرزا محمود حکمی و مرحوم شیخ عبدالحکیم سبزواری و مرحوم سید محمد کاظم یزدی و مرحوم ملا محمد کاظم خراسانی. و ی در سال ۱۳۳۳ از نجف اشرف بازگشت و در قم ساکن گردید و به جای پدر بزرگوار خود امامت کرد و در اوائل زعامت مرحوم آیت الله بروجردی دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت و در قبرستان شیخان به خاک رفت. ر.ک: روزنامه ندای حق ش۸، سال دوم، مقاله آقای حسین عماد زاده; آثار الحجه ۲/۶۶; گنجینه دانشمندان ۲/۱۲۱; هدیه ۱/۲۵۹; اعیان ۱۷/۱۸۱; طبقات ۱/۳۳۷; معجم رجال الفکر والادب: ۳۵۷.

۱ صراط المستقیم در چهار جلد، در احکام فقه و اصول عقاید.

۲ سعادت بشر در مسأله نبوت.

۳

آینه حق در مسأله امامت.

۴ کیمیا در مسأله معاد.

۵ توحید، دو مجلد.

۶ یاقوت در مباحث فلسفه و کلام.

قسمت پنجم

محمد حاج آخوند:

فرزند حاج غلامرضا قمی معروف به حاج آخوند از فضلای فعلی حوزه علمیه قم و مانند برادران خود مورد توجه عموم است.

محمد حجت «مرحوم آیت الله سید محمد حجت تبریزی «کوه کمری»:

دانشمند بزرگ و مرجع عالیمقدار، و فقیه پارسائی بود که با همّت بزرگ و اراده متین در تربیت و تعلیم جویندگان فضل و دانش و حفظ معارف اسلامی کوشش ها کرده است.

فرزند مرحوم حجه الاسلام سید علی آقای کوه کمری و در سال ۱۳۱۰ هجری قمری در شهر تبریز متولد شده علوم مقدماتی را نزد پدر خود و فضلای آن شهر فرا گرفته و سپس در سال ۱۳۳۰ قمری به نجف اشرف، مشرف گشته است در آن دیار در خدمت اساتید بزرگ زمان، مرحوم سید محمد کاظم یزدی و مرحوم سید ابو تراب خونساری و مرحوم شریعت اصفهانی و مرحوم شیخ علی قوچانی و شیخ علی گنابادی و مرحوم نائینی و آقا ضیاء عراقی و حاج سید محمد فیروزآبادی فقه و اصول و علوم دیگر را فرا گرفته است و در همان زمان خود به تدریس پرداخت ولی به علت کسالت مزاج و ناسازگاری آب و هوای آن شهر در سال ۱۳۴۹ هجری قمری به قم مهاجرت فرمودند در شهر قم مورد استقبال و عنایت آیت الله حائری یزدی قرار گرفته و به تدریس علوم و تربیت طلاب و دانش پژوهان پرداختند پس از فوت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم، مرجعیّت یافته و مانند مرحوم آیت الله صدر و مرحوم آیت الله

خونساری، اداره قسمتهائی از حوزه علمی قم را به عهده گرفتند و در این وقت مقدمات تأسیس مدرسهای را برای سکونت و تحصیل طلاب علوم دینی، متناسب با خصوصیات زمان، تهیّه، و ساختمان آن را شروع کردند.

در این مدرسه مسجد باشکوهی نیز ساختمان شده که یکی از حجرات جنب آن مدفن مرحوم آیت الله حجت واقع شده است، وفات آن مرحوم در ۲جمادی الاولی سال ۱۳۷۲ قمری مطابق ۱۳۳۲ شمسی، اتفاق افتاد.

فرزندان آن مرحوم آقایان حجه الاسلام آقای سید حسن(۱) و آقای سید محسن(۲) از افاضل حوزه علمی هستند(۳).

پاورقی

۱ ترجمه احوال ایشان در: گنجینه دانشمندان ۲/۱۳۲; آثار الحجه ۱/۱۹۲ آمده است.

۲ ترجمه احوال ایشان در: گنجینه دانشمندان ۲/۱۳۰; آثار الحجه ۱/۱۴۰ و۱۹۳; الذریعه ۲۴/۴۲۱; معجم مؤلفی الشیعه: ۳۶۰; مؤلفین کتب چاپی ۵/۲۱۵ آمده است.

۳ مرحوم آیه الله حجت دو پسر دیگر و سه دختر داشتند که یکی از دختران معظم له همسر مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری بود.

محمد حسن قمی «شیخ محمد حسن وزوائی(۱)»:

از دانشمندان شهر قم، به تهران مهاجرت کرد و در همانجا سکونت گزید، وفاتش در ۱۳۱۰ قمری و در قبرستان شیخان مدفون شد(۲).

محمد حسن «شیخ محمد حسن نادی»:

از فضلا و دانشمندان زمان خود بوده علوم مقدماتی را در قم فرا گرفته و سپس در نجف اشرف به تکمیل آن پرداخته است پدرش به استاد «نادی» مشهور بوده و به همین مناسبت به او نیز نادی گفته اند(۳). در سال ۱۳۱۷ قمری وفات یافته(۴).

محمد حسن «میرزا آقاسی»(۵):

از دانشمندان قرن اخیر قم است، تحصیلات مقدماتی او در قم بوده و سپس در نجف اشرف از خدمت شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام

و شیخ انصاری فقه و اصول را به طور کامل فرا گرفته است و سپس به شهر قم مراجعت و در این شهر به حل مشکلات و حکومت در مرافعات پرداخته است در سال ۱۳۰۴ هجری قمری وفات و در شیخان مدفون گردید.

پاورقی

۱ «وزوا» از بلوک قم است که تا شهر ده فرسنگ فاصله دارد.

۲ در مآثر و آثار آمده است که او: عالمی عادل است و فقیهی فاضل. مرحوم میرزای فیض مینویسد: عالمی است عامل و فاضلی است کامل که در فنون علوم و رسوم دانش صاحب بینش است و بدین جهت طلاب این ولایت را روی استفاده بدان حضرتست، و همه روزه در مدرس تدقیق وحوزه تحقیقش حل مشکلات و توضیح معضلات می نمایند، و در تعمق فکر و تشحیذ ذهن و اصابت رأی و استقامت خاطر در این ولایت کسی او را همانند نیست...

۳ وی به چهارمردانی هم اشتهار داشته و علّتش این بوده که در محله چهارمردان قم سکونت داشته است.

۴ مدفن او قبرستان شیخان است.

۵ مرحوم میرزا فیض گوید: «وی عالمی است عامل و فاضلی است کامل شخصش به همه صنوف کمال آراسته است و خلقش از جمیع رذایل پیراسته; از بدو عمرش تاکنون به هیچ مکروهی آلوده نشده است...». و نیز نک: گنجینه دانشمندان ۱/۱۳۴.

محمد حسین «شیخ محمد حسین پائین شهری»(۱):

از دانشمندان پارسا و مجتهدین شهر قم بوده است، و در بقعه علی بن جعفر(علیهما السلام) مدفون است.

محمد حسین طباطبائی تبریزی:

از اساتید دانشمندان حوزه علمی قم است، و در حقیقت موجب افتخار جامعه علمی ایران و شیعیان است. در سال ۱۳۲۱ هجری قمری در تبریز متولد و پس از

اکتساب علوم مقدماتی به نجف اشرف مشرف شده است و در آن دیار نزد مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم نائینی و مرحوم حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی علوم منقول را فرا گرفته، و علوم معقول و فلسفه را در خدمت حاج سید حسین بادکوبه ای تدرس کرده است(۲) در سال ۱۴۵۴(۳) به تبریز مراجعت و پس از ده سال توقف در آن شهر به قم مهاجرت و توطن فرموده است اکنون با تدریس علوم فقه و تفسیر و فلسفه طلاب علوم را از خرمن فضائل خویش بهره مند می فرمایند.

پاورقی

۱ نک: گنجینه دانشمندان ۱/۱۳۸.

۲ نسب شریف ایشان در «رساله انساب آل عبدالوهاب» به قلم شخص معظم له آمده است، وی فرزند مرحوم محمد بن محمد حسین بن علی اصغر شیخ الاسلام بن میرزا محمد تقی قاضی طباطبائی است.

۳ اساتید دیگر ایشان عبارتند از: ۱ مرحوم آیت الله سید محمد حجت که علامه طباطبائی کلیات علم رجال را از محضر وی آموخته ۲ مرحوم سید ابوالقاسم خونساری در حساب استدلالی و یک دوره هندسه مسطحه و فضائی و جبر استدلالی ۳ مرحوم آیت الله حاج میرزا علی ایروانی ۴ و مرحوم آیت الله میرزا علی اصغر ملکی که استاد، مراتبی را نزد آن دو تحصیل کرده است ۵مرحوم آیت الله حاج میرزا علی قاضی طباطبائی در اخلاق و عرفان.

آثار ایشان که بعضی آنها چاپ گردیده از این قرار است:۱ تفسیر المیزان در شش(۱) مجلد که تاکنون ۲ مجلد از آن چاپ شده است به عربی.

۲ اصول فلسفه یا روش رئالیسم(۲) در مباحثی از فلسفه به فارسی.

پاورقی

۱ در

۲۰ جلد که کلیه مجلدات و ترجمه آن به فارسی نیز که توسط جمعی از فضلا و دانشمندان صورت گرفته به چاپ رسیده است.

۲ در پنج جلد این کتاب تاکنون دو مرتبه تعریب شده است یک بار توسط استاد جعفر سبحانی.

این کتاب توسط آقای محمد هادی فقهی ترجمه و تحقیق و منتشر شده است.

فهرست سایر آثار گران سنگ استاد علامه طباطبائی: شیعه در اسلام; قرآن در اسلام که به انگلیسی و اردو و عربی ترجمه شده است، نام عربی آن «القرآن فی الاسلام» است که توسط سید احمد حسینی تعریب شده است، بدایه الحکمه این کتاب توسط استاد محمد علی گرامی قمی به نام «آغاز فلسفه» با توضیحاتی به فارسی برگردان شده است; نهایه الحکمه; وحی یا شعور مرموز; رسالهای در عشق; رسالهای در حکومت اسلامی; رسالهای در قوه و فعل; رسالهای در اثبات ذات; رسالهای در وسائط; رسالهای در صفات; رسالهای در افعال; رسالهای در نبوّت; رسالهای در ولایت; رسالهای در مشتقات; رسالهای در برهان; رسالهای در مغالطه; رسالهای در ترکیب; رسالهای در تحلیل; رسالهای در نبوت و مقامات; منظومه ای در رسم خط نستعلیق; الانسان قبل الدنیا; الانسان فی الدنیا; الانسان بعد الدنیا; رسالهای در توحید ذاتی; محاکمات بین دو مکاتبات; علی والفلسفه الالهیه (که توسط آقای سید ابراهیم سید علوی به نام «علی و فلسفه الهی» به فارسی برگردان شده است; اصول عقائد برای دبیرستانها در ۵ج (نام دیگر این مجموع «آموزش دین» است); رساله محمّد در آئین اسلام (این اثر به فرانسه ترجمه شده است); حاشیه بر اسفار صدر المتألهین شیرازی با اسفار چاپ دوم در ۹ جلد به طبع

رسیده ; شیعه (مجموعه مذاکرات با پروفسور هانری کربن; استاد دانشگاه سوربن پاریس; این کتاب با توضیحات آیت الله علی احمدی میانجی و آقای سید هادی خسروشاهی تجدید چاپ شده است.

استاد علامه طباطبائی پس از هشتاد سال عمر با برکت خود که در طول آن موفّق به انجام خدمات فراوان و ارزشمندی به جهان اسلام و حوزه های علمیه و فرهنگ تشیّع، گردید، در روز یک شنبه ۱۸ محرم الحرام سال ۱۴۰۲ (برابر با ۲۴ آبان ۱۳۶۰) چشم از جهان فروبست و در مسجد بالای سر مدفون و دنیای اسلام و مجامع علمی را با رحلت خویش عزادار ساخت. پس از درگذشت معظم له، شاگردان او و نویسندگان و تراجم نگاران، صدها مقاله و رساله و رثائیه درباره او نوشته و از شخصیت کم نظیر استاد تجلیل به عمل آوردند و ما نیز در «نجوم امّت» مقالهای را به شخصیت علمی و ابعاد مختلف زندگانی ایشان اختصاص داده ایم. و نیز نک: کتابشناسی علامه طباطبایی.

۳ حاشیه بر کفایه به عربی.

۴ رسالهای در مشتق به عربی.

۵ رساله در مبدأ و معاد به عربی.

۶ سنن النبی به عربی.

محمد حسین علامه:

فرزند حاج ملا حسن اردستانی است، از فضلا و دانشمندان زمان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری بوده، و در آن زمان به تدریس ادبیات عربی و فارسی اشتغال می ورزیده است. مردی پارسا و در سال ۱۳۱۷ شمسی وفات یافته است.

محمد حسین «شیخ محمد حسین نجار(۱)»:

از دانشمندان و مجتهدین قم بوده است، تحصیلات او در نجف در خدمت مرحوم سید محمد کاظم طباطبائی بوده است.

پاورقی

۱ پدر وی پیشه نجاری داشت و لذا معظم له

به نجار معروف گردید. نک: گنجینه دانشمندان ۱/۱۳۹.

محمد حسین وفائی «مهندس...»:

فرزنـد حاج علی نقی خـان وفـائی و در تاریـخ ۱۳۳۲ هجری قمری در شـهر قـم متولـد شـده است، فـارغ التحصـیل دانشـکده کشاورزی و اکنون از رؤسای فعّال و باارزش وزارت کشاورزی است، چندین سال سازمان کشاورزی قم را اداره کرد، طرح و اقدامات اوّلیه عمران در زمینهای سـنگ لج تهران «پارک شهر» از اوست، فعلاً ریاست اداره کشاورزی و خالص جات قزوین و زنجان را به عهده دارد، فعالیتها و اقدامات او در آن شهر شایان تمجید و در خور تحسین است، باغ سپهسالار تنکابنی را که در اثر حوادث ایّام ویران شده بود به صورت آبرومندی احیاء کرده است.

باید افزود که مهندس وفائی در مسائل اجتماعی نیز وارد و نویسـنده ای توانا است، مقالات او در روزنامه های قم و تهران درج و مدّتی نیز مستقلاً روزنامه ای در قم(۱) انتشار می داد.

قسمت ششم

محمد داماد «سید محمد داماد»:

از فضلای اساتید فعلی حوزه علمی قم و موجب مباهات حوزه علمی است، داماد مرحوم حاج شیخ عبدالکریم یزدی است و به همین جهت به لقب «داماد» شهرت یافته است(۲).

پاورقی

۱ وی روزنامه «فریاد قم» را در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۱۳۲۹ چاپ و تا ۲۰ شماره مسلسل و مرتّب منتشر نمود و نیز «قیام قم» را هم در تاریخ ۱۴ آذرماه ۱۳۳۰ منتشر نمود ولی بیش از ۱۰ شماره آن چاپ نشد. ببینید: تاریخچه روزنامه نگاری در قم ۳۹ و۶۴.

۲ شاید ملقب شدن وی به داماد وجه دیگری هم داشته باشد و آن این که در میان فضـلای نزدیک به مرحوم آیت الله حائری، مرحوم آیت الله

حجت و هم مرحوم آقـای محقق دامـاد در آن زمـان هر دو با نام «آقا سـیّد محمّـد» نامبرده می شونـد و هنوز ذکر لقب مرسوم نشده بود و چون بین آن دو بزرگوار اشـتباه می شد، گوینده برای رفع اشـتباه صفت «داماد» را پس از نام ایشان اضافه می نمود که رفته رفته به این لقب مشهور گردید.

ولادتش در سال ۱۳۲۱(۱) در احمد آباد یزد بوده وتحصـیلات مقدماتیش در همان شهر نزد آقا سید احمد مدرس و حاج سید یحیی واعظ وآقا سـید حسـین باغ گندمی و آسـید علیرضا حائری بوده است و سـپس در سال ۱۲۴۱ قمری(۲) به قم آمـده و از محضـر مرحوم حـائری یزدی و اسـتادان دیگر آن زمـان(۳) فقه و اصـول و معـارف مـذهبی آموخته و نزد آقـا سـید ابوالحسـن حکمی قزوینی علوم فلسـفه و معقول را فرا گرفته است، اکنون به تدریس(۴) فقه و اصول و فلسـفه و تربیت طلاب علوم دینی، اشتغال دارند.

پاورقی

۱ یکی از بسـتگان آن فقید سعید نقل کرد که تاریخ ولادت مرحوم آقای داماد روشن نبود و خود ایشان با مقایسه به معاصرین خود بین سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ را حدس می زد.

۲ برحسب صـلاحدید و یا بدرقه اسـتاد خود مرحوم آیت الله حاج شیخ غلامرضا یزدی به حوزه نوبنیاد قم مهاجرت کرد و طبق آنچه که استاد معظم، محقق رجالی آیت الله حاج آقا موسی شبیری زنجانی دامت تأییداته نقل می فرمودند: مرحوم آقای داماد وقتی کیفیت آمدن استادش به گاراژ برای بدرقه و کندن لباس و جوراب و پوشاندن آنها به شاگرد را متذکر می شدند، اشک در چشمشان حلقه می زد.

همچون آیات عظام و حجج اسلام: مرحوم شیخ محمود اردکانی، مرحوم میرزا محمد همدانی و مرحوم میر سید علی یثربی کاشانی و مرحوم آقا سید محمد تقی خوانساری و مرحوم سید محمد حجت.

۴ او آنقدر به امر تدریس اهمیّت میداد که نه تنها در ایام تحصیلی بلکه در ایّام تعطیلی حوزه نیز به تدریس و تربیت طلاب فاضل و دانشمند می پرداخت، محصول تلاش و حوزه درسی او وجود ستارگان فروزانی است که هم اکنون در حوزه علمیه قم بر جای استاد فقید خود تکیه زده و فضلا و طلاب بسیاری را از آموخته های خود بهره مند می سازند و عدهای هم در پستهای کلیدی و حساس جمهوری اسلامی ایران مشغول به خدمتگزاری بوده و هستند. و ما در مقالهای که در مجله نور علم، ش۱۷۲ (دوره دوم ش۵) در باب احوال و آثار ایشان نوشته ایم، ۳۴ تن از شاگردان ایشان را نام بردهایم. تقریرات بحثهای ایشان را بزرگان زیر نوشتهاند. استاد معظم آیت الله حاج شیخ عبدالله جوادی آملی که مباحث حج، صلوه، صوم، اعتکاف، خمس و قسمت عمده زکوه را تقریر کرده و استاد معظم آیه الله حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی دوره اصول ایشان را نوشتهاند و استاد محترم آیه الله حاج شیخ محمد مؤمن بحث صلاه و استاد محترم آیه الله حاج سید جلال طاهری اصفهانی مبحث طهارت و دوره اصول ایشان را نوشته اند. مرحوم آقای داماد فرزندان لایقی دارد از جمله: حضرت حجه الاسلام والمسلمین علامه جناب آقای حاج سید علی محقق از اساتید حوزه و عضو جامعه مدرسین و حضرت حجه الاسلام دکتر حاج سید

مصطفی محقق از فضلای حوزه و استاد دانشگاه تألیفاتی هم دارند. مرحوم آقای داماد در چهارشنبه ۲ ذیالحجه الحرام ۱۳۸۸ قمری وفات کرد و در مقبرهای از مقابر شرقی صحن مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها، مقابل ایوان آینه به خاک سپرده شد.

محمد رضا «حاج سید محمد رضا گلپایگانی»:

از دانشمندان و اساتید کنونی حوزه علمی قم به شمار می روند در سال ۱۳۱۶ قمری در گلپایگان متولد شده و پس از تحصیل علوم مقدماتی در سال ۱۳۳۶ به شهر اراک مسافرت و در سال ۱۳۴۰ به قم آمده و در محضر آیت الله حائری به کسب دانش و فضائل همت گماشتند، اکنون به تدریس علوم و معارف اسلامی و فقه و اصول اشتغال دارند(۱).

پاورقی

۱ معظم له یکی از مراجع تقلید در عصر حاضر است به اتفاق مراجع عالیقدر دیگر که با درایت خاصی پس از ارتحال مرحوم آیت الله بروجردی حوزه علمیه قم را رهبری و اداره کردند. حضرت ایشان فقیهی با فضیلت و از دنیا گذشته ای پرهیزکار و آزادهای کمنظیر، قوی الایمان، سلیم الجنبه و متخلّق به اخلاق اسلامی و جلوه کاملی از خلق و خوی پیامبر بزرگوار اسلام و امیرمؤمنان(علیهما السلام) است. وی با فضائل اخلاقی و علمیای که دارد چون دریا آرام و چون کوه به راستی و درستی ثابت و استوار و «مرزبان شجاع حریم اسلام محمّدی و ولایت علوی و فقه سنّتی صاحب جواهری است». تألیفات معظم له: ۱ حاشیه بر عروه الوثقی ۲ حاشیه بر وسائل ۳ توضیح المسائل ۴ مناسک حج ۵ مجمع المسائل پاسخ به استفتاآت گوناگونی است که از

داخل و خارج کشور از معظم له کردهاند و جناب حجه الاسـلام والمسلمین ثابتی همدانی و جناب حجه الاسلام نیری همدانی استفتاآت را مرتب نموده اند و با مقدمه یکی از شاگردان ایشان جناب حجه الاسلام و المسلمین علامه حاج شیخ علی کریمی جهرمی (دامت برکـاته) به چاپ رسیده است. و تقریرات مباحث ایشان را برخی از شاگردان به صورت کتاب درآوردهانـد از جمله: حضـرت آیه الله صابری همـدانی (دامظلّه) تحت عنوان «کتاب الحج» و «الهدایه الی من له الولایه» در زمینه ولایت اب و جد و فقیه، و حضـرت حجه الاسـلام والمسـلمین سید علی حسینی میلانی «بلغه الطالب فی التعلیق علی بیع المکاسب» و «کتاب القضاء» و علامه کریمی جهرمی «کارنامه آثار».

آیه الله گلپایگـانی بـا بینش خاص و نظر واقع بینانهای که داشـتند همواره اقـدامات سازنـده و عملیات مثبت و مؤثری در جهت پیشبرد اهداف بلند اسلامی داشته اند و کارنامه ای که ارائه می گردد بیانگر همت والای مترجم در راه اعتلای فرهنگ و ترقی و تعالی مردم این مرز و بوم است. اینک به فهرست آن خدمات اشاره میشود: ۱ مدرسه علمیه و کتابخانه مربوط به آن واقع در خیابان صـفائیه قم. این کتابخانه دارای بیش از ۱۵ هزار جلـد کتب متنوع است که در حدود ۲ هزار جلد آن را کتابهای خطی پرقیمت تشـکیل می دهـد و بیشتر مورد اسـتفاده محصـلان مـدرسه مـذکور می باشد. ۲ تعمیر مـدرسه فیضـیه در سال ۱۳۸۴ و احـداث ساختمان وضوخانه برای مـدرسه فیضـیه و دارالشـفاء با چند حجره و ساختن ساختمان حمام و رختشوی خانه برای آن مدرسه و نیز ساختن سالن بزرگی

برای قرائت خانه مدرسه مبارکه فیضـیه و همچنین حفر چاه عمیق اختصاصی برای مدرسه فیضیه و دارالشفا و لوله کشی آن دو مدرسه. ۳ مـدرسه علمیه واقع در چهارمردان قم با برنامه درسـی. ۴تأسـیس مدرسه علوی در خیابان تهران، کوچه منوچهری. ۵ تعمیر اساسی مدرسه ستیه واقع در قم، خیابان چهارمردان محله میدان میر. (درباره وجه تسمیه این مدرسه به «ستیه» ببینید تاریخ مذهبی قم از آقای علی اصـغر فقیهی ۸۷، و تاریخچه مدارس دینی در جمهوری اسـلامی ایران از اینجانب که ان شاء الله تعالی بزودی منتشر می شود). و ۶ تعمیر اساسـی مدرسه حاج ملا صادق و تأسیس کتابخانه آن. ۷ تأسیس بیمارستان حضرت آیه الله گلپایگانی در قم: این بیمارسـتان یکصد تخت خوابی که دارای بخشـهای مختلف و وسائل مدرن و پزشکان متخصص و بخش مسـتقل مردانـه و زنـانه می باشـد و از بهـترین و مجهزترین بیمارسـتانهای قم محسـوب می شـود. ۸ تأسـیس دارالقرآن الکریم: مؤســس هـای کـه در آن صـدها نسـخه مختلـف قرآنهـای نفیس و عـتیق خطی گردآوری شـده و نشـریاتی نیز دارد. ۹احداث قبرسـتانی به نام «بقیع وادی رحمت» نزدیک مسجد جمکران (۵ کیلومتری جاده کاشان) ۱۰ ارسال هزاران مجلد کتب مختلف دینی برای کتابخـانه های داخل و خارج کشور ۱۱ تأسـیس مرکز «بررسی مطبوعات» ۱۲ اعزام مبلغ مـذهبی در تمام دوره سال خاصه در ماه محرم و صـفر و ماه رمضان به شـهرها و بخشـها و روسـتاهای دور و نزدیک کشور و نیز اعزام نماینـده و هیئتهای علمی به کشورهای شیعه نشین. آثار معظم له در غیر قم: ۱تأسیس حوزه علمیه در سنقر

و تعمیر مسجد و مدرسه توسط نماینده معظم له. ۲ساختمان مسجد ولی عصر (عج) و... در فریدونکنار و تأسیس کتابخانه مسجد. ۳تأسیس حسینیه و مرکز نشر معارف اسلامی در سنندج. ۴ ساختمان مسجد و مدرسه علمیه و خانه عالم در قروه کردستان. ۵.ساختمان حسینیه در مریوان. ۶ ساختمان مسجد جامع و مدرسه علمیه در الیگودرز. ۷ ارسال شهریه برای طلاب حوزه های علمیه. ۸ اعزام مبلغ به شهرها و روستاهای ایران و نیز خارج از کشور از جمله به مجمع اسلامی جهانی در لندن که یکی از مراکز مهم تبلیغات اسلامی در خارج از کشور است. ۹ ایجاد یک واحد بزرگ نگهداری برای ایتام لبنان در مناسبترین نقاط بیروت که در آن کودکان یتیم بازمانده از جنگ خونین لبنان در آن نگاهداری و تربیت می شوند. ۱۰ تجدید و تکمیل بناهای اسلامی و مذهبی در خارج کشور مانند هند و پاکستان و افغانستان. این بنده کتاب مستقلی تحت عنوان «مسند نشین فقاهت» در زندگانی این مرجع بزرگ نوشته است که فعلاً در اختیار فرزندان ایشان است. امید است به زودی منتشر شود.

محمد صدر العلماء(۱):

از دانشمندان اخیر حوزه علمی قم بوده در سال ۱۳۰۲ هجری قمری در قم متولد، به نجف مشرف شده است و در خدمت آیت الله اصفهانی و مرحوم آیتالله یزدی(۲) به تکمیل معلومات وفضائل پرداخته است. در ۱۳ بهمن ۱۳۳۱ وفات کرد(۳).

آن مرحوم یادداشت هائی در مسائل فقهی تنظیم کرده بودند که متأسفانه توفیق انتشار آن را نیافتند. فرزندان آن مرحوم در شهر قم به لقب میرزائی(۴)

مشهورند.

پاورقی

۱ فرزند علامه حاج سید نورالدین و سبط علامه

محقق میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین الأصول.

۲ و مرحوم آیت الله حائری.

۳ مطابق با ۲۳ جماد الاولی ۱۳۷۲ ق. رحلت نمود و در ایوان طلای حضرت معصومه(علیها السلام)مدفون گردید.

۴ و صدر.

محمد طاهر بن محمد حسین القمی(۱):

از فقها و دانشمندان معاصر ملا محسن فیض بوده است، دانشمندی است که نسبت به صوفیه بسیار بدبین و متعصّب بود، و همچنین با علمائی که نماز جمعه را واجب نمی دانسته اند سخت در می افتاده است.

تألیفات بسیاری دارد(۲) از آن جمله:۱ کتاب حجه الاسلام فی اصول الفقه والکلام.

۲ کتاب فوائد الدینیه فی الرد علی الحکماء والصوفیه.

۳ کتاب شرح تهذیب الحدیث.

۴ کتاب حکمه العارفین.

۵ کتاب اربعین در فضائل امیرالمؤمنین(علیه السلام).

۶ کتاب بهجه الدارین.

در قم وفات یافته و در جنب مقبره «زکریا بن آدم» مدفون است.

محمد علی عراقی «آقا شیخ محمد علی...»(۳):

پاورقی

۱ صاحب امل الآمل در حق او گوید: «من اعیان فضلاء المعاصرین، عالم محقّقٌ مدقّقٌ ثقهٌ ثقهٌ فقیهٌ متکلّم، محدّث جلیل القدر، عظیم الشأن». و محدث نوری در مستدرک گوید: «العالم الجلیل النبیل، عین الطائفه ووجه ها، صاحب المؤلّفات الرّشیقه النافعه».

۲ کل مؤلفات او در الغدیر ۱۱/۳۲۱ ذکر شده است. وی شیخ الاسلام و امام جمعه و جماعت در قم بوده و در سال ۱۰۹۸ از دنیا رفته است. معظم له طبع شعر داشته و از او اشعاری باقی مانده است. از جمله گوید:

بما رسیده حدیث صحیح مصطفوی

که هست بعد پیمبر امام هشت و چهار

کسی نکرده زامّت بدین حدیث عمل

بغیر پیرو آل و ائمّه اطهار

۳ فقیه اهل بیت عصمت و طهارت، احیاگر کتاب و سنّت، اسوه تقوا و فضیلت، دانا به رمز و

راز احکام شریعت، مدافع سرسخت ولایت تربیت کننده عالمان باکفایت ناشر آثار باقیمانده از علمای این امّت، المرجع الدینی آیه الله العظمی شیخ الفقهاء حاج شیخ محمد علی اراکی(قدس سره) از سال ۱۳۷۰ ق. حوزه درسی تشکیل داد و شاگردان مبرّزی را تربیت کرد و مدّت ۴۰ سال در قم امامت جمعه کرد و در خطبه های جمعه اخلاق و عرفان و اعتقادات اسلامی را به بهترین وجه تبیین فرمود و در مدرسه فیضیه قم هر شب اقامه جماعت میفرمود و از نهضت اسلامی ایران پشتیبانی کرد.

از دانشمندان و پارسایان، بسیار متواضع و فروتن قم است، در سال ۱۳۱۲ هجری قمری(۱) تولد یافته و فرزند حاج میرزا آقای فراهانی و از شاگردان مرحوم آیت الله حائری یزدیست(۲) و با آن مرحوم به قم مشرف شده، تقریرات فقه و اصول استاد(۳) خود را با همکاری حاج شیخ اسماعیل جاپلقی نوشته است، اکنون از اساتید حوزه علمی قم است.

محمد علی قمی «حاج شیخ محمد علی حائری...»:

از دانشمندان و فقهای جلیل و پارسای قم بودند، در سال ۱۲۹۹(۴) هجری

پاورقی

۱ در اراک.

۲ اساتید دیگر او عبارتند از مرحوم آیت الله شیخ محمد سلطان العلماء و مرحوم آیت الله حاج سید محمد تقی خونساری داماد و یار و همبحث خود که به عنوان تجلیل از مقامات معنوی ایشان در آن درس شرکت میکرده است.

۳ معظم له تقریر بحث استاد خود مرحوم شیخ محمد سلطان العلماء را نوشته و «رساله فی الاجتهاد والتقلید» تقریر بحث استاد دیگرش حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی را در ضمن «درر الفوائد» به چاپ رسانده و نیز تقریر بحث ولایت همین استاد را در جلد اول

کتاب «القرآن والعقل» مرحوم آقا نورالدین اراکی به طبع سپرده و تقریرات درسی استاد را در صلوه و اصول را بطور مشروح در ۳ دوره نوشته و کتاب الطهاره را از بحثهای آیت الله خوانساری به رشته تحریر درآورده است و مکاسب محرمه و بیع و خیارات، و کتاب النکاح و الطلاق و شرح تفصیلی عروه باب طهاره، رساله در احکام ارث و تعلیقه بر عروه و تعلیق های هم بر «درر الفوائد» استاد خود مرحوم حائری که این دو کتاب اخیر به چاپ رسیده است. درباره ملکات روحی و سایر ابعاد زندگی ایشان در «نجوم امّت» به تفصیل سخن راندهایم، طالبین مراجعه فرمایند.

۴ تولد ایشان در سال ۱۲۹۱ اتفاق افتاده است و در قم از محضر مرحوم شیخ محمدحسن وزوائی (م ۱۳۰۰)، مرحوم شیخ محمدحسن نادی (م ۱۳۱۶) و مرحوم مولا ـ علی اکبر (م ۱۳۱۴) ومرحوم سیدصادق آقا ومرحوم شیخ محمد حسینبن مرحوم حاج ملا حسن (م ۱۳۲۵) و مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم قمی برادر آیت الله حاج آقا حسین قمی (م ۱۳۲۱) و مرحوم میرزا احمد ارباب، استفاده کرد و در تهران از محضر مرحوم میرزا محمد حسن آشتیانی و مرحوم میرزا ابوطالب زنجانی بهره مند شد.

قسمت هفتم

قمری متولد شده، و تحصیلات مقدماتی را در قم زادگاه خود و همچنین شهر تهران، فرا گرفته اند و سپس در سال ۱۳۱۷ قمری، به نجف اشرف و در سال ۱۳۲۵ به سامری رفته اند.

اساتید ایشان مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی(۱) و قبل از آنان مرحوم آشتیانی بوده است.

در سال ۱۳۴۹ به شهر قم مراجعت و توطن اختیار کردند

و تا سال ۱۳۵۸ قمری که سال وفات ایشان است(۲)، به تدریس و تعلیم اشتغال ورزیده اند، در ضمن تدریس، کتبی در فقه و اصول و بعضی علوم مذهبی دیگر تألیف فرمودند که بعضی از آنان چاپ شده است، آنچه را که ما دانسته ایم به این شرح است:۱ مختارات در اصول.

۲ حاشیه بر کفایه.

۳ رد بر وهابیه.

۴ شرح استدلالی تبصره علامه(۳).

و باید افزود که مسجد نو، واقع در خیابان آستانه قم به همّت و کوشش

پاورقی

۱ و مرحوم حاج آقا رضا همدانی و مرحوم سید محمد کاظم یزدی و مرحوم آقا شیخ هادی تهرانی (م ۱۳۲۱).

۲ مدفن آن مرحوم در صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه(علیها السلام) در قسمت بالای سر مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری می باشد.

۳ و رسالهای در اجتهاد و تقلید، رسالهای در تعادل و تراجیح، رساله الرضاعیه، رساله فی بطلان التّرتّب، رساله فی العداله، رساله فی الوقف، رساله فی الصوم، رساله فی الوصیه، رساله فی الخمس، رساله فی الزکوه، تقریرات درس مرحوم آخوند.

ایشان ساخته شده است(۱)، و اکنون فرزند آن مرحوم آقای حاج شیخ عباس صفائی در آن مسجد اقامه جماعت می فرمایند.

مرحوم عبدالصاحب صفائی وکیل سابق مجلس شورای ملی فرزند دیگر ایشان بودند.

محمد فارابی:

از فرهنگ دوستان بنام قم است که سهمی در پایه گذاری فرهنگ قم دارد.

ایشان در سال ۱۳۰۵ شمسی مدرسهای بنام محمدیه تأسیس و در سال ۱۳۱۳ رسماً موفق به اخذ امتیاز دبستان گشته و در سال ۱۳۱۶ دوره اول متوسطه را نیز اضافه نموده و بعد از فوت او آقای محمد رشاد نیز همان سبک را دنبال نموده، و فعلاً دبیرستان محمدیه

از مؤسسات فرهنگی خوب قم به شمار می رود.

محمد فاطمی (حاج میر سید محمد):

از دانشمندان معاصر و از خانوادههای محترم قم که در کودکی به تهران مهاجرت و در اوائل تشکیلات عدلیه، به شغل قضاوت مشغول و با مقام علمی که داشت پس از مدّتی به عالیترین مقام قضائی یعنی ریاست شعبه ۴ دیوانعالی کشور رسید.

پاورقی

۱ در ترجمه او به منابع زیر میتوان مراجعه کرد: احسن الودیعه ۱/۱۸۵; آثار الحجه ج۱/۱۷۷/۱۱۵ و ۶۴; گنجینه دانشمندان ۱/۳۳۵; نقباء البشر: ۱۳۶۸; آئینه دانشوران: ۲۵; علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی: ۳۷۱; مختار البلاد: ۱۷۷; الذریعه ۶/۱۸۸; مؤلفین کتب چاپی ۴/۱۶۲; ریحانه الادب ۶/۴۹۰; گنجینه دانشوران: ۲۰۰، ۱۵۴; معجم المؤلفین ج۱۱/۳۷۶; معجم رجال الفکر والادب فی النجف خلال الف عام ۳۵۷; معجم القبور رجال قم.

مرحوم فاطمی اثر خیری از خود به یادگار گذاشت(۱) که تا ابد مردم قم او را به خوبی یاد خواهند کرد و آن بیمارستان فاطمی است که در موقعی تأسیس شد که قم فاقد بهداری و بیمارستان بوده است.

ایشان در سال ۱۳۲۴ شمسی فوت نموده و در شیخان قم مدفون گردید.

محمد فیض(۲) «مرحوم آیت الله میرزا محمد فیض...»:

فرزند مرحوم میرزا علی اکبر فیض و از احفاد ملا ـ محسن فیض است، ایشان یکی از علماء جلیل و مراجع بزرگ اخیر بودند، در سال ۱۲۹۳ هجری در قم تولّد یافت. مقدمات علوم را در قم خوانده سپس در تهران از محضر مرحوم حاج میرزا حسن آشتیانی و آقای میرزا محمود قمی، و آقا شیخ علی رشتی توشه گرفته، و در سال ۱۳۱۷ قمری به نجف اشرف عزیمت کرده است، در این شهر، مرحوم آخوند ملا

محمد کاظم خراسانی، و مرحوم سید کاظم یزدی استادان او بوده اند و همچنین، محضر میرزا محمد تقی شیرازی را در سامری دریافته است.

در سال ۱۳۲۳ قمری به زادگاه خود مراجعت فرمودند از این سال به بعد همّت ایشان در تربیت و پرورش طلاب علوم و احیاء حوزه علمی مصروف شده و در این راه چه در همکاری با مرحوم حاج شیخ عبدالکریم یزدی و چه مستقلاً، بذل مساعی فرمودهاند مدرسه فیضیه را برای اولین مرتبه در روزگار اخیر، ایشان تعمیر فرمود و برای سکونت طلّاب آماده کرده اند.

پاورقی

۱ کتب زیر نیز از دیگر یادگارهای اوست: اسلام افکار و اندیشه ها از کنت هنری و دکاستری فرانسوی ترجمه مرحوم فاطمی قمی; تحفه الاریب فی رد اهل الصلیب از شیخ عبدالله ترجمان; حل المواریث چاپ طهران. ر.ک: فهرست کتابخانه مبارکه مدرسه فیضیه قم ۲۱۶; مقالات الحنفاء: ۲۴۲; مؤلفین کتب چاپی ۵/۶۵۶.

۲ ترجمه احوال ایشان را بطور تفصیل در مجله نور علم، دوره دوّم ش۶ از ص۱۰۰ تا ۱۱۰ نگاشته ایم، برای اطلاع بیشتر بدانجا رجوع شود.

در مسجد امام اقامه جماعت می فرمود و پس از نماز درسی داشتند، عده ای از فضلاء فعلی شاگردان آن مرحومند، از فرزندان ایشان آقا میرزا عباس و آقا مهدی(۱) و آقا علی(۲)]علیرضا ظ[اهل فضل و دانشند.

در اسفند ۱۳۲۹ شمسی وفات یافته و در ایوان طلا به خاک سپرده شد(۳).

محمد قوانینی «حاج آقا محمد»:

فرزند مرحوم شیخ زینالدین بروجردی و از احفاد مرحوم آخوند ملا علی بروجردی داماد محقق قمی صاحب قوانین بوده است، و به همین مناسبت، لقب «قوانینی» را اختیار کرده، تولّد ایشان در بروجرد بوده و تحصیلاتش

در نجف اشرف در خدمت مرحوم نائینی و آقا ضیاء عراقی و سپس در قم و از شاگردان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم یزدی به شمار می رفته است. مردی فاضل و پارسا بوده در سال ۱۳۶۰ قمری در سن چهل و دو سالگی در شهر قم وفات یافت.

محمد کبیر قمی «مرحوم آیت الله حاج آقا محمد کبیر، بیگدلی»:

فرزند آقا حسین قمی از دانشمندان و علماء بزرگوار اخیر بودند.

پاورقی

۱ در ترجمه ایشان ر.ک به: مجله نور علم دوره دوم ش۶ مقاله «نجوم امت» ش۱۵ ص۱۰۸.

۲ دکتر علیرضا فیض استاد دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و رئیس گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران و نویسنده کتب بسیارند. ر.ک: مجله نور علم مقاله اینجانب تحت عنوان «نجوم امت» (ش ۱۵).

۳ از مرحوم فیض کتب و رسائل زیر به جای مانده که برخی از آنها به طبع رسیده است: ۱کتاب الفیض]در طهارت آب قلیل و عدم تنجیس متنجس[۲ حاشیه بر وسیله النجاه ۳ حاشیه بر عروه الوثقی ۴ شرحی بر منظومه مرحوم سید بحر العلوم در فقه ۵ ذخیره العباد ۶ مناسک حج و...

در سال ۱۲۸۸(۱) در قم تولد یافته، تحصیلات ابتدائی را در قم و تهران(۲)فرا گرفته است و سپس در سال ۱۳۱۹ قمری به نجف اشرف عزیمت کرده و در آن سامان از محضر حاج میرزا حسین]و[حاج میرزا خلیل و علامه طباطبائی یزدی و مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، کسب دانش کرده است. در سال ۱۳۳۰ قمری به شهر قم مراجعت و با تدریس فقه و اصول و افادات دیگر مانند موعظه

و خطابه طلاب علوم دینی و مردم را مستفید و مستفیض می فرمود، در فقه و اصول تألیفاتی دارند که از آنها نام می بریم:

۱ حاشیه بر صلوه جواهر.

۲ مطالع الشموس در اصول.

۳ منتخب الاحکام رساله در فقه به فارسی.

۴ جامع الفروع، به فارسی.

۵ حاشیه بر عروه الوثقی(۳).

فرزندان ایشان آقا حسین کبیر(۴) و آقا جواد و حاج آقا احمد(۵)، اهل علم و دانشند.

پاورقی

۱ تولد ایشان ۱۲۹۰ است.

۲ اساتید ایشان در این دو شهر عبارتند از: مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد حسین قمی (م۱۳۲۷)، مرحوم حاج شیخ علی اکبر یزدی مدرس معروف به حکیم الهی (م۱۳۵۴) مرحوم آیت الله شهید حاج شیخ فضل الله نوری، مرحوم آقا سید عبدالکریم جیلانی، معظم له در سال ۱۳۶۹ هجری قمری در قم از دنیا رخت به عقبی کشید و در قبرستان شیخان جنب مقبره زکریا بن آدم، در مقبره خصوصی خود به خاک سپرده شد. در تفصیل شرح زندگانی ایشان ر.ک: به تاریخ قم ۲۸۲; مختار البلاد: ۲۷۶; معجم رجال الفکر والادب فی النجف خلال الف عام: ۳۵۸; آئینه دانشوران: ۳۵۳; گنجینه دانشمندان ۱/۳۴۲; آثار الحجه ۱/۲۱۶; مؤلفین کتب چاپی ۱/۶۹۰; علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی: ۳۹۴; نجوم امّت; دیوان انصاری.

۳ وی فتاوای خود را بر ذخیره العباد نگاشته و منتشر ساخته است.

۴ وی از شاگردان مرحوم آیت الله بروجردی بود که پس از پدر در مسجد امام حسن عسکری(علیه السلام)اقامه جماعت می کرد و در سال ۱۳۸۴ قمری درگذشت ر.ک: آثار الحجه: ۲۱۷; گنجینه دانشمندان ۱/۳۴۳.

۵ وی در ۷ شعبان ۱۴۰۴ قمری مطابق با ۱۹/۲/۱۳۶۳ از دنیا رفت و در

شیخان دفن شد.

محمد مسعود:

از نویسندگان بنام معاصر است، مسعود در کودکی به تهران مهاجرت و در روزنامه های تهران مشغول نویسندگی گردید تا این که پس از انتشار چند کتاب از طرف مرحوم داور به اروپا فرستاده شد و در آنجا دیپلم روزنامه نگاری را کسب نمود و از شهریور ۱۳۲۰ روزنامه مرد امروز را با سبک مخصوص به خود منتشر کرد تا این که در شب ۲۳ بهمن ۱۳۲۶ در خیابان اکباتان هدف گلوله قرار گرفت و وفات یافت(۱).

پاورقی

۱ چگونگی ترور مسعود در اطلاعات مورخه ۲۰ بهمن ماه ۱۳۲۶ و نیز اطلاعات ش۱۸۳۹۸، یکشنبه دهم، و نیز ببینید تاریخ سیاسی معاصر ایران ۱/۱۶۸، صورت مذاکرات مجلس در جلسه مورخه ۳۰/۱/۲۸ و روزنامه جمهوری اسلامی ش۲۸۲ مورخ اول خرداد ۵۹. آقای ناصر ایرانی در «نشر دانش» سال ۶، ش۳ ص۲۸ مقالهای تحت عنوان زندگی و مبارزات محمد مسعود نوشته و گوید: محمد مسعود نویسنده و روزنامهنگار برجسته و شهیر ایران چهار ویژگی عمده داشت: اول این که از اعماق جامعه مفلوک، فقر زده، مظلوم مملکت ما برخاسته بود و طعم فقر و ظلم و رنج را با چنان شدتی چشیده بود که تلخی آن را تا آخرین دم حیات فراموش نکرد... دوم این که نه مجذوب غرب بود، نه شرقپرست. حقیقتاً دوستدار مملکت خود بود و خادم ملّت خود... سوم این که شجاعت اخلاقی بی نظیری داشت و در بیان حقیقت، در ستیز با ظلم و ناروایی و استبداد و خفقان، نه باکی از دشمن داشت و نه ملاحظه دوست را می کرد... چهارم این که قلمی روان، توانا، نیشدار، و حتّی هتّاک داشت که

گرچه نباید و نمی توان عیب آن را حسن جلوه داد، مصائب صدها ساله ستمدیدگان و محرومان مملکت ما را چنان ملموس و رسا بیان می کرد که ارواح شریف را برمیانگیخت و پرده خیانت و فساد و ریا و ظلم را چنان جر می داد که ارواح خبیث را دچار وحشت میکرد. جمع این ویژگیها، به علاوه دانش روزنامه نگاری که محمد مسعود نخستین تحصیلکرده ایرانی آن بود، از او روشنفکر ممتازی ساخت، رمانِنویس و روزنامه نگار بسیار موفّقی ساخت، که از یک سو با روس و انگلیس (دو قطب استکباری در جغرافیای سیاسی آن روز ایران)، و هر گاه که لازم بود با امریکا و بیگانگان دیگر، و با ظالمان و خائنان و بیگانه پرستان و چپاولگران، از احزاب چپ و راست وابسته به مسکو و لندن گرفته تا درباریان و دولتیان و ارتشیان وبازاریان فاسد، به مبارزه بی امان می پرداخت و از سوی دیگر زبان دل دردمندان و مدافع رجال و سیاستمداران آزادیخواه و وطن دوست بود.

قسمت هشتم

محمد مهدی «میر محمدمهدی بن السید محسن الرضوی...»:

ترجمه سید محسن پدرش را در جای خود نگاشتیم، میر محمد مهدی از دانشمندان و فقهاء قرن دهم هجری است، محقق شیخ علی کرکی در سال نهصد و سی و شش «۹۳۶ هجری» در سفری که به کاشان می رفته است او را اجازه داد، قبر آن مرحوم در تکیه کوچه حرم که به محمدیه معروف است واقع شده و اکنون در حاشیه خیابان ارم است.

محمد وجدانی:

از فضلا و دانشمندان معاصر است، پس از تحصیلات مقدماتی به تهران مهاجرت وارد تشکیلات دادگستری شد. مرحوم وجدانی از قضات کم

نظیر کشور بشمار میرفت و مدتی دادستان کل دیوان کشور بود، وفات او در سال ۱۳۲۵ شمسی اتفاق افتاده است.

محمود(۱) تندری «صمصام السلطان»:

شاعری لطیفه پرداز، و فاضل و هنر او در قصیده سرائی است مدّتی ریاست نظیمه قم و کاشان را عهده دار بود، تولدش در سال ۱۲۶۰ شمسی، و وفاتش در سال ۱۳۲۰(۱) اتفاق افتاده، تخلص او «شیوا» بوده و تألیفاتی نیز در مسائل مختلف دارد که همه آنها منتشر نشده، ما در زیر آثار چاپ شده او را ذکر می کنیم.

پاورقی

۱ وی فرزند احمد خان و از طایفه حاجی حسینی قم بوده که در فن نقاشی نیز مهارت داشته است.

۱ خردنامه تندری.

۲ جنگ تبریز.

۳ کتاب سیاه.

اخیراً کسانی از خانواده او در صدد چاپ و انتشار دیوان اشعارش هستند(۲). شعر زیر از او است:

به باغزال چشمی سرمست آرمیدن

زینگرگ خوی مردم چون آهوان رمیدن

از محفلامیران دست ار دهد بکش پای

در کوی دلفریبان زیبد بسر دویدن

دانی چرا رواج است بازار خودفروشی

چندانکه ابلهان راست سرمایه خریدن

ای پنجه طبیعت با کلک سیر و روشن

نقش دو رنک تا چند می بایدت کشیدن

با این روش که داری ای کاش با زمانی

هم شب زپردهداری هم روز از دمیدن

گر چشم و گوش بستی «شیوا» بدانکه رستی

از ناصواب دیدن، از ناسزا شنیدن

پاورقی

۱ در صحن اتابک قم، نزدیک ایوان آئینه مدفونست.

۲ دیوان شعرش در ۱۳۳۷ ش در ۲۳۱ ص در تهران چاپ شد. ترجمه او در این کتابها آمده است: سخنوران نامی معاصر ۱/۴۴; مؤلفین کتب چاپی ۶/۲۰; منتخب الرجال (خطی); تاریخ سیر پلیس در قم ۷۹.

محمود روحانی «حجه الاسلام حاج میرزا محمود روحانی»:

فرزند مرحوم حاج سید صادق مجتهد قمی است

که شرح حالش به جای خود نوشته شد. ایشان از علماء جلیل فعلی قم می باشند، در سال ۱۳۰۷ هجری قمری در شهر قم متولد شده نخست در این شهر علوم ادبی و فقه و اصول را نزد اساتید وقت مانند مرحوم آقا شیخ حسن فاضل و حاج غلامرضا(۱) فرا گرفته و سپس در سال ۱۳۳۰ قمری بـه نجـف عزیمـت کردهانـد و پس از این که از خرمن دانش آیه الله اصـفهانی و مرحـوم نائینی و اساتید آن دیار بهره گرفته(۲) به قم مراجعت فرموده اند.

اکنون از بزرگان دانشمندان این شهر هستند و در مسجدی که به نام والدشان معروف است اقامه جماعت می نمایند(۳).

فرزندان ایشان حجه الاسلام آقای آقا محمد در نجف و آقا سید صادق و آقا سید مهدی در قم از فضلاء و اهل دانشند.

پاورقی

۱ و مرحوم شیخ حسین علامه و مرحوم حاج آقا احمد طباطبائی.

۲ معظم له مدت زمانی هم در مشـهد مقدس از محضر مرحوم آیت الله حاج آقا حسین قمی (م۱۳۶۶) استفاده کرد و معقول را از حکیم فرزانه مرحـوم میرزا علی اکـبر مـدرس یزدی حکمی (م۱۳۴۵) فرا گرفت و در قم از محضـر مرحـوم آیت الله حـائری اسـتفاده نمود (ناگفته نماند که معظم له در تأسیس حوزه مقدسه قم سهیم بوده زیرا به اتفاق بعض علماء قم به اراک سفر کرد و مدت ۹ ماه در آنجا توقف کرد و با پافشاری از مرحوم حاج شیخ می خواست که به قم آمده و اقدام به تأسیس حوزه در دار الایمان قم بنماید و عاقبه الامر موفق گردید).

۳ ترجمه او در منابع زیر آمده است: آثار الحجه ۲/۷۱

۷۲; گنجینه دانشمندان ۱/۳۳۹ ۳۳۷; هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی; دایره المعارف تشیع ۱/۱۷۴; مقدمه سرّالسعاده; آینه دانشوران با تحقیق و تعلیق اینجانب: ۲۰۵.

محمود طباطبائی:

فرزند مرحوم حاج آقا جعفر، از فضلا و دانشمندان اهل منبر و از سادات جلیل شهر قم و از شاگردان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری است، مدتی در کرمانشاه اقامت داشته و فعلاً به قم زادگاه خود مراجعت کرده و مردم را با بیان شیوای خود ارشاد می فرمایند.

محمود مدیر (سید محمود مدیر قمی):

فرزند مرحوم سید عبدالله مقدس در سال ۱۳۰۵ قمری متولد شده است پس از تحصیل در حوزه علمیه قم در سال ۱۳۲۹ قمری به تأسیس مدرسه محمودیه همّت گماشت و تا سال ۱۳۳۶ این مدرسه دائر بود و به همین جهت در پایه گذاری فرهنگ قم سهم بسزائی دارد، در سال ۱۳۳۸ به تهران مهاجرت و از سال ۱۳۳۰ قمری روزنامه «ناهید»(۱) را در تهران منتشر نمود و مورد توجه خوانندگان قرار گرفت. فعلاً مدّتی است از جریانات سیاسی کناره گیری کرده در انزوا به ریاضت روحانی و تزکیه نفس پرداخته است.

محیط قمی(۲):

از شعراء اخیر این شهر است که در غزلسرائی پیرو حافظ و در شیوائی سخن ولطف مضامین، در شعراء اخیر بی مانند است، اغلب غزلیات او باتغزّل و تشبیب شروع می شود و به مدح و یا مرثیه یکی از امامان(علیهم السلام) خاتمه می یابد(۱)، به این نکته که از مختصات او است، می توان اضافه کرد که «محیط» به علّت علاقه وافری که به حافظ شیرازی داشته غزلیات او را نمونه و سرمشقی برای غزلسرائی خود قرار داده و شیوه او را تقلید و

اقتفاء کرده است به آنگونه که هر غزلی را محیط سروده همان وزن و همان قافیه را در حافظ می یابیم حتی، مضمون مطالب نیز، گاهی بسیار شبیه به هم و نزدیک است.

پاورقی

۱ نک: شناسنامه مطبوعات ایران: ۳۹۳.

۲ نامش میرزا محمد متخلص به محیط، پدرش اهل علم و دانش و مروّج شریعت، محیط نیز تحصیل علوم نقلیه و عقلیه نموده اواخر عمر در تهران ساکن بسیار فصیح، مقدار پنج هزار بیت از او دیده شده و دیوانش به طبع رسیده، در سنه ۱۳۰۷ وفات او بوده است ر.ک: منتخب الرجال و احمدی بیرجندی وفات او را صفر سال ۱۳۱۷ دانسته.

مطالعهکنندگان آشنا به ادبیات فارسی در غزل ذیل که از محیط قمی آورده می شود تأثیر غزلیات حافظ را درمی یابند.

کجاست زنده دلی کاملی مسیح دمی

که فیض صحبتش از دل برد غبار غمی

خلیل بتشکنی کو؟ که نفس دون شکند

که نیست در حرم دل بغیر او صنمی

قسم(۲) به جان عزیزان بوصل دوست رسی

اگر از این تن خاکی برون نهی قدمی

خلاف گوشه نشینان دل شکسته مجو

که نیست جز دل این قوم دوست را حرمی

زبینوائی و دولت غمین و شاد مباش

که در زمانه نماند گدا و محتشمی

زاشتیاق بلند آستان شده هر شب

فراز عرش فراز از آن خود علمی

پاورقی

۱ وی همیشه فخر به مداحی ممدوحین خدا داشت نه غیر ایشان.

۲ محیط این غزل را در مدح حضرت امام محمد تقی جواد(علیه السلام) سروده و تمام آن در دیوان او ص۲۰ و ۲۱ مذکور است.

به خلق آنچه رسد فیض زآشکار و نهان

زبحر جود شه دین «جواد» هست نمی

محمد بن علی تاسع الائمه تقی(علیه السلام)

که بحر همّت او هست بیکرانه یمی

بدان خدای

که باشد زکلک قدرت او

نقوش دفتر هستی ماسوی رقمی

که باولای شفیعان حشر، احمد وآل

عباد را نبود از گناه خویش غمی

نمونه و سرمشق او در غزل بالا، از غزلیات حافظ این غزل است که در ذیل مطالعه می کنید.

زدلبرم که رساند نوازش قلمی*

کجاست پیک صبا گر همی کند کرمی

قیاس کردم و تدبیر عقل در ره عشق

چوشبنمی است که بر بحر می کشد رقمی

بیا که خرقه منگرچه رهن میکدههاست

زمال وقف نبینی به نام من درمی

حدیث چون و چرا درد سر دهد ای دل

پیاله گیر و بیاسا، زعمر خویش دمی

طبیب راه نشین درد عشق نشناسد

برو بدست کن ای مرده دل، مسیح دمی

دلم گرفت زسالوس و طبل، زیر گلیم

به آنکه بر در میخانه برکشم علمی

بیا که وقت شناسان، دو کون بفروشند

به یک پیاله می صاف و صحبت صنمی(۱)

دوام عیش و تنعم نه شیوه عشقست

اگر معاشر مائی بنوش، نیش غمی

نمی کنم گلهای لیک ابر رحمت دوست

بکشته زار جگر تشنگان نداد نمی

چرا بیک نی قندش نمی خرند آن کس

که کرد صد شکرافشانی از نی قلمی

سزای قدر تو شاها بدست حافظ نیست

جز از دعای شبی و نیاز صبحدمی(۲)

مرتضی انصاری «حاج شیخ مرتضی انصاری واعظ»:

از فضلا و دانشمندان اهل منبر و از واعظان مشهور شهر قم و فرزند مرحوم شیخ محمد حسین قمی(۳) است، در سال ۱۳۲۳ هجری قمری تولد یافته علوم ادبی و فقه و اصول را در حوزه علمیه قم نزد اساتید وقت مانند میرزا محمد علی شیخ محمود (که توأمان بدنیا آمده اند) و مرحوم حاج محمد علی انصاری و میرزا ابوالقاسم انصاری (نجار).

پاورقی

۱ دیوان حافظ.

۲ شمس الفصحاء میرزا محمد محیط قمی در سال ۱۳۱۷ ق درگذشت و در قبرستان

شیخان قم به خاک رفت. دیوان او با مقدمه میرزا حیدر علی مجد الادباء ضیاء لشگر به چاپ رسید. و نیز بنگرید: نوبهار عالم جان ۵۲.

۳ سلسله نسب وی به سعد بن عبدالله بن خلف الاشعری میپیوندد. ایشان با برادر خود شیخ علی تمام عمر در یک خانه با هم زندگی میکردند و ماه رجب و شعبان و رمضان را صائم بودند، مرحوم شیخ محمد حسین پنج فرزند داشت که مهمتر آنها فخر المحدثین، برهان المتکلمین مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری بود، فرزندان دیگر آن مرحوم حجه الاسلام حاج شیخ احمد و حجه الاسلام حاج ادیب تهرانی، آقا میرزا محمد همدانی و آیت الله خونساری و مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری فرا گرفته است. چندین سال به توصیه مرحوم حائری در گرگان اقامت کرد، و مردم آن سامان را با مواعظ و خطابه های خود، ارشاد میفرمودند و سپس به قم بازگشته و اکنون از واعظان مشهور کشور بشمارند.

برادران ایشان اغلب اهل فضل و دانشند، یکی از آنان که به نام حاج محمد علی انصاری خوانده میشود در بازار قم به تجارت اشتغال دارد، از شعرای خوش قریحه است نهج البلاغه را در سلک نظم کشیده و در شش مجلد منتشر ساخته است(۱).

قسمت نهم

مرتضی برقعی «واعظ»:

از واعظان و ذاکران مشهور و خوش سخن شهر قم و فرزند مرحوم صدرالواعظین آقای سید عیسی است در سال ۱۳۳۲ قمری در قم متولد شده است علوم ادبی و فقه و اصول را در حوزه علمی و نزد اساتید وقت فرا گرفته و سپس به ارشاد و وعظ پرداخته است و از فضلا و دانشمندان اهل منبر بشمار می

رود و در تمام کشور مشهور و معروف است(۱).

پاورقی

۱ معظم له که خطیبی رشید و سخنوری فصیح و بلیغ و واعظی دلسوز به حال جامعه بود، مودت و محبت و اخلاص وی به خانواده و اهل بیت اطهار صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین به حد کمال، روای روایات و محدث احادیث آنان بود. این واعظ شهیر در ۲۵ شهریور مطابق با جمادی الثانی ۱۳۹۴ در سن ۶۷ سالگی از دنیا رفت و در قبرستان شیخان دفن گردید. از وی ۱۱ جلد کتاب و دفتر که جلد اول آن تفسیر سوره مبارکه والعصر و مجلدات دیگر آن ناتمام است باقی مانده. در شرح حال او ر.ک: دیوان اشعار انصاری ۱۳۸ ۱۴۶; خطباء المنبر الحسینی ج۴; آثار الحجه ۲/۱۴۴. ترجمه احوال ایشان به قلم خودش در مقدمه دیوان انصاری آمده است. فهرست مؤلفات آن مرحوم به شرح ذیل است: ۱ آئینه دل ۲ج در اخلاق ۲ اختران ادب ۲ج ۳ نهج البلاغه منظوم ۴ ترجمه غرر الحکم ۵محمّد(صلی الله علیه وآله وسلم) پیغمبر شناخته شده رد بر کتاب پیغمبری که از نو باید شناخت ۶ پاسخ به بد اندیشان یا حمایت از اسلام رد بر مردوخ کردستان و رد بر کتاب پیامبر تألیف زین العابدین راهنما ۷ دفاع از حسین شهید(علیه السلام) رد بر کتاب شهید جاوید آقای صالحی نجف آبادی ۸ درج گهر وصایای پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) به ابی ذر ۹ آئین جهانداری عهدنامه علی(علیه السلام)به مالک اشتر ۱۰ تفسیر اسئله القرآن المجید ۱۱ دفاع از اسلام

و روحانیت ۱۲- ترجمه نهج البلاغه ۱۳ دیوان اشعار.

مرتضی حائری:

فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و به حقیقت خلف صدق اوست. در سال ۱۳۳۴ قمری در اراک متولد شده است، علوم ادبی را نزد مرحوم حاج میرزا محمد علی ادیب تهرانی و آقای آقا شیخ ابوالقاسم نحوی(۲)فقه و اصول را خدمت مرحوم والد خود و همچنین آیت الله حجت و مرحوم خونساری فرا گرفته است.

اکنون از مدرسین عالی حوزه(۳) و در شمار دانشمندان و فضلاء مورد توجه و علاقه حوزه علمی قم و شهرهای دیگر است.

ایشان یادداشتهائی در بعضی مسائل اصولی دارند که به موقع خود از کتب سودمند بشمار می رود(۱).

پاورقی

۱ آثار قلمی ایشان طبق نقل صاحب گنجینه دانشمندان به شرح زیر می باشد: ۱ اسرار الصلوه ۲ تفسیر سوره یس ۳ تفسیر سوره والنجم ۴ تفسیر سوره والضحی و معوذتین ۵ گنجینه اسرار ۶ معدن الابرار ۷ مخزن المصائب ۸ صحیفه الابرار و... در مجله یاد ش۷ سال ۲ ص۳۱ ضمن گفتار حجه الاسلام دکتر ضیائی آمده که ایشان برای اولین بار شعار «دین از سیاست جداست» را در حوزه قم سر داده است!!! وفات او در ۲۳/۹/۱۳۶۶ ش در قم اتفاق افتاد. و نیز نک: خطباء المنبر الحسینی ۴/۸۷.

۲ و سطوح را نزد حضرت آیت الله مرعشی نجفی و حضرت آیت الله گلپایگانی و مرحوم آیتالله حاج شیخ علی اصغر صالحی کرمانی و مرحوم آیت الله محقق داماد خواند. و اساتید خارج ایشان علاوهبر آنان که در متن ذکر شده عبارتست از مرحوم آیت الله بروجردی (م ۱۳۸۰ هجری).

۳ مرحوم آیت الله

حائری از سال ۱۳۲۶ شمسی به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت و شاگردان بسیاری از انوار علوم ربانی و از برکات انفاس قدسیه اش توشه ها برگرفته و به مدارج عالیه کمال نائل آمدند. معظم له متجاوز از سی سال بر کرسی تدریس خارج تکیه زد و تا آخر عمر پربرکت خود بر انجام این وظیفه مقدس پا می فشرد.

برادر که تر ایشان آقا مهدی حائری(۲) نیز از فضلاء و دانشمندان خوش فکر محسوب است و اکنون مدّتی است که در تهران اقامت گزیده و عضو شورای عالی فرهنگ می باشند، ایشان کتابی در پیرامون مسائل تاریخی اسلام در اندلس به نام «غروب آفتاب در اندلس» نگاشته اند.

مرتضی دادبان:

در سال ۱۳۰۷ قمری متولد و پس از تحصیلات مقدماتی به تهران مهاجرت نمود و در تشکیلات عدلیه وارد و به قضاوت اشتغال یافت.

پاورقی

۱ فهرست آثار علمی آن مرحوم: ۱ کتاب ابتغاء الفضیله فی شرح الوسیله (به طبع رسیده است و فقه استدلالی پیرامون مکاسب محرمه و احکام و خیارات است) ۲ حاشیه بر کفایه الاصول ۳ حاشیه بر مکاسب ۴ شرح بر عروه الوثقی ۵ رسالهای در صلوه جمعه و مسافر ۶ رسالهای در حدیث رفع ۷ رسالهای در مسأله تعاقب ایادی ۸ مبانی الأحکام فی اصول شرایع الاسلام ۳ج ۹ اصول عقاید ۱۰ علوم قرآن یا تفسیر موضوعی ۱ جلد (از سلسله انتشارات مؤسسه دین و دانش). این بزرگوار در فعالیتهای اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران نقش مؤثری داشت که تبیین آن از حوصله این پاورقی خارج است و نگارنده این سطور در

«نجوم امّت» در این خصوص و نیز در زمینه سجایای اخلاقی ایشان بحث کرده است علاقمندان مراجعه فرمایند. از یادگارهای معظم له صندوق ذخیره علوی، «انجمن تکفل و سرپرستی ایتام» و «انجمن مبارزه با فقر» و دبیرستان دین و دانش است که حسب الامر ایشان تأسیس شد. وی نماینده مردم شهر جهاد و اجتهاد قم در مجلس خبرگان قانون اساسی بود و در آن مجلس عضوی مؤثر و فعّال محسوب می شد. معظم له دارای طبعی سرشار و قریحه عرفانی بود و از خود اشعاری در توحید و مناقب ائمه اطهار(علیهم السلام) به یادگار گذاشت که نمونه اشعارش در نجوم امت و گنجینه دانشمندان ۲/۱۲۵ و... آمده است. این فقیه پاکیزه خصال در ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۰۶ مطابق با ۱۵ اسفند ۱۳۶۴ بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع گفت و در مسجد بالاسر کنار قبر والد خود به خاک رفت. ر.ک: آثار الحجه ج۱/۷۱ و ۲/۷۵; گنجینه دانشمندان ۲/۱۲۷ ۱۲۵; مجله درسهائی از مکتب اسلام سال ۲۶ ش۲ ودست پروردگان آیت الله مؤسس.

۲ ر.ک: آثار الحجه ۲/۲۷۱; مؤلفین کتب چاپی ۶/۳۸۸، آینه دانشوران.

آقای دادبان مشاغل حساس قضائی را یکی پس از دیگری پیموده تا این که به ریاست دادگاه انتظامی منصوب و اکنون در همین پست مشغول خدمات قضائی خود میباشند(۱).

مرتضی فقیه «حاج مرتضی فقیه معروف به حاج داداش»:

فرزند آسید عباس(۲) فقیه قمی است در سال ۱۲۸۱ هجری شمسی متولد شده نزد اساتید وقت علوم ادبی و فقه و اصول را فرا گرفته است، استادان او مرحوم میرزا محمد همدانی و مرحوم حائری و مرحوم حجت و خونساری بودهاند(۳)، و هم اکنون

هم در محضر درس آیت الله بروجردی حضور می یابد از حاج سید ابوالحسن حکمی قزوینی(۴) علوم معقول را فرا گرفته است، تقریرات درس اصول و فقه مرحوم حجت را یادداشت و تحریر کرده است فعلاً ـ از فضلا و دانشمندان بنام حوزه علمیه می باشد.

پاورقی

۱ وی در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۷ از دنیا رفت و در یکی از مقبره های صحن طلا دفن شد.

۲ معظم له از علماء محترم قم بوده که نسبش به علامه جلیل سید رشید الاسلام رضوی قمی تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه(علیها السلام) در زمان شاه طهماسب اول منتهی می شود. ایشان در محضر مرحوم حاج غلامرضا معروف به حاج آخوند و مرحوم آقا سید عبدالله برقعی درس خوانده و خود در مدرسه مهدی قلیخان تدریس داشته و در سال ۱۳۳۵ ق رحلت کرده و در ایوان آئینه (اتابکی) مدفون گردیده، ایشان دارای چهار دختر و یک پسر بوده و دامادهای ایشان عبارتند از: آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله حاج شیخ محمد کرمی اهوازی، آیت الله آقای سید ابوالفضل لاجوردی. گنجینه دانشمندان ۲/۲۱۸.

۳ اساتید دیگر او عبارتند از مرحوم شیخ حسین علامه و مرحوم آخوند ملا علی همدانی و مرحوم شیخ ابوالقاسم قمی (معروف به صغیر) و مرحوم میرزا محمد فیض و آیه الله مرعشی و مقداری هم از محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری استفاده کردهاند. گنجینه ۲/۲۱۸; آثار الحجه ۲/۱۲۲.

۴ و حضرت آیه الله امام خمینی.

مرزبان بن عمران بن عبدالله بن سعد الاشعری(۱):

از محدثین اواخر قرن دوم و از صحابه ابوالحسن علی بن موسی الرضا(علیه

السلام)است، صفوان بن یحیی از او روایت می کند، نجاشی و علامه او را ستوده و توثیق کردهاند.

مصطفی بن الحسین الحسینی التفرشی(۲):

مردی دانشمند و فاضل بوده است، کتابی در رجال دارد که ترجمه احوال علماء و محدثین متقدم بر شیخ طوسی را جمع آوری کرده است.

مصطفی قمی «شاعر مصطفی»(۳):

از شاعران قم است، متأسفانه شرح حال او بدست ما نیامد، اشعاری بطور

پاورقی

۱ درباره ایشان نک: رجال نجاشی: ۴۲۳; رجال طوسی: ۳۹۱; اختیار کشی رقم ۹۷۱; خلاصه ۱/۱۷۲; اشعریان قم.

۲ در امل الآمل شیخ حر عاملی می نویسد: وی عالمی محقق و فاضلی ثقه است او را کتابی است در علم رجال موسوم به «نقد الرجال»... افرادی که متأخر از شیخ الطائفه طوسی بودهاند جز عده کمی، نام نبرده است. درباره این فقیه محقق نک: امل الآمل ۲/۳۲۲; بهجه الآمال ۷/۲۶; تنقیح المقال ۳/۲۰۸; فوائد الرضویه: ۶۶۵; مصفی المقال: ۴۵۹; لباب الألقاب: ۳۷; معجم المؤلّفین ۱۲/۲۴۷; نجوم السماء: ۱۲۷; الروضات ۷/۱۶۷; ریاض العلماء ۵/۲۱۲; ریحانه الأدب ۳/۴۰۲; مؤلفین کتابهای عربی: ۹۶۴; هدیه الأحباب: ۱۸۴; معجم رجال الفکر والأدب فی النجف خلال الف عام: ۳۱۰.

۳ شاعر مصطفی انتظاری قمی فرزند رجبعلی در سال ۱۳۰۹ ق در قم متولد گردید و تا سیزده سالگی در مکتب ملا علی اصغر علوم مقدماتی را فرا گرفت و در آغاز کودکی به نظم شعر پرداخت و اشعار خود را از نظر مرحوم حجه الاسلام والمسلمین سید محمد تقی منتظری دائی خود می گذرانید وی در جوانی پیشه شاطری را برگزید و در سال ۱۳۵۶ ق دفتر عمرش بسته شد و در ابن بابویه قم مدفون گردید، اشعار او بیشتر در

مدایح و مراثی ائمه(علیهم السلام) است، غزلیات او در سنه ۱۳۳۵ ش به اهتمام آقای سید محمد باقر برقعی منتشر شد.

و نیز ر. ک: مؤلفین کتب چاپی ۶/۲۲۱; سخنوران نامی معاصر ۳/۱۲۶; مقدّمه غزلیات شاطر مصطفی، چاپ کتابفروشی نوین قم ۲۶، به قلم سید محمد باقر برقعی.

پراکنده در مجموعه ها و جنگهای ادبی از او دیده می شود، و در همه آنها کلمه «شاطر» تخلص او است یک غزل از او نقل می کنیم:

سرشک دیده ام از هجر یار لرزد و ریزد

بلی پیاله زدست خمار لرزد و ریزد

ز چشم مردمک دیدگان به چهره سرش گم

بسان قطره ز ابر بهار لرزد و ریزد

دری که با مژه سفتم زاشتیاق وصالت

به اختیار نه بی اختیار لرزد و ریزد

عرق زتاب عرق همچو ژاله بر رخ لاله

به صفحه گلت ای گلعذار لرزد و ریزد

زشانه زلف پریشان بده بباد که ترسم

بشانه از شکنش یک دو تار لرزد و ریزد

شمیم زلف ترا باد اگر به نافه رساند

زناف آهوی دشت تتار لرزد و ریزد

ز ابر دیده چوباران سرشک دیده «شاطر»

بدامن رخش از انتظار لرزد و ریزد

مصطفی صادقی قمی «حاج میرزا مصطفی صادقی»:

از علماء و دانشمندان و مدرسین فعلی قم، فرزند مرحوم آقا میرزا ابوالحسن، و نوه مرحوم حاج ملا صادق است، ترجمه جد

ایشان در جای خود ذکر شد، در سال ۱۳۱۱ هجری قمری متولد شده علوم ادبی و دروس مقدماتی را در قم فرا گرفته و سپس به نجف اشرف عزیمت کردهاند، استادان او در نجف مرحوم شریعت اصفهانی و مرحوم میرزا حسین نائینی و مرحوم آسید ابوالحسن

اصفهانی بوده اند(۱) در سال ۱۳۴۲ قمری به قم مراجعت و تدریس قسمتی از دروس

فقه و اصول حوزه علمی را در مدرسه مرحوم حاج ملا صادق، جد خود، بعهده گرفتند و در عین حال از محضر آیت الله حائری بهره مند می شدند.

فرزند ایشان آقای آقا علی اکبر صادقی، از فضلاء جوان و شایسته حوزه قم هستند(۲).

مصطفی طباطبائی «حاج آقا مصطفی واعظ»:

از دانشمندان و فضلای حوزه و از سخنوران زبردست است، فرزند مرحوم آقا میرزا سید جواد طباطبائی و برادرزاده مرحوم آیت الله قمی است، در سال ۱۳۲۷ هجری قمری متولد شده تحصیلات ادبی و مقدماتی او در مشهد مقدس و نزد مرحوم ادیب نیشابوری و حاجی محقق نوغانی بود و همچنین فقه و اصول را در خدمت آیت الله قمی و آقا زاده بزرگ خراسانی «فرزند مرحوم ملا محمد کاظم» فرا گرفته و سپس در سال ۱۳۵۶ هجری به کربلا مشرّف و پس از مدّتی به قم مراجعت کردهاند. اکنون از واعظان مشهور طهرانند(۱)

پاورقی

۱ و مرحوم آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی. مؤلف گنجینه دانشمندان می نویسد: معظم له در طول سی سال مرجع مردم شرافتمند قم بوده و اکثر کارهای مذهبی و اجتماعی و سمت قضاوت شرعی در مرافعات و دعاوی اهل قم به دست ایشان جاری می شد. فقید سعید، تجسّم قطعی اخلاق حسنه تربیت مکتب اسلام بود. برخورد ملایم و چهره پیوسته مهربان و متبسّم وی جلوه صداقت و مظهر پاکی و محبّت بود. مقام زهد و کم توجهی او به مظاهر فریبنده مادی و قناعت به حداقل معیشت و اجتناب از تجمّل، از خصوصیات بارز این روحانی بزرگ است...» (گنجینه دانشمندان ۸/۷۹) ایشان در دوازدهم خرداد ۱۳۵۸ مطابق با هفتم رجب ۱۳۹۹ در تهران

از دنیا رفت و در قبرستان شیخان قم دفن شد.

۲ معظم له در سال ۱۳۰۸ شمسی بدنیا آمد و پس از فراغت از تحصیلات جدیده به تحصیل علوم دینی پرداخت و از محضر آیات عظام حاج سید رضا صدر و مرحوم آقای داماد و مرحوم آقای بروجردی و دیگران استفاده کرد تا به مراحل عالی علمی نائل گردید و آنگاه به پیشنهاد و تشویق آیت الله صدر و اعاظم دیگر وارد دانشگاه تهران (دانشکده حقوق) گردید و پس از پایان دوره آن و اخذ گواهی دکترا به عنوان دانشجوی ممتاز در دوره دکتری حقوق، فارغ التحصیل شد و آنگاه در دانشگاه به عنوان استاد برگزیده شد.

قسمت دهم

مصقله بن اسحق قمی(۲):

از اشعریین و از اصحاب امام علی النقی(علیه السلام) است.

مظاهر مصفا(۳):

فرزند اسمعیل مصفا، از شعرا و ادبای اخیر قم و فارغ التحصیل دانشکده ادبیات، اکنون در دانشسرای تهران به تدریس علوم ادبی اشتغال دارد، تاکنون دو کتاب به نامهای «طوفان خشم» و «پاسداران سخن» از او منتشر شده است، اشعار زیر از اوست:

به خود گفتم از عمر رفته چه ماند

دل خسته لرزید و گفتا، دریغ

بدل گفتم از عشق چیزیت هست

بگفتا که هست آری، امّا دریغ

بلی از من و عمر ناپایدار

نماندست برجای، الاّ دریغ

شب و روزها و مه و سالها

گذشتند و ماندند برجا دریغ

رسیدند روز و شبان بافسوس

گذشتند سال و مهان با دریغ

رسیدند گفتم فسوسا فسوس

گذشتند گفتم دریغا دری

پاورقی

۱ ایشـان داماد مرحوم حاج شـیخ عباس قمی (محـدث قمی) است که دارای اجازه روایتی هم از معظم له بوده انـد. ر.ک: آثار الحجه ۲/۱۴۸.

۲ درباره ایشان نک: رجال طوسی ۴۲۳، اشعریان قم.

۳ وی در اراک بدنیا آمده از

اصـل از مردم دهقـان پیشه تفرش است و تحصـیلات ابتـدائی را در قم گذرانـد، و ریاست مـدرسه عالی قضایی قم را به عهـده داشت. تألیفات بسیاری دارد که عبارتند از: ۱ پاسداران سخن (چکامه سرایان) مجموعه اشعار از رودکی تا عصر حاضر است) ۲ توفان خشم (چهل چکامه مصـفی) ۳ ده فریاد ۴ سپید نامه ۵ سـی پاره (شعر) ۶ سی سخن ۷ شبهای شیراز ۹ قند پارسی ۱۰ نسیم ۱۱ تصحیح بعضی دواوین شعرا و تذکرهها.

ر.ک: تذکره شـعرای معاصر ایران ۲/۳۳۰; مؤلفین کتب چـاپی ۶/۲۴۷; چهره مطبوعات معاصـر: ۱۴۵; سـخنوران نامی معاصر ۵/۳۳۲۹.

تب آتش به جانم زد و سوختم

چو از سوخته شمعی افروختم

بر افتادم از پای و در جان خویش

همه درد و اندوه اندوختم

شنیدم که آید به بالین من

نگاری که از دوریش سوختم

نیامد ولی من در این انتظار

شب و روز، دیده بدر دوختم

خدایا جفا از که آموخت او

من این مهر را از که آموختم(۱)

ملا محمد ابراهیم قمی:

از دانشمندان متأخر قم و در تهران ساکن بوده است(۲) و شیخ علی قمی معروف به زاهد فرزند ایشان است.

ملا سلمان یکه باغی:

از دانشمندان بزرگ و فقهاء جلیل شهر قم بود و در سال ۱۲۹۱ در یکه باغ وفات و در شیخان قم مدفون شد «یکه باغ، دهکده ایست در هشت فرسخی شهر قم».

پاورقی

۱ و نیز از اشعار اوست:

بر شاخ درخت سیب و امرود

دیدم من و اعتبارم افزود

کایشان تا نارسید و کالند

بر گردن شاخه ها او بالند

چون ره به رسیدگی گشادند

بر خاک سیاه اوفتادند

مجله یغما سال ۱۸ ش۱۰ دی ۱۳۴۴ ص۵۳۳

ماتم زندگی

آزرده دل از بیش و کم زندگیم

یا

رب برهان ازین غم زندگیم

گر من رفتم دو روز ماتم گیرند

عمریاست که من به ماتم زندگیم

ص۴۲۹ ش۸ سال ۱۸

۲ او داماد شیخ مشکور بوده است.

ملا محمد ابراهیم:

فرزند مرحوم حاج زین العابدین مازندرانی و از دانشمندان و فضلای عصر خود بود که به قم مهاجرت و در این شهر سکونت اختیار کرد. داماد حاج ملا محمد مجتهد کزازی بوده است.

ملا محمد جواد:

از دانشمندان متأخر شهر قم و از صلحا و پارسایان بوده علوم ادبی و تحصیلات مقدماتی را در شهر قم فرا گرفته و سپس به نجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا به خدمت مرحوم شیخ مرتضی انصاری پیوسته و از خرمن دانش او خوشه ها گرفته است و بعد از چندی به قم مراجعت و در این شهر مورد توجه عموم واقع شده و مسند قضا و حکومات شرعیه به ایشان واگذار گردیده و در سال ۱۳۱۲ هجری وفات کرده است.

ملا محمد طاهر بن عبدالله(۱):

از پارسایان و فقهاء اخیر قم بوده و به مسائل هیئت و فلکیات آشنائی داشته و ریاضیات را خوب میدانسته است و مدّتی تدریس خلاصه الحساب شیخ بهائی و تحریر مجسطی و شرح چغمینی را در حوزه قم تکفّل می کرده است.

اواخر عمر به زرند رخت سفر بست و همانجا اقامت گزید تا وفات یافت.

پاورقی

۱ نک ایضاً: تاریخ قم ناصر الشریعه: ۲۷۲.

ملا محمد مجتهد کزازی(۱):

از دانشمندان بزرگ و فقهای جلیل است، اصلاً از کزاز و خان زاده و برادر زن مرحوم میرزای قمی صاحب قوانین است و همین پیوند موجب شد که به سعادت تحصیل علوم و کمالات نائل شود، از شاگردان مرحوم میرزا بود و پس از فوت او

به کاشان رفته و به خدمت حاج ملا احمد نراقی پیوسته است و سپس به قم مراجعت(۲) و در این شهر بود تا وفات یافت، در محله عشق علی آب انباری بزرگ ساخته و همچنین قسمتی از املاک خود را وقف امور خیریه کرد.

ملا محمود «حاج ملا محمود»:

از دانشمندان و واعظان جلیل قم بوده است(۳) در سال ۱۲۶۶ متولّد شده و در زادگاه خود به تحصیل پرداخت و در دوره اول مجلس شورای ملی به نمایندگی مردم قم با فتح الله خان بیگدلی به مجلس رفت، چهار مجلد کتاب در مواعظ و مجالس مربوط به منبر تألیف کرده است در سال ۱۳۵۱ در قم مرحوم شد(۴) در اواخر عمر کتابی در فضیلت صلوات نوشته است، حجه الاسلام حاج میرزا ابوالفضل زاهدی فرزند او است.

پاورقی

۱ و نیز نک: گنجینه دانشمندان ۱/۱۴۸; تاریخ قم ناصر الشریعه: ۲۷۹.

۲ و مشغول ترویج دین و امامت جماعت و قضاوت گردید تا فوت کرد و در قبرستان شیخان مدفون گردید. داستانی جالب در رابطه با قضاوت این عالم جلیل در الکلام یجر الکلام ص۲۲۴ از قول آیت الله میرزا ابوالفضل زاهدی نقل شده که در پند تاریخ ۱/۱۸۳ نیز آمده است. و نیز نک: گنجینه دانشمندان ۱/۱۴۹; تاریخ قم ناصر الشریعه: ۲۸۳.

۳ وی دارای طبعی بلند و ذوقی سلیم بود و در رثای ائمه(علیهم السلام) اشعاری سروده است.

۴ در صحن کهنه مقابل بقعه محمد شاه مدفون گردید.

ملک قمی(۱):

در کتب تذکره نام این شاعر را همه جا با قید «قمی» یاد کرده به این وسیله وی را از چند تن شاعران فارسی گو که تخلصشان «ملک» بوده ممتاز ساختهاند. از تاریخچه زندگانی

وی چیزی در دست نیست، جز اینکه مقام ارشاد داشته و در سال ۹۸۷ هجری قمری به دکن هندوستان رفته مشمول مراحم برهان شاه و پس از آن ابراهیم عادل شاه گردید و در سال ۱۰۲۵ در آنجا درگذشته است، دیوانی دارد که مجموعه ای از غزلیّات و قصائد و قطعات شیوا و دلپذیر است و چندین مثنوی نیز گفته، اشعار زیر از او است:

رفتم که خار از پا کشم، محمل نهان شد از نظر

یک لحظه غافل گشتم و صد ساله راهم دور شد

آنصنم کیست که صد مرتبه حیرانم کرد

کرد یک غمزه وصد رخنه در ایمانم کرد

به فسون نگهی راه دل و دینم زد

به فریب سخنی بیسر و سامانم کرد

یک نسخه خطی از دیوان غزلیاتش در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران موجود است.

موسی بن الحسن بن عامر بن عمران بن عبدالله بن سعد القمی(۲):

کنیه اش ابوالحسن است نجاشی و علامه او را موثق و از بزرگان محدثین قم

پاورقی

۱ ملک محمد قمی ملقّب به ملک الکلام است نک: تذکره میجانه; حواشی گلچینی معانی: ۳۵۱ ۳۶۲; و کاروان هند ۲/۱۳۴.

۲ درباره ایشان نک: رجال نجاشی: ۴۰۶; فهرست شیخ طوسی: ۱۶۴; رجال طوسی: ۱۳۸، ۵۱۵; خلاصه ۱/۱۶۶.

دانسته و به نام او سی کتاب به دست می دهند از آن جمله:۱ کتاب الطلاق.

۲ کتاب الوصایا.

۳ کتاب الحج.

۴ کتاب الفرائض.

۵ کتاب الصلوه.

۶ کتاب یوم و لیله.

۷ کتاب الطب.

و همچنین کتب دیگر در فروع مسائل و احکام فقه.

موسی بن طلحه القمی(۱):

از فقها و محدثین قم است. نجاشی ترجمه او را ذکر کرده و کتابی از او بدست می دهد.

موسی بن محمد الاشعری(۲):

به لقب «المؤدّب»

ملقب بوده و به گفته نجاشی و علامه، دخترزاده سعد بن عبدالله است و در شیراز سکونت کرده است کتابی به نام کتاب «الکمال فی ابواب الشریعه» دارد.

مؤید الدین محمد بن عبدالکریم قمی:

از وزراء دانشمند و مدبر و مدیر عباسیان بوده و در عصر سه نفر از خلفای عباسی «الناصر» و «الظاهر» و «المستنصر» منصب وزارت داشته است، بالاخره مورد خشم و غضب المستنصر قرار گرفت و در نتیجه به زندان افتاد و در سال ۶۲۹ در محبس از دنیا رفت.

پاورقی

۱ درباره او نک: رجال نجاشی: ۴۰۵; فهرست طوسی: ۱۶۳; رجال طوسی: ۵۱۵; خلاصه ۱/۱۶۶.

۲ درباره او نک: رجال نجاشی: ۴۰۷; خلاصه ۱/۱۶۶; اشعریان قم.

قسمت یازدهم

مهدی بروجردی «حاج میرزا مهدی...»:

از علماء حوزه علمی قم هستند که مدّت مدیدی در زمان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم اداره امور طلاب را عهده دارد و در امور جاری، مشاور و کارگزار مرحوم حائری بوده است، اکنون تقریباً منزوی و از پارسایان است در سال ۱۳۰۰ قمری در بروجرد متولّد شده و در سال ۱۳۴۰ همراه مرحوم حاج شیخ به قم آمده است(۱).

فرزند ایشان آشیخ محمد حسین بروجردی از فضلاء حوزه علمی است.

مهدی حرمی(۲) قمی:

از علماء و فضلاء کنونی حوزه علمی است در سال ۱۳۱۹ قمری متولد شده و فرزند مرحوم آقا حسن قمی(۳) و نوه دختری مرحوم حاج ملا آقا حسین است اساتید او آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و مرحوم حائری و مرحوم آسید ابوالحسن اصفهانی بوده اند، در فقه و اصول یادداشته ای داشته اند که متأسفانه در واقعه

سیل ۱۳۱۳ شمسی از بین رفته است(۱).

پاورقی

۱ معظم له در سال ۱۳۸۹ قمری دار فانی را وداع کرد و در

نزدیک قبر مرحوم حایری به خاک سپرده شد وی مفتخر به داشتن دامادی همچون حضرت آیت الله گلپایگانی دامت برکاته است. از آثار باقیه اوست کتب زیر: کتاب بیان حقیقت رد بر کتاب سنجش حقیقت کتاب درد بی درمان و یا بدبختی های اجتماع کتاب اسلام و مستمندان. ر.ك: گنجینه دانشمندان ۲/۸۶; آثارالحجه ۲/۷۷; مؤلفین کتب چاپی ۶/۴۲۵; زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ج۲.

۲ حرم پناهی.

۳ مرحوم آیت الله حاج آقا حسن در سال ۱۲۸۰ بدنیا آمد و در جمادی الثانیه ۱۳۴۷ وفات کرد و جامع معقول و منقول و دارای ریاست دینی و نفوذ کلمه بود.

مهدی رضوی:

از فضلا و دانشمندان قمی مقیم مرکز فرزند مرحوم سید عزیزالله در سال ۱۳۰۷ قمری متولد شده و پس از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۲۵ قمری به تهران مهاجرت و شغل وکالت دادگستری را انتخاب نموده است، مردی متواضع و مردمدار است و مورد توجه همشهریان خود می باشد.

مهدی حکمی «حاج شیخ مهدی حکمی معروف به پائین شهری»(۲):

از دانشمندان جلیل و حکمای پارسای قم بودهاند، فرزند آخوند ملا علی اکبر حکمی و در سال ۱۲۸۰ متولد شده است، اساتید او مرحوم محمد کاظم خراسانی(۱) بوده اند، در سال ۱۳۲۲ قمری به قم مراجعت و مورد توجه عموم گردید، محضر ایشان محل ترافع و حکومت شرعیه بوده است، در سال ۱۳۶۰ هجری در محلات وفات یافت.

پاورقی

۱ این بزرگوار در سن ۲۷ سالگی به مرتبه قدسیه اجتهاد نائل آمده و در جمادی الثانی ۱۳۷۴ ندای حق را لبیک گفته و در جوار حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) به خاک سپرده شد. فرزند برومندش می فرمود: پدرم

رجوع به طاغوت را حرام میدانست و لذا منزل خود را به ثبت نداد و شناسنامه نگرفت و ما را به مدارس دولتی نفرستاد و... و با رضاخان پهلوی مبارزه می کرد. آیت الله حاج شیخ محسن حرم پناهی که از افاضل علماء و از اعضاء محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و یکی از اعضاء لجنه وسائل الشیعه مرحوم آیت الله بروجردی و مؤلف کتابهای: شرح وسیله النجاه و شرح کفایه الاصول و کتابهای دیگر فرزند مترجم محترم می باشد. ر.ک: گنجینه دانشمندان ۲/۱۳۴.

۲ این عالم پرهیزکار که در علم و قدس و تقوا به درجات بلندی دست یافته و دارای کرامات و خوارق عادات بوده (ر.ک: آثار الحجه ۱/۱۱۷ تا ۱۱۹ و کرامات صالحین) علاوه بر مقام فقاهت و دانائی در اصول و حدیث، در فلسفه و حکمت نیز مقام والائی داشته و در تأسیس حوزه مقدسه قم با مرحوم آیت الله حائری همکاری داشته و مدرسه رضویه قم را نیز اداره می کرده و محل وثوق و اعتماد علماء و مردم دانش دوست قم بود و بطوری که نوشته اند گاهی تا حدود ۱۵ هزار نفر در مسجد جمعه قم در محل سیدان به وی اقتدا کرده و سرداب و شبستانها و پشت بام مسجد پر میشده و صفوف نمازگزاران به کوچه های اطراف می رسیده است. ایشان از مشایخ اجازه جمعی از علماء قم بوده است.

مهدی منصوری «آقا شیخ مهدی...»:

از فضلا و سخنوران فعلی شهر قم و داماد مرحوم حاج میرزا محمد ارباب است پدرش مرحوم ثقه الاسلام حاج میرزا حسینقلی جهرودی است در سال ۱۳۲۳ متولد شده است

و اکنون از شاگردان آیه الله بروجردی است(۲).

مهدی نامدار «دکتر نامدار»:

فرزند میرزا رضای نامدار استاد دانشگاه و رئیس دانشکده داروسازی و از مردان فعال تهران است، مدّتی شهرداری تهران را به عهده داشت و مصدر خدمات شایسته ای بوده است.

پاورقی

۱ و مرحوم آیت الله آقا سید محمد فشارکی اصفهانی (م ۱۳۱۶)، مرحوم آیت الله حاج میرزا حسین تهرانی (۱۳۲۶) مرحوم آیت الله میرزای بزرگ شیرازی (رهبر جنبش تحریم تنباکو) ر.ک: میرزا شیرزای ۲۰۰.

۲ ایشان طبق آنچه که فرزند محترمش طبق درخواست اینجانب نوشته در سال ۱۲۸۲ در یکی از قراء اطراف قم به دنیا آمد و ۱۷ ساله بود که روانه حوزه علمیه قم شد و به مدارج عالی کمال ارتقاء یافت و در سال ۱۳۴۵ بنا به تقاضای عدّه زیادی از ساکنین خیابان دامپزشکی تهران بنای ساختمان مسجد اولیاء را شروع کرد و حدود بیست سال در این مسجد به ارشاد و راهنمائی مردم این محل همّت گماشت و بالاخره در دوم آبانماه سال ۱۳۶۴ دیده از جهان فروبست و دعوت حق را لبیک گفت. ایشان کتابی در شرح حال حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به نام «حیوه الست» و رسالهای در غنا، تفسیر سوره انعام و سوره عمّ، رسالهای در عقاید به نام «چرا خدا را لازم است شناخت و معتقد به ثبوت او شد» دارد. مؤلفین کتب چاپی ۶/۴۴۹ و آثار الحجه ۲/۱۲۵.

میر نجات قمی(۱):

اسم او میر عبدالعال و اصلاً اصفهانی است زندگی او در قرن دوازدهم هجری و معاصر شاه سلطان حسین صفوی بوده در آتشکده آذر به عنوان یک شاعر هجوگو نامبرده شده است. مردی نسبتاً فاضل

و دارای خطی خوش بوده در فنون کشتی و اصطلاحات ورزشخانه اشعاری لطیف گفته است، این اشعار که تقریباً دویست و پنجاه بیت است در سال ۱۲۸۵ هجری قمری در روزنامه «ملتی» تماماً درج شده و سپس در سال ۱۳۲۷ شمسی به صورت جزوهای از طرف کوهی کرمانی، چاپ و منتشر گشته است، اشعار ذیل نمونه از آن است:

در گپ عشق هر آن نامه که دلخواه بود

زینتش نام خوش حضرت الله بود

باز رفتیم به حرف فن کشتی گیری

باز آریم جهان را ز غم دیگری

گرچه بوسید دگر شیر صفت آهوئی

باز هنگامه کشتی است حریفان، هوئی

نیست خورشید که از چرخ درافتاد «بچرخ

گل کشتی است که تیغ گهرش داده به چرخ

گشت عریان پی کشتی بت شیرین حرکات

به جمال چمن آرای محمّد(صلی الله علیه وآله وسلم) صلوات

داد در کشتی خصم انهدگر دست بدست

بنگاهی همه را کشت و در کشتی بست

در کشتی به گل و سرو سمن بسته اوست

«پیش قبض» همه در «پنجه» شایسته اوست

«لنگ» بر دوش چو آمد به میان میدا

چوب تعلیم به کف وای به حال رندان

دارد آن پیر جهاندیده بهر فن ماه

هر فنی را بدنی همچو فلک در خاطر

پاورقی

۱ تذکره نصر آبادی: ۳۴۲ ۳۴۰; ارمغان سال پانزدهم: ۱۸۲ ۱۸۰، ۲۸۵، ۲۸۱، ۳۸۰، ۳۷۷; تذکره حزین: ۶۶ ۶۲; فرهنگ سخنوران، حرف نون.

«ن»

ناصرالدین آرام:

فرزند حاج سید نورالدین قمی است در شهر قم تحصیل کرده و اکنون از فضلا و نویسندگان این شهر و متصدی کتابخانه آستانه مقدسه است(۱).

نبوی «سید ابوالفضل»(۲):

از فضلاء حوزه علمیه قم و از وعاظ جوان و مورد توجه اهالی می باشد.

نصر بن حازم(۳):

از محدثین و فقهاء قمی است و از اصحاب امام

محمد بن علی العسکری(علیه السلام)است.

پاورقی

۱ وی ازدواج نکرد و بلاعقب در سال ۱۳۵۰ه . ش. از دنیا رفت; آینه دانشوران: ۳۴۲; در محفل روحانیان: ۱۹۷; شیفتگان دانش.

۲ این عالم جلیل فرزند حجه الاسلام والمسلمین سید علی نبوی است که در ۲۴ رجب ۱۳۴۴ ه . ق در قم از مادر زاده شد و در شهریور ۱۳۲۰ ش به تحصیل علوم دینی پرداخت و از محضر مرحوم آیت الله حاج سید محمد تقی خونساری موفق به دریافت اجازه اجتهاد شد. از جمله استادان او از مرحوم آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی و مرحوم آیت الله سیّد محمد داماد مرحوم آیت الله شیخ یوسف شاهرودی و مرحوم آیت الله حجت و آیت الله صدر و مرحوم آیت الله خونساری و مرحوم آیت الله حاج سید عبدالهادی شیرازی و مرحوم آیت الله بروجردی و مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالنبی اراکی می توان یاد کرد. شمار تألیفات او از ۷۰ جلد متجاوز است و نام آنها در آخر کتاب «غالیه الدرر فی مصب قاعده الضرر» که در سال ۱۳۸۵ قمری طبع شده، آمده است. معظم له علاوه بر تألیف و تدریس در ایام محرم و صفر و رمضان در مسجد حسینآباد شمیران اقامه جماعت کرده و سخنرانی می نماید و در سرودن شعر نیز دست دارد. ترجمه احوال و آثار او را آقای سید نصرالله مرتجی خونساری از شاگردان او نوشته و در گنجینه دانشمندان ۲/۲۸۲ تا ۲۸۹ آمده است و نیز ر.ک: تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدرالمتألهین ۱۱۹.

۳ درباره نصر بن حازم قمی نک: رجال طوسی ۴۲۵.

نظام دربانی:

فرزند مرحوم حاج سید علی اصغر

حاجب التولیه نماینده سابق مجلس شورای ملی در سال ۱۳۱۷ قمری متولد و از مشاهیر قم به شمار می رود و مردی مؤدب و مورد احترام مردم قم می باشد.

«و»

وهب بن محمد البزّاز(۱):

کنیه اش ابو نصر ضبط شده، از راویان و محدّثان قمی است و مورد توثیق نجاشی و علامه واقع شده است و همچنین شیخ منتجب الدین در فهرست خود، از او یاد کرده و او را مؤلف کتاب می داند.

وحیدی قمی:

شاعریست که اصلا اهل مرو و در تبریز ساکن بوده و سپس مدّتی از عمرش را در شهر قم گذرانده است و در اواخر عمر سفری به گیلان کرده و در همانجا در تاریخ ۹۴۲ هجری قمری در گذشته است اشعار او لطیف و شیوا و دارای طبعی روان بوده است، در وصف شهر تبریز مثنوی ساخته و به «شهر انگیز» موسومش کرده است. این چند بیت از آن مثنوی است.

شکر لله که بهر شهر انگیز

از هری آمدم سوی تبریز

تا به وصف بتان تبریزی

همچو طوطی کنم شکر ریزی

وه، چه تبریز، رشک هشت بهشت

مردمش خوبروی و پاک سرشت

نازنیان بناز و محجوبی

در کمال لطافت و خوبی(۲)

این شعر نیز از اوست:

شادم من غم دیده به جور دست او

خوکرده غم او به من و من به غم او

پاورقی

۱ درباره او نک: رجال نجاشی ۴۳۰، فهرست طوسی: ۱۷۲; خلاصه ۱/۱۷۷.

۲ مؤلفان: «دانشمندان آذربایجان» و «شهر آشوب در شعر فارسی» قول صاحب «خلاصه الاشعار» را در حق او نقل کرده اند که قسمتی از آن نقل میشود:... میان او و «مولانا حیرتی» معارضه و مشاعره واقعه شده یکدیگر را اهاجی رکیک کرده اند. (و نیز ببینید: ریحانه الادب

ج۲/۹۶). ابیات آبدار و اشعار هموار بسیار دارد خصوصاً شهر انگیزی که از برای مردم تبریز گفته در نهایت خوشی و غایت شهرت است. بعضی مردم کهل که وی را دیده‌اند، اخلاق حمیده و اطوار پسندیده او را تعریف می کنند، در شناخت اشعار و علم عروض و قافیه صاحب وقوف است. و در نظم غزل قدرت تمام ظاهری نموده است...». تألیفات او عبارتند از: ۱ جمع مختصر = مختصر وحیدی که در علم عروض و قافیه برای برادرزاده خود نگاشته است و در سال ۱۹۵۹ م در مسکو چاپ شده است. ۲ بدایع الصنایع ۳ عشقیه (گفتاری است عارفانه در مبحث عشق و عاشقی و تأویلی از حدیث «کنت کنزاً مخفیاً...» در ۸ رمز) ۴ اعمال قوافی (در قافیهشناسی) ۵ مفتاح الصنایع مشتمل بر ۲۳ فصل است ۶ دیوان. برای اطلاع بیشتر از ترجمه او رجوع شود به: سخنوران آذربایجان ۲/۷۷۹ تا ۷۸۳; مجالس النفایس: ۱۶۱; ریحانه الادب ۴/۲۸۱; هفت اقلیم ۲/۵۰۴ ۵۰۵; تحفه سامی: ۲۲۷; دانشمندان آذربایجان: ۳۹۳ ۳۹۴; الذریعه ۳/۶۴ و ۵/۱۳۹ و۹/۱۲۶۵; شهر آشوب در شعر فارسی: ۳۵; فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ۶/۱۶۷ و ۱۸۸; فهرست مشاهیر ایران ۲/۶۱۱; جناب آقای مدرسی طباطبائی معتقدند که این وحیدی قمی با وحید تبریزی اشتباه شده و حالات هر یک به دیگری نسبت داده شده است ببینید قم در قرن نهم هجری: ۲۰۰.

«۵»

هبه الله بن الحسن بن حسین بن موسی بن بابویه(۱):

مردیست فقیه و پارسا، کنیه اش ابوالمفاخر ضبط شده است.

پاورقی

۱ درباره ابوالمفاخر نک: فهرست منتجب الدین: ۱۳۰; امل الآمل: ۵۱۳; جامع الرواه ۲/۳۱۱; تنقیح

المقال ۳/۲۹۰.

« ی »

یحیی بن محمد الحسینی القمی(۱):

مردیدانشمند و فاضل بوده است، و به گفته شیخ منتجب الدین، واعظ و سخنور بوده است.

پاورقی

۱ نک: فهرست منتجب الدین: ۱۳۲; امل الآمل: ۵۱۳; جامع الرواه ۲/۳۳۹; تنقیح المقال ۳/۲۳۱.

خواننده عزیز;

تـا اینجا خلاصه ایست از یادداشـتها و تحقیقاتی که در طول مـدّت زنـدگی و هنگامی که در کتابخانه ها مشـغول مطالعه بودم تهیّه کرده و با بضاعت مزجاه به پیشگاه خوانندگان ارجمند تقدیم می دارم.

انگیزه اینجانب در جمع آوری این یادداشـتها و چاپ آن تشویق دوسـتان ارجمند و موالیان گرام بود که اطاعت امر آنان بر من واجب است. رجاء واثق دارم در آینده نزدیک بتوانم با تجدیدنظر و مطالعه بیشتری کتابی جامع تر به عاشـقان تاریخ این زاویه مقـدسه (قـم) تقـدیم نمـایم. اگر چه این اوراق تـاریخی که به صـورت یـاداشت تنظیم شـده است نـاقص به نظر می رسـد ولی مفتاحی است برای پژوهندگان تاریخ قم و هرگاه مقصود از تألیف این کتاب همین باشد مرا کافی خواهد بود.

در خاتمه تقاضا دارد چنانچه ضـمن مطالعه اشتباهات تاریخی به نظر رسید اینجانب را مطلع سازند که بی نهایت مرهون الطاف آنان خواهم بود.

تهران سیّد محمّد مقدّس زاده

پی نوشتها

۱-همان ، ص ۴۱.

۲-ابراهیم ، آیه ۲۴.

۳-نحل ، آیه ۹۷.

۴- یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا . انفال ، آیه ۲۹.

۵- الاسـلام هو الحکومه بشؤ ونها، و الاحکام قوانین الاسـلام ، و هی شاءن من شؤ ونها، بل الاحکام مطلوبات بالعرض و اءمور

آلیه لاجرائها و بسط العداله ، کتاب البیع ، ج ۲، ص ۴۷۲.

۶-ازجمله :مهدی حائری یزدی ،حکمت وحکومت ،ص ۱۴۰۱۴۵ودیگرصفحات

۷- ما خلق الله حلالا و لا

حراما و له حد کحد الدار، فما کان من الطریق فهو من الطریق ، و ما کان من الدار فهو من الدار حتی اءرش الخدش فما سواه ، و الجلده و نصف الجلده ؛ خداوند هیچ حلال و حرامی را نیافرید مگر آنکه دارای حد و مرزی همانند مرز خانه است که آنچه مربوط به راه است جزء راه است و آنچه مربوط به خانه است جزء خانه است حتی (به عنوان نمونه) غرامت یک خراش و موارد دیگر و یک تازیانه و نصف تازیانه نیز معین شده است ؛ کافی ، ج ۱،ص ۵۹.

۸-حجرات ، آیه ۱۳.

۹-آل عمران ، آیه ۱۹۰ ۱۹۵.

۱۰-صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۰۰.

۱۱-سوره روم ، آیه ۲۱.

۱۲-صحیفه نور، ج ۳، ص ۴۹.

۱۳-من لا یحضره الفقیه ، ج ۳، ص ۳۷۹.

۱۴-انسان ، آیه ۴.

۱۵-نحل ، آیه ۹۷.

۱۶-مؤ من ، آیه ۴۰.

۱۷-نساء، آیه ۱۲۴.

۱۸-صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۵.

۱۹-انفال ، آیه ۲۴.

۲۰-صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۲۰، به مناسبت روز زن در جمع بانوان .

۲۱-بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۱.

۲۲-همان ، ج ۷۰، ص ۲۰۵.

۲۳-صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۳۰.

۲۴-وسائل الشیعه ، ج ۱۴، ص ۱۱.

۲۵-صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۵.

۲۶-همان ، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

۲۷-مستدرک الوسائل ، ج ۱۵، ص ۱۱۶.

۲۸-صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۵۳.

۲۹-من لا یحضره الفقیه ، ج ۳، ص ۴۶۸.

۳۰-زمر، آیه ۲۷.

۳۱-نگاه کن : کهف ، آیات ۳۲ و ۴۵، یس ، آیه ۱۳.

۳۲-تحریم ، آیه ۱۲ ۱۰.

۳۳-صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۸۳.

۳۴-همان ، ج ۷، ص ۱۷.

۳۵-همان ، ج ۲۱، ص ۷۶، تاریخ ۸/۱۱/۶۷.

۳۶-همان ، ج ۱۹، ص ۲۷۹.

۳۷-بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۶۴.

۳۸-روم ،

آیه ۲۱.

۳۹-من لا یحضره الفقیه ، ج ۳، ص ۳۸۹.

۴۰-بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲. و با اندک تفاوت در : وسائل الشیعه ، ج ۱۴، ص ۳، ابواب مقدمات نکاح ، باب ۱، ج ۴، و من لا یحضره الفقیه ، ج ۳، ص ۳۸۳.

۴۱-هلك بذی المروه ان یبیت الرجل عن منزله بالمصر الذی فیه اهله ، وسائل الشیعه ، ج ۱۴، ص ۱۲۲، ابواب مقدمات نکاح ، باب ۸۸، ج ۷.

۴۲-... ان حسن تبعل احداکن لزوجها و طلبها مرضاته و اتباعها موافقتها یعدل ذلک کله . پیامبر (ص)، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۵۳، و جهاد المراءه حسن التبعل . علی (ع) بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۲.

۴۳- ما من امراءه تسقی زوجها شربه من ماء الاکان خیرا لها من عباده سنه صیام نهارها و قیام لیلها و یبنی الله لها بکل شربه تسقی زوجها مدینه فی الجنه و غفر لها ستین خطیئه ، وسائل الشیعه ، ج ۱۴، ص ۱۲۳، ابواب مقدمات نکاح ، باب ۸۹، ج ۳.

۴۴-ولایت فقیه ، ص ۲۱.

۴۵-صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۰ و نیز نگاه کن : ج ۳، ص ۱۲۲، و ج ۴، ص ۱۲۴، و ج ۵، ص ۱۰۷ و ج ۶، ص ۱۶۳، و ج ۷، ص ۶۹، و ج ۸، ص ۲ و موارد دیگر.

۴۶- و وصینا الانسان بوالدیه احسانا حملته امه کرها و وضعته کرها و حمله و فصاله ثلاثون شهرا ؛ به انسان سفارش (احسان و نیکی) به پدر و مادرش نمودیم . مادرش او را به دشواری بارداری کرد و به دشواری او را وضع

نمود، و بارداری و شیرخواری او سی ماه است ؛ احقاف ، آیه ۱۵. و وصینا الانسان بوالدیه حملته امه وهنا علی وهن و فصاله فی عامین اءن اشکر لی و لوالدیک الی المصیر ؛ لقمان ، آیه ۱۴.

۴۷-صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۶۱.

۴۸-بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳.

۴۹- ذکر رسول الله (ص) الجهاد، فقالت امراءه لرسول الله (ص) : یا رسول الله ! فما للنساء من هذا شی ء؟ فقال : بلی . للمراءه ما بین حملها الی وضعها الی فطامها من الاجر کالمرابط فی سبیل الله ، فان هلکت فیما بین ذلک کان لها مثل منزله الشهید ؛ من لا یحضر الفقیه ، ج ۳، ص ۵۶۱.

۵۰-صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۸۳.

۵۱-قال رسول الله (ص) : الجنه تحت اقدام الامهات ؛ کنز العمال ، ح ۴۵۴۳۹.

۵۲-جلوه های رحمانی ، ص ۴۷.

۵۳-طوبی لمن کانت الله عفیفه ؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۸۵.

۵۴-صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۵۷.

۵۵-زخرف ، آیه ۳۲.

۵۶-نگاه کن : درآمدی بر شناخت مسایل زنان ، سیدضیاءمرتضوی ،ص ۴۱۶۲.

۵۷-روم ، آیه ۲۱.

۵۸-بقره ، آیه ۱۸۷.

۵۹- انی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض . آل عمران ، آیه ۱۹۵.

۶۰-صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۶۲.

۶۱-همان ، ج ۵، ص ۱۶.

۶۲-همان ، ص ۱۵۳.

۶۳-همان ، ج ۶، ص ۱۸۵.

۶۴- یـا ایهـا النـاس انـا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شـعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عنـدالله اتقیکم ان الله علیم خبیر ، حجرات ، آیه ۱۳.

۶۵- لا یستوی القاعدون من المؤ منین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل الله باءموالهم و اءنفسهم فضل

الله المجاهـدين باءموالهم و اءنفسـهم على القاعـدين درجه و كلا وعـد الله الحسـنى و فضل الله المجاهدين على القاعدين اءجرا عظيما . نساء، آيه ۹۵.

۶۶- قل هل يستوى الذين بعلمون و الذين لا يعلمون انما يتذكر اولوالالباب . زمر

۶۷- لا يستوى الخبيث و الطيب و لو اعجبک کثره الخبيث . مائده ، آيه ۱۰۰.

۶۸- قل هل بستوى الاعمى و البصير ام هل تسـتوى الظلمات و النور ، رعد، آيه ۱۶ و نيز : و ما يسـتوى الاعمى و البصير، و لا الظلمات و لا النور ، فاطر، آيه ۱۹، و نيز نگاه كن : انعام ، آيه ۵۰.

۶۹- و ما يستوى الاحياء و لا الاموات ان الله يسمع من يشاء و ما انت يمسع من فى القبور ، فاطر، آيه ۲۲.

۷۰-لا يستوى اصحاب النار و اصحاب الجنه ، حشر، آيه ۲۰.

۷۱-اءفمن كان مؤ مناء كمن كان فاسقا لا يستوون ، سجده ، آيه ۱۸.

۷۲-نگاه كن : نحل ، آيات ۷۵ و ۷۶، و : غافر، آيه ۵۸، و : حديد، آيه ۱۰، و : هود، آيه ۲۴، و : زمر، آيه ۲۹، و : توبه ، آيات ۱۹ و ۲۰.

۷۳- و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات ليتخذ بعضهم بعضا سخريا ، زخرف ، آيه ۴۳.

۷۴- و هو الذى جعلكم خلائف الارض و رفع بعضكم فوق بعض درجات ليبلوكم فيما آتاكم ، انعام ، آيه ۱۶۵.

۷۵-نساء، آيه ۳۲.

۷۶- و لهن مثل الذى عليهن بالمعروف و للرجال عليهن درجه ، بقره ، آيه ۲۲۸.

۷۷-الميزان ، ج ۲، ص ۲۷۱.

۷۸-صحيفه نور، ج ۱۶، ص ۱۲۶.

۷۹-وسائل الشيعه ، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

۸۰-بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۶.

۸۱-الميزان ، ج ۲،

ص ۲۷۱.

۸۲-صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۵۹.

۸۳-همان ، ج ۱۷، ص ۱۲۷.

۸۴-همان ، ج ۴، ص ۲۵۹.

۸۵-مدثر، آیه ۳۸.

۸۶-بقره ، آیه ۲۸۶.

۸۷-صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۲.

۸۸-آل عمران ، آیه ۱۹۵.

۸۹-المیزان ، ج ۲، ص ۲۷۱.

۹۰-حصیفه نور، ج ۵، ص ۱۵۳.

۹۱- ان الله لا بغیر ما بقوم حتی بغیروا ما باءنفسهم ؛ رعد، آیه ۱۱.

۹۲- ذلک بان الله لم یک مغیرا نعمه اءنعمها علی قوم حتی بغیروا ما باءنفسهم ؛ انفال ، آیه ۸.

۹۳-صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۵۳.

۹۴-همان ، ج ۱۲، ص ۲۳۷.

۹۵-ممتحنه ، آیه ۱۲.

۹۶-صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۴.

۹۷-همان ، ج ۱۸، ص ۲۶۴.

۹۸-همان ، ج ۱۲، ص ۲۳۶.

۹۹-همان ، ج ۱۱، ص ۲۵۴.

۱۰۰-همان ، ج ۱۲، ص ۷۲.

۱۰۱-همان ، ج ۱۰، ص ۲۳۴.

۱۰۲-همان ، ج ۱۹، ص ۲۸۱.

۱۰۳-همان ، ج ۱۳، ص ۷۰.

۱۰۴-توبه ، آیه ۷۱.

۱۰۵-صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۵۳.

۱۰۶-همان ، ج ۱۱، ص ۱۱۷.

۱۰۷-همان ، ص ۲۷۵.

۱۰۸-همان ، ج ۱۹، ص ۲۸۰.

۱۰۹-همان ، ج ۴، ص ۵۹.

۱۱۰-صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۵۵، و نیز : صفحات ۶۲، ۷۳ و ۱۴۶.

۱۱۱-همان ، ج ۱۳، ص ۶۹.

۱۱۲-همان ، ج ۱۸، ص ۲۶۴.

۱۱۳-مستدرک الوسائل ، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

۱۱۴-بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۵.

۱۱۵-صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۳۰.

۱۱۶-به عنوان نمونه نگاه کنید : صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۰۳، و ج ۱۱، ص ۲۷۵، و ج ۱۳، ص ۶۵، و ج ۱۹، ص ۲۸۰، و ج ۲۱، ص ۱۷۲، و نیز استفتائات ، ج ۱،ص ۵۰۳.

۱۱۷-وسائل الشیعه ، ج ۱۴، ص ۱۷۱.

۱۱۸-همان ، ص ۱۸۶.

۱۱۹-نساء، آیه ۱۴۱.

۱۲۰–صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۹۹.

۱۲۱–همان ، ج ۱۹، ص ۳۳.

۱۲۲–همان ، ج ۱۸، ص

.۲۶۳

۱۲۳-صحیفه نور، ج ۱، مقدمه ، ص ۷ و ۶.

۱۲۴-سوره سباء، آیه ۴۶.

۱۲۵-صحیفه نور، ج ۱، ص ۳ و ۴.

۱۲۶-سوره توبه ، آیه ۳۶.

۱۲۷-سوره بقره ، آیه ۱۹۰. ۱۲۸-وسائل الشیعه ، ج ۱۱، ص ۵.

۱۲۹-کشف الاسرار، ص ۳۰، ۳۱ و ۲۲۹.

۱۳۰-صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۱۹.

۱۳۱-سوره انفال ، آیه ۶۰.

۱۳۲-ولایت فقیه ، ص ۳۸.

۱۳۳-صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۸۳.

۱۳۴-سوره بقره ، آیه ۱۹۳ و سوره انفال ، آیه ۳۹.

۱۳۵-صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۸۳.

۱۳۶-سوره بقره ، آیه ۱۲۰.

۱۳۷-سوره آل عمران ، آیه ۱۱۸.

۱۳۸-سوره ممتحنه ، آیه ۴.

۱۳۹-صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۷.

۱۴۰-سوره بقره ، آیه ۲۱۷. ۱۴۱-مثل آیه ۱۰۰ و ۱۴۹ آل عمران و آیه ۱۱۹ بقره .

۱۴۲-صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۲۰.

۱۴۳-سوره انفال ، آیه ۵۸.

۱۴۴–نهج البلاغه ، خطبه ۲۷.

۱۴۵–سوره بقره ، آیه ۱۹۴.

۱۴۶– ساءجهد اءن اءطهر الاءرض من هذا الشخص المعکوس و الجسم المرکوس ، نهج البلاغه ، ص ۴۱۸، نامه ۴۵.

۱۴۷– فسیطلبک من تطلب و یقرب منک ما تستعبد و اءنا مرقل تحوک فی جحفل من المهاجرین و الانصار، والتابعین لهم باحسان ، شدید زحامهم ، ساطع قتامهم ، متسربلین سرابیل الموت ، احب اللقاء الیهم لقاء ربهم ، و قد صحبتهم ذریه بدریه ، و سیوف هاشمیه ، قد عرفت مواقع نصالها فی اخیک و خالک و جدک و اءهلک ، همان ، ص ۳۸۹،

۱۴۸– و قد دعوت الی الحرب ، فدع الناس جانبا و اخرج الی ، و اءعف الفریقین من القتال ، لتعلم اءینا المرین علی قلبه ، و المغطی علی بصره ! فاءنا اءبو حسن قاتل جدک و اءخیک و خالک شدخا یوم بدر، و ذلک السیف

معی ، و بذلک القلب اءلقی عدوی ، ما استبدلت دینا، و لا استحدثت نبیا. و انی لعلی المنهاج الذی ترکتموه طائعین ، و دخلتم فیه مکرهین ، همان ، ص ۳۰۷، نامه ۱۰.

۱۴۹–همان ، ص ۴۰۹، نامه ۳۶.

۱۵۰–صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۳.

۱۵۱– ان الله تبارک و تعالی لم یرض من اولیائه اءن یعصی فی الارض و هم سکوت مذعنون ، لا یاءمرون بالمعروف و لا ینهون عن المنکر، فوجدت القتال اهون علی من معالجه الاغلال فی جهنم ، نهج السعاده ، ج ۲، ص ۲۲۶.

۱۵۲–صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۰۹.

۱۵۳–همان ، ج ۱۷، ص ۱۲۵.

۱۵۴–همان ، ج ۲، ص ۲۱۱.

۱۵۵–همان ، ج ۶، ص ۲۲۰.

۱۵۶–همان ، ج ۱۲، ص ۱۱۰.

۱۵۷–همان ، ج ۴، ص ۲۸۵.

۱۵۸–همان ، ج ۱۰، ص ۱۴۹.

۱۵۹–همان ، ج ۲۰، ص ۲۳۸.

۱۶۰– و الله لااءکون کالضبع تنام علی طول اللدم حتی یصل الیها طالبها، و یختلها راصدها و لکنی اءضرب بالمقبل الی الحق المدبر عنه ، و بالسامع المطیع العاصی المریب اءبدا، حتی یاءتی علی یومی ، نهج البلاغه ، ص ۵۳، خطبه ۶.

۱۶۱–همان ، ص ۴۵۲، نامه ۶۲.

۱۶۲–صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۰.

۱۶۳–همان ، ج ۱۳، ص ۸۴.

۱۶۴–همان ، ج ۲۰، ص ۱۱۸.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹